

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مناسک حج

(مد ظلہ العالی)

حضرت آیت اللہ محمد رضا نکونام

مناسک حج

(مد ظلّه العالی)

◆ حضرت آیت الله محمدرضا نکونام

سرشناسه: نکونام، محمدرضا، ۱۳۲۷-
عنوان و نام پدیدآور: مناسک حج / محمدرضا نکونام.
مشخصات نشر: تهران: انتشارات صبح فردا، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص.
شابک: ۶-۶۵-۷۳۴۷-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: چاپ قبلی: قم: ظهور شفق، ۱۳۸۶.
موضوع: حج
موضوع: فقه جعفری - - رساله عملیه
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ و ۸ و ۷۶ ن / ۸ / ۱۸۸ BP
رده‌بندی دیویی: ۳۵۷ / ۲۹۷
شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۶۹۶۲۱۸

مناسک حج

حضرت آیت الله محمدرضا نکونام (مد ظلّه العالی)
ناشر: صبح فردا
نوبت چاپ: دوم تاریخ چاپ: ۱۳۹۳
شمارگان: ۳۰۰۰ قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال
تهران - اسلام شهر - نسیم شهر - وجیه آباد
دوازدهمتری جواهرزاده - پلاک ۳۶
کدپستی: ۳۷۶۹۱۳۸۵۷۵
تلفن مرکز پخش: ۰۲۵ ۳۲ ۹۰ ۱۵۷۸
www.nekoonam.com
شابک: 6 - 65 - 7732 - 600 - 978

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

مقدمه.....	۹
------------	---

بخش یکم استطاعت و مقدمات حج

وجوب حج.....	۱۳
شرایط وجوب حج.....	۱۴
حج بذلی (بخششی).....	۲۱
حج، زنان و صاحبان عذر.....	۲۴
حج صاحبان عذر.....	۲۷
ثبت نام برای حج.....	۳۰
نیابت در حج.....	۳۷
حج استحبابی.....	۵۱

بخش دوم ساختار اجمالی عمره و حج

عمره و حج.....	۵۵
الف: اقسام عمره.....	۵۵
ب: اقسام حج.....	۵۶

۵۶	چگونگی حج افراد و عمره‌ی مفرده
۶۱	توجه و یادآوری
۶۲	حج تمتع
۶۲	ساختار اجمالی حج تمتع

بخش سوم عمره‌ی تمتع

۶۷	میقات و محل احرام
۶۸	احکام میقات
۷۷	واجبات احرام
۷۷	نیت
۷۹	تلبیه (لبیک گفتن)
۸۱	پوشیدن جامه‌ی احرام
۸۷	مُحرّمات احرام
۱۰۸	مسایل دیگر کفّارات احرام
۱۱۴	آداب احرام و وارد شدن به حرم
۱۱۴	مستحبات احرام
۱۱۶	ناپسندها و مکروهات در احرام
۱۱۷	پسندیده‌های وارد شدن به حرم
۱۱۷	پسندیده‌های وارد شدن به مکه‌ی معظمه
۱۱۷	آداب وارد شدن به مسجدالحرام
۱۲۱	طواف و شرایط آن
۱۲۲	شرایط طواف
۱۲۸	اعمال واجب طواف

۱۳۷	مسایل دیگر طواف
۱۵۹	آداب و مستحبات طواف
۱۶۲	ساختار و احکام نماز طواف
۱۷۰	مستحبات نماز طواف
۱۷۲	احکام واجب سعی
۱۷۶	مسایل دیگر سعی
۱۸۲	مستحبات سعی
۱۸۶	تقصیر

بخش چهارم

تبدیل شدن حج تمتع به حج افراد

۱۹۳	تبدیل تمتع به افراد
-----	---------------------

بخش پنجم

حج تمتع

۱۹۹	احرام حج
۲۰۲	پسندیده‌های احرام حج
۲۰۴	وقوف به عرفات
۲۰۸	پسندیده‌های وقوف به عرفات
۲۱۳	وقوف به مشعرالحرام
۲۱۹	پسندیده‌های وقوف به مشعرالحرام
۲۲۱	اعمال منی
۲۲۱	۱- رمی جمره‌ی عقبه
۲۲۵	مستحبات رمی جمرات

۲۲۶	۲ - ذبح
۲۳۰	جای‌گزین قربانی
۲۳۹	پسندیده‌های هدی
۲۴۰	۳ - تقصیر
۲۴۷	مستحبات حلق
۲۴۸	واجبات بعد از اعمال منی
۲۵۰	طواف نسا
۲۵۲	احکام دیگر اعمال منی
۲۵۵	مستحبات اعمال مکه
۲۵۷	بیتوته در منی
۲۶۰	مسایل دیگر
۲۶۳	رمی جمرات سه گانه
۲۷۳	مستحبات منی و مکه
۲۷۵	عمره‌ی مفرده‌ی استجبایی
۲۷۵	طواف وداع
۲۷۷	مسایل دیگر حج

بخش ششم

مصدود و محصور

۲۹۱	مصدود و محصور
-----	---------------

مقدمه

«وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا... لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ... وَمَنْ يَعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ»^۱.

فراخوان مردم را به گزاردن مناسک حج، که به سوی تو آیند تا منافی که برای آنهاست دریابند، و خدا را در ایامی معین یاد کنند ... و بزرگداشت شعائر الهی از تقوای قلبهاست.

حج، آرمان و آزمون بزرگ الهی و زمینه ساز تحول معنوی و جلای باطن و وسیله‌ی سیر و سلوک حج گزاران به سوی خداوند متعال است. حج، افزون بر آثار معنوی و جاذبه‌های روحی، دارای منافع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز می‌باشد.

اسلام این گردهمایی جهانی مسلمانان را با داشتن ملیت‌های مختلف در حج واجب کرده است تا آنان یکدیگر را بشناسند و همه از ارتباط با هم استفاده کنند و مشکلات مسلمانان را شناسایی و در برطرف کردن آنها بکوشند و با یک‌پارچگی، زمینه‌های رشد و ترقی را آماده سازند و بر آگاهی‌های خود بیفزایند و پیشرفت کشورهای مسلمان را فراهم آورند.

حج و زیارت خانه‌ی خدا، نمادی گویا از ظهور محبت عشق به حضرت پروردگار است که حج گزاران می‌توانند در فضای ملکوتی آن، همنفس اولیای الهی

شوند و در قرب حضور جای گیرند و صفای معنویت و معرفت را تجربه نمایند و به تماشای وصول شیرین حق بنشینند و سر بر کوی جانان گذارند.

حج، دارای راز و رمزها و ظرافت‌های بسیاری است که بر حج‌گزاران لازم است پیش از رسیدن به آن فضای نورانی با برخی از این حقایق آشنا گردند تا با بصیرت هرچه بیش‌تر، بالاترین بهره را از حج برند و با تأمل و دقت در انجام هر عمل، به حکمت و باطن آن نظر داشته باشند.

شایسته است حاجیان پیش از انجام سفر معنوی خویش، آداب و اعمال لازم حج را به نیکی فراگیرند تا پس از تشریف، با مشکلی روبه‌رو نگردند و هر مسأله به عملی که نمی‌دانند فراگیرند و در انجام اعمال حج، دقت لازم را مبذول دارند. البته، در این امر باید با حفظ تحقق احکام، از هرگونه وسواس و توهمات بی‌مورد دوری شود تا مانع از بهره‌بردن از صفای معنوی حج نگردد و همان‌گونه که گذشت، توجه به ظاهر، عمل آنان را از حقیقت و باطن آن غافل نسازد؛ چنان‌که ابوبصیر که یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌باشد گوید: با آن امام همام به مکه رسیدیم که صدای ناله و دعای فراوانی به گوش می‌رسید و زیادی و زیبایی عبادت مردم، مرا خیره ساخته بود که امام صادق علیه السلام با دست ولایت بر چهره‌ام کشیدند و بیش‌تر آن مردم را که معرفت و ولایت نداشتند، انسان ندیدم و عبادتشان بهره‌ای از حقیقت نداشت.

نوشته‌ی حاضر مجموعه مسایل حج است که فتاوی حقییر را صریح و بدور از هرگونه احتیاط و احوط بیان می‌دارد تا حاجیان بتوانند براحتی مسایل حج را بشناسند و در عمل به آن با مشکل روبه‌رو نشوند.

در پایان، از همه‌ی کسانی که این توفیق بزرگ نصیب آنان می‌گردد، التماس دعا دارم.
و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین.

بخش یکم:

استطلاعت و مقدمات حج

وجوب حج

م ﴿ ۱ ﴾ - اگر مکلف شرایط وجوب حج را دارا شود و مستطیع گردد، واجب است حج بگذارد.

م ﴿ ۲ ﴾ - حج از ارکان مهم دین و از ضروریات آن به شمار می‌رود و ترک آن در صورت وجوب و توان انجام، گناه کبیره و انکار آن از سر مخالفت آگاهانه و عناد سبب کفر است.

م ﴿ ۳ ﴾ - حجة الاسلام - حج واجب بر مستطیع - در تمام عمر تنها یکبار واجب می‌گردد.

م ﴿ ۴ ﴾ - گزاردن حج بر شخص مستطیع فوری است و باید آن را در سال اول استطاعت خود انجام دهد و تأخیر آن گناه است و جایز نمی‌باشد و در صورت تأخیر، واجب است در سال بعد انجام گیرد.

م ﴿ ۵ ﴾ - مستطیع در صورتی که برای رساندن خود به مکه نیازمند تهیه دیدن مقدمات سفر باشد لازم است آن را فراهم آورد تا بتواند خود را در همان سال به

حج رساند و در صورتی که کوتاهی نماید و نتواند در آن سال به حج رسد، گزاردن حج بر او ثابت است و باید به هرگونه که می‌تواند در سال بعد حج را انجام دهد؛ هر چند استطاعت وی از بین رفته باشد.

شرایط وجوب حج

م ﴿ ۶ ﴾ - گزاردن حج بر کسی واجب است که:

الف و با بالغ و عاقل باشد. پس انجام حج بر کودک و دیوانه واجب نیست.

م ﴿ ۷ ﴾ - غیر بالغ می‌تواند حج بجا آورد و حج وی صحیح است؛ هر چند از حجة الاسلام وی کفایت نمی‌کند.

م ﴿ ۸ ﴾ - اگر کودک ممیز یا دیوانه برای حج محرم شود و هنگامی که به مشعر الحرام می‌رسد بالغ یا عاقل گردد، از حجة الاسلام وی کفایت نمی‌کند و در صورت استطاعت، باید حج بگزارد.

م ﴿ ۹ ﴾ - اگر به این گمان که بالغ نشده است قصد حج استحبابی نماید و آن را بجا آورد و بعد بداند بالغ بوده، لازم است حجة الاسلام را انجام دهد و حج وی کفایت از آن نمی‌کند، مگر آن که قصد وظیفه‌ی فعلی نماید و آن را به اشتباه بر حج مستحبی تطبیق کرده یا بعد از درک مشعر باشد.

م ﴿ ۱۰ ﴾ - حج گزاردن بچه‌ی ممیز درست بلکه مستحب است؛ هر چند سرپرست او اذن و اجازه ندهد. البته، در صورتی که وی بعد از بلوغ استطاعت یابد، باید حج واجب را انجام دهد و حج زمان کودکی وی کافی نیست.

م ﴿ ۱۱ ﴾ - پسندیده است سرپرست کودک غیر ممیز به وی لباس احرام بپوشاند و نیت کند که او را برای حج مُحَرَّم می‌کند یا به عمره‌ی تمتع زایر می‌نماید و

چنانچه می‌تواند، تلبیه را به او تلقین کند، و در غیر این صورت، خود به جای وی تلبیه گوید.

م ﴿ ۱۲ ﴾ - سرپرست کودک در حج کسی است که نگه‌دار اوست؛ اگرچه ولی شرعی وی نباشد.

م ﴿ ۱۳ ﴾ - بعد از آن که کودک مُحرم شد، بر سرپرست وی لازم است محرمات احرام را به وی بیاموزد و از آن برحذر دارد، و اگر ممیز نیست، او را از محرمات باز دارد.

م ﴿ ۱۴ ﴾ - اگر کودک مُحرم، محرمات احرام را انجام دهد یا ولی، او را از آن باز ندارد، کفاره بر سرپرست لازم است و از مال کودک پرداخت نمی‌شود.

م ﴿ ۱۵ ﴾ - هزینه‌ی گوسفندی که در حج قربانی می‌گردد، بر عهده‌ی سرپرست است.

م ﴿ ۱۶ ﴾ - بر سرپرست لازم است کودک را بر انجام همه‌ی اعمال واجب حج و عمره وادار نماید و اگر کودک قدرت انجام آن را ندارد، وی آن را به نیابت از کودک برگزار نماید.

م ﴿ ۱۷ ﴾ - اگر نابالغ قبل از احرام بالغ شود و در همان میقات مستطیع باشد، لازم است حج خود را حجة الاسلام بداند و اعمال آن را بجا آورد.

م ﴿ ۱۸ ﴾ - داشتن توان مالی، سلامت بدن، توانایی و قدرت جسمی و باز بودن و امنیت راه و وسعت و کفایت وقت لازم از شرایط استطاعت است.

م ﴿ ۱۹ ﴾ - توان مالی به دو صورت تحقق می‌یابد: یکی داشتن اصل اسباب سفر و دیگری داشتن پول و هزینه‌ی آن و هر وسیله‌ی دیگری که می‌توان آن را صرف

تهیه‌ی اسباب سفر نمود. البته، لازم است هزینه‌های برگشت به وطن را داشته باشد تا مستطیع گردد.

م ﴿ ۲۰ ﴾ - برای حصول توان مالی شرط است افزوده بر مصارف رفت و برگشت، هزینه‌های ضروریات و نیازمندی‌های زندگی؛ مانند: خانه‌ی مسکونی، اثاثیه‌ی خانه، وسیله‌ی سواری و غیر آن را در حدی که مناسب با شأن اوست دارا باشد و چنانچه عین آن را ندارد، پول یا چیزی که بتواند امور گفته شده را با آن تهیه کند داشته باشد.

م ﴿ ۲۱ ﴾ - اگر ضروریات زندگی یا پول آن را در حج هزینه کند، حتی در صورت انجام، از حجة الاسلام کفایت نمی‌کند.

م ﴿ ۲۲ ﴾ - کسی که قصد ازدواج دارد در صورتی مستطیع و توانمند می‌گردد که افزوده بر مخارج حج بتواند هزینه‌ی ازدواج خود را تأمین نماید.

م ﴿ ۲۳ ﴾ - بستان‌کاری که همه‌ی شرایط استطاعت؛ جز توان مالی را داراست، اگر وقت طلب وی فرا رسیده است و می‌تواند بدون سختی و مشقت آن را بگیرد، واجب است طلب خود را مطالبه کند و به حج رود، مگر آن که بده‌کار قدرت پرداخت آن را نداشته باشد که در این صورت، مطالبه‌ی آن جایز نیست و با آن، استطاعت حاصل نمی‌شود. همچنین اگر وقت طلب او نرسیده است و بده‌کار قصد پرداخت بدهی خود را دارد، لازم است آن را بگیرد تا استطاعت وی کامل شود، ولی اگر وی قصد پرداخت آن را ندارد، مطالبه و درخواست آن واجب نیست؛ هر چند بده‌کار با مطالبه، حاضر به پرداخت شود.

م ﴿ ۲۴ ﴾ - غیر مستطیع با قرض نمودن و وام گرفتن هزینه‌های حج مستطیع

نمی‌شود؛ هر چند بتواند قرض خود را به سهولت و آسانی بپردازد و اگر با آن حج بجا آورد، کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند.

م ﴿ ۲۵ ﴾ - کسی که هزینه‌های انجام حج را دارد و بده‌کار می‌باشد؛ چنانچه بدهی او مدت‌دار است و مطمئن است که قدرت پرداخت آن را در زمان خود دارد، واجب است به حج رود و چنانچه وقت پرداخت بدهی رسیده است ولی بستان‌کار به تأخیر پرداخت آن رضایت دارد و بده‌کار مطمئن است که در وقت مطالبه‌ی آن می‌تواند بدهی خود را ادا نماید، میان‌گزاردن حج و پرداخت بدهی اختیار دارد و در غیر دو صورت گفته شده، حج واجب نیست.

م ﴿ ۲۶ ﴾ - کسی که خمس یا زکات بده‌کار است، در صورتی مستطیع و توانمند می‌گردد که افزوده بر قدرت پرداخت آن دو، هزینه‌های گزاردن حج را داشته باشد.

م ﴿ ۲۷ ﴾ - کسی که توان مالی دارد ولی دیگر شرایط یاد شده؛ مانند: سلامت و قدرت بدنی یا باز بودن راه و امنیت آن را ندارد، می‌تواند در دارایی خود تصرف کند یا خود را از استطاعت مالی خارج سازد، ولی چنانچه شرایط یاد شده در حج را دارد و تنها اسباب و وسایل آن را فراهم نکرده یا وقت حج نرسیده است نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج نماید و در صورتی که چنین کند، حج بر او ثابت است و باید به هرگونه که می‌تواند به حج رود.

م ﴿ ۲۸ ﴾ - اگر در سالی که توانمندی مالی دارد، سلامت و قدرت بدنی یا باز بودن و امنیت راه را نداشته باشد و در سال‌های بعد استطاعت آن را بیابد، می‌تواند در مال تصرف کند یا خود را از استطاعت خارج نماید.

م ﴿ ۲۹ ﴾ - کسی مستطیع است که قدرت پرداخت هزینه‌های مقدماتی انجام

حج؛ مانند: گرفتن گذرنامه، ویزا و دیگر امور مربوط به حج را داشته باشد، ولی اگر قدرت پرداخت این هزینه‌ها را ندارد، مستطیع نیست.

م ﴿ ۳۰ ﴾ - اگر هزینه‌ی وسیله‌ی رفت و آمد، سنگین یا حتی بیش‌تر از حد معمول و رایج آن باشد و قیمت اسباب و وسایل لازم در سال استطاعت سنگین یا حتی زیادتر از حد متعارف باشد، لازم است حج بگذارد، و تأخیر از آن سال جایز نیست، مگر آن که هزینه‌ها به گونه‌ای زیاد و سنگین باشد که سبب سختی در زندگانی شود.

م ﴿ ۳۱ ﴾ - مستطیع اگر پول و وجه نقد ندارد، ولی ملکی دارد که با فروش آن، هزینه‌های حج تأمین می‌گردد، باید ملک را بفروشد و به حج رود؛ هرچند به سبب نداشتن مشتری مناسب لازم باشد آن را به کم‌تر از قیمت معمول بفروشد، مگر آن که فروش آن امری غیر عقلایی یا موجب سختی برای او باشد.

م ﴿ ۳۲ ﴾ - اگر اموال زیادی دارد که به آن نیازی ندارد و با فروش آن، هزینه‌های حج تأمین می‌گردد، و سایر شرایط استطاعت را داراست لازم است از آن مال به اندازه‌ی تأمین نیاز حج بفروشد و به حج رود.

م ﴿ ۳۳ ﴾ - اگر منزلی زاید بر شأن خود دارد که با فروش آن و خریدن منزلی ارزان‌تر و مناسب با شأن خود می‌تواند هزینه‌های حج را تأمین نماید، لازم است آن را بفروشد و با وجود سایر شرایط مستطیع است و چنانچه منزل یاد شده زاید بر شأن وی نباشد، لازم نیست آن را بفروشد.

م ﴿ ۳۴ ﴾ - اگر زمین یا مال دیگری را بفروشد تا منزل مسکونی تهیه کند، در صورت نیاز به آن مستطیع نمی‌شود؛ هرچند درآمدی که به دست آورده است،

برای هزینه‌های حج کافی باشد.

م ﴿ ۳۵ ﴾ - چنانچه سرمایه یا ابزار کاری دارد که اگر مقداری از آن را بفروشد، می‌تواند بدون زحمت با آن زندگی کند، و با تفاوت هزینه‌ی آن حج بگذارد، با وجود سایر شرایط و پیش نیامدن مشکلی، وی مستطیع می‌باشد.

م ﴿ ۳۶ ﴾ - اگر باغی دارد که در حال حاضر از آن درآمدی ندارد اما از نظر قیمت برای هزینه‌های حج بسنده است و اطمینان دارد وقتی باغ ثمر می‌دهد وی از کار افتاده یا بازنشست خواهد شد و باید تنها از درآمد باغ امرار معاش نماید، مستطیع نیست.

م ﴿ ۳۷ ﴾ - اگر شک کند دارایی وی به اندازه‌ی استطاعت هست یا نه، لازم است تحقیق و بررسی کند؛ هرچند از اندازه‌ی مال خود برآورد درستی نداشته باشد یا مقدار هزینه‌های حج را نداند.

م ﴿ ۳۸ ﴾ - اگر نذر کند در روز عرفه، کربلا یا یکی از مشاهد را زیارت کند، نذر وی صحیح است، ولی چنانچه مستطیع باشد، باید حج رود و نذر وی مانع از گزاردن حج نمی‌شود، و در صورتی که آن را بجا نیاورد، حج بر او ثابت می‌گردد، و باید به نذر عمل کند، و اگر حج بگذارد، انجام ندادن نذر سبب کفاره نمی‌شود، مگر این که حج نرود و به نذر هم عمل نکند که در این صورت، لازم است کفاره‌ی نذر را پرداخت نماید.

م ﴿ ۳۹ ﴾ - اگر گزاردن حج سبب ترک نمودن واجب یا انجام دادن حرامی گردد، باید اهمیت حج یا فعل واجب و حرام را لحاظ نمود و در صورتی که انجام حج از اهمیت بیش‌تری برخوردار است، باید آن را بجا آورد، و در غیر این صورت، نباید

حج گزارد و چنانچه به سبب انجام دادن کار حرام یا رها نمودن واجب، حج را بیاورد، گناه نموده، ولی حج وی صحیح است.

م ﴿ ۴۰ ﴾ - اگر به این باور که مستطیع نیست قصد حج استحبابی کند و بعد آشکار شود که توانمند بوده است، کفایت از حجة الاسلام نمی‌کند، مگر در صورتی که قصد وظیفه‌ی فعلی نموده و به اشتباه آن را بر حج استحبابی تطبیق کرده باشد.

م ﴿ ۴۱ ﴾ - اگر از طرف نهاد یا ارگانی به حج رود، بدون این که مأموریتی داشته باشد، لازم است حج بذلی را که چگونگی آن در ادامه می‌آید، انجام دهد.

حج بذلی (بخششی)

م ﴿ ۴۲ ﴾ - اگر توانایی مالی نداشته باشد و به او پیشنهاد شود که حج بجا آورد و همه‌ی هزینه‌ی او پرداخت گردد؛ چنانچه به پرداخت آن و بازنگشتن پیشنهاددهنده و بذل کننده‌ی مال از قصد خود اطمینان داشته باشد، حج بر او واجب می‌شود. این گونه حج را «حج بذلی» می‌گویند و در آن، داشتن هزینه‌ی پس از بازگشت که از شرایط وجوب است اعتبار ندارد، مگر آن که پذیرفتن بذل و رفتن به حج در امور زندگی او خللی وارد آورد که در این صورت واجب نیست.

م ﴿ ۴۳ ﴾ - اگر مالی را که برای تأمین هزینه‌های حج بسنده است به او ببخشند تا حج بجا آورد، لازم است آن را بپذیرد و حج بگذارد. همچنین است اگر هبه کننده‌ی مال بگوید میان این که حج بجا آوری یا نه اختیار داری، ولی اگر اسم حج را نیاورد و فقط مال را به او ببخشد، پذیرفتن آن واجب نیست.

م ﴿ ۴۴ ﴾ - بخشنده‌ی هزینه‌های حج می‌تواند از بخشش خود بازگردد ولی اگر حج‌گزار در میان راه باشد، باید هزینه‌ی برگشت وی را بدهد و در صورتی که بعد از

احرام رجوع نماید، باید تمامی هزینه‌های حج را به صورت کامل بپردازد.

م ﴿ ۴۵ ﴾ - هزینه‌ی قربانی در حج بذلی بر عهده‌ی بخشنده است ولی هیچ‌یک از کفاره‌ها بر عهده‌ی وی نیست و اگر پول قربانی را نبخشد، حج واجب نمی‌شود، مگر در صورت وجود دیگر شرایط استطاعت.

م ﴿ ۴۶ ﴾ - اگر در راه حج برای دیگران اجیر شود و مزدی که می‌گیرد وی را برای گزاردن حج توانمند سازد، مستطیع می‌شود؛ هر چند اجیر دادن خود بر وی واجب نبوده است.

م ﴿ ۴۷ ﴾ - برای توانمند شدن لازم است هزینه‌ی کسانی را که مخارج آنان را تأمین می‌نماید تا بازگشت از حج داشته باشد؛ هر چند نفقه‌ی آنان بر او واجب نباشد.

م ﴿ ۴۸ ﴾ - کسی توانایی مالی دارد که بعد از بازگشت از حج، مال یا درآمدی از تجارت، کشاورزی، صنعت یا منفعت ملکی مانند باغ و مغازه داشته باشد؛ به طوری که برای تأمین هزینه‌ی زندگی به سختی گرفتار نیاید و اگر قدرت بر کسب مناسب با شأن خود داشته باشد، مستطیع است و چنانچه بعد از بازگشت به زکات و خمس و سایر وجوه شرعی نیاز داشته باشد و زندگانی او از این راه اداره می‌شود، برای حصول استطاعت بسنده است؛ بنابراین، حج بر اهل علمی که در بازگشت از حج به شهریه‌ی حوزه نیاز دارند واجب است.

م ﴿ ۴۹ ﴾ - همان‌گونه که گذشت، استطاعت بدنی (قدرت و سلامت) و استطاعت از جهت امنیت و باز بودن راه و استطاعت زمانی از شرایط واجب شدن حج است؛ پس بیماری که قدرت رفتن به حج را ندارد یا سختی غیر متعارف برای

او پیش می‌آورد و بر کسی که راه برای او باز نیست یا وقت تنگ است؛ به طوری که نمی‌تواند به حج برسد، انجام حج واجب نیست.

م ﴿ ۵۰ ﴾ - اگر حج را با وجود شرایط استطاعت بجا نیاورد، حج بر عهده‌ی او باقی است و باید هرگونه که می‌تواند آن را انجام دهد.

حج، زنان و صاحبان عذر

م ﴿ ۵۱ ﴾ - اگر زنی در زمان حیات شوهر خود استطاعت مالی نداشته باشد و بعد از مردن وی از ارث او توانایی یابد، ولی به جهت بیماری نتواند حج بگذارد، در صورتی که بیماری او به گونه‌ای است که قدرت بر رفتن به حج ندارد، مستطیع نمی‌شود و حج بر او واجب نیست.

اگر زن بعد از مردن شوهر، شغل یا درآمدی نداشته باشد که بتواند پس از بازگشت از حج، زندگی خود را اداره کند، مستطیع نیست؛ هر چند ارث شوهر برای رفتن به حج و برگشتن از آن کافی باشد.

م ﴿ ۵۲ ﴾ - در سفر حج واجب، بر زن لازم نیست از شوهر اجازه بگیرد و زن باید حج واجب خود را بجا آورد؛ هر چند شوهر رضایت نداشته باشد و به وی اجازه ندهد، مگر آن که مخاطره‌ای عقلایی یا مفسده‌ای در میان باشد که باید در این صورت با شوهر چاره‌سازی و مشورت کند.

م ﴿ ۵۳ ﴾ - اگر مهریه‌ی زن هزینه‌های حج را تأمین کند و آن را از شوهر بستانکار

است؛ چنانچه شوهر وی قدرت پرداخت آن را ندارد، زن نمی‌تواند آن را مطالبه نماید و مستطیع به شمار نمی‌رود و در صورتی که شوهر دارای قدرت پرداخت مهریه است و درخواست آن برای زن مشکلی ایجاد نمی‌کند، با فرض این که شوهر هزینه زندگی زن را می‌دهد، لازم است زن، مهریه را مطالبه کند و به حج رود و چنانچه برای او ایجاد مشکلی نماید؛ مانند آن که مطالبه به نزاع بینجامد، لازم نیست آن را درخواست نماید.

م ﴿ ۵۴ ﴾ - زنی که با کسب و کار خود می‌تواند هزینه‌ی خویش؛ از جمله بجا آوردن حج را تأمین نماید؛ هر چند حج گزاردن وی، شوهر را برای تهیه‌ی مخارج به زحمت می‌اندازد و این امر (در سختی قرار گرفتن شوهر)، برای زن سختی و مشقتی به دنبال ندارد، زن مستطیع است و باید به حج رود و به زحمت افتادن شوهر، مانع استطاعت وی نمی‌شود.

م ﴿ ۵۵ ﴾ - بهره‌بردن از وجوه شرعی به تناسب - که مصرف آن برای اهل علم از باب فی سبیل الله است؛ مانند: سهم امام و سهم سادات، اگر با شأن او مناسب باشد، سبب استطاعت می‌گردد و چنانچه با آن حج بگذارد، کفایت از حجة الاسلام می‌کند.

م ﴿ ۵۶ ﴾ - کسی که هزینه‌ی حج را از راه کسب یا غیر کسب تأمین می‌نماید و بعد از بازگشت از حج بخشی از هزینه‌ی زندگی خود را از درآمد منبر و بقیه را از وجوه شرعی؛ مانند: شهریه تأمین می‌کند؛ چنانچه بعد از مراجعت از حج برای اداره‌ی زندگی بی‌نیاز از شهریه نباشد، مستطیع می‌گردد.

م ﴿ ۵۷ ﴾ - گزاردن حج بر کسی که در محل زندگی خود مستطیع نیست واجب

نمی‌باشد؛ هر چند استطاعت حج میقاتی را داشته باشد، ولی در صورتی که به حج رود و در میقات استطاعت حج را بیابد، حج وی از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

م ﴿ ۵۸ ﴾ - کسی که بعد از استطاعت مالی برای رفتن به حج، بدون تأخیر اقدام می‌نماید و در نام‌نویسی یا قرعه‌کشی سالیانه شرکت کند و به سبب این که قرعه به نام او نیفتاده نتواند به حج رود، مستطیع نمی‌گردد و حج بر او واجب نیست، ولی اگر کوتاهی کند و تأخیر نماید و در سال‌های بعد در نام‌نویسی و قرعه‌کشی شرکت کند، حج بر عهده‌ی او می‌آید؛ هر چند قرعه به نام او نیفتد.

م ﴿ ۵۹ ﴾ - در پیدایش استطاعت و توانمندی، میان این که در ماه‌های حج؛ یعنی شوال، ذی قعدة و ذی حجه، مال و توانمندی به دست آورد یا قبل از آن تفاوتی نیست. بنابراین، اگر استطاعت مالی و دیگر توانمندی‌های لازم را داشته باشد، نمی‌تواند خود را از استطاعت خارج کند؛ هر چند در ابتدای سال و پیش از ماه‌های حج بخواهد بر آن اقدام نماید.

م ﴿ ۶۰ ﴾ - طلبه‌ای که با توجه به این فتوا که طلابی که به شهریه‌ی حوزه نیاز دارند مستطیع نیستند و در صورتی مستطیع می‌شوند که از وجوه شرعی بی‌نیاز باشند، پولی را با افراد صاحب حق؛ مانند: پدر و همسایه مبادله و دست‌گردان می‌نمایند و به عنوان این که نسبت به وی صاحب حق هستند، پول خود را به آنان می‌بخشد و ایشان آن را برای هزینه‌های حج به وی باز می‌گردانند و او در همه‌ی اعمال و مناسک حج، نیت حجة الاسلام می‌نماید؛ حج وی حجة الاسلام به شمار می‌رود؛ هر چند اهل علم مالک وجوه شهریه می‌شوند و گرفتن شهریه از باب مصرف فی سبیل الله است؛ نه مصرف فقرا، و نیازی به انجام امور یاد شده نیست.

م ﴿ ۶۱ ﴾ - خادمان، کارگران و راهنمایان کاروان‌هایی که وارد جده می‌شوند، اگر سایر شرایط استطاعت را دارند؛ مانند: داشتن وسایل زندگی به صورت فعلی یا تدریجی و داشتن هزینه‌های زندگی پس از رجوع به صورت فعلی یا با کار، صنعت و مانند آن که می‌توانند پس از مراجعت با آن زندگی مناسب خود را ادامه دهند، مستطیع هستند و باید حجة الاسلام بجا آورند و حج آنان از حج واجب کفایت می‌کند، و چنانچه سایر شرایط را نداشته باشند، به صرف توانایی بر انجام حج، استطاعت به دست نمی‌آید و حج آنان استحبابی است و چنانچه بعد از آن استطاعت یابند، باید حج واجب را بجا آورند؛ بنابراین، روحانی کاروان با آن که پس از مراجعت از مکه نیاز به شهریه‌ی حوزه دارد، مستطیع می‌باشد.

م ﴿ ۶۲ ﴾ - پزشکان یا افراد دیگری که با مأموریت به میقات می‌روند و در میقات شرایط استطاعت را دارا هستند، واجب است حجة الاسلام را بجا آورند؛ هر چند لازم است مأموریت خود را نیز انجام دهند.

حج صاحبان عذر

م ﴿ ۶۳ ﴾ - اگر در سال اول استطاعت خود بیمار گردد؛ به گونه‌ای که قدرت انجام اعمال حج را نداشته باشد، استطاعت خود را از دست داده است و حج بر او واجب نیست، ولی اگر به مکه وارد شود، باید محرم گردد و با انجام اعمال عمره‌ی مفرده؛ هر چند اعمال اضطراری آن باشد، از احرام خارج می‌گردد، و چنانچه سال اول استطاعت او نباشد و حج بر عهده‌ی او قرار گرفته باشد و از بهبودی ناامید گردد، نایب بگیرد تا عمره و حج تمتع او را انجام دهد و خود برای وارد شدن به

مکه محرم گردد و عمره‌ی مفرده را به طور اضطراری بجا آورد، و در صورتی که می‌تواند اعمال حج تمتع را؛ هر چند به گونه‌ی اضطراری انجام دهد، لازم است محرم شود و هر اندازه از اعمال را که می‌تواند؛ اگرچه با کمک گرفتن از دیگری باشد، بجا آورد، و هر مقدار را که نمی‌تواند، نایب بگیرد، ولی در دو وقوف، گرفتن نایب کافی نیست.

م ﴿ ۶۴ ﴾ - حجی را که به صورت صحیح انجام گرفته است نمی‌توان اعاده نمود و در صورتی که برخی از اجزا و افعال حج به درستی گزارده نشده باشد، ولی حج صحیح بوده است، باید همان جزء تدارک و جبران شود؛ نه همه‌ی اعمال حج.

م ﴿ ۶۵ ﴾ - کسی که از مجتهد صاحب شرایطی تقلید نموده که داشتن هزینه‌ی پس از بازگشت را شرط استطاعت نمی‌دانسته و حج را به نیت حجة الاسلام بجا آورده؛ در حالی که هزینه‌ی پس از بازگشت را نداشته است و پس از آن، همه‌ی شرایط استطاعت را می‌یابد، لازم نیست حج گذشته‌ی خود را اعاده نماید.

م ﴿ ۶۶ ﴾ - چنانچه بعد از انجام عمره‌ی تمتع بیمار شود و از انجام حج منصرف گردد، نمی‌تواند وکیل بگیرد تا برای فراغ عهده‌ی وی اقدام نماید و در صورتی که سال اول استطاعت وی می‌باشد؛ چنانچه استطاعت وی تا سال‌های بعد باقی باشد، حج بر او واجب است، ولی اگر سال اول استطاعت وی نباشد و حج بر او از پیش واجب بوده است؛ چنانچه از بهبودی ناامید گردد، باید در همان سال یا سال بعد برای حج و عمره‌ی تمتع نایب بگیرد، و در صورتی که به بهبودی خود امیدوار باشد، نمی‌تواند نایب بگیرد و باید خود، حج و عمره‌ی تمتع را دوباره انجام دهد، و در هر صورت، در حال حاضر از احرام خارج گردیده است و محرمات احرام بر او

حلال می‌باشد.

م ﴿ ۶۷ ﴾ اگر برای گزاردن حج، نام‌نویسی می‌کنند، ولی چند سال بعد نوبت وی اعلام می‌گردد و وی پیش از رسیدن نوبت خود، به‌گونه‌ای دیگر با پولی که قرض نموده است به مکه رود و حج گزارد و حج پیش از آن بر عهده‌ی او قرار نگرفته باشد و در حال حاضر نیز بدون پول قرضی نمی‌تواند به حج رود، حج وی حجة الاسلام به شمار نمی‌رود.

م ﴿ ۶۸ ﴾ - اگر به گمان این که استطاعت دارد به قصد عمره‌ی تمتع محرم گردد و همه‌ی اعمال حج تمتع (حجة الاسلام) را انجام دهد و بعد از آن آشکار شود که مستطیع نبوده است، محرم به شمار نمی‌رود و در صورتی که مستطیع گردد باید حجة الاسلام را بجا آورد.

م ﴿ ۶۹ ﴾ - اگر به این گمان که مستطیع نیست، به نیت استحباب محرم گردد و اعمال عمره‌ی تمتع را انجام دهد و در مکه بدانند مستطیع بوده است، لازم نیست دوباره به نیت حج واجب محرم شود؛ البته لازم است بقیه‌ی اعمال را به نیت وجوب بیاورد.

م ﴿ ۷۰ ﴾ - مستطیع نمی‌تواند نوبت خود را به مستطیع دیگری بدهد؛ هر چند اگر نوبت خود را به وی دهد، حج او (فرد دیگر) صحیح است.

م ﴿ ۷۱ ﴾ - مستطیع باید حج خود را بجا آورد و با بخشش هزینه‌ی حج به دیگری؛ هر چند پدر و مادر وی باشد، تکلیف از او برداشته نمی‌شود، و در صورتی که با بخشش هزینه‌ی حج به دیگری نتواند حج واجب خود را بجا آورد، بخشش وی جایز نیست؛ هر چند حج دیگری صحیح است.

ثبت نام برای حج

م ﴿ ۷۲ ﴾ - اگر به هنگام نام‌نویسی برای حج، استطاعت مالی دارد، ولی سازمان حج و زیارت برای سال‌های دیگر ثبت نام دارد، واجب است نام‌نویسی نماید و در غیر این صورت، حج بر عهده‌ی وی قرار می‌گیرد؛ هر چند استطاعت خود را از دست بدهد.

م ﴿ ۷۳ ﴾ - اگر با شرایط زیر و بر اساس نام‌نویسی و قرعه‌کشی سازمان حج و زیارت به حج رود، مستطیع می‌باشد و باید حجة الاسلام را انجام دهد:
الف - هزینه‌ی کامل زیارت خود را از درآمدی که خمس آن داده شده است تهیه کند.

ب - هزینه‌ی زندگی یا حقوق مستمر در حد معمول زندگی با کفایت را دارا باشد.

ج - هر چند مسکن و اتومبیل شخصی ندارد می‌تواند با اجاره، منزلی را در شأن خود تهیه نماید.

د - وسایل زندگی را در حد معمول و متعارف و در شأن خود دارا باشد.
فرد یاد شده چون مقدار هزینه‌ی رفت و برگشت برای حج و دیگر شرایط استطاعت را دارد و بعد از برگشت می‌تواند هزینه‌ی زندگی خود و عایله‌اش را تأمین نماید، مستطیع است.

م ﴿ ۷۴ ﴾ - اگر هزینه‌ی رفت و آمد به سفر مکه را دارد، ولی از طرف سازمان حج و زیارت زمانی برای ثبت نام اعلام نشده است؛ چنانچه سایر شرایط استطاعت را دارد و در همین سال ثبت نام می‌شود، باید پول خود را نگاه دارد و ثبت نام کند، و در غیر این صورت، مستطیع نمی‌باشد و نگهداری پول لازم نیست.

م ﴿ ۷۵ ﴾ - اگر مستطیع در رفتن به حج کوتاهی کند و نوبت خود را از دست دهد؛ هر چند با صرف هزینه‌ای زیاد، باید حج بگذارد؛ البته، در این راه نباید بر خلاف مقررات و قوانین عمل نماید.

م ﴿ ۷۶ ﴾ - اگر به هنگام استطاعت برای حج ثبت نام نماید، ولی پس از آن به پول سپرده شده در بانک نیازمند شود، می‌تواند پول خود را پس بگیرد؛ چراکه در این صورت، مستطیع نیست؛ خواه نوبت او در همان سال برسد یا در سال‌های بعد.
م ﴿ ۷۷ ﴾ - اگر مستطیع پس از احرام و پیش از آن که عملی انجام داده باشد از دنیا برود، حج از او برداشته می‌شود، و اگر پیش از وارد شدن به حرم از دنیا برود؛ چنانچه سال اول استطاعت وی باشد، گزاردن حج بر عهده‌ی وی قرار نمی‌یابد و انجام آن بر وارثان وی واجب نمی‌باشد.

م ﴿ ۷۸ ﴾ - اگر برای سفر خارجی؛ مانند: زیارت سوریه نام‌نویسی کند و هزینه‌ی انجام حج نیز به همین میزان باشد؛ چنانچه سایر شرایط استطاعت را داشته باشد،

باید حج بگزارد.

م ﴿ ۷۹ ﴾ - اگر کسی بعد از نام‌نویسی برای حج از دنیا برود و اجازه‌ی حج به یکی از وارثان وی داده شود که سایر شرایط استطاعت را دارد، وی مستطیع می‌گردد.

م ﴿ ۸۰ ﴾ - اگر برای حج ثبت‌نام نماید و وصیت کند که برای وی حج مستحبی بجا آورند و بعد از مرگ وی (نایب) که مستطیع گردیده است حج را به نیت خود و نه به نیابت از وی انجام دهد، نیابت تحقق نمی‌پذیرد، و حج تنها برای حج‌گزار صحیح و کافی است؛ نه برای میت؛ اگرچه حج‌گزار مرتکب گناه شده است.

م ﴿ ۸۱ ﴾ - اگر در کشوری زندگی می‌کند که حکومت آن غیر اسلامی یا ضد دینی است و برای گزاردن حج لازم باشد وجه و عوارض بسیاری به آن دولت دهد که به صورت طبیعی به تقویت آن حکومت می‌انجامد؛ چنانچه بجا آوردن حج منحصر به آن باشد، حج واجب است و در صورت امکان باید به کم‌ترین هزینه انجام شود.

م ﴿ ۸۲ ﴾ - اگر مستطیع در زمان حیات خود، هزینه‌ی رفت و برگشت خویش و مخارج کسانی را که باید نفقه‌ی آنان را بپردازد متناسب با شأن خود و تا بازگشت خویش دارد و می‌توانسته حج بگزارد، ولی آن را تأخیر انداخته، حج بر عهده‌ی او قرار یافته است و چنانچه از دنیا برود، باید برای او حج بجا آورند؛ هر چند هزینه‌ی همسر، فرزندان و دیگر عیال وی از ترکه‌ی وی تأمین گردد و در صورتی که وصیت نکرده باشد، می‌توان حج وی را از میقات انجام داد و هزینه‌ی آن را از اصل مال پرداخت نمود.

م ﴿ ۸۳ ﴾ - کسی که برای حج اجیر شده و با درآمد آن مستطیع گردیده، ولی

گمان داشته است که حج نیابی وی در زمان استطاعت از حج واجب خود کفایت می‌کند؛ در صورت حصول استطاعت در زمان حج دوم، حج نیابی باطل است و باید حج خود را انجام دهد، و اگر وقت حج نیابی گسترده است، آن را بعد از حج خود انجام دهد، و در غیر این صورت، کسی که برای وی نایب شده است و صاحب هزینه‌ی حج به شمار می‌رود، موضوع را مطرح نماید.

م ﴿ ۸۴ ﴾ - اگر مستطیع با احرام عمره‌ی تمتع وارد مکه گردد و پیش از انجام اعمال عمره یا کامل نمودن آن بعد از انجام آن بمیرد، همان مقدار بسنده است و حج از او برداشته می‌شود، ولی اگر بدون احرام عمره وارد مکه شود و در آنجا بمیرد، در صورتی که حج پیش از آن بر عهده‌ی او قرار یافته است، باید هزینه‌های حج از اصل ترکه‌ی او خارج نمایند و برای وی نایب بگیرند؛ هر چند ترکه‌ی وی برای هزینه‌های نیابت بسنده نباشد؛ البته، حج میقاتی بر عهده‌ی وی است و لازم نیست هزینه‌ی حج بعدی و هزینه‌ی گزاردن حج از منطقه‌ی وی پرداخت شود.

م ﴿ ۸۵ ﴾ - اگر شوهر به همسر خود وعده‌ی سفر حج دهد؛ چنانچه صرف وعده باشد، ادای آن لازم نیست و اگر در ضمن مهر قرار گرفته باشد، باید به آن عمل نماید.

م ﴿ ۸۶ ﴾ - اگر مستطیع به علت کهولت سن و بالا بودن قند خون یا بیماری‌های دیگر نتواند حج بگزارد؛ چنانچه پیش از آن از همه‌ی جهات؛ از جمله سلامت و توانایی جسمی مستطیع بوده، ولی بر انجام حج اقدام نکرده و حج بر وی مستقر شده است و در حال حاضر امید به بهبودی خود ندارد، واجب است نایب بگیرد تا برای وی حج بجا آورد.

م ﴿ ۸۷ ﴾ - اگر با اجیر شرط شود که بعد از مرگ موجر و کسی که باید برای او حج بگذارد و در سال نخست، حج را انجام دهد یا مدت آن مطلق و منصرف به سال اول باشد و اجیر اجاره را بپذیرد و خود بعد از آن مستطیع گردد، لازم است در سال نخست بعد از مرگ موجر، حج نیابی برای وی بگذارد و در غیر این صورت، باید حج خود را انجام دهد. در صورت نخست؛ اگر حج خود را بجا آورد، صحیح است؛ هر چند به سبب مخالفت با مفاد اجاره گناه کرده است، ولی در صورت دوم؛ چنانچه حج نیابی بگذارد، حج برای هیچ کدام واقع نمی‌شود و حج بر عهده‌ی وی قرار می‌گیرد که خود باید به هرگونه‌ای که می‌تواند حج را در سال بعد انجام دهد و اگر در آن سال حج نگذارد، در سال‌های بعد بی‌درنگ آن را انجام دهد.

م ﴿ ۸۸ ﴾ - تنها وصیت به حج بدون اجیر نمودن فرزند یا هر فرد دیگری، نیابت را بروی واجب نمی‌سازد؛ هر چند وی وصیت را پذیرفته باشد؛ بنابراین، در فرض استطاعت فرزند و کسی که به او وصیت شده است، بعد از فوت پدر یا وصیت کننده، وی باید برای خود حج بجا آورد و نیابت، صحیح نمی‌باشد.

م ﴿ ۸۹ ﴾ - کسی که بر اساس وصیت دیگری و به نیابت از وی به مکه می‌رود در حالی که خود نیز استطاعت دارد؛ چنانچه بعد از نوبت یا قرعه‌ی وی و نیابت از او توان بر انجام حج یافته است باید برای وی حج گزارد، مگر آن که بدون اجاره و به صورت تبرعی به نیابت از وی به حج رود، که در این صورت، خود مستطیع است و باید حج خود را بجا آورد. البته، همان‌گونه که گذشت، به صرف وصیت و پذیرش دیگری، نیابت واجب نمی‌شود، مگر آن که پیش از استطاعت اجیر شود.

م ﴿ ۹۰ ﴾ - اگر همه‌ی هزینه‌های حج؛ جز هزینه‌ی «هدی» را دارد؛ چون هزینه‌ی

هدی جزو استطاعت به شمار می‌رود، مستطیع نمی‌باشد.

م ﴿ ۹۱ ﴾ - اگر به کسی که مستطیع نیست هزینه‌ی حج را ببخشند، ولی وی استطاعت جسمانی نداشته باشد، پذیرش هزینه‌ی یاد شده و گرفتن نایب بر وی واجب نیست. همچنین است اگر وی را مهمان سازند.

م ﴿ ۹۲ ﴾ - اگر در میقات مستطیع شود و حجة الاسلام بجا آورد، بسنده است و در این صورت داشتن هزینه‌ی بازگشت خود و هزینه‌ی عایله‌ی خود تا زمان بازگشت، شرط استطاعت است.

م ﴿ ۹۳ ﴾ - همسر شهیدی که سرپرستی بچه‌های صغیر وی را بر عهده دارد و همچنین هر سرپرست دیگری نمی‌تواند هزینه‌های خود را از مال بچه‌های صغیر بردارد و حج بگذارد؛ هر چند نوبت حج وی به عنوان خانواده‌ی شهید به وی داده شده باشد.

م ﴿ ۹۴ ﴾ - پدربزرگی که همه‌ی شرایط حج را داراست و نوه‌ای دارد که نیازمند ازدواج است باید حج خود را مقدم دارد، مگر آن که هزینه‌ی ازدواج از مخارج عرفی او به شمار آید و نتواند هم هزینه‌ی ازدواج را پردازد و هم به مکه رود.

م ﴿ ۹۵ ﴾ - اگر معتادی طبق مقررات کشوری و اداره‌ی بهداشت از رفتن به حج جلوگیری شود؛ چنانچه پیش از اعتیاد خود مستطیع بوده و می‌توانسته است حج بگذارد، حج بر عهده‌ی وی قرار یافته، و اگر پیش از اعتیاد استطاعت نداشته است، مستطیع به شمار نمی‌رود، مگر آن که بتواند با ترک اعتیاد، نظر مقامات را تأمین نماید و به مکه رود.

م ﴿ ۹۶ ﴾ - از منافع خمس و زکات با وجود سایر شرایط می‌توان مستطیع شد و

خمس و زکات جزو ترکه‌ی میت به شمار می‌رود؛ چرا که به عنوان مصرف و از باب فی سبیل الله از طرف ولیّ امر به او داده می‌شود و وی مالک آن می‌گردد.

م ﴿ ۹۷ ﴾ - کسی که بعد از عمره‌ی تمتع دیوانه شود لازم نیست وی را برای حج محرم کنند و بر دیوانه تکلیفی نیست.

م ﴿ ۹۸ ﴾ - اگر سرپرست، کودکان و اطفال غیر ممیز را - پسر یا دختر - همراه ببرد، بر وی واجب نیست آنان را محرم کند یا از طرف آنان حج انجام دهد، ولی چنانچه آنان را محرم نمود، واجب است اعمال حج را بر اساس وظیفه‌ای که دارد انجام دهد، و در غیر این صورت، در برخی از اعمال، طفل در احرام باقی می‌ماند و تا آن را تدارک و جبران نکند نمی‌تواند ازدواج نماید.

نیابت در حج

م ﴿ ۹۹ ﴾ - مستطیع، خود باید به حج رود و حج نیابی از طرف او کافی نیست، مگر در مورد بیمار یا پیر و سالمند که توضیح آن خواهد آمد.

م ﴿ ۱۰۰ ﴾ - مستطیع نمی‌تواند در سال نخست استطاعت از طرف دیگری برای حج نایب شود یا حج استحبابی بجا آورد و اگر حج نیابی یا استحبابی بگذارد، باطل است.

م ﴿ ۱۰۱ ﴾ - کسی که برای گزاردن حج نیابی از دیگری اجیر شده است و با اجرت آن یا با مالی دیگر مستطیع می‌گردد، در صورتی که با وی شرط شده باشد حج را در سال نخست انجام دهد، لازم است حج نیابی را پیش اندازد و چنانچه تا سال بعد، استطاعت وی باقی ماند، حج خود را در سال بعد بجا آورد.

م ﴿ ۱۰۲ ﴾ - اگر کسی که حج بر او واجب شده است، آن را بجا نیاورد تا از دنیا برود، باید هزینه‌ی حج را از اموال وی بردارند و برای او نایب بگیرند. در این صورت، تا برای او نایب نگیرند، وارثان وی نمی‌توانند در آن مال دست ببرند و لازم

است در همان سالی که از دنیا می‌رود حج را انجام دهند و تأخیر انداختن آن جایز نیست. البته، نایب گرفتن برای حج میقاتی کفایت می‌کند و چنانچه در آن سال نمی‌توانند جز از وطن وی اجیر بگیرند لازم است چنین کنند و هزینه‌های آن از اصل مال خارج می‌شود. همچنین اگر در آن سال نتوانند از میقات اجیر بگیرند، مگر آن که مزد بیش‌تری بپردازند که از حد متعارف خارج نمی‌گردد، لازم است اجیر بگیرند و آن را تأخیر نیندازند و چنانچه وصی یا وارث کوتاهی کنند و آن را تأخیر اندازند و ترکه و مال از بین برود، ضامن آن هستند.

م ﴿ ۱۰۳ ﴾ - اگر میت، مال و ترکه‌ای نداشته باشد، گزاردن حج بر وارث واجب نمی‌شود.

م ﴿ ۱۰۴ ﴾ - اگر از سال‌های قبل مستطیع باشد و در حال حاضر به سبب کسالت خود نمی‌تواند با هواپیما مسافرت نماید، و وسیله‌ی دیگری غیر از هواپیما برای او فراهم نباشد نمی‌تواند نایب بگیرد و باید در وقت توانایی به حج رود و چنانچه قدرت بر آن نیابد تا از دنیا رود، باید از ارث وی برای او حج نیابی بگزارند و در صورتی که از سال‌های پیش استطاعت نداشته است، در فرض یاد شده مستطیع نمی‌گردد.

م ﴿ ۱۰۵ ﴾ - کسی می‌تواند نایب شود که بالغ، عاقل، مؤمن و مورد اطمینان باشد که عمل حج را انجام می‌دهد و همه‌ی احکام و مسایل مورد نیاز را؛ هر چند به راهنمایی دیگری، بدانند و بر عهده‌ی وی حج واجب قرار نگرفته باشد و برای انجام ندادن برخی از اعمال حج، عذر نداشته باشد.

م ﴿ ۱۰۶ ﴾ - کسی که برای وی نایب شده است در صورتی از عهده‌ی حج بیرون

می‌آید که نایب، اعمال حج را به طور صحیح انجام دهد. البته، اگر نایب بعد از احرام و داخل شدن در حرم بمیرد، حج از وی برداشته می‌شود؛ خواه حج تبرعی بگذارد یا حجة الاسلام.

م ﴿ ۱۰۷ ﴾ - لازم نیست بعد از انجام عمل از سوی نایب، اطمینان به صحت کرده‌ی وی داشته باشد و اگر به درستی آن شک دارد، حکم به صحت آن می‌شود و حج نیابی صحیح است؛ هرچند قبل از عمل، شک داشته باشد.

م ﴿ ۱۰۸ ﴾ - از کسی می‌توان نایب شد که مسلمان باشد و در صورتی که برای حج واجب نایب شده است وی مرده باشد، یا اگر زنده است، حج بر عهده‌ی او قرار گرفته باشد و خود به سببی، مانند بیماری و امید نداشتن به بهبودی یا پیری و کهولت سن نتواند به حج رود. البته، حج استحبابی چنین شرطی را ندارد. بلوغ و عقل در نایب گیرنده و همگونی در جنسیت میان نایب و وی شرط نیست.

م ﴿ ۱۰۹ ﴾ - نایب باید در عمل، قصد نیابت نماید و کسی را که برای وی نایب شده است در نیت تعیین کند؛ هرچند به اجمال باشد و لازم نیست نام او را ذکر کند. البته، یاد نمودن نام وی مستحب است.

م ﴿ ۱۱۰ ﴾ - هزینه‌ی لباس احرام و قربانی در حج نیابی بر اجیر است، مگر در صورتی که شرط شود مستأجر باید آن را پرداخت نماید. همچنین است اگر اجیر، کار حرامی انجام دهد که کفاره دارد؛ در این صورت، کفاره بر عهده‌ی اوست؛ نه مستأجر.

م ﴿ ۱۱۱ ﴾ - نایب در طواف نسا باید قصد کسی را که از وی نایب شده است نماید.

م ﴿ ۱۱۲ ﴾ - اگر نایب طواف نسا را به طور صحیح انجام ندهد، زن بر او حلال

نمی‌شود و بر کسی که از طرف او نایب شده است چیزی نیست.

م ﴿ ۱۱۳ ﴾ - اجیر گرفتن کسی که وقت اتمام حج تمتع را ندارد و وظیفه‌ی وی عدول به افراد است برای کسی که وظیفه‌ی او حج تمتع است جایز نیست، مگر آن که وی را در وسعت و گستردگی وقت اجیر کرده باشد و بعد از آن، وقت کم آید که در این صورت، نایب باید عدول نماید و حج وی از کسی که برای او نایب شده کافی است.

م ﴿ ۱۱۴ ﴾ - در حج واجب، یک نفر نمی‌تواند در یک سال از چند نفر نایب شود، ولی در حج مستحبی اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۱۵ ﴾ - کسی که حج بر عهده‌ی او ثابت شده و سال اول استطاعت به حج نرفته است اگر به سبب بیماری یا پیری قدرت گزاردن حج ندارد یا برای او سختی و مشقت دارد؛ چنانچه امید به بهبودی و توانمندی خود ندارد، باید نایب بگیرد و اگر حج بر عهده‌ی وی قرار نگرفته باشد، گزاردن حج بر او واجب نیست.

م ﴿ ۱۱۶ ﴾ - بعد از آن که نایب، حج را بجا آورد، گزاردن حج از صاحب عذر برداشته می‌شود و لازم نیست خود حج بگذارد؛ اگرچه عذر وی برطرف شود، ولی چنانچه قبل از تمام شدن اعمال حج، عذر وی برطرف شود؛ خواه پیش از احرام باشد یا بعد از آن، باید خود به حج رود و حج بجا آورد.

م ﴿ ۱۱۷ ﴾ - کسی که گزاردن حج بر او واجب شده است؛ خواه سال استطاعت وی باشد یا حج بر عهده‌ی او قرار یافته باشد، نمی‌تواند از طرف دیگری نایب شود، و اگر نیابت کند، باطل است؛ خواه حکم مسأله را بداند یا نداند.

م ﴿ ۱۱۸ ﴾ - اگر کسی که برای انجام دادن حجة الاسلام اجیر شده است بعد از

احرام و داخل شدن در حرم بمیرد، بسنده است و لازم نیست برای او حج بجا آورده شود و اگر قبل از احرام یا بعد از آن و پیش از داخل شدن در حرم بمیرد، باید دوباره اجیر بگیرند. همچنین است کسی که برای خود به حج رود.

م ﴿ ۱۱۹ ﴾ - اگر با اجیر قرار نگزارند که مزد ویژه‌ی عمل است یا در مقابل عمل و هزینه‌ی رفت و آمد، و اجیر پیش از داخل شدن به حرم از دنیا رود، تنها سزاوار گرفتن مزد تا مکان مرگ خود می‌گردد.

م ﴿ ۱۲۰ ﴾ - در مسأله‌ی پیش گفته شده، اگر اجیر بعد از احرام و داخل شدن در حرم بمیرد، مزد احرام را نمی‌توان گرفت؛ اگرچه حج از مرده برداشته می‌شود، و اگر برخی از اعمال را بجا آورد و بمیرد، مزد آن اعمال را می‌گیرد، و اگر اعمال را به گونه‌ای بجا آورده است که در عرف گفته می‌شود عمره و حج گزارده، مستحق همه‌ی اجرت است؛ اگرچه برخی از اعمال را که به درستی حج ضرر نمی‌زند و به اعاده نیاز ندارد، به سبب فراموشی انجام نداده باشد.

م ﴿ ۱۲۱ ﴾ - پسندیده است نایبی که خود حج واجب را بجا نیاورده است بعد از عمل نیابت، برای خود عمره‌ی مفرده بگزارد.

م ﴿ ۱۲۲ ﴾ - کسی که برای حج تمتع اجیر شده است می‌تواند برای طواف یا ذبح یا سعی یا انجام عمره‌ی مفرده اجیر دیگری شود و همچنین می‌تواند بعد از حج برای خود طواف و عمره‌ی مفرده بجا آورد.

م ﴿ ۱۲۳ ﴾ - کسی را که از انجام برخی از اعمال حج عذر دارد نمی‌توان اجیر نمود، و اگر وی آن اعمال را به صورت تبرعی و به نیابت از دیگری انجام دهد، نمی‌توان به آن بسنده کرد.

م ﴿ ۱۲۴ ﴾ - مستطیع نمی‌تواند در میقات به نیابت از دیگری محرم شود و به مکه رود و عمره‌ی تمتع را از طرف وی انجام دهد و در این صورت، احرام وی باطل است و باید به میقات باز گردد و از آن جا برای خود محرم شود.

م ﴿ ۱۲۵ ﴾ - کسی که از انجام دادن برخی از اعمال حج عذر دارد نمی‌تواند نایب گردد و اگر اجیر شده باشد، باید مزد را به صاحبش برگرداند، مگر این که از طرف صاحب آن در نایب گرفتن اجازه داشته باشد که در این صورت می‌تواند دیگری را در اصل عمل حج نایب کند، و در صورتی که بدون اجازه، نیابت را به دیگری واگذار کند و او عمل را انجام دهد، حج از طرف کسی که وی نایب او شده است واقع می‌شود، ولی پول را باید به صاحبش برگرداند و صاحب پول ضامن چیزی نیست و اجیر اول باید اجرت نایب را بپردازد.

م ﴿ ۱۲۶ ﴾ - اگر اجیر و نایب ناچار باید نیمه شب از مشعر برای انجام کارهای لازم در منا به آن جا برود، با توجه به این که دارای عذر است و نمی‌تواند به اختیار در مشعر وقوف نماید، نیابت وی صحیح نیست، و اگر قبل از به وجود آمدن عذر، اجیر شده باشد، باید حج را بجا آورد و وقوف اختیاری را درک نماید.

م ﴿ ۱۲۷ ﴾ - نایب گرفتن از میقات بسنده است؛ هر چند برای فرد زنده باشد، و خود باید نایب بگیرد و نایب گرفتن دیگری برای وی کافی نیست، مگر آن که از طرف او وکالت داشته باشد.

م ﴿ ۱۲۸ ﴾ - عمره‌ی مفرده یا طواف استحبابی را می‌توان به نیابت از چند نفر انجام داد، و در اعمال آن؛ از جمله طواف نسا، لازم است از طرف همه نیت نماید.

م ﴿ ۱۲۹ ﴾ - کسی که در روز عید، قبل از حلق دست‌گیر و زندانی شده لازم است

خود برای خود نایب بگیرد و دوستان یا آشنایان وی نمی‌توانند بدون خواسته‌ی وی، نایب او گردند، و برای خارج شدن از احرام باید به منی بیاید و حلق یا تقصیر کند و اعمال ویژه‌ی آن را انجام دهد و اگر نمی‌تواند، خود حلق یا تقصیر نماید و موهای خود را به منی بفرستد و برای اعمال ویژه‌ی آن نایب بگیرد.

م ﴿ ۱۳۰ ﴾ - اگر نیابت کسی را بپذیرد، ولی در میقات بر اثر اشتغال زیاد از نیابت غافل گردد و برای خود محرم شود؛ چنانچه بعد از آن متوجه شود، باید عمره و حج را به همان نیت اول به پایان رساند، و احرام دوم و نیابی صحیح نیست، مگر آن که احرام اول باطل باشد؛ مانند آن که حج بر او واجب نبوده و وی نیت حجة الاسلام کرده است.

م ﴿ ۱۳۱ ﴾ - اگر در میقات برای خود به صورت صحیح محرم شود و تلبیه گوید؛ هر چند حج واجب خود را پیش از آن بجا آورده باشد، نمی‌تواند برای دیگری؛ مانند پدر، مادر یا یکی از خویشاوندان، حج تبرعی بگزارد و نیت خود را تغییر دهد، بلکه باید عمل را به همان نیتی تمام کند که در احرام داشته است.

م ﴿ ۱۳۲ ﴾ - اگر نایب در احرام عمره‌ی تمتع بعد از این که وارد مکه شد شک کند که نیت نیابت کرده است یا نه، چون در نیت، گذراندن معنای عمل در ذهن لازم نیست؛ چنانچه در حال احرام، انگیزه‌ی وی نیابت بوده است، باید عمل را به نیابت انجام دهد، و اگر در انگیزه‌ی خود شک دارد، باید اعمال را به نیت اجمالی (همان نیت در احرام) به پایان برساند، و در نیابت، به آن اکتفا نمی‌شود و نمی‌توان آن حج را نیابی به شمار آورد.

م ﴿ ۱۳۳ ﴾ - اگر محرم در روز نهم ذی حجه و در عرفات دیوانه شود و تا آخرین

وقتی که همراهان او می‌توانستند در مکه بمانند بهبودی نیابد؛ چون دیوانه است، تکلیف ندارد، و نمی‌توان برای او نایب گرفت، و اگر عاقل گردد، حکم اشخاص محرم دیگر را دارد.

م ﴿ ۱۳۴ ﴾ - کسی که برای عمره‌ی تمتع محرم شده است؛ هر چند مستحبی باشد، نمی‌تواند در اصل عمره یا حج برای دیگری نایب شود، بلکه باید عمل خود را به پایان رساند، ولی اگر فردی که از طرف وی نایب می‌شود تنها نتواند طواف و سعی خود را انجام دهد و بتواند دو وقوف را درک کند و بقیه‌ی اعمال را نایب بگیرد، جایز است دیگران را در طواف و سعی و اعمال دیگر نایب قرار دهد؛ هر چند نایب، خود حج یا عمره بگذارد.

م ﴿ ۱۳۵ ﴾ - اگر به سبب عذر یا وظیفه‌ای که دارد وقوف اضطراری انجام دهد؛ چنانچه برای نمونه همراه بیماران و ناتوانانی بوده است که باید با آنان باشد و آنان در وقوف اختیاری عذر داشته‌اند، برای وی هم اشکال ندارد، ولی اگر نایب کسی شده است، نیابت او درست نیست.

م ﴿ ۱۳۶ ﴾ - اگر در مرتبه‌ی نخست، حج بجا آورد و در مرتبه‌ی بعد دوباره به وی مأموریتی در مکه داده شود می‌تواند برای دیگری؛ مانند: پدر یا مادر، حج نیایی انجام دهد، و در این صورت، حج از عهده‌ی او (دیگری) برداشته می‌شود، مگر آن که سال اول، مستطیع نبوده است و امسال مستطیع شده باشد.

م ﴿ ۱۳۷ ﴾ - اگر نایب در سفر اول خود در منی به‌جای تیغ با ماشین ته‌زن سر خود را بتراشد، چون حلق برای کسی که نخستین بار حج می‌گذارد (صروره) متعین نیست و حلق با ماشین ته‌زن هم کافی است، نیابت وی صحیح است و چیزی بر او

واجب نمی‌باشد و سفر نخست وی تأثیری در سفرهای بعد ندارد.

م ﴿ ۱۳۸ ﴾ - زنانی که به سبب عذر، مشعرا را به صورت اضطراری درک می‌کنند و سپس به منی می‌روند می‌توانند از طرف دیگران نایب شوند، ولی نیابت بقیه‌ی صاحبان عذر صحیح نیست.

م ﴿ ۱۳۹ ﴾ - اگر برای گزاردن حج از طرف میت نایب شود و در وقت عقد اجاره برای انجام مناسک عذری نداشته باشد، ولی چند سال بعد از انجام حج متوجه شود که در وقوف مشعرا الحرام با زن‌ها و بیماران به عنوان راهنما، وقوف اضطراری داشته و به منی رفته و غافل بوده است که نایب باید وقوف اختیاری داشته باشد، حج نیابتی وی صحیح است و سزاوار مزد آن می‌باشد.

م ﴿ ۱۴۰ ﴾ - در یک سال، بیش از یک حج واقع نمی‌شود و نمی‌توان هم حج خود را انجام داد و هم برای دیگری؛ مانند پدر یا مادر، حج نیابتی بجا آورد.

م ﴿ ۱۴۱ ﴾ - اگر به عنوان نیابت محرم شود و به مکه آید و در آن جا بداند که خود، مستطیع است، احرام وی صحیح نمی‌باشد و باید باز گردد و برای عمره‌ی تمتع خود محرم شود و وظیفه‌ی خود را انجام دهد، و نمی‌تواند برای کسی که وی از آن نایب شده است نایب دیگری بگیرد، مگر آن که اجازه داشته باشد یا اجیر شدن وی برای مطلق تحصیل حج باشد.

م ﴿ ۱۴۲ ﴾ - اگر نایب عمره‌ی تمتع را انجام داده باشد و بعد ناچار شود به وطن خود بازگردد، نمی‌تواند بقیه‌ی اعمال را به دیگری واگذار نماید تا حج تمتع را انجام دهد.

م ﴿ ۱۴۳ ﴾ - ایمان نایب در اصل نیابت حج و در ذبح و در همه‌ی اعمالی که نیابت

در آن جایز است؛ مانند: رمی و طواف، شرط است.

م ﴿ ۱۴۴ ﴾ - اگر همه‌ی اختیارات اموال فرد دیگری که نمی‌تواند حج را بجا آورد داشته باشد، وی می‌تواند شخصی را بدون تذکر به صاحب مال، برای حج او اجیر نماید؛ چرا که در این صورت، وکالت عملی و ضمنی نسبت به تمام کارهای وی دارد و نایب گرفتن در مورد وی صادق است، و حجة الاسلام از طرف وی واقع می‌شود؛ خواه حق زحمت اجیر را از مال خود بپردازد یا از مال صاحب مال.

م ﴿ ۱۴۵ ﴾ - اگر کسی که حج بروی مستقر شده است، پیش از انجام اعمال حج و احرام دیوانه شود، نمی‌توان برای وی نایب گرفت؛ چنانچه حج تبرعی از وی نیز صحیح نیست.

م ﴿ ۱۴۶ ﴾ - اگر پس از استطاعت مالی برای حج ثبت نام نماید و بعد از آن که نوبت وی فرا رسیده و پیش از احرام بمیرد و در عین حال کسی؛ مانند: پسر خود را نایب قرار داده است که برای او حج بجا آورد، و نایب، خود استطاعت مالی دارد، ولی در ثبت نام، مسامحه و کوتاهی کرده باشد؛ به گونه‌ای که شاید اگر اسم می‌نوشت، قرعه، در همان سال اول به نام وی در می‌آمد و نوبت وی فرا می‌رسید؛ چون فعلیت طریقی از طرف کسی که وی برای او نایب شده است حاصل می‌باشد، تنها باید حج نیابی را بگذارد و نمی‌تواند برای خود حج نماید.

م ﴿ ۱۴۷ ﴾ - اگر اجیر برای گزاردن حج بلدی نایب شود؛ چنانچه غفلت نماید و از محل دیگری به حج رود، لازم نیست به آن محل بازگردد و از آن جا به حج رود و چنانچه حج را انجام دهد، صحیح است و سزاوار مزد آن می‌باشد.

م ﴿ ۱۴۸ ﴾ - نایب باید بر طبق فتوای مرجع تقلید خود اعمال حج را انجام دهد،

ولی اگر با او شرط شود که به گونه‌ای خاص عمل را بیاورد، باید طوری عمل کند که مراعات وظیفه‌ی خود و شرط ذکر شده را بنماید.

م ﴿ ۱۴۹ ﴾ - اجیر و مستأجر در عقد اجاره‌ی حج لازم نیست از یک‌دیگر بپرسند که مقلد چه کسی هستند و اجیر لازم است بر اساس تقلید خود عمل کند.

م ﴿ ۱۵۰ ﴾ - بر نایب لازم نیست خود را پس از بازگشت از حج بلدی به محل کسی که برای وی نایب شده است برساند.

م ﴿ ۱۵۱ ﴾ - اگر پدر به پسر بزرگ انجام حج نیابی را سفارش نماید و بمیرد و پسر بزرگ به سبب ارث بردن مستطیع شود؛ چنانچه امکان فروش ارث و تبدیل آن به وجه نقد برای تأمین هزینه‌های حج را دارد، باید نخست حج خود را بجا آورد، و سپس برای پدر حج گزارد یا دیگری را برای وی نایب بگیرد.

م ﴿ ۱۵۲ ﴾ - نایب می‌تواند در طواف عمره‌ی تمتع یا طواف حج، طواف را در غیر زمان حج بجا آورد.

م ﴿ ۱۵۳ ﴾ - اگر حج بر عهده‌ی مستطیع قرار بگیرد و وی به حج نرود تا توانمندی و قدرت مالی خود را از دست دهد، نمی‌تواند دیگری را نایب بگیرد تا از طرف وی به تبرع حج بگزارد؛ چرا که از شخص زنده نمی‌توان نایب شد، مگر در صورتی که وی به سبب پیری و کهولت سن یا بیماری نتواند به حج برود و از بهبودی تا آخر عمر ناامید گردد.

م ﴿ ۱۵۴ ﴾ - گزاردن حج به نیابت از حضرت ولی عصر - ارواحنا له الفدا - بسیار مطلوب و پسندیده است و اشکالی ندارد؛ هر چند ایشان، خود در مراسم حج

تشریف داشته باشند.

م ﴿ ۱۵۵ ﴾ - اگر مستطیع وصیت نماید که از اصل ترکه‌ی وی برای او حج بلدی انجام شود و وصی وی همه شرایط استطاعت جز باز بودن راه را به جهت شرکت نکردن در نام‌نویسی حج داشته باشد و وی پیش از آن نیز مستطیع نبوده است، در حال حاضر مستطیع به شمار نمی‌رود و می‌تواند برای حج نیابی اجیر شود، ولی چنانچه بدون این که اجیر شود خود را به میقات برساند، نمی‌تواند حج نیابی بجا آورد و باید برای خود حج بگذارد.

م ﴿ ۱۵۶ ﴾ - اگر نایب در قربانی شخص دیگری را وکیل نماید، بر ذبح کننده لازم نیست نام میت و کسی که نایب اول از طرف وی نایب شده است را ببرد، بلکه چنانچه نایب دوم نیت کند که آنچه را انجام می‌دهد از طرف نایب اول است، صحیح می‌باشد.

م ﴿ ۱۵۷ ﴾ - اجیر می‌تواند شرط نماید که برای طواف نسا یا عمل دیگری که نیابت‌بردار است نایب بگیرد و اگر عذر دارد، می‌تواند آن را نپذیرد، مگر در قربانی که شرط نمودن آن لازم نیست.

م ﴿ ۱۵۸ ﴾ - اگر احتمال عقلایی می‌دهد که نمی‌تواند اعمال حج را به گونه‌ی عادی انجام دهد و ممکن است حج تمتع را به افراد بدل کند، می‌تواند از حج واجب نیابت کند، ولی چنانچه وظیفه‌ی او عدول به افراد باشد، کسی که برای وی نایب شده است نباید به آن بسنده نماید.

م ﴿ ۱۵۹ ﴾ - نایبی که در وقت قبول نیابت برای حج معذور نبوده است و بعد از

عقد اجاره در موقع عمل یا پیش از محرم شدن عذر می‌یابد و در هر عذر بر اساس وظیفه‌ی صاحبان عذر رفتار نماید، حج وی از صاحب حج بسنده می‌باشد.

م ﴿ ۱۶۰ ﴾ - اگر اجیر به هنگام اجیر شدن عذری نداشته باشد و در میان عمل عذر بیابد، نیابت وی صحیح است و سزاوار مزد عمل خود می‌باشد.

م ﴿ ۱۶۱ ﴾ - اگر به سبب ندانستن مسأله اجیر شود و وقوف اختیاری مشعر را درک نکند، نیابت وی صحیح نیست و حج وی از کسی که برای وی نایب شده است کفایت نمی‌کند، و باید هزینه‌ی حج را بازگرداند و خود با عدم عذر نسبت به درک اختیاری مشعر باید با انجام عمره‌ی مفرده از احرام خارج گردد. همچنین است اگر برای دیگری حج تبرعی انجام دهد.

م ﴿ ۱۶۲ ﴾ - کسی که نمی‌تواند اعمال اختیاری حج را انجام دهد صاحب عذر است و نمی‌تواند نایب شود، ولی مباشرت در ذبح در حال اختیار لازم نیست، و کسی که نمی‌تواند ذبح کند، می‌تواند برای حج نایب شود و خود برای ذبح نایب بگیرد.

م ﴿ ۱۶۳ ﴾ - کسی که نمی‌تواند قرائت نماز را به صورت صحیح بخواند، نیابت وی باطل است، و اگر از قرائت صحیح معذور نباشد، می‌تواند نایب شود و قرائت خود را درست کند.

م ﴿ ۱۶۴ ﴾ - اگر کسی که نایب می‌گیرد؛ خواه برای خود نایب بگیرد یا برای دیگری، در وقت نیابت بداند که نایب صاحب عذر است، نایب سزاوار اجرت و مزد نمی‌باشد و حج گزاردن وی از حجة الاسلام او کفایت نمی‌کند.

حج استحبابی

م ﴿ ۱۶۵ ﴾ - کسی که شرایط وجوب حج؛ مانند: بلوغ و استطاعت را ندارد، در صورت امکان، پسندیده است حج بگذارد. همچنین بر کسی که حج واجب خود را انجام داده است مستحب است دوباره به حج رود و تکرار حج در هر سال مستحب است.

م ﴿ ۱۶۶ ﴾ - مکروه است پنج سال پی‌درپی رفتن به حج ترک شود و مستحب است در وقت خارج شدن از مکه نیت بازگشت نماید و قصد برنگشتن مکروه است.

م ﴿ ۱۶۷ ﴾ - مستحب است از طرف خویشاوندان و دیگران به صورت تبرعی حج بجا آورد؛ خواه زنده باشند یا مرده.

م ﴿ ۱۶۸ ﴾ - گزاردن حج و انجام طواف از طرف حضرات معصومان علیهم‌السلام پسندیده است و همچنین شایسته است از طرف دیگران؛ به شرط آن که در مکه نباشند یا معذور باشند، طواف انجام دهد.

- م ﴿ ۱۶۹ ﴾ - کسی که هزینه‌های حج را ندارد؛ چنانچه می‌تواند قرض نماید و آن را ادا کند، مستحب است با قرض گرفتن حج بگذارد.
- م ﴿ ۱۷۰ ﴾ - با مال حرام نمی‌توان به حج رفت ولی اگر مال او مشتبه است و علم به حرمت آن ندارد، می‌تواند آن را هزینه‌ی گزاردن حج نماید.
- م ﴿ ۱۷۱ ﴾ - بعد از انجام حج استحبابی می‌توان ثواب آن را به دیگری هدیه نمود؛ همچنان که در وقت شروع می‌توان آن را نیت کرد.
- م ﴿ ۱۷۲ ﴾ - کسی که توانایی مالی ندارد تا با آن حج بجا آورد، مستحب است هر چند با اجاره دادن خود و نیابت از دیگری، به حج رود.

بخش دوم:

ساختار اجمالی عمره و حج

عمره و حج

الف: اقسام عمره

م ﴿ ۱۷۳ ﴾ - عمره مانند حج بر دو قسم است: واجب و مستحب. کسی که شرایط استطاعت را دارد واجب است یک مرتبه در عمر خود عمره گزارد. وجوب عمره مانند حج، فوری است و در وجوب آن استطاعت حج معتبر نیست، بلکه اگر تنها برای گزاردن عمره مستطیع باشد، انجام آن واجب می‌گردد؛ هر چند برای حج مستطیع نباشد. به عکس، اگر تنها برای حج استطاعت داشته باشد و برای عمره مستطیع نباشد، باید حج را بجا آورد؛ هر چند کسانی که از مکه دور هستند؛ مانند: ایرانیان، که وظیفه‌ی آنها حج تمتع است، هیچ‌گاه برای آنان استطاعت حج از استطاعت عمره و استطاعت عمره از استطاعت حج جدا نیست؛ چون حج تمتع مرکب از هر دو عمل است؛ به خلاف کسانی که در مکه یا نزدیک به آن هستند که وظیفه‌ی آنها حج و عمره‌ی مفرده است و می‌توانند تنها برای یکی از دو عمل مستطیع شوند.

م ﴿ ۱۷۴ ﴾ - کسی که می‌خواهد به مکه وارد شود لازم است محرم شود و با احرام وارد آن گردد. برای احرام باید نیت عمره یا حج داشت و اگر وقت انجام حج را ندارد و می‌خواهد وارد مکه شود، واجب است عمره‌ی مفرده بگذارد.

م ﴿ ۱۷۵ ﴾ - اگر شغل وی به‌گونه‌ای است که باید در موارد بسیاری وارد مکه شود، لازم نیست محرم گردد.

م ﴿ ۱۷۶ ﴾ - مستحب است عمره را مانند حج تکرار نماید و می‌توان میان انجام دو عمره کم‌تر از یک ماه فاصله انداخت.

ب: اقسام حج

حج بر سه قسم است: تمتع، قران و افراد.

حج تمتع وظیفه‌ی کسانی است که نزدیک به ۹۶ کیلومتر یا شانزده فرسخ از مکه دور باشند. حج قران و افراد بر کسانی واجب می‌باشد که در محدوده‌ی ۹۶ کیلومتری مکه می‌باشند.

چگونگی حج افراد و عمره‌ی مفرده

م ﴿ ۱۷۷ ﴾ - حج افراد که گاهی وظیفه‌ی کسی است که حج تمتع می‌گذارد، بدین‌گونه انجام می‌گیرد که زن حایض یا کسی که به سبب محدود بودن وقت نمی‌تواند عمره‌ی تمتع را بجا آورد باید حج افراد را قصد کند و با احرام عمره‌ی تمتع که آن را به افراد عدول داده است به عرفات رود و مانند دیگر حججاق وقوف کند و بعد از آن به مشعر رود و وقوف کند و بعد از آن به منی رود و همه‌ی اعمال منی بجز هدی را که بر او واجب نیست بجا آورد و سپس به مکه رود و طواف زیارت و نماز و سعی و طواف نسا و نماز آن را بگذارد و پس از آن از احرام خارج

می‌گردد، و سپس برای بیتوته به منی برگردد و اعمال ایام تشریق را به همان گونه که دیگر حجاج بجا می‌آورند، انجام دهد.

بر این اساس، حج افراد همانند حج تمتع است با این تفاوت که در حج تمتع باید هدی را ذبح کند و ذبح آن در حج افراد واجب نیست، بلکه مستحب است.

م ﴿ ۱۷۸ ﴾ - عمره‌ی مفرده وظیفه‌ی کسی است که حج تمتع وی به حج افراد تبدیل شده است و بعد از حج گزارده می‌شود. این عمره بدین گونه انجام می‌گیرد که به نزدیک‌ترین میقات رود و بهتر است به «جعرانه» یا «حدیبیه» یا «تنعیم» که به مکه نزدیک‌تر است رود، و در آن جا محرم شود، و سپس به مکه آید و طواف کند و سپس نماز آن را بخواند و سعی بین صفا و مروه کند و آنگاه تقصیر نماید یا سر بترشد و طواف نسا بجا آورد و نماز طواف بخواند.

م ﴿ ۱۷۹ ﴾ - ساختار و شکل عمره‌ی مفرده با عمره‌ی تمتع یکسان است و تنها در سه عمل تفاوت دارد:

نخست - در عمره‌ی تمتع باید تقصیر نمود؛ یعنی از مو یا ناخن خود کمی برگرفت، و تراشیدن مو جایز نیست و در عمره‌ی مفرده بین تراشیدن مو و تقصیر اختیار دارد.

دوم - عمره‌ی تمتع طواف نسا ندارد، ولی عمره‌ی مفرده دارد.

سوم - میقات عمره‌ی تمتع یکی از میقات‌های پنج‌گانه است که ذکر آن خواهد آمد، ولی میقات عمره‌ی مفرده نزدیک‌ترین محل خارج از حرم است و می‌توان از یکی از میقات‌های پنج‌گانه محرم شد.

م ﴿ ۱۸۰ ﴾ - اعمال حج افراد؛ همچون احرام، دو وقوف، اعمال منی و اعمال

مکه همانند اعمال حج تمتع است، و احکام آن دو مشترک است، و افعال عمره‌ی تمتع؛ همچون احرام، طواف و دیگر اعمال آن همانند اعمال عمره‌ی مفرده است. م ﴿ ۱۸۱ ﴾ - انجام عمره‌ی تمتع از انجام عمره‌ی مفرده کفایت می‌کند و با آوردن آن لازم نیست عمره‌ی مفرده گزارده شود.

م ﴿ ۱۸۲ ﴾ - کسی که باید حج تمتع بگزارد؛ مانند فردی که شانزده فرسنگ شرعی از مکه دور است، اگر برای عمره استطاعت داشته باشد نه حج، عمره‌ی مفرده بر وی واجب نیست؛ همانند اشخاصی که به نیابت، حج می‌کنند.

م ﴿ ۱۸۳ ﴾ - کسی که برای عمره‌ی مفرده محرم می‌شود همه‌ی چیزهایی که در احرام تمتع گفته می‌شود بر وی حرام می‌گردد و بعد از آن که تقصیر کرد یا موی سر تراشید، همه چیز بر او حلال می‌شود، مگر زن و بعد از آن که طواف نسا را با نماز آن بجا آورد، زن هم بر او حلال می‌شود.

م ﴿ ۱۸۴ ﴾ - طواف نسا در عمره‌ی مفرده بعد از تقصیر یا تراشیدن موی سر انجام می‌گیرد.

م ﴿ ۱۸۵ ﴾ - کسی که به احرام عمره‌ی مفرده وارد مکه می‌شود اگر احرام او در ماه‌های حج باشد، جایز است آن را عمره‌ی تمتع قرار دهد و پس از آن حج تمتع بگزارد و در این صورت، هدی بر او واجب می‌شود.

م ﴿ ۱۸۶ ﴾ - اگر در بین عمره‌ی مفرده در شوط پنجم سعی بیمار شود یا عذری یابد که نتواند عمره را تمام کند و به وطن خود بازگردد و بعد از بهبودی نتواند به مکه بازگردد، باید نایب بگیرد و نایب وی برای خارج شدن وی از احرام، سعی را تمام کند و آن را اعاده نماید و به وی خبر دهد که تقصیر نماید و بعد از تقصیر برای

طواف نسا نایب بگیرد. البته، مورد یاد شده از موارد حصر نیست؛ زیرا شخص یادشده از بیماری خود بهبودی یافته یا عذر اولی وی برطرف شده است و به علت دیگری نمی‌تواند به مکه آید.

م ﴿ ۱۸۷ ﴾ - اگر عمره مفرده را بدون انجام طواف نسا انجام دهد و بخواهد برای عمره تمتع محرم شود، می‌تواند بدون انجام طواف نسا محرم شود و آن را بعد از انجام عمره تمتع بجا آورد.

م ﴿ ۱۸۸ ﴾ - اگر فاصله‌ی میان دو عمره مفرده کم‌تر از یک ماه باشد، عمره دوم را باید به قصد رجا بجا آورد؛ خواه دو عمره را برای خود بگذارد یا هر دو یا یکی از آن را به نیابت از دیگری انجام دهد.

مراد از ماه، یک ماه است، ولی اگر عمره را در بین ماه گزارده باشد، لازم نیست سی روز یا یک ماه یا انجام رجایی آن را مراعات کند و می‌تواند برای آن اجرت بگیرد.

م ﴿ ۱۸۹ ﴾ - اگر زن به نیت عمره مفرده محرم شود و بعد از آن عادت گردد و در همه‌ی روزهایی که می‌تواند در مکه باشد حیض ببیند، در عمره مفرده باید برای طواف و نماز نایب بگیرد و بقیه‌ی اعمال عمره را خود بجا آورد، و چنانچه به وطن بازگشته است، به مکه برود، و اگر نمی‌تواند، برای اعمال عمره نایب بگیرد، ولی باید خود تقصیر کند و ترتیب بین آن و سایر اعمال را مراعات نماید و تا اعمال گفته‌شده را نگذارد، آنچه به وسیله‌ی احرام بر او حرام شده است، بر او حلال نمی‌گردد.

م ﴿ ۱۹۰ ﴾ - طواف در عمره مفرده استحبابی حکم طواف واجب را دارد و

باید نماز آن پشت مقام خوانده شود.

م ﴿ ۱۹۱ ﴾ - می‌توان عمره‌ی مفرده را در ماه‌های حج پیش از عمره‌ی تمتع انجام داد و در این مسأله، بین کسی که اولین حج خود را می‌گذارد (صروره) و دیگران تفاوتی نیست.

م ﴿ ۱۹۲ ﴾ - تأخیر عمره‌ی مفرده در حج افراد؛ به‌گونه‌ای که عرف آن را تأخیر بدانند، بدون هیچ عذری جایز نیست.

م ﴿ ۱۹۳ ﴾ - زنی که احتمال می‌دهد حیض شود و نتواند داخل مسجدالحرام شود، می‌تواند برای عمره‌ی مفرده‌ی مستحبی محرم شود و اگر خون دید و وظیفه‌ی وی نایب گرفتن باشد، برای طواف و نماز نایب بگیرد. مریض نیز همین حکم را دارد، اگر احتمال دهد که نمی‌تواند اعمال عمره‌ی مفرده را انجام دهد.

م ﴿ ۱۹۴ ﴾ - عمره‌ی مفرده را بعد از عمره‌ی تمتع می‌توان انجام داد؛ هرچند کم‌تر از یک ماه فاصله باشد و لازم نیست نیت رجا نماید.

م ﴿ ۱۹۵ ﴾ - کسی که باید عمره‌ی تمتع بگذارد، چنانچه ندانسته به نیت عمره‌ی مفرده محرم شود باید عمره‌ی مفرده را انجام دهد و سپس عمره‌ی تمتع را بجا آورد، و در صورتی که در تطبیق اشتباه نموده باشد، عمره‌ی تمتع به شمار می‌رود و صحیح است.

م ﴿ ۱۹۶ ﴾ - اگر به سبب ندانستن مسأله یا فراموشی، تقصیر را در عمره‌ی مفرده بجا نیاورد و طواف نسا را ترک کند و سپس برای عمره‌ی تمتع محرم شود و آن را بگذارد و سپس متوجه نقص کار خود گردد؛ چنانچه عمره‌ی مفرده را در ماه‌های حج بجا آورده است و می‌خواهد حج مستحبی بگذارد می‌تواند به عمره‌ی تمتع

عدول کند؛ خواه وقت برای اعاده‌ی عمره‌ی تمتع داشته باشد یا نداشته باشد، ولی اگر حج واجب می‌گزارد، کفایت نمی‌کند و باید پس از تقصیر صحیح به میقات رود و دوباره برای عمره‌ی تمتع محرم شود.

م ﴿ ۱۹۷ ﴾ - اگر حج خود را به افراد بدل نماید، باید عمره‌ی مفرده را بعد از حج بجا آورد و تا عمره‌ی مفرده را انجام ندهد نمی‌تواند برای عمره و حج دیگری محرم شود؛ هرچند اگر چنین کند، عمره و حج وی صحیح است.

م ﴿ ۱۹۸ ﴾ - اگر در مکه مقیم شود و قصد مجاورت در مکه نماید و بعد از دو سال مستطیع شود، حکم اهل مکه را دارد.

توجه و یادآوری

م ﴿ ۱۹۹ ﴾ - از آنجا که حج قران واجب تعیینی نیست و مورد ابتلا نمی‌باشد، برای دانستن احکام آن به کتاب‌های تفصیلی مراجعه شود.

حج تمتع

ساختار اجمالی حج تمتع

م ﴿ ۲۰۰ ﴾ - حج تمتع از عمره‌ی تمتع و حج تمتع تشکیل می‌شود. عمره‌ی تمتع بر حج تقدم دارد.

م ﴿ ۲۰۱ ﴾ - عمره‌ی تمتع دارای پنج جزء است:

احرام، طواف کعبه، نماز طواف، سعی میان کوه صفا و مروه و نیز تقصیر؛ یعنی گرفتن قدری از مو یا ناخن.

م ﴿ ۲۰۲ ﴾ - وقتی محرم پنج عمل گفته شده را بجا آورد هر آنچه که به سبب احرام بر وی حرام شده بود، بر او حلال می‌شود.

م ﴿ ۲۰۳ ﴾ - حج تمتع دارای سیزده عمل است:

احرام در مکه، وقوف به عرفات، وقوف به مشعر الحرام، انداختن سنگریزه به جمره‌ی عقبه در منا (رمی جمرات)، قربانی در منا، تراشیدن موی سر یا تقصیر کردن در منا، طواف زیارت در مکه، دو رکعت نماز طواف، سعی بین صفا و مروه،

طواف نسا، دو رکعت نماز طواف نسا، ماندن به منی در شب یازدهم، شب دوازدهم و شب سیزدهم برای برخی از حاجیان و نیز رمی جمرات در روز یازدهم و دوازدهم. البته اشخاصی که شب سیزدهم در منی مانده‌اند باید در روز سیزدهم رمی جمرات کنند.

م ﴿ ۲۰۴ ﴾ - لازم نیست مکلف، اعمال حج و عمره را قبل از ورود به عمره و حج؛ هر چند به صورت اجمالی بداند، بلکه کافی است نیت کند عمره‌ی تمتع و عبادتی را که خداوند بر او واجب کرده است می‌گزارد یا حج تمتع را به گونه‌ای که بر او واجب است انجام می‌دهد؛ پس اگر چگونگی و تفصیل هر یک از اعمال را در وقت عمل از رساله یا به گونه‌ی دیگر یاد بگیرد و عمل کند، بسنده است؛ هر چند فراگرفتن اجمالی آن بهتر است.

توضیح هر یک از اعمال عمره‌ی تمتع و حج تمتع در بخش‌های آینده به ترتیب خواهد آمد.

بخش سوم عهده‌دار بیان اعمال عمره‌ی تمتع و بخش‌های دیگر احکام و مسایل حج تمتع را توضیح می‌دهد.

بخش سوم:

عمره‌ی تمتع

میقات و محل احرام

م ﴿ ۲۰۵ ﴾ - محل احرام عمره‌ی تمتع - که آن را میقات می‌نامند - پنج مکان زیر است و هر مکان، ویژه‌ی افرادی است که از آن مسیر به طرف مکه می‌روند. نخست - مسجد شجره (ذو الحلیفه)، این مکان، میقات کسانی است که از مدینه‌ی منوره به مکه می‌روند.

م ﴿ ۲۰۶ ﴾ - در موارد ضروری می‌توان احرام را از مسجد شجره تا میقات اهل شام تأخیر انداخت.

م ﴿ ۲۰۷ ﴾ - چنانچه در داخل مسجد شجره یا در محاذی و برابر مسجد از طرف راست یا چپ قرار گیرد، می‌تواند محرم شود.

م ﴿ ۲۰۸ ﴾ - جنب و حیض می‌توانند در حال عبور از مسجد محرم شوند، و نباید در مسجد توقف کنند.

م ﴿ ۲۰۹ ﴾ - اگر جنب به سبب زیادی جمعیت نتواند در حال عبور از مسجد احرام ببندد، و آب برای غسل نباشد، و نتواند صبر کند تا آب بیابد، باید تیمم کند و

داخل یا خارج مسجد احرام ببندد.

م ﴿ ۲۱۰ ﴾ - اگر حیض نتواند تا وقت پاک شدن صبر کند، نزدیک مسجد محرم شود و در «جحفه» یا برابر آن دوباره احرام ببندد.

دوم - وادی عقیق (ابتدای آن را «مسلخ» و میانه‌ی آن را «غمره» و پایان آن را «ذات عرق» می‌گویند) محل احرام اهل سنت و میقات کسانی است که از راه عراق و نجد به مکه می‌روند.

سوم - قرن المنازل میقات کسانی است که از راه طایف به حج می‌روند.
چهارم - یلملم (نام کوهی است در مکه)؛ میقات کسانی است که از راه یمن به حج می‌روند.

پنجم - جحفه؛ میقات کسانی است که از راه شام به مکه می‌روند.

احکام میقات

م ﴿ ۲۱۱ ﴾ - اگر دو شاهد عادل شهادت دهند که این مکان میقات است، جست‌وجو لازم نیست، و اگر اطمینان و بینهی شرعی ممکن به دست نیآورد، می‌تواند به گمانی که به سبب پرسش از اهل اطلاع به دست می‌آورد، بسنده نماید.

م ﴿ ۲۱۲ ﴾ - چنانچه مسیر وی از راهی است که به هیچ یک از میقات‌ها عبور نمی‌نماید، لازم است از محاذات و برابر میقات احرام ببندد.

م ﴿ ۲۱۳ ﴾ - اگر مسیر عبور وی به گونه‌ای است که با دو میقات برابری می‌یابد، از میقاتی که در نخستین مرتبه با آن محاذات می‌یابد احرام ببندد، و در برابر میقات بعد، دوباره نیت احرام نماید.

م ﴿ ۲۱۴ ﴾ - اگر از برابر میقاتی غیر از مسجد شجره عبور می‌کند، دوباره در محاذات میقات، احرام ببندد.

م ﴿ ۲۱۵ ﴾ - مستطیع اگر احرام را به عمد و از روی علم از میقات تأخیر بیندازد و نتواند به سبب عذری به آن‌جا بازگردد و میقات دیگری در پیش نداشته باشد، حج وی باطل است، و باید سال دیگر حج بگذارد.

م ﴿ ۲۱۶ ﴾ - اگر بنخواهد از محاذی و برابر میقات محرم شود؛ چنانچه محاذات را نداند، باید از آگاهانی که مورد اطمینان هستند پرسد، و گفته‌ی کسی که به آن مکان آگاهی ندارد معتبر نیست، و اگر محاذات را تشخیص ندهد، قبل از رسیدن به محلی که احتمال می‌دهد از محاذات گذشته است محرم شود.

م ﴿ ۲۱۷ ﴾ - مراد از محاذات و برابری آن است که اگر به سمت مکه می‌رود، به جایی برسد که میقات به طرف راست یا چپ وی به صورت خطی راست و مستقیم قرار گیرد؛ به‌گونه‌ای که اگر از آن‌جا بگذرد، میقات به پشت وی متمایل شود.

م ﴿ ۲۱۸ ﴾ - محاذات به علم و به دو شاهد عادل ثابت می‌شود، و اگر نتوان آن دو را به دست آورد، می‌تواند به گمان حاصل از گفته‌ی آگاهان به آن مکان‌ها و گفته‌ی کارشناسان و اهل خبره‌ای که بر اساس قواعد علمی محاذات را تعیین می‌کنند بسنده نماید.

م ﴿ ۲۱۹ ﴾ - اگر به سبب فراموشی یا ندانستن مسأله یا عذر دیگری بدون احرام از میقات عبور کند؛ چنانچه می‌تواند، باید به میقات بازگردد و از آن‌جا احرام ببندد؛ خواه داخل حرم شده باشد یا نه، و اگر نمی‌تواند، در صورتی که داخل حرم نشده

است، از همان جا احرام ببندد، و مستحب است هر مقدار می تواند به طرف میقات بازگردد و از آن جا محرم شود، و اگر وارد حرم شده است، در صورتی که می تواند از حرم خارج شود و برای انجام و اعمال عمره وقت دارد، لازم است از حرم خارج شود و محرم گردد، و اگر نمی تواند، از همان جا احرام ببندد، و مستحب است هر اندازه می تواند به سمت بیرون حرم بازگردد و از آن جا محرم شود.

م ﴿ ۲۲۰ ﴾ - حیض؛ اگر حکم مسأله را نداند و براین باور باشد که نباید در میقات محرم شود و از آن جا احرام ببندد، همین حکم را دارد.

م ﴿ ۲۲۱ ﴾ - پیش از رسیدن به میقات نمی توان احرام بست، و اگر چنین نماید، صحیح نیست، ولی اگر نذر کند که پیش از میقات احرام ببندد، جایز است، و باید از همان جا محرم شود؛ برای نمونه، اگر نذر کند که از شهر «قم» محرم شود، واجب است چنین کند، و بهتر آن است که به میقات یا محاذات میقات که رسید، دوباره احرام ببندد.

م ﴿ ۲۲۲ ﴾ - احرام را نمی توان به اختیار از میقات تأخیر انداخت، بلکه واجب است از محاذات میقات بدون احرام عبور نکند؛ اگرچه میقات دیگری بعد از آن باشد.

م ﴿ ۲۲۳ ﴾ - اگر از میقات بدون احرام عبور نماید، لازم است در صورت امکان بازگردد و از همان میقات محرم شود، بلکه اگر میقات دیگری بعد از آن میقات باشد، باید به میقاتی که از آن گذشته است برگردد و محرم شود.

م ﴿ ۲۲۴ ﴾ - باید از مسجد شجره احرام بست؛ نه از اطراف آن، و از هر جای مسجد که احرام بسته شود؛ حتی در بخش توسعه یافته‌ی آن، بسنده است، ولی

بهتر است در محل اصلی مسجد محرم شود.

م ﴿ ۲۲۵ ﴾ - اگر زن در میقات حیض باشد و یقین کند که نمی‌تواند عمره‌ی تمتع را در وقت خود انجام دهد، لازم است نیت حج افراد کند و برای حج افراد محرم شود، ولی چنانچه بعد از آن کشف خلاف شود، در صورتی که برای حجة الاسلام محرم شده، احرام او باطل است و باید دوباره برای عمره‌ی تمتع محرم شود.

م ﴿ ۲۲۶ ﴾ - اگر با هواپیما به جده رود، نمی‌تواند از جده یا حدیبیه محرم شود، بلکه باید به یکی از میقات‌های دیگر؛ مانند: جحفه، یا محاذات آن برود و از آنجا محرم گردد و اگر از مدینه برود، باید از مسجد شجره محرم شود. در این حکم، بین این که قصد عمره‌ی تمتع یا مفرده داشته باشد تفاوتی نیست و حدیبیه میقات عمره‌ی مفرده برای کسانی است که در مکه می‌باشند.

م ﴿ ۲۲۷ ﴾ - کسی که میقات را نمی‌شناسد نمی‌تواند به گفته‌ی راهنما (بلد) یا کاروان‌دار محرم شود، مگر آن که از گفته‌ی وی اطمینان یابد و در غیر این صورت، باید به عرف محل مراجعه نماید.

م ﴿ ۲۲۸ ﴾ - اگر در غیر ماه‌های حج به مکه رود و عمره‌ی مفرده بجا آورد و در مکه بماند تا در ماه‌های حج، عمره‌ی تمتع گذارد، باید به یکی از میقات‌ها برود و نمی‌تواند از تنعیم محرم شود.

م ﴿ ۲۲۹ ﴾ - چنانچه برای عمره‌ی مفرده به مکه رود و باید برای بستن احرام به میقات‌های گفته شده برود، نمی‌تواند بدون احرام از میقات بگذرد و در صورت گذشتن، لازم است به میقات بازگردد و از آنجا محرم شود و در صورتی که نمی‌تواند بازگردد، از هر مکانی که هست می‌تواند محرم شود.

م ﴿ ۲۳۰ ﴾ - اگر در مکه باشد و بخواهد عمره‌ی تمتع بجا آورد و برای رفتن به میقات عمره‌ی تمتع عذر داشته باشد، لازم است بیرون از حرم رود و می‌تواند از نزدیک‌ترین محل به حرم محرم شود.

م ﴿ ۲۳۱ ﴾ - میقات شاغلان و کارگزاران و افراد مقیم در جده در عمره‌ی تمتع و مفرده همان میقات‌های پنج‌گانه است؛ نه جده یا نزدیک‌ترین محل به حرم، و اگر به سبب ندانستن مسأله در جای دیگری محرم شوند، احرام آن‌ها صحیح نیست و محرمات احرام بر آنان حرام نمی‌شود. همچنین است، اگر با آگاهی و به‌عمد از جای دیگر محرم شوند؛ هرچند در صورت ناآگاهی، در صورتی که بعد از انجام اعمال، مسأله را بدانند، عمل آنان صحیح است.

م ﴿ ۲۳۲ ﴾ - کارگزاران و کارگران کاروان‌هایی که به مکه می‌روند و بعد از آن از مکه خارج می‌شوند، نمی‌توانند عمره‌ی تمتع انجام دهند، بلکه برای وارد شدن به مکه باید به یکی از میقات‌های پنج‌گانه بروند و از آن جا برای عمره‌ی مفرده محرم شوند. نزدیک‌ترین محل به حرم، میقات آنان به شمار نمی‌رود. آنان پس از انجام اعمال عمره‌ی مفرده می‌توانند از مکه خارج شوند، و در صورت خارج شدن از مکه؛ چنانچه فقط به جده بیایند، برای وارد شدن به مکه در مرتبه‌ی بعد بر آنان، احرام واجب نیست، ولی اگر به مدینه بروند و بخواهند از آن جا به مکه وارد شوند، باید در مسجد شجره برای گزاردن عمره‌ی مفرده‌ی دیگر محرم شوند، و در صورتی که میان عمره‌ی مفرده دوم و عمره‌ی مفرده‌ی نخست یک ماه فاصله نباشد، لازم نیست عمره‌ی دوم را بجا انجام دهند، و در هر صورت، در آخرین مرتبه‌ای که به مکه می‌روند باید به یکی از میقات‌های گفته شده؛ مانند: مسجد شجره یا جحفه،

بروند و از آنجا برای عمره‌ی تمتع محرم شوند.

م ﴿ ۲۳۳ ﴾ - زنی که به سبب عادت ماهانه نمی‌تواند داخل مسجد شجره محرم شود، باید در خارج آن محرم شود و در محاذی و برابر جحفه احرام را تجدید نماید و با توجه به این که محاذی جحفه نقطه‌ی مشخصی نیست، وی می‌تواند به جحفه رود و در آنجا تجدید احرام کند، و چنانچه حدود محاذات را تشخیص دهد و در تمام آن حد با بقای نیت، تلبیه را تکرار کند، کفایت می‌کند.

م ﴿ ۲۳۴ ﴾ - اگر از راه طائف به مکه عازم شود و قبل از رسیدن به قرن المنازل از راه وادی عقیق به آنان اجازه‌ی عبور دهند و نه از راه قرن المنازل، باید در وادی عقیق محرم شود و احرام وی صحیح است.

م ﴿ ۲۳۵ ﴾ - زن حیض می‌تواند در خارج مسجد شجره محرم شود و می‌تواند با نذر نمودن قبل از میقات محرم شود، چنانچه می‌تواند، با نذر در مدینه برای عمره محرم شود و در این صورت لازم نیست به مسجد شجره برود.

م ﴿ ۲۳۶ ﴾ - زن حیضی که از مدینه عازم مکه است و با این گمان که در حال عبور در مسجد شجره می‌تواند محرم شود، ولی در حیاط مسجد به جهت ازدحام نتواند با عبور محرم شود، می‌تواند با احراز این که قبل از میقات است، با نذر در خارج از مسجد و پیش از میقات محرم شود.

م ﴿ ۲۳۷ ﴾ - اگر زن در حال حیض به گمان این که می‌تواند در حال عبور در مسجد شجره احرام ببندد، وارد مسجد شود و بی‌درنگ محرم شود و تلبیه گوید و چند قدمی به طرف دری رود که می‌خواهد از آن خارج شود، ولی به جهت کثرت جمعیت نتواند از آن عبور نماید و از همان دری که وارد شده بود خارج شود، احرام

وی صحیح است.

م ﴿ ۲۳۸ ﴾ - ناشنوایی که لکنت زبان دارد و نمی‌تواند به‌درستی سخن گوید؛ چنانچه بدون نیت و تلبیه وارد مکه شود، باید به میقات بازگردد و با نیت و تلبیه محرم شود؛ هرچند با بردن همراه باشد، و اگر نمی‌تواند به میقات رود، باید در بیرون از حرم محرم شود، و در صورتی که نمی‌تواند تلبیه را به‌درستی بگوید؛ هرچند با تلقین باشد، به هرگونه‌ای که می‌تواند آن را بگوید و چنانچه ترجمه‌ی آن را بگوید، کافی است.

م ﴿ ۲۳۹ ﴾ - میقات در جحفه ویژه‌ی مسجد نیست و از هر جای جحفه می‌توان محرم شد. همچنین مسجد تنعیم ویژگی ندارد و احرام از نزدیک‌ترین محل به حرم صحیح است؛ هرچند در مسجد نباشد. بنابراین، در صورت توسعه‌ی مسجد با صدق اطلاق جحفه بر آن، احرام درست است.

م ﴿ ۲۴۰ ﴾ - برای کاری ضروری؛ مانند: آوردن وسایل خود از جحفه، می‌توان پیش از خارج شدن از احرام عمره به جحفه رفت، ولی اگر اعمال عمره‌ی تمتع را انجام داده و از احرام خارج شده باشد، نمی‌تواند از مکه خارج شود، مگر در مورد ضرورت و در حالی که به احرام حج محرم است.

م ﴿ ۲۴۱ ﴾ - اگر از جده محرم شود و اعمال عمره‌ی تمتع را انجام دهد؛ چنانچه از رفتن به میقات عذر نداشته باشد و برای انجام عمره‌ی تمتع وقت دارد، باید به میقات رود و محرم شود و دوباره عمره‌ی تمتع را انجام دهد، و چنانچه رفتن به میقات ممکن نیست به خارج حرم رود و از آن جا محرم شود.

م ﴿ ۲۴۲ ﴾ - کسی که برای عمره‌ی تمتع در یکی از میقات‌ها محرم شده است

می تواند به طرف خلاف مکه رود و بعد از چند روز به مکه بازگردد؛ برای نمونه، از مسجد شجره به مدینه و بعد از همان راه یا راه دیگر به مکه رود.

م ﴿ ۲۴۳ ﴾ - پس از اتمام حج تمتع؛ اگر از مکه خارج شود و بخواهد با آن بازگردد، در صورتی که از وقت احرام عمره‌ی تمتع یک ماه نگذشته باشد، لازم نیست محرم شود و می تواند بدون احرام وارد مکه شود.

م ﴿ ۲۴۴ ﴾ - کسی که عمره‌ی مفرده انجام داده است می تواند در فاصله‌ی کم تر از یک ماه و در همان ماهی که محرم شده است بدون احرام از میقات بگذرد.

م ﴿ ۲۴۵ ﴾ - کسی که در جده یا مدینه دیوانه می گردد، لازم نیست با احرام وارد مکه شود؛ چرا که مجنون، تکلیف ندارد.

م ﴿ ۲۴۶ ﴾ - اگر زن حیضی که نمی تواند صبر کند تا پاک شود، نزدیک مسجد شجره محرم شود، به سبب عذری محاذی جحفه احرام خود را تجدید نکند، و وارد مکه شود، لازم نیست بازگردد. البته، تمام ذوالحلیفه میقات است؛ نه مسجد شجره.

م ﴿ ۲۴۷ ﴾ - اگر بعد از خارج شدن از میقات در بین راه متوجه شود که تلبیه را نگفته یا نیت کرده است و یا به جهت دیگری احرام را به درستی نبسته است و می تواند از همان جا به میقات بازگردد؛ هر چند در مکه باشد، باید به میقات بازگردد و نمی تواند برای عمل واجب از غیر میقات محرم شود، ولی برای وارد شدن به مکه می تواند از نزدیک ترین محل به حرم به نیت عمره‌ی مفرده محرم شود و بعد از اعمال آن، به یکی از میقات های پنج گانه رود و برای عمره‌ی تمتع احرام ببندد.

م ﴿ ۲۴۸ ﴾ - اگر زن بدون اذن شوهر نذر کند و با همان نذر محرم شود، در صورتی

که نذر وی با حق شوهر ناسازگار نباشد، اذن شوهر را نیاز ندارد و نذر احرام و تمام اعمال او درست است.

م ﴿ ۲۴۹ ﴾ - نایب می‌تواند نذر احرام را قبل از میقات انجام دهد.

م ﴿ ۲۵۰ ﴾ - هرگاه حیض یا جنب به گناه وارد مسجد شجره شود و مانند دیگران توقف نماید و محرم شود، احرام وی صحیح است.

م ﴿ ۲۵۱ ﴾ - کسانی که در مکه به صورت موقت اقامت دارند نه دائم، اگر نمازهای فریضه‌ی آنها تبدیل و شکسته نشده است، باید از میقات‌های پنج‌گانه محرم شوند، و اگر تبدیل شده، میقات آنها مکه است.

م ﴿ ۲۵۲ ﴾ - اگر بدون احرام، به عمد یا به جهل یا به سهو وارد مکه شود و به سببی نتواند به میقات رود، باید از نزدیک‌ترین مکان به حرم محرم شود، مگر آن که ترک احرام از میقات بدون عذر باشد، که در این صورت نمی‌تواند حج بجا آورد و چنانچه مستطیع است، سال بعد باید حج انجام دهد، البته، گرانی بیش از حد کرایه‌ی بازگشت به میقات عذر نیست، مگر آن که حرج و سختی غیر متعارف را در پی داشته باشد.

واجبات احرام

م ﴿ ۲۵۳ ﴾ - واجبات احرام عبارت است از: نیت، تلبیه و پوشیدن دو جامه‌ی احرام.

نیت

م ﴿ ۲۵۴ ﴾ - انسان در حالی که می‌خواهد برای عمره‌ی تمتع احرام ببندد باید عمره‌ی تمتع را نیت کند و قصد ترک محرمات احرام لازم نیست، بلکه کسی که به قصد عمره‌ی تمتع یا حج تمتع لبیک‌های واجب را می‌گوید محرم می‌شود؛ خواه قصد احرام بکند یا نکند و خواه ترک محرمات را قصد کند یا نکند؛ پس کسی که می‌داند برخی از محرمات؛ مانند: زیر سایه رفتن در حال سفر را انجام می‌دهد، احرام او صحیح است؛ البته، این حکم در محرماتی است که عمره یا حج را باطل نمی‌کند؛ مانند: بیش‌تر محرمات، اما آنچه عمره یا حج را باطل می‌کند؛ مانند: نزدیکی با زن در برخی از صورت‌های آن که ذکر خواهد شد، با قصد ارتکاب آن عمل، احرام باطل، بلکه غیر ممکن می‌گردد.

م ﴿ ۲۵۵ ﴾ - عمره، حج و اجزای آنها عبادت است و باید با نیت خالص برای اطاعت از خداوند متعال بجا آورده شود.

م ﴿ ۲۵۶ ﴾ - اگر عمره را به ریا یا غیر آن باطل کند، واجب است حج افراد بجا آورد و پس از آن عمره‌ی مفرده انجام دهد و در سال دیگر حج را اعاده کند.

م ﴿ ۲۵۷ ﴾ - اگر حج را به نیت خالص بجا نیاورد و آن را به ریا و غیر آن باطل کند، باید سال دیگر عمره و حج را اعاده کند.

م ﴿ ۲۵۸ ﴾ - اگر برخی از ارکان عمره یا حج را به نیت خالص نیاورد و به ریا و غیر آن باطل نماید و نتواند آن را جبران کند، در عمره، حکم بطلان عمره، و در حج، حکم بطلان حج را دارد، ولی در صورتی که محل جبران آن باقی است و جبران نماید، عمل وی صحیح است؛ اگرچه معصیت کرده است.

م ﴿ ۲۵۹ ﴾ - اگر به سبب ندانستن مسأله یا جهت دیگری به جای نیت عمره‌ی تمتع، حج تمتع را قصد کند؛ در صورتی که در نظری آن است که همین عمل را که همه بجا می‌آورند او هم انجام دهد و گمان نماید جزو اول از دو جزو حج، حج تمتع نام دارد، عمل او صحیح است و عمره‌ی تمتع به شمار می‌رود، و بهتر است نیت را تجدید کند.

م ﴿ ۲۶۰ ﴾ - اگر به سبب ندانستن مسأله یا جهت دیگری گمان کند که حج تمتع بر عمره‌ی تمتع تقدم دارد و نیت حج تمتع کند و قصد نماید که پس از احرام به عرفات و مشعر رود و حج بگذارد و عمره را پس از آن بجا آورد، احرام باطل است، و باید در میقات تجدید احرام نماید، و در صورتی که از میقات بگذرد؛ چنانچه می‌تواند، باید به میقات بازگردد و محرم شود، و در غیر این صورت از همان جا

محرم شود، و اگر وارد حرم شود و متوجه گردد، باید در صورت امکان از حرم خارج و در آن جا محرم شود، و چنانچه نمی‌تواند، از همان جا محرم گردد.

تلبیه (لبيك گفتن)

م ﴿ ٢٦١ ﴾ - تلبیه بدین‌گونه گفته می‌شود: «لبيك، اللهم لبيك، لبيك، لا شريك لك لبيك».

و اگر به همین مقدار بسنده نماید، احرام وی صحیح است.

م ﴿ ٢٦٢ ﴾ - پسندیده است پس از آن‌که چهار «لبيك» را به صورت یاد شده گفت، بگوید: «أَنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ لَبِيكَ».

و پس از آن بگوید: «لبيك، اللهم لبيك، لبيك، أَنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ لَكَ وَالْمَلِكَ، لَا شَرِيكَ لَكَ، لَبِيكَ».

و مستحب است بعد از آن بگوید: «لبيك ذا المعارج، لبيك، لبيك، داعياً إلى دار السلام، لبيك، لبيك غفار الذنوب، لبيك، لبيك، أهل التلبية لبيك، لبيك ذا الجلال والإكرام، لبيك، لبيك، تبدء والمعاد إليك لبيك، لبيك تستغني ويفتقر إليك لبيك، لبيك مرهوباً ومرغوباً إليك لبيك، لبيك إله الحق لبيك، لبيك ذا النعماء والفضل الحسن الجميل لبيك، لبيك كشاف الكرب العظام لبيك، لبيك عبدك وابن عبدك لبيك، لبيك يا كريم لبيك».

و پسندیده است این جملات را نیز بگوید:

«لبيك؛ أتقرب إليك بمحمد وآل محمد ﷺ، لبيك، لبيك بحجة وعمرة لبيك، لبيك وهذه عمرة متعة إلى الحج، لبيك، لبيك أهل التلبية، لبيك، لبيك تلبية تمامها وبلاغها عليك».

م ﴿ ۲۶۳ ﴾ - باید اندازه‌ی واجب لبیک را صحیح و درست تلفظ نماید، همان‌گونه که صحیح گفتن تکبیرة الاحرام در نماز واجب است.

م ﴿ ۲۶۴ ﴾ - اگر تلبیه را به اندازه‌ی واجب - که ذکر آن گذشت - نداند، باید آن را فرا گیرد یا دیگری در وقت گفتن به او تلقین نماید و کلمه کلمه‌ی آن شخص را به‌گونه‌ی صحیح بگوید.

م ﴿ ۲۶۵ ﴾ - اگر نتواند تلبیه را فرا گیرد یا وقت یاد گرفتن نداشته باشد و با تلقین هم نتواند آن را بگوید؛ به هر گونه‌ای که می‌تواند آن را بر زبان آورد، و ترجمه‌ی آن را هم بگوید، و نیازی به نایب گرفتن نیست.

م ﴿ ۲۶۶ ﴾ - اگر گفتن لبیک را فراموش کند یا آن را به سبب ندانستن حکم نگوید؛ چنانچه به حرم وارد نشده است لازم است در صورت امکان به میقات باز گردد و احرام بندد و لبیک گوید، و اگر نتواند باز گردد، در همان‌جا تلبیه بگوید، و اگر داخل حرم شده، واجب است به بیرون حرم بازگردد و احرام ببندد و لبیک گوید، و اگر ممکن نیست، در همان‌جا محرم شود و لبیک گوید، و در صورتی که بعد از گذشت وقت جبران، آن را به یاد آورد، صحیح است.

م ﴿ ۲۶۷ ﴾ - اگر لبیک واجب را نگوید؛ خواه به واسطه‌ی عذری باشد یا بدون عذر، چیزهایی که بر محرم حرام است بر او حرام نمی‌شود، و در صورتی که چیزی را که در احرام سبب کفاره می‌شود بجا آورد، کفاره ندارد. همچنین است اگر لبیک را به ریا باطل نماید.

م ﴿ ۲۶۸ ﴾ - اگر بعد از گفتن لبیک واجب در میقات فراموش کند که نیت عمره‌ی تمتع کرده است یا نیت حج تمتع، باید بنا گذارد بر این که نیت عمره‌ی تمتع کرده، و

عمره‌ی او صحیح است. همچنین است اگر بعد از گفتن لبیک در روز هشتم و برای حج تمتع فراموش کند لبیک را برای حج گفته است یا برای عمره، که در این صورت، بنا گذارد که آن را برای حج تمتع گفته، و حج وی صحیح است و پسندیده است تلبیه را دوباره بگوید.

م ﴿ ۲۶۹ ﴾ - لبیک واجب را نمی‌توان از میقات تأخیر انداخت، و اگر چنین نماید، باید به حکمی که در مسأله‌ی (۲۶۷) ذکر شد، عمل نماید.

م ﴿ ۲۷۰ ﴾ - در تلبیه، گفتن یک مرتبه لبیک واجب است و تکرار آن مستحب می‌باشد و هرچه بیش‌تر بگوید، بهتر است، و گفتن هفتاد مرتبه‌ی آن ثواب بسیاری دارد و لازم نیست آنچه را در حال بستن احرام گفته است تکرار نماید، بلکه کافی است بگوید: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ» یا تنها «لَبَّيْكَ» را تکرار کند.

م ﴿ ۲۷۱ ﴾ - اگر برای عمره‌ی تمتع احرام بسته است، هنگامی که خانه‌های مکه را می‌بیند لبیک را ترک نماید و دیگر لبیک نگوید. مراد از خانه‌های مکه خانه‌هایی است که در زمان انجام عمره جزو مکه است؛ هر چند مکه توسعه یافته باشد. کسی که برای حج محرم شده است، لبیک را تا ظهر روز عرفه گوید، نه بیش‌تر از آن.

پوشیدن جامه‌ی احرام

م ﴿ ۲۷۲ ﴾ - برای بستن احرام، مرد باید دو جامه‌ی احرام که به یکی «لنگ» و به دیگری «ردا» گفته می‌شود بپوشد و به دوش اندازد. این دو جامه قبل از نیت احرام و گفتن لبیک پوشیده می‌شود و اگر بعد از لبیک پوشیده شود، لازم است لبیک را دوباره بگوید.

م ﴿ ۲۷۳ ﴾ - لنگ، باید به گونه‌ی متعارف، ناف و زانو را بپوشاند.

م ﴿ ۲۷۴ ﴾ - در پوشیدن دو جامه‌ی احرام ترتیب خاص یا کیفیتی ویژه معتبر نیست، و تنها باید یکی را لنگ و دیگری را ردا قرار دهد، و مستحب است ردا شانه‌ها را بپوشاند.

م ﴿ ۲۷۵ ﴾ - در حال اختیار به یک جامه‌ی بلند بسنده نکند؛ بدین‌گونه که بخشی از آن را لنگ و بخش دیگر را ردا قرار دهد، بلکه باید دو جامه‌ی جدا بپوشد.

م ﴿ ۲۷۶ ﴾ - در پوشیدن جامه‌ی احرام، قصد اطاعت الهی لازم است و به هنگام از برگرفتن جامه‌ی دوخته هم پسندیده است قصد اطاعت الهی کند.

م ﴿ ۲۷۷ ﴾ - باید دو جامه‌ی احرام شرایط پوشش نماز را داشته باشد و گزاردن نماز در آن صحیح باشد؛ بنابراین، پوشیدن جامه‌ی حریر یا جامه‌ای که به غیر امور بخشیده شده در نماز نجس باشد، صحیح نیست.

م ﴿ ۲۷۸ ﴾ - لنگ نباید نازک باشد؛ به طوری که بدن نما باشد. مستحب است ردا نیز بدن نما نباشد.

م ﴿ ۲۷۹ ﴾ - لباس احرام زن نباید از حریر خالص باشد، بلکه واجب است تا پایان احرام حریر نباشد.

م ﴿ ۲۸۰ ﴾ - زن می‌تواند در لباس خود به هر گونه که هست محرم شود؛ خواه جامه‌ی وی دوخته شده باشد یا نباشد، ولی لازم است حریر خالص نباشد.

م ﴿ ۲۸۱ ﴾ - اگر به هنگام انجام اعمال یا در وقت دیگری دو جامه‌ی یاد شده نجس شود، لازم است آن را تطهیر یا تبدیل کند. همچنین است اگر در حال احرام بدن وی نجس شود که باید آن را تطهیر نماید.

م ﴿ ۲۸۲ ﴾ - اگر جامه‌ی احرام یا بدن را تطهیر نکند، کفاره ندارد.

م ﴿ ۲۸۳ ﴾ - لازم است جامه‌ی احرام از پوست نباشد. البته اگر به آن جامه گفته شود، اشکال ندارد.

م ﴿ ۲۸۴ ﴾ - جامه‌ی احرام لازم نیست منسوج و بافتنی باشد، بلکه اگر همانند «نمد» مالیده باشد و جامه به آن گفته شود، اشکال ندارد.

م ﴿ ۲۸۵ ﴾ - پسندیده است محرم در صورتی که جامه‌ی احرام خود را تعویض نموده است وقتی که وارد مکه می‌شود، همان جامه‌ای را که در آن محرم شده است برای طواف بپوشد.

م ﴿ ۲۸۶ ﴾ - اگر محرم به پوشیدن قبا یا پیراهن برای سردی هوا یا غیر آن ناچار شود، می‌تواند قبا و پیراهن بپوشد، ولی باید قبا را به عکس؛ پایین و بالا و پشت و رو نماید و به دوش اندازد، و دست از آستین آن بیرون نیاورد، و باید پیراهن نپوشد و آن را به دوش اندازد، و اگر اضطرار و ناچاری وی بدون پوشیدن قبا و پیراهن برطرف نمی‌شود، می‌تواند آن را بپوشد.

م ﴿ ۲۸۷ ﴾ - لازم نیست جامه‌ی احرام را همیشه در بر داشته باشد بلکه می‌تواند آن را عوض کند یا برای شستن بیرون آورد و برای حمام رفتن از خود جدا نماید، بلکه جایز است به هنگام نیاز هر دو را بیرون آورد و برهنه شود.

م ﴿ ۲۸۸ ﴾ - محرم می‌تواند به سبب سردی هوا یا غیر آن بیش‌تر از دو جامه‌ی احرام بپوشد، مانند دو یا سه ردا و دو یا سه لنگ.

م ﴿ ۲۸۹ ﴾ - اگر لباس احرام را به عمد نپوشد یا در حالی که می‌خواهد محرم شود لباس دوخته شده بپوشد، گناه کرده است؛ هرچند به احرام وی ضرر نمی‌رساند و احرام او صحیح است، و اگر از روی عذر باشد، گناه نکرده و احرام وی صحیح

است اما در هر دو صورت لازم است کفاره بپردازد.

م ﴿ ۲۹۰ ﴾ - گره زدن لباس احرام اشکال ندارد ولی واجب است لنگ را به گردن گره نزنند، و اگر از روی ناآگاهی یا فراموشی آن را گره زند، باید بی درنگ آن را باز کند، ولی به احرام او ضرر نمی‌رساند و چیزی بر او نیست، و گذاشتن سنگ در جامه‌ی احرام یا با نخ بستن آن جایز است.

م ﴿ ۲۹۱ ﴾ - در بستن احرام، پاک بودن از حدث اصغر و اکبر شرط نیست، پس می‌توان در حال جنابت، حیض و نفاس محرم شد، بلکه غسل احرام برای حیض و نفسا مستحب است.

م ﴿ ۲۹۲ ﴾ - اگر بعد از آن که محرم شد پیراهن بپوشد لازم است پیراهن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، ولی چنانچه در پیراهن محرم شود، لازم نیست آن را شکاف دهد و از پایین بیرون آورد، بلکه کافی است تنها آن را از خود جدا کند و لباس احرام بپوشد، و در هر دو صورت، احرام او صحیح است.

م ﴿ ۲۹۳ ﴾ - اگر احرام را فراموش کند و آن را به یاد نیاورد تا آن که همه‌ی واجبات را انجام دهد و نتواند آن را جبران کند، عمره‌ی او صحیح است و اگر اعمال حج را تمام کرد و سپس به یاد آورد، عمل وی صحیح است.

م ﴿ ۲۹۴ ﴾ - اگر در وقت احرام قصد کند برای عمره‌ی تمتع یا غیر آن محرم می‌شود یا احرام می‌بندد، به احرام ضرر نمی‌زند؛ هر چند قصد احرام لازم نیست، و احرام توقف بر قصد ندارد، اگرچه قصد احرام ممکن است؛ پس اگر به قصد حج یا عمره تلبیه بگوید، محرم می‌شود؛ هر چند قصد احرام نکند.

م ﴿ ۲۹۵ ﴾ - اگر زن پیش از احرام عمره‌ی تمتع بدانند که عادت ماهانه‌ی او ده‌روز

است و قبل از احرام حج، اعمال عمره‌ی تمتع را نمی‌تواند انجام دهد، با این حال، نیت عمره‌ی تمتع نمود، لازم است نیت را به حج افراد برگرداند، و اگر با توجه به این که نمی‌تواند عمره‌ی تمتع را انجام دهد و چنانچه انجام دهد، صحیح نیست؛ از سر اهمال و ناآگاهی به نیت عمره‌ی تمتع محرم شود، باز هم احرام وی اشکال ندارد.

م ﴿ ۲۹۶ ﴾ - مرد می‌تواند موقع وزش باد و یا سوار شدن ماشین برای این که شرم‌گاه وی ظاهر نشود، افزوده بر دو جامه، پارچه‌ی ندوخته‌ی دیگری استفاده کند.

کسی که نمی‌تواند تلبیه بگوید باید با انگشت به تلبیه اشاره کند و زبان خود را حرکت دهد، و نایب گرفتن برای وی کافی نیست.

م ﴿ ۲۹۷ ﴾ - اگر حج واجب خود را انجام داده باشد و بخواهد حج مستحبی بگذارد، ولی از روی ناآگاهی یا فراموشی در نیت احرام بگوید احرام عمره‌ی تمتع از حج تمتع از حجة الاسلام می‌بندم قریه‌ی الی الله، در نیت حجة الاسلام وی، در حالی که بنای حج مستحبی دارد اشکال ندارد، و اشتباه لفظی به شمار می‌رود؛ چرا که قصد وی این بوده که عمره‌ای را که وظیفه‌ی اوست انجام دهد و نام آن را به اشتباه حجة الاسلام گذاشته است.

م ﴿ ۲۹۸ ﴾ - اگر بداند در صورت صحیح نگفتن تلبیه محرم نمی‌شود و تلبیه را به صورت اشتباه بگوید و اعمال حج را انجام دهد؛ چنانچه کرده‌ی وی عمدی نباشد، بلکه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، عمل وی صحیح است.

م ﴿ ۲۹۹ ﴾ - اگر تلبیه را به اشتباه بگوید و بعد از دو وقوف و قبل از تمام کردن

اعمال حج بفهمد که به صورت صحیح محرم نشده است؛ چنانچه بعد از وقت جبران متوجه شود، عمل وی صحیح است.

م ﴿ ۳۰۰ ﴾ - در مواردی که باید ترجمه‌ی تلبیه را بگوید اگر کلمه‌ی دعوت را نگوید، کفایت می‌کند.

ترجمه‌ی تلبیه: **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ** چنین است: اجابت می‌کنم دعوت تو را. خدایا، اجابت می‌کنم دعوت تو را، اجابت می‌کنم دعوت تو را، برای تو شریکی نیست، اجابت می‌کنم دعوت تو را.

م ﴿ ۳۰۱ ﴾ - اگر شک دارد لباس احرام وی از درآمدی است که خمس یا دیگر وجوهات شرعی به آن تعلق می‌گیرد، لازم نیست خمس آن را بدهد.

م ﴿ ۳۰۲ ﴾ - کسی که به دیگران تلقین نیت و تلبیه می‌کند و خود فراموش کرده است که نیت نماید، اگر به قصد انجام عمره یا حج تلبیه آن را نگفته، محرم نشده است و باید در صورت امکان به میقات بازگردد، و چنانچه ممکن نیست، به خارج حرم رود و دوباره محرم شود.

مُحَرَّمَاتِ احْرَام

بر مُحرِّم انجام دادن امور چندی حرام است. این امور عبارت است از:
نخست - شکار حیوان صحرائی که وحشی باشد، مگر در صورتی که از آزار آن
بترسد.

م ﴿ ۳۰۳ ﴾ - خوردن گوشت شکار بر محرم حرام است؛ خواه وی، آن را شکار
کرده باشد یا دیگری و خواه وی یا دیگری محرم باشد یا غیر محرم.
م ﴿ ۳۰۴ ﴾ - نشان دادن شکار به شکارچی و هرگونه کمک دیگری به وی حرام
است.

م ﴿ ۳۰۵ ﴾ - اگر محرم شکار را ذبح کند، حیوان در حکم میت می باشد؛ خواه برای
محرم یا برای کسی که محرم نیست.

م ﴿ ۳۰۶ ﴾ - شکار حیوان دریایی اشکال ندارد، حیوان دریایی حیوانی است که در
دریا تخم گزارد و در آن تولید مثل نماید.

م ﴿ ۳۰۷ ﴾ - ذبح و خوردن حیوانات اهلی؛ مانند: مرغ خانگی، گاو، گوسفند و

شتر اشکال ندارد.

م ﴿ ۳۰۸ ﴾ - پرندگان و ملخ جزو شکار صحرائی است.

م ﴿ ۳۰۹ ﴾ - اگر زنبور قصد اذیت ندارد، نباید آن را کشت.

م ﴿ ۳۱۰ ﴾ - نگاه داشتن صید حرام است؛ اگرچه وی مالک آن باشد.

م ﴿ ۳۱۱ ﴾ - اگر پرندۀ ای که نزد اوست «پر» در نیاورده است یا پر او را چیده‌اند، واجب است آن را حفظ کند تا پر در آورد، آن گاه آن را رها کند، بلکه بچه‌ی شکار؛ مانند: آهو بره را باید نگاه دارد تا بزرگ شود و سپس آن را رها کند.

م ﴿ ۳۱۲ ﴾ - هر شکاری که حرام باشد، جوجه و تخم یا بچه‌ی آن نیز حرام است.

دوم - نزدیکی با زن، بوسیدن، بازی کردن و نگاه به شهوت، بلکه هرگونه لذت بردن و بهره‌ای از زن.

م ﴿ ۳۱۳ ﴾ - اگر در احرام عمره‌ی تمتع از روی علم و عمد با زن نزدیکی کند؛ خواه از جلو باشد یا پس و همچنین اگر با مردی درآمیزد، عمره‌ی وی باطل نمی‌شود، ولی گناه کرده و باید کفاره بپردازد، و اگر آن را پیش از سعی انجام دهد، پسندیده است عمره را تمام کند اما باید آن را دوباره بگذارد، و اگر وقت وی گسترده است، حج افراد بجا آورد و بعد از آن عمره‌ی مفرده انجام دهد، و اعاده‌ی اعمال در سال بعد لازم نیست.

م ﴿ ۳۱۴ ﴾ - اگر در عمره‌ی تمتع این عمل را از روی علم و عمد و پس از سعی انجام دهد، باید یک شتر کفاره دهد؛ خواه ثروتمند باشد یا نباشد.

م ﴿ ۳۱۵ ﴾ - اگر در احرام حج این عمل را از روی علم و عمد بجا آورد؛ چنانچه قبل از وقوف به عرفات یا بعد از وقوف به عرفات و پیش از وقوف به مشعرالحرام

باشد، حج وی فاسد است، و در هر دو صورت، کفاره‌ی آن یک شتر است.

م ﴿ ۳۱۶ ﴾ - در دو صورت گفته شده در مسأله پیش که حج فاسد است باید حج را تمام کند و در سال بعد حج بگذارد.

م ﴿ ۳۱۷ ﴾ - اگر این عمل بعد از وقوف به عرفات و مشعر انجام گیرد، دو صورت دارد: یکی آن که قبل از گذشتن از نصف طواف نسا آن را انجام هد، در این صورت، حج او صحیح است و فقط باید کفاره بدهد و دیگر آن که بعد از انجام نصف طواف نسا مرتکب آن شود که در این صورت، حج او صحیح است و کفاره ندارد.

م ﴿ ۳۱۸ ﴾ - اگر زنی را از روی شهوت ببوسد، کفاره‌ی آن یک شتر است و چنانچه بدون شهوت ببوسد، کفاره‌ی آن یک گوسفند است.

م ﴿ ۳۱۹ ﴾ - اگر به غیر زن خود به عمد نگاه کند و انزال شود؛ چنانچه می‌تواند، یک شتر کفاره دهد، و در صورتی که نمی‌تواند، یک گاو، و اگر از پرداخت آن هم ناتوان است، یک گوسفند کفاره دهد.

م ﴿ ۳۲۰ ﴾ - اگر محرم از روی شهوت به زن خود نگاه کند و انزال شود، یک شتر کفاره دارد، ولی چنانچه از روی شهوت نباشد، کفاره ندارد.

م ﴿ ۳۲۱ ﴾ - اگر به شهوت با زن بازی کند و انزال نشود، یک گوسفند کفاره‌ی آن است، و اگر انزال شود، یک شتر یا یک گوسفند کفاره دهد.

م ﴿ ۳۲۲ ﴾ - هر یک از امور گفته شده که سبب کفاره است اگر با ناآگاهی به مسأله یا از روی غفلت یا از روی فراموشی واقع شود، به عمره و حج ضرر نمی‌رساند و پرداخت کفاره بروی واجب نیست.

م ﴿ ۳۲۳ ﴾ - اگر مردی از روی اجبار با زن خود نزدیکی کند، بر زن چیزی نیست، و

مرد باید افزوده بر کفاره‌ی خود، کفاره‌ی زن را نیز بدهد، و اگر زن از روی رضایت تن به نزدیکی دهد، کفاره بر خود اوست، و مرد باید کفاره‌ی خود را بپردازد.
سوم - عقد کردن زن برای خود یا دیگری؛ خواه دیگری محرم باشد یا احرام نیسته باشد.

م ﴿ ۳۲۴ ﴾ - شخص محرم نمی‌تواند برای عقد شاهد شود؛ اگرچه عقد برای غیر محرم انجام گیرد.

م ﴿ ۳۲۵ ﴾ - محرم نمی‌تواند بر اجرای عقد شهادت دهد؛ اگرچه در حال محرم نبودن شاهد عقد شده باشد.

م ﴿ ۳۲۶ ﴾ - خواستگاری کردن در حال احرام جایز نیست.

م ﴿ ۳۲۷ ﴾ - در زمان احرام، رجوع کردن به زنی که طلاق رجعی داده است اشکال ندارد.

م ﴿ ۳۲۸ ﴾ - اگر در حال احرام با آگاهی به مسأله، زنی را برای خود عقد کند، آن عقد باطل است.

م ﴿ ۳۲۹ ﴾ - اگر با ناآگاهی به مسأله، زنی را برای خود عقد کند، عقد وی باطل است، ولی زن بروی حرام دائمی نمی‌شود؛ خواه با او نزدیکی کرده باشد یا نکرده باشد.

م ﴿ ۳۳۰ ﴾ - احکام ذکر شده، میان عقد دائم و موقت تفاوتی ندارد و برای هر دو گروه یکسان است.

م ﴿ ۳۳۱ ﴾ - اگر زن احرام بسته باشد و مرد محرم نباشد و او را عقد کند، عقد وی باطل است.

م ﴿ ۳۳۲ ﴾ - اگر زنی را برای محرم عقد کند و محرم دخول کند؛ چنانچه هر سه نفر به حکم آگاه باشند، بر هر یک از آنها یک شتر کفاره است، و اگر دخول نکنند، کفاره‌ای نیست، و در این حکم بین زن و مرد و کسی که عقد می‌خواند؛ خواه محرم باشد یا غیر محرم، تفاوتی نیست. و اگر برخی از آنها حکم را بدانند و برخی ندانند، کفاره تنها بر کسی است که حکم را می‌داند.

چهارم - استمنا.

م ﴿ ۳۳۳ ﴾ - استمنا؛ قصد بیرون آمدن منی است با دست یا غیر آن؛ هر چند به خیال یا به بازی کردن با زن خود یا دیگری باشد، پس اگر منی خارج شود، کفاره‌ی آن یک شتر است، و در جایی که نزدیکی سبب باطل شدن حیج گردد، استمنا نیز سبب باطل شدن آن می‌گردد.

پنجم - استفاده از عطر؛ مانند: مشک، زعفران، کافور، عود و عنبر، بلکه مطلق عطر؛ به هر گونه‌ای که باشد.

م ﴿ ۳۳۴ ﴾ - مالیدن عطر بر بدن و لباس جایز نیست. همچنین پوشیدن لباسی که بوی عطر می‌دهد؛ اگرچه پیش از احرام به آن عطر مالیده شده باشد.

م ﴿ ۳۳۵ ﴾ - خوردن هر چه که در آن چیزی است که بوی خوش می‌دهد؛ مانند: زعفران، جایز نیست.

م ﴿ ۳۳۶ ﴾ - اگر ناچار شود لباسی بپوشد یا غذایی بخورد که بوی خوش می‌دهد، باید بینی خود را بگیرد تا بوی خوش به مشام نرسد.

م ﴿ ۳۳۷ ﴾ - از گل‌ها یا سبزی‌هایی که بوی خوش می‌دهد باید اجتناب کرد، مگر برخی از انواع صحرايي آن؛ مانند: «بومادران»، «درمنه» و «خزामी» که از

خوش‌بوترین گل‌هاست.

م ﴿ ۳۳۸ ﴾ - دوری از «دارچین»، «زنجبیل»، «هل» و مانند آن لازم نیست.

م ﴿ ۳۳۹ ﴾ - دوری کردن از میوه‌های خوش‌بو؛ مانند: سیب و به لازم نیست، و خوردن و بوییدن آن اشکال ندارد.

م ﴿ ۳۴۰ ﴾ - گرفتن بینی از بوی بد حرام است، ولی دور شدن از آن مانند تندرفتن اشکال ندارد.

م ﴿ ۳۴۱ ﴾ - خرید و فروش عطریات اشکال ندارد، ولی نباید آن را برای امتحان، بو یا استعمال کرد.

م ﴿ ۳۴۲ ﴾ - کفاره‌ی استعمال بوی خوش یک گوسفند است.

م ﴿ ۳۴۳ ﴾ - استعمال خلوق کعبه (چیزی که کعبه را به آن خوش بو می‌کنند) حرام نیست و لازم نیست از بوی خوشی که در کعبه است دوری نماید.

م ﴿ ۳۴۴ ﴾ - اگر بوی خوش را در یک زمان پی‌درپی استفاده کند، پرداخت یک گوسفند به عنوان کفاره بسنده است و اگر در چند وقت استفاده کند، یک کفاره پردازد و اگر بعد از استفاده‌ی آن کفاره دهد و دوباره استفاده کند، واجب است باز کفاره دهد.

ششم - پوشیدن لباس دوخته؛ مانند پیراهن، زیر جامه و قبا.

م ﴿ ۳۴۵ ﴾ - چیزهایی که شبیه به دوخته است؛ مانند: پیراهن‌هایی که با چرخ یا با دست می‌بافند یا چیزهایی را که با نمد به شکل بالاپوش می‌مالند؛ مانند: کلیجه، پستک و کلاه، جایز نیست پوشیده شوند.

م ﴿ ۳۴۶ ﴾ - دوری از مطلق دوخته؛ مانند: کمر بند و شب کلاه لازم نیست.

- م ﴿ ۳۴۷ ﴾ - همیانی را که در آن پول می‌گذارند می‌تواند به کمر ببندد؛ هر چند دوخته باشد، و بهتر است کاری کند که بدون گره باشد.
- م ﴿ ۳۴۸ ﴾ - فتق بند دوخته را در صورت ناچاری می‌توان بست و کفاره هم ندارد.
- م ﴿ ۳۴۹ ﴾ - اگر به لباس دوخته نیاز پیدا کند، می‌تواند آن را بپوشد، ولی باید کفاره بپردازد.
- م ﴿ ۳۵۰ ﴾ - گره زدن لباس احرام جایز است ولی پسندیده است آن را گره نزنند و خوب است لنگ را نیز به گردن گره نزنند.
- م ﴿ ۳۵۱ ﴾ - بخشی از لباس احرام را می‌توان با سوزن یا چیز دیگری به بخش دیگری وصل نمود.
- م ﴿ ۳۵۲ ﴾ - برای زن جایز است هر اندازه که می‌خواهد لباس دوخته بپوشد و کفاره ندارد، ولی پوشیدن «قفازین» که زن‌های عرب در آن پنبه می‌گذارند و برای حفظ از سرما به دست می‌کنند جایز نیست.
- م ﴿ ۳۵۳ ﴾ - کفاره‌ی پوشیدن لباس دوخته یک گوسفند است.
- م ﴿ ۳۵۴ ﴾ - اگر محرم چند نوع لباس دوخته بپوشد؛ مانند: پیراهن، قبا و عبا، باید برای هر یک، یک کفاره بدهد و اگر آن‌ها را در هم کند و به یک مرتبه بپوشد، باز هم باید برای هر یک، یک کفاره بدهد.
- م ﴿ ۳۵۵ ﴾ - اگر به ناچار چندین لباس بپوشد، کفاره از وی برداشته نمی‌شود.
- م ﴿ ۳۵۶ ﴾ - اگر یک نوع لباس؛ مانند: پیراهن بپوشد؛ و کفاره بدهد و باز پیراهن دیگری بپوشد یا آن را که پوشیده است از خود جدا کند و دوباره بپوشد، باید برای مرتبه‌ی دیگر نیز کفاره بپردازد.

م ﴿ ۳۵۷ ﴾ - اگر چند لباس از یک نوع بپوشد؛ مانند آن که چند قبا یا چند پیراهن بپوشد؛ خواه در مجلس واحد باشد یا در چند مجلس، باید برای هر یک، یک کفاره دهد.

هفتم - سرمه کشیدن.

م ﴿ ۳۵۸ ﴾ - سرمه کشیدن به ماده‌ی سیاهی که در آن زینت باشد؛ هر چند قصد زینت نکند، جایز نیست. همچنین مطلق سرمه کشیدن که در آن زینت است یا ویژگی بوی خوش داشته باشد، حرام است.

م ﴿ ۳۵۹ ﴾ - حرام بودن سرمه کشیدن به زن اختصاص ندارد و برای مرد نیز حرام است.

م ﴿ ۳۶۰ ﴾ - سرمه کشیدن کفاره ندارد؛ البته اگر در سرمه بوی خوش باشد، کفاره دارد.

م ﴿ ۳۶۱ ﴾ - در صورتی که نیازمند سرمه کشیدن باشد، استفاده از آن اشکال ندارد.

هشتم - نگاه کردن در آینه.

م ﴿ ۳۶۲ ﴾ - برای زن و مرد محرم حرام است که در آینه نگاه کنند؛ هر چند برای زینت کردن نباشد.

م ﴿ ۳۶۳ ﴾ - نگاه کردن به اجسام صاف و صیقل داده شده که عکس در آن پیدا است و نگاه کردن در آب صاف اشکال ندارد.

م ﴿ ۳۶۴ ﴾ - عینک زدن؛ اگر برای زینت نباشد، اشکال ندارد، ولی چنانچه نیازمند عینک نیست و زینت به شمار رود، جایز نیست.

م ﴿ ۳۶۵ ﴾ - نگاه کردن به آینه کفاره ندارد؛ هر چند مستحب است بعد از نگاه کردن لبیک بگویند.

م ﴿ ۳۶۶ ﴾ - اگر در اطاق وی آینه است و می‌داند که گاهی چشم او به سهو به آینه می‌افتد، اشکال ندارد، هر چند بهتر است آن را بردارد یا چیزی روی آن بیندازد.

م ﴿ ۳۶۷ ﴾ - اگر همانند رانندگان ناچار باشد به آینه نگاه کند، اشکال ندارد.

نهم - پوشیدن موزه، چکمه، گیوه، جوراب و هر چه همه‌ی روی پا را بگیرد.

م ﴿ ۳۶۸ ﴾ - پوشیدن امور گفته شده برای مردان حرام است و برای زن اشکال ندارد.

م ﴿ ۳۶۹ ﴾ - اگر مرد ناچار شود چیزی بپوشد که روی پا را می‌گیرد، بهتر است روی آن را شکاف دهد.

م ﴿ ۳۷۰ ﴾ - پوشیدن چیزی که روی پا را می‌گیرد کفاره ندارد.

دهم - فسوق.

م ﴿ ۳۷۱ ﴾ - فسوق به دروغ گفتن ویژگی ندارد، بلکه فحش دادن و به دیگران فخر کردن نیز از فسوق است. فسوق کفاره ندارد و تنها باید استغفار نمود، و مستحب است چیزی کفاره دهد.

یازدهم و دوازدهم - جدال و گفتن «لا والله» و «بلی والله».

م ﴿ ۳۷۲ ﴾ - گفتن کلمه‌ی «لا» یا «بلی» و ترجمه‌ی آن به هر زبانی که باشد؛ مانند: «نه» و «آری» در جدال دخالتی ندارد، بلکه قسم خوردن در مقام اثبات مطلب یا رد دیگری، جدال است.

م ﴿ ۳۷۳ ﴾ - قسم؛ اگر به لفظ «الله» یا مرادف آن؛ مانند: «خدا» در زبان فارسی

باشد، جدال است، اما قسم به غیر خداوند به هر کس دیگری باشد، جدال به شمار نمی‌رود.

م ﴿ ۳۷۴ ﴾ - دیگر اسمای الهی، همانند لفظ جلاله‌ی «الله» است، پس اگر کسی به رحمان، رحیم یا خالق السموات و الأرض قسم بخورد، جدال محسوب می‌شود.
 م ﴿ ۳۷۵ ﴾ - به هنگام ضرورت و برای اثبات حقی یا باطل نمودن باطلی، قسم خوردن به لفظ جلاله و غیر آن جایز است.

م ﴿ ۳۷۶ ﴾ - اگر در جدال راست بگویند، در کم‌تراز سه مرتبه چیزی براو نیست، مگر استغفار، و در مرتبه‌ی سوم باید کفاره بدهد، و کفاره‌ی آن یک گوسفند است.
 م ﴿ ۳۷۷ ﴾ - اگر در جدال دروغ بگویند، در یک مرتبه، باید یک گوسفند کفاره بدهد، و در دو مرتبه، یک گاو، و در سه مرتبه، یک شتر.

م ﴿ ۳۷۸ ﴾ - اگر به دروغ جدال نماید، در مرتبه‌ی نخست باید یک گوسفند کفاره دهد و چنانچه بعد از آن دوباره به دروغ جدال کند، کفاره‌ی آن یک گوسفند است؛ نه گاو.

م ﴿ ۳۷۹ ﴾ - اگر به دروغ دو مرتبه جدال نماید، لازم است برای کفاره یک گاو ذبح نماید، و چنانچه بعد از آن مرتبه‌ای دیگر به دروغ جدال کرد، باید یک گوسفند کفاره دهد، و در صورتی که بعد از ذبح گاو، دو مرتبه دروغ بگوید و جدال نماید، باید یک گاو کفاره دهد.

م ﴿ ۳۸۰ ﴾ - اگر به راست بیش‌تر از سه مرتبه جدال نماید؛ هر چند مرتبه که باشد، یک گوسفند کفاره دارد، مگر آن که بعد از سه مرتبه، کفاره دهد، در این صورت؛ چنانچه سه مرتبه‌ی دیگر به راست جدال کند، باید یک گوسفند ذبح نماید.

م ﴿ ۳۸۱ ﴾ - اگر به دروغ ده مرتبه یا بیش تر جدال کند، کفاره‌ی آن یک شتر است، مگر آن که پس از سه مرتبه یا بیش تر کفاره را ذبح کند که در این صورت، در مرتبه‌ی نخست گوسفند و در دفعه‌ی دوم گاو و در مرتبه‌ی سوم لازم است شتر کفاره دهد. سیزدهم - به دست کردن انگشتر برای زینت.

م ﴿ ۳۸۲ ﴾ - اگر برای استحباب انگشتر به دست کند، اشکال ندارد و اگر نه برای زینت باشد و نه برای استحباب؛ مانند آن که برای خاصیتی آن را به دست کند، اشکال ندارد.

م ﴿ ۳۸۳ ﴾ - محرم نمی‌تواند برای زینت، «حنا» ببندد، بلکه اگر زینت باشد؛ هر چند آن را قصد نکند، نمی‌تواند آن را مصرف نماید.

م ﴿ ۳۸۴ ﴾ - اگر قبل از احرام «حنا» ببندد؛ خواه به قصد زینت باشد یا نباشد و خواه اثر آن تا زمان احرام بماند یا نماند، اشکال ندارد.

م ﴿ ۳۸۵ ﴾ - به دست کردن انگشتر و حنا بستن کفاره ندارد.

چهاردهم - پوشیدن زیور برای زن و به جهت زینت.

م ﴿ ۳۸۶ ﴾ - اگر زیور، زینت به شمار رود، باید آن را ترک نمود؛ هر چند قصد تزئین نداشته باشد.

م ﴿ ۳۸۷ ﴾ - زیورهایی را که پیش از احرام به پوشیدن آن عادت داشته است لازم نیست آن را برای احرام بیرون آورد.

م ﴿ ۳۸۸ ﴾ - زیورهایی را که به پوشیدن عادت داشته است نباید به مرد نشان دهد؛ حتی به شوهر خود.

م ﴿ ۳۸۹ ﴾ - پوشیدن زیور حرام است ولی کفاره ندارد.

پانزدهم - روغن مالیدن به بدن.

م ﴿ ۳۹۰ ﴾ - مالیدن روغن به بدن حرام است؛ اگرچه بوی خوش در آن نباشد.

م ﴿ ۳۹۱ ﴾ - پیش از احرام نمی‌توان روغنی که بوی خوش در آن است و اثر آن تا

وقت احرام باقی می‌ماند استفاده نمود.

م ﴿ ۳۹۲ ﴾ - اگر به سبب ناچاری، اضطرار و نیازمندی، به بدن خود روغن یا پماد

بمالد، اشکال ندارد.

م ﴿ ۳۹۳ ﴾ - خوردن روغن، اگر در آن بوی خوشی مانند زعفران نباشد، اشکال

ندارد.

م ﴿ ۳۹۴ ﴾ - اگر در روغن بوی خوش نباشد، مالیدن آن کفاره ندارد.

م ﴿ ۳۹۵ ﴾ - اگر در روغن بوی خوش باشد، کفاره‌ی آن یک گوسفند است؛ اگرچه

از روی اضطرار باشد.

شانزدهم - ازاله و پیراستن مو از بدن.

م ﴿ ۳۹۶ ﴾ - در حرمت ازاله‌ی مو میان کم و زیاد بودن آن و از بدن خود یا دیگری؛

خواه محرم باشد یا غیر محرم، تفاوتی نیست، بلکه ازاله‌ی یک مو نیز حرام است.

م ﴿ ۳۹۷ ﴾ - ازاله‌ی مو؛ اگر از روی ضرورت باشد، اشکال ندارد؛ مانند: مو و مژه‌ی

چشم که اذیت می‌کند.

م ﴿ ۳۹۸ ﴾ - اگر در وقت غسل یا وضو مویی بدون قصد جدا شود، اشکال ندارد.

م ﴿ ۳۹۹ ﴾ - در ازاله‌ی مو میان تراشیدن یا کندن یا قیچی کردن و مانند آن تفاوتی

نیست.

م ﴿ ۴۰۰ ﴾ - کفاره‌ی سر تراشیدن؛ اگر به جهت ضرورت باشد، دوازده «مد» طعام

است که باید به شش مسکین پرداخت شود، یا سه روز روزه بگیرد، یا یک گوسفند قربانی کند. البته «مد» نزدیک به هفتصد و پنجاه گرم است.

م ﴿ ۴۰۱ ﴾ - اگر تراشیدن مو از روی ضرورت نباشد، باید یک گوسفند کفاره داد.

م ﴿ ۴۰۲ ﴾ - اگر از زیر هر دو بغل یا یک بغل خود ازاله‌ی مو کند، برای کفاره باید یک گوسفند ذبح کند.

اگر موی سر را به گونه‌ای غیر از تراشیدن ازاله کند، لازم است کفاره‌ی تراشیدن را پرداخت نماید.

م ﴿ ۴۰۳ ﴾ - اگر به سر یا ریش خود دست بکشد و یک مو یا بیش تر بیفتد، باید یک کف طعام صدقه بدهد.

هفدهم - پوشانیدن سر.

م ﴿ ۴۰۴ ﴾ - این حکم ویژه‌ی مردان است و آنان نباید سر را به چیزهای پوششی یا غیر پوششی؛ مانند: گل، حنا، دوا و پوشال بپوشانند.

م ﴿ ۴۰۵ ﴾ - مرد نباید چیزی مانند باربر سرگذارد تا آن را حمل کند؛ البته، اگر سر با آن پوشیده می‌شود.

م ﴿ ۴۰۶ ﴾ - می‌توان سر را با برخی از اعضای بدن پوشاند، مانند آن که دست روی سر بگذارد.

م ﴿ ۴۰۷ ﴾ - جایز نیست سر را زیر آب یا مایع دیگری مانند گلاب و سرکه فرو برد.

م ﴿ ۴۰۸ ﴾ - بخشی از سر در حکم همه‌ی سر نیست و می‌توان بخشی از آن را پوشاند یا زیر آب یا مایع دیگری فرو برد.

م ﴿ ۴۰۹ ﴾ - گوش جزو سر به شمار می‌رود و نباید آن را پوشاند.

م ﴿ ۴۱۰ ﴾ - پوشاندن رو و چهره برای مردان اشکال ندارد و از سر به شمار نمی‌رود؛ بنابراین، می‌توان آن را در وقت خواب پوشاند.

م ﴿ ۴۱۱ ﴾ - گذاشتن بند کیف یا مشک آب بر سر از حکم پوشش استثنا شده است و اشکالی ندارد.

م ﴿ ۴۱۲ ﴾ - استفاده از دستمالی که برای سردرد به سر بسته می‌شود اشکال ندارد.

م ﴿ ۴۱۳ ﴾ - گذاشتن سر بر روی بالش برای خوابیدن اشکال ندارد.

م ﴿ ۴۱۴ ﴾ - اگر پارچه‌ای را روی چیزی بیندازند؛ به گونه‌ای که بالای سر باشد و برای در امان ماندن از پشه سر را زیر آن قرار دهد یا رفتن در پشه‌بند، اشکال ندارد.

م ﴿ ۴۱۵ ﴾ - رفتن زیر دوش حمام برای محرم اشکال ندارد، ولی رفتن زیر آبشاری که آب به کلی همه‌ی سر را فرا می‌گیرد جایز نیست.

م ﴿ ۴۱۶ ﴾ - اگر سر را بشوید، نباید آن را با حوله و دستمال که همه‌ی سر را می‌گیرد خشک کند، ولی خشک کردن بخشی از سر اشکال ندارد.

م ﴿ ۴۱۷ ﴾ - مرد در وقت خوابیدن نباید سر خود را بپوشاند، و اگر بدون توجه بپوشاند، باید بی‌درنگ آن را برهنه سازد، همچنین اگر از روی فراموشی آن را بپوشاند، لازم است بی‌درنگ آن را برهنه نماید، و مستحب است تلبیه بگوید.

م ﴿ ۴۱۸ ﴾ - اگر سر را بپوشاند؛ به هر گونه‌ای که باشد، کفاره آن یک گوسفند است.

م ﴿ ۴۱۹ ﴾ - اگر چندین بار سر را بپوشانید، باید چندین بار کفاره بدهد؛ یعنی برای هر مرتبه یک گوسفند کفاره بپردازد.

م ﴿ ۴۲۰ ﴾ - اگر سر را بپوشاند و گوسفندی را برای کفاره ذبح نماید و باز سر را بپوشاند، لازم است دوباره کفاره بپردازد.

م ﴿ ۴۲۱ ﴾ - کفاره در صورتی واجب است که از روی علم به مسأله و عمد سر را بپوشاند؛ پس اگر از روی ندانستن مسأله یا غفلت و سهو و نسیان آن را بپوشاند، کفاره ندارد.

هیجدهم - پوشیدن روی خود با نقاب، روبند و برقع.

م ﴿ ۴۲۲ ﴾ - این حکم ویژه‌ی زنان است و بر آنان پوشانیدن رو به هر چیزی؛ اگرچه با چیزهای غیر متعارف؛ مانند: پوشال، گل و بادبزن باشد، جایز نیست.

م ﴿ ۴۲۳ ﴾ - بخشی از رو و چهره‌ی زن در حکم همه‌ی آن است و نباید آن را پوشاند.

م ﴿ ۴۲۴ ﴾ - اگر دست خود را روی صورت بگذارد، اشکال ندارد.

م ﴿ ۴۲۵ ﴾ - اگر روی خود را برای خوابیدن روی بالش بگذارد، اشکال ندارد.

م ﴿ ۴۲۶ ﴾ - برای نماز واجب است سر را بپوشاند و برای اطمینان به انجام وظیفه برای پوشانیدن سر، کمی از اطراف رو را نیز بپوشاند، ولی واجب است بعد از نماز بی‌درنگ آن را باز کند.

م ﴿ ۴۲۷ ﴾ - زن می‌تواند برای گرفتن رو از نامحرم، چادر یا جامه‌ای را که به سر افکنده است پایین اندازد و چیزی بر او نیست.

م ﴿ ۴۲۸ ﴾ - بهتر آن است که چیزی را که در موقع نیاز از سر پایین می‌اندازد با دست یا چیز دیگری دور از رو نگه دارد تا به صورت نچسبد.

م ﴿ ۴۲۹ ﴾ - دور نگه نداشتن جامه از صورت کفاره ندارد.

م ﴿ ۴۳۰ ﴾ - نقاب انداختن و پوشاندن رو؛ به هر گونه‌ای که باشد، کفاره ندارد.
نوزدهم - سایه قرار دادن بالای سر خود.

م ﴿ ۴۳۱ ﴾ - برای مردان جایز نیست چیزی را بر خود سایه قرار دهند، ولی این کار
برای زن و بچه جایز است و کفاره ندارد.

م ﴿ ۴۳۲ ﴾ - حرام بودن سایه قرار دادن چیزی بالای سر، ویژه‌ی طی کردن مسیر
است، و اگر در محلی منزل کند؛ خواه در منی باشد یا غیر آن، زیر سایه رفتن یا با
چتر و مانند آن سایه بر سر قرار دادن اشکال ندارد؛ اگرچه در حال راه رفتن باشد؛
بنابراین، می‌توان در منی از چادر خود تا محل ذبح یا محل رمی جمرات با چتر
رفت.

م ﴿ ۴۳۳ ﴾ - سایه قرار دادن؛ به هر گونه‌ای که باشد، در وقت طی کردن میان دو منزل
حرام است؛ خواه در محلی باشد که روپوش دارد یا در اتومبیل سر پوشیده یا در
هوایما و یا زیر سقف کشتی باشد؛ همچنین خواه وی سواره باشد یا پیاده.

م ﴿ ۴۳۴ ﴾ - هنگام طی منزل می‌توان در سایه‌ی پهلوی محمل یا کشتی یا هر
چیزی که بالای سر او نباشد قرار گیرد.

م ﴿ ۴۳۵ ﴾ - کسانی که از تهران یا جای دیگر می‌خواهند با هوایما به مکه مشرف
شوند اگر نذر کنند که از تهران احرام ببندند، نذر آنان صحیح است و باید محرم
شوند، و اگر راه دیگری جز هوایما نباشد، باید به حج روند، ولی برای زیر سقف
بودن در حال طی منزل باید کفاره بدهند.

م ﴿ ۴۳۶ ﴾ - کسی که نذر می‌کند از تهران یا جای دیگری محرم شود، باید از
همان جا محرم گردد، و هر اندازه که می‌تواند از راهی برود که در طی منزل زیر سایه

قرار نگیرد، و اگر راهی نباشد که زیر سقف قرار نگیرد؛ هر چند به آن توجه نداشته باشد، گناه شناخته نمی‌شود.

م ﴿ ۴۳۷ ﴾ - اگر با هواپیما به مدینه می‌رود، باید در مسجد شجره محرم شود و با اتومبیلی که سقف ندارد به مکه رود یا آن که به جده به قصد رفتن به جحفه رود و در صورت امکان به جحفه رود و از آن جا محرم شود و با اتومبیل بدون روپوش به مکه می‌مغزه رود، و اگر رفتن به میقات برای وی امکان ندارد، از جده محرم شود و بهتر است در «حده» که بین جده و مکه است، تجدید احرام کند.

م ﴿ ۴۳۸ ﴾ - در شب می‌توان در حال طی منزل، زیر سقف رفت؛ بنابراین، نشستن محرم در هواپیمایی که شب حرکت می‌کند جایز است.

م ﴿ ۴۳۹ ﴾ - در هنگام طی منزل اگر عذری مانند شدت گرما یا سرما یا بارندگی برای وی پیش آید، می‌تواند در سایه قرار گیرد، ولی باید کفاره پرداخت نماید.
م ﴿ ۴۴۰ ﴾ - کفاره‌ی سایه قرار دادن در حال طی منزل یک گوسفند است؛ خواه با عذر و از روی ناچاری سایه افکنده باشد یا با اختیار.

م ﴿ ۴۴۱ ﴾ - در احرام عمره یا احرام حج؛ هر چند بیش از یک مرتبه سایه قرار داده باشد، تنها پرداخت یک گوسفند به عنوان کفاره کافی است.

بیستم - بیرون آوردن خون از بدن.

م ﴿ ۴۴۲ ﴾ - بیرون آوردن خون از بدن خود حرام است ولی از بدن دیگری؛ مانند: حجامت کردن یا کشیدن دندان وی، حرام نیست.

م ﴿ ۴۴۳ ﴾ - بیرون آوردن خون به مانند خراشیدن بدن و مسواک نمودن دندان جایز نیست.

م ﴿ ۴۴۴ ﴾ - اگر به مانند حجامت و غیر آن نیازمند خون گرفتن است می تواند از خود خون بگیرد یا خون دمل را بیرون آورد یا جرب که نوعی از بیماری بر سر است را خارش دهد؛ به گونه‌ای که از آن خون درآید.

م ﴿ ۴۴۵ ﴾ - بیرون آوردن خون از بدن، کفاره ندارد.

بیست و یکم - ناخن گرفتن.

م ﴿ ۴۴۶ ﴾ - گرفتن بخشی از ناخن جایز نیست، مگر آن که سبب آزار وی شود؛ برای نمونه، پاره‌ای از آن افتاده باشد و مانده‌ی آن او را آزار دهد.

م ﴿ ۴۴۷ ﴾ - گرفتن ناخن با هر وسیله‌ای؛ مانند قیچی، چاقو یا ناخن‌گیر حرام است و واجب است که به هیچ گونه‌ای؛ حتی به سوهان نمودن و دندان، ازاله‌ی ناخن نکند.

م ﴿ ۴۴۸ ﴾ - اگر انگشت زیادی داشته باشد، جایز نیست ناخن آن را بگیرد. همچنین است اگر دست زیادی داشته باشد.

م ﴿ ۴۴۹ ﴾ - اگر یک ناخن از دست یا پا بگیرد، لازم است یک مد طعام کفاره دهد، و برای هر ناخن دست تا به ده نرسیده است، باید یک مد طعام بپردازد. حکم ناخن‌های پا نیز همچنین است.

م ﴿ ۴۵۰ ﴾ - اگر همه‌ی ناخن‌های دست و پا را در یک مجلس بگیرد، باید به عنوان کفاره یک گوسفند بپردازد.

م ﴿ ۴۵۱ ﴾ - اگر همه‌ی ناخن‌های دست را در یک مجلس یا چند مجلس بگیرد و در محل دیگر یا چند محل ناخن پا را بگیرد، باید دو گوسفند به عنوان کفاره پرداخت نماید.

م ﴿ ۴۵۲ ﴾ - اگر همه‌ی ناخن‌های دست و از ناخن‌های پا کم‌تر از ده ناخن را بگیرد، یک گوسفند برای ناخن دست و برای هر یک از ناخن‌های پا باید یک مد طعام بدهد. همچنین است اگر همه‌ی ناخن‌های پا و کم‌تر از ده ناخن دست را بگیرد.

م ﴿ ۴۵۳ ﴾ - اگر پنج ناخن از پا و پنج ناخن از دست بگیرد، برای هر یک باید یک مد طعام کفاره پرداخت نماید. همچنین است اگر کم‌تر از ده ناخن در هر یک از دست و پا بگیرد.

م ﴿ ۴۵۴ ﴾ - اگر بیش‌تر از ده ناخن داشته باشد و همه‌ی آن را بگیرد، باید یک گوسفند بدهد و لازم نیست برای ناخن‌هایی که از ده عدد بیش‌تر است، کفاره بدهد.

م ﴿ ۴۵۵ ﴾ - اگر بیش‌تر از ده ناخن دارد و ده ناخن اصلی را بگیرد، واجب است یک گوسفند کفاره دهد، و اگر برخی از ناخن‌های اصلی را و برخی از ناخن‌های زیادی را بگیرد، باید برای ناخن‌های اصلی یک مد طعام کفاره دهد و گرفتن ناخن‌های زیادی کفاره ندارد.

م ﴿ ۴۵۶ ﴾ - اگر همه‌ی ناخن‌های دست را بگیرد و کفاره‌ی آن را پردازد و بعد در همان مجلس، همه‌ی ناخن‌های پا را بگیرد، باید یک گوسفند دیگر کفاره بدهد.

م ﴿ ۴۵۷ ﴾ - اگر کم‌تر از ده ناخن دارد و همه‌ی آن را بگیرد، باید برای هر کدام یک مد طعام بدهد.

م ﴿ ۴۵۸ ﴾ - در لزوم پرداخت کفاره تفاوتی نیست که ناخن را به اختیار بگیرد یا به ضرورت ناچار شود چنین کند.

بیست و دوم - کشیدن دندان.

م ﴿ ۴۵۹ ﴾ - کشیدن دندان حرام است؛ هرچند خون نیاید و باید برای آن یک گوسفند کفاره بدهد.

بیست و سوم - بیرون آوردن درخت یا گیاهی که در حرم روییده است.

م ﴿ ۴۶۰ ﴾ - اگر گیاهی یا درختی در منزل محرم روییده باشد، چنانچه خود آن را کاشته باشد، می‌تواند آن را بیرون آورد.

م ﴿ ۴۶۱ ﴾ - اگر درختی یا گیاهی در منزل او روییده، ولی خود آن را نکاشته است، نباید آن را قطع کند یا بیرون آورد.

م ﴿ ۴۶۲ ﴾ - اگر منزلی خریده که دارای درخت و گیاه است، نباید درختان و گیاهان آن را قطع کند.

م ﴿ ۴۶۳ ﴾ - درخت‌های میوه و درخت خرما و اذخر که گیاه معروفی است از این حکم بیرون است و می‌تواند آن را قطع کند.

م ﴿ ۴۶۴ ﴾ - اگر درختی را که جایز نیست بیرون آورد، چنین کند، باید در صورتی که درخت بزرگ است، یک گاو کفاره بدهد و چنانچه کوچک باشد، لازم است یک گوسفند بپردازد.

م ﴿ ۴۶۵ ﴾ - اگر بخشی از درخت را قطع کند، لازم است قیمت آن را به عنوان کفاره بدهد.

م ﴿ ۴۶۶ ﴾ - در قطع گیاه، تنها باید استغفار نماید و کفاره‌ای دیگر ندارد.

م ﴿ ۴۶۷ ﴾ - می‌تواند به حیوان یا شتر خود اجازه دهد از گیاهان بخورد، ولی نباید خود گیاهی را برای او قطع کند.

م ﴿ ۴۶۸ ﴾ - اگر به گونه‌ی متعارف راه برود و به سبب راه رفتن او گیاهی قطع شود، اشکال ندارد.

بیست و چهارم - سلاح به همراه برداشتن.

م ﴿ ۴۶۹ ﴾ - در برداشتن سلاح؛ مانند شمشیر، نیزه، تئنگ و هرچه از آلات جنگی باشد، حرام است، مگر برای ضرورت، و برداشتن سلاح در صورتی که به تن او نباشد و ظاهر باشد مکروه است.

م ﴿ ۴۷۰ ﴾ - برای رفع سردرد، اگر در حال احرام دستمالی به دور سر ببندد؛ هر چند همه‌ی سر را فرا گیرد، اشکال ندارد، ولی باید یک گوسفند به عنوان کفاره بپردازد.

م ﴿ ۴۷۱ ﴾ - آنچه در حال احرام حرام است، سایه بر سر قرار دادن است؛ بنابراین، اگر وسیله‌ی نقلیه‌ی وی از زیر پل‌هایی که در مسیر واقع شده است برود و به ناچار محرمان از زیر پل عبور کنند یا در پمپ بنزین در زیر سقف متوقف شود و محرمان زیر سقف قرار گیرند، اشکال ندارد، و کفاره بر عهده‌ی آن‌ها نمی‌آید.

م ﴿ ۴۷۲ ﴾ - اگر با ماشین سقف‌دار رانندگی می‌کند، باید در هر احرام یک گوسفند کفاره بپردازد و با تکرار پیاده و سوار شدن، کفاره تکرار نمی‌شود. همین حکم در سایر موارد سایه بر سر قرار دادن ثابت است.

م ﴿ ۴۷۳ ﴾ - پوشیدن نعلینی که بندهای عریضی دارد ولی همه‌ی سطح و روی پا را فرا نمی‌گیرد در حال احرام اشکال ندارد.

م ﴿ ۴۷۴ ﴾ - در شب سایه بر سر قرار دادن جایز است و محرم می‌تواند در شب با ماشین سقف‌دار به مکه رود، ولی در روز و در هوای ابری جایز نیست، مگر ابر

به گونه‌ای تیره باشد که سایه بر سر دادن صدق نکند.

م ﴿ ۴۷۵ ﴾ - از مکان‌های دور؛ مانند: تهران می‌توان با نذر محرم شد، ولی اگر در زیر سقف سفر می‌کند، باید کفاره بدهد.

م ﴿ ۴۷۶ ﴾ - تزریق آمپول در حال احرام اشکال ندارد، ولی اگر موجب بیرون آمدن خون از بدن شود، تنها در مورد نیاز و ضرورت می‌تواند آن را تزریق کند.

م ﴿ ۴۷۷ ﴾ - اگر حج خود را باطل نماید؛ چنانچه حج فاسد شده را به پایان رساند، از احرام خارج می‌گردد و در غیر این صورت در احرام باقی می‌ماند.

م ﴿ ۴۷۸ ﴾ - بعد از آن که محرم به منزل رسید؛ هر چند در محله‌های جدید مکه باشد که از مسجدالحرام دور است، برای رفتن به مسجدالحرام می‌تواند در ماشین‌های سقف‌دار سوار شود یا زیر سایه رود.

مسائل دیگر کفارات احرام

م ﴿ ۴۷۹ ﴾ - کشتن مارمولک و جانورانی مانند آن از محرّمات احرام محسوب نمی‌شود.

م ﴿ ۴۸۰ ﴾ - اگر با علم و از روی عمد در احرام حج، قبل از وقوف عرفه یا قبل از وقوف مشعرالحرام با همسر خود نزدیکی نماید، حج او باطل است و کفاره دارد و بعد از پایان اعمال باید در سال آینده آن را اعاده کند، ولی در صورت ناگاهی به مسأله، عمل او صحیح است و کفاره ندارد.

م ﴿ ۴۸۱ ﴾ - شوهر پس از بیرون آمدن از احرام می‌تواند با همسر محرم خود از روی التذاذ دست بزند و بر او کفاره‌ای نیست، ولی اگر زن نیز لذت می‌برد، نباید به

آن رضایت دهد.

م ﴿ ۴۸۲ ﴾ - استفاده از صابون و برخی از شامپوها و مواد شوینده‌ای که بوی خوشی دارد حرام است و باید از آن دوری کرد، ولی اگر داشتن بوی خوش بر آن صدق نمی‌کند، اشکالی ندارد.

م ﴿ ۴۸۳ ﴾ - حمل قمقمه‌ی آب که در محفظه‌ی دوخته نگه‌داری می‌شود و حمل هر نوع کیف و ساک دوخته؛ هرچند به شانه و گردن انداخته شود، اشکالی ندارد.
م ﴿ ۴۸۴ ﴾ - در حال احرام، نگاه کردن در دوربین عکاسی که مانند آینه عمل می‌کند اشکال ندارد.

م ﴿ ۴۸۵ ﴾ - سوگند معمولی که قسم به غیر خداست از محرمات احرام نیست.
م ﴿ ۴۸۶ ﴾ - اگر به سببی مانند عرق‌سوز شدن بدن به پمادی نیاز داشته باشد که چربی دارد، محرم جز در مورد ضرورت نمی‌تواند از آن استفاده کند، ولی اگر استفاده نماید؛ هرچند در غیر مورد ضرورت باشد، کفاره ندارد، مگر آن که بوی خوش داشته باشد که هرچند از روی اضطرار باشد، کفاره‌ی آن یک گوسفند است.
م ﴿ ۴۸۷ ﴾ - کنده شدن مو با کشیدن عمدی دست به سر و صورت کفاره دارد؛ خواه برای کنده شدن مو باشد یا نباشد.

م ﴿ ۴۸۸ ﴾ - اگر غیر محرم از محرم ازاله‌ی مو کند یا یکی از کارهایی که بر محرم حرام است و کفاره دارد انجام دهد و محرم به اختیار خود حاضر شود که برای نمونه بخشی از سر او را بتراشد، حرام است و باید کفاره بدهد، ولی چنانچه بدون اختیار وی باشد، کفاره ندارد.

م ﴿ ۴۸۹ ﴾ - اگر محل مسح در سر خیس باشد و چنانچه محرم بخواهد صبر کند تا

خود خشک شود و وضو بگیرد، آفتاب طلوع می‌کند و نمازش قضا می‌شود، می‌تواند با دست یا حوله سر را خشک کند، و مورد یاد شده از موارد تیمم به‌شمار نمی‌رود.

م ﴿ ۴۹۰ ﴾ - کسی که موی مصنوعی دارد و با همین حال برای عمره و حج محرم شده و اعمال خود را انجام داده است، عمره و حج وی اشکال ندارد، ولی اگر مرد آن را بر سر خود گذاشته است، باید کفاره بدهد.

م ﴿ ۴۹۱ ﴾ - با توجه به حرمت پوشیدن صورت برای زنان در حال احرام، چانه جزو صورت به‌شمار نمی‌رود و باید باز باشد و نمی‌تواند مقنعه‌ای بپوشد که چانه را تا لب‌ها می‌پوشاند.

م ﴿ ۴۹۲ ﴾ - زن محرم نمی‌تواند صورت خود را با حوله پاک کند؛ چنانچه مرد نمی‌تواند روی سر خود را بپوشاند.

زن باید سعی کند در حال احرام برای پوشیدن و درآوردن مقنعه، صورتش پوشیده نشود، و اگر به عمد و از روی علم پوشیده شود، اشکال ندارد.

م ﴿ ۴۹۳ ﴾ - از منزل تا مسجدالحرام، محرم می‌تواند زیر سقف برود، و کسانی که در مسجدالحرام برای حج محرم می‌شوند تا در حدود منزل و مکه هستند و در حال سیر برای خارج شدن از مکه نیستند می‌توانند در زیر سایه قرار گیرند.

م ﴿ ۴۹۴ ﴾ - کسی که از تنعیم محرم می‌شود، چون تنعیم جزو مکه شده و مکه منزل است، می‌تواند در زیر سایه قرار گیرد.

م ﴿ ۴۹۵ ﴾ - میقات عمره‌ی مفرده در خود مکه است و کسی که برای عمره‌ی مفرده در آن جا احرام می‌بندد می‌تواند با توجه به این که محل سکونت او مکه

است، در اتوبوس سقف‌دار سوار شود.

م ﴿ ۴۹۶ ﴾ - اگر از میقات محرم شود و شبانه برای مکه حرکت نماید ولی نزدیک طلوع آفتاب در ماشین سقف‌دار به خواب رود و بعد از طلوع آفتاب ماشین را نگاه دارند و او بیدار شود، برای مدتی که خواب بوده یا ماشین ایستاده است، کفاره واجب نیست، ولی اگر بعد از بیدار شدن و توجه یافتن و قبل از ایستادن ماشین، در زیر سقف باشد؛ هر چند در حال ناچاری و اضطرار باشد، کفاره واجب است.

م ﴿ ۴۹۷ ﴾ - در حال احرام، وقتی با ماشین بی‌سقف حرکت می‌کند، پیاده و سوار شدن از ماشین در حالی که ایستاده است و وی ناچار است از زیر سقف قسمت جلو ماشین حرکت کند، اشکال ندارد.

م ﴿ ۴۹۸ ﴾ - اگر از مسجدالحرام برای حج محرم شود و از مسجدالحرام در ماشین سقف‌دار سوار شود و در منزل پیاده شود، سوار شدن در اتومبیل سقف‌دار از مسجدالحرام به منزل یا در صورتی که پیاده نشوند و از اول قصد عرفات داشته باشد، اشکال ندارد.

م ﴿ ۴۹۹ ﴾ - اگر خدمه‌ی کاروان حج بعد از درک عرفات با اتوبوسی سر بسته و برای درک اضطراری به مشعرالحرام روند و در مسیر مزدلفه به منی به سببی مانند ازدحام و ترافیک روبه‌رو شوند و در هوای آفتابی در اتوبوس سر بسته باشند و ناگاه به یاد آورند که نباید در زیر طاق اتوبوس قرار گیرند و چند دقیقه‌ای با علم به این که اتوبوس سرپوشیده است در آن بمانند باید قربانی کنند، و پسندیده است آن را در منی ذبح نمایند، ولی ذبح در محل خودشان نیز برای کفاره کفایت می‌کند، و می‌تواند به فردی یا ارگان مطمئنی نیابت دهند تا وی آن را به نیابت ذبح نماید، و در

این صورت، ذبح وی کافی است، و بدون نیابت صحیح نیست.

م ﴿ ۵۰۰ ﴾ - زیر سایه قرار گرفتن در هر حالی حرام است؛ خواه سایه از تابش عمودی خورشید باشد یا از تابش مایل خورشید. البته، اگر سایه فقط بر شانه بیفتد، زیر سایه قرار گرفتن صدق نمی‌کند.

م ﴿ ۵۰۱ ﴾ - در عرفات همانند منی می‌توان زیر چتر حرکت نمود.

م ﴿ ۵۰۲ ﴾ - در تونل‌هایی که در شهر مکه احداث کرده‌اند می‌توان بعد از احرام حج با اتومبیل سقف‌دار سفر کرد.

م ﴿ ۵۰۳ ﴾ - محرم با رسیدن به مکه می‌تواند در زیر سایه قرار گیرد و لازم نیست به منزل خود برسد.

م ﴿ ۵۰۴ ﴾ - عبور از راه سقف‌داری که از حدود کشتارگاه تا نزدیک جمرات احداث شده است برای محرمی که هنوز منزل نکرده است و از مشعر مستقیم به جمرات می‌رود، جایز است.

م ﴿ ۵۰۵ ﴾ - گرفتن ناخن توسط محرم از غیر محرم جایز است.

م ﴿ ۵۰۶ ﴾ - محرم می‌تواند ناخن محرم دیگر را به گونه‌ی تقصیر بگیرد.

م ﴿ ۵۰۷ ﴾ - کندن دندان بر محرم حرام است و مقصود بیرون آوردن دندان خود می‌باشد نه دندان دیگری؛ هر چند خون از آن بیرون آید.

م ﴿ ۵۰۸ ﴾ - در حال احرام می‌توان دندانی را که درد شدید دارد و پزشک سفارش به کشیدن آن می‌کند و کشیدن آن ضرورت دارد را کشید، ولی باید کفاره بپردازد.

م ﴿ ۵۰۹ ﴾ - هرگاه محرم سر خود را با چیز دوخته بپوشاند اگر به عمد و یا از روی علم باشد، باید دو کفاره بدهد و اگر به مسأله ناآگاه بوده یا فراموش نموده است،

باید یک كفاره بپردازد.

م ﴿ ۵۱۰ ﴾ - محرم می تواند به دیگری امر نماید؛ برای نمونه بگوید: یک لیوان آب
یا چای یا چیز دیگر به من بدهید.

آداب احرام و وارد شدن به حرم

مستحبات احرام

م ﴿ ۵۱۱ ﴾ - در احرام مستحب است:

- ۱- پیش از احرام بدن خود را پاکیزه نماید و ناخن و موهای زاید بدن را بزاید.
- ۲- کسی که قصد حج دارد از اول ماه ذی القعدة و شخصی که قصد عمره می فرود دارد پیش از یک ماه موی سر و صورت خود را کوتاه نکند تا بلند شود.
- ۳- پیش از احرام در میقات، غسل احرام نماید و بر زن حیض و نفسا نیز مستحب است این غسل را انجام دهد و پیش انداختن آن صحیح است؛ بویژه در صورتی که ترس آن باشد که در میقات آب نیابد، و در صورت پیش انداختن، اگر در میقات آب بیابد، مستحب است غسل را اعاده نماید و بعد از غسل؛ چنانچه لباسی بپوشد یا چیزی بخورد که بر محرم حرام است، باز اعاده آن مستحب است و اگر مکلف در روز غسل نمود، از آن زمان تا آخر شب آینده کافی است. همچنین است اگر غسل را در شب انجام دهد که تا آخر روز آینده کافی است، ولی در صورتی که بعد از غسل و پیش از احرام، از وی حدث اصغر سرزند، پسندیده است غسل را

اعاده نماید.

۴- دو جامه‌ی احرام از پنبه باشد.

۵- چنانچه می‌تواند، احرام را به ترتیب ذیل ببندد: نخست بعد از نماز ظهر، و اگر نمی‌تواند بعد از نماز واجب دیگری، و در صورتی که نمی‌تواند بعد از شش یا دو رکعت نماز نافله، در رکعت اول پس از حمد سوره‌ی توحید، و در رکعت دوم سوره‌ی حمد را بخواند، و شش رکعت بهتر است، و بعد از نماز، حمد و ثنای الهی را بجا آورد و بر پیغمبر و آل او صلوات فرستد، آنگاه بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ اسْتَجَابَ لَكَ، وَأَمَّنَ بَوَعْدِكَ، وَاتَّبَعَ أَمْرَكَ، فَسَائِنِي عَبْدُكَ، وَفِي قَبْضَتِكَ لَا أُوقَى إِلَّا مَا وَقَيْتَ، وَلَا أَخْذُ إِلَّا مَا أَعْطَيْتَ، وَقَدْ ذَكَرْتَ الْحَجَّ، فَاسْأَلُكَ أَنْ تَعَزِّمَ لِي عَلَيْهِ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَتُقَوِّينِي عَلَى مَا ضَعَفْتُ، وَتُسَلِّمَ لِي مَنَاسِكِي فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ، وَاجْعَلْنِي مِنْ وَفْدِكَ الَّذِي رَضِيَتْ وَارْتَضَيْتَ وَسَمَّيْتَ وَكَتَبْتَ، اللَّهُمَّ إِنِّي خَرَجْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَأَنْفَقْتُ مَالِي ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لِي حَجَّتِي وَعُمْرَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَإِنْ عَرَضَ لِي عَارِضٌ يَخْبِسُنِي فَخَلِّنِي حَيْثُ حَبَسْتَنِي بِقَدْرِكَ الَّذِي قَدَّرْتَ عَلَيَّ، اللَّهُمَّ إِنْ لَمْ تَكُنْ حَاجَّةَ فَعُمْرَةٌ، أَحْرَمَ لَكَ شَعْرِي وَبَشْرِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَمُخِي وَعَصْبِي مِنَ النِّسَاءِ وَالنِّبَابِ وَالطَّيْبِ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ وَجْهَكَ وَالِدَارَ الْآخِرَةَ».

۶- هنگام پوشیدن دو جامه‌ی احرام بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أُورِي بِهِ عَوْرَتِي، وَأُوَدِّي فِيهِ فَرَضِي، وَأَعْبُدُ فِيهِ رَبِّي، وَانْتَهَى فِيهِ إِلَى مَا أَمَرَنِي، أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَصَدْتُهُ فَبَلَّغَنِي، وَأَرَدْتُهُ فَأَعَانَنِي، وَقَبَّلَنِي وَلَمْ يَقْطَعْ بِي وَوَجْهَهُ أَرَدْتُ فَسَلَّمَنِي، فَهُوَ حِصْنِي وَكَهْفِي وَحِرْزِي وَظَهْرِي وَمَلَاذِي وَرَجَائِي وَمَنْجَايَ وَذَخْرِي وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي وَرَخَائِي».

۷- تلبیه را در حال احرام تکرار کند؛ بویژه در هنگام:

الف- برخاستن از خواب؛

ب- بعد از هر نماز واجب و مستحب؛

ج- رسیدن به سواره؛

د- بالا رفتن یا سرازیر شدن از تپه؛

ه- سوار شدن یا پیاده شدن؛

و- آخر شب؛

ز- سحر.

بر حیاض و نفسا نیز پسندیده است تلبیه را در وقت‌های گفته شده بگویند.

م ﴿ ۵۱۲ ﴾ - کسی که حج عمره‌ی تمتع می‌گذارد باید تلبیه را تا وقتی که خانه‌های

مکه را می‌بیند ادامه دهد؛ اما تلبیه‌ی حج را باید تا ظهر روز عرفه ادامه داد.

ناپسندها و مکروهات در احرام

م ﴿ ۵۱۳ ﴾ - مکروهات احرام عبارت است از:

۱- احرام در جامه‌ی سیاه. جامه‌ی سفید بهترین احرام است.

۲- خوابیدن محرم بر رخت و بالش زرد رنگ.

۳- احرام بستن در جامه‌ی چرکین و آلوده، و اگر جامه در حال احرام چرک شود،

مکلف تا زمانی که در احرام است، بهتر است آن را نشوید.

۴- احرام بستن در جامه‌ی راه راه یا نقش دار.

۵- به کار بردن حنا پیش از احرام؛ در صورتی که اثر آن تا حال احرام باقی بماند.

۶- بهتر است محرم در هنگام حمام رفتن بدن خود را با کیسه و مانند آن نساید.

۷- لبیک گفتن محرم در جواب کسی که وی را صدا زند.

پسندیده‌های وارد شدن به حرم

م ﴿ ۵۱۴ ﴾ - برای وارد شدن به حرم مستحب است:

- ۱- با رسیدن به حرم پیاده شود و برای وارد شدن در آن غسل نماید.
- ۲- برای تواضع و فروتنی نسبت به حضرت حق جل و علا پابرهنه گردد و نعلین خود را در دست گیرد.

۳- به هنگام وارد شدن به حرم، این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَا تُوَكَّلُ رِجَالاً وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ». اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو أَنْ أَكُونَ مِمَّنْ أَجَابَ دَعْوَتَكَ، وَقَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعِيدَةٍ، وَفَجٍّ عَمِيقٍ، سَامِعاً لِنِدَائِكَ، وَمُسْتَجِيباً لَكَ، مُطِيعاً لِأَمْرِكَ، وَكُلُّ ذَلِكَ بِفَضْلِكَ عَلَيَّ، وَاحْسَانِكَ إِلَيَّ، فَالْحَمْدُ عَلَى مَا وَفَّقْتَنِي لَهُ، أَبْتَغِي بِذَلِكَ الزُّلْفَةَ عِنْدَكَ، وَالْقُرْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَنْزِلَةَ لَدَيْكَ، وَالْمَغْفِرَةَ لِذُنُوبِي، وَالتَّوْبَةَ عَلَيَّ مِنْهَا بِمَنِّكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَحَرِّمْ بَدَنِي عَلَى النَّارِ، وَآمِنِّي مِنْ عَذَابِكَ وَعِقَابِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

- ۴- به هنگام ورود حرم مقداری از گیاه اذخر برگردد و آن را بجود.

پسندیده‌های وارد شدن به مکه ی معظمه

م ﴿ ۵۱۵ ﴾ - مستحب است برای وارد شدن به مکه غسل نماید و با حالت تواضع وارد مکه شود، و کسی که از راه مدینه می‌رود، از بالای مکه داخل گردد و هنگام بیرون آمدن، از پایین آن بیرون آید.

آداب وارد شدن به مسجدالحرام

م ﴿ ۵۱۶ ﴾ - مستحب است برای وارد شدن به مسجدالحرام غسل نماید و با پای برهنه و با حالت سکینه و وقار وارد گردد و هنگام ورود از در «بنی شیبه» وارد شود و به صورت مستقیم بیاید تا از ستون‌ها بگذرد.

م ﴿ ۵۱۷ ﴾ - مستحب است بر در مسجدالحرام بایستد و بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ،

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ؛ السَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

یا نزد در مسجد این ذکر را بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَخَيْرِ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَالسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ، السَّلَامُ عَلَى خَلِيلِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ؛ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى إِبْرَاهِيمَ؛ خَلِيلِكَ؛ وَعَلَى أَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ وَاسْتَعْمَلْنِي فِي طَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ، واحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي، جَلِّ ثَنَاءَ وَجْهِكَ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِنْ وَفْدِهِ وَرُؤَاغِهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَعْمُرُ مَسَاجِدَهُ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَنَاجِيهِ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ وَرَائِدُكَ فِي بَيْتِكَ وَعَلَى كُلِّ مَاتِيٍّ حَقٌّ لِمَنْ أَتَاهُ وَزَارَهُ، وَأَنْتَ خَيْرُ مَاتِيٍّ وَأَكْرَمُ مَزُورٍ، فَاسْأَلْكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، بِأَنَّكَ وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا مَاجِدُ يَا جَبَّارُ يَا كَرِيمُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ تُحْفَتَكَ إِيَّايَ بَزِيَارَتِي إِيَّاكَ أَوْ لَ شَيْءٍ تُعْطِينِ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ».

سپس سه مرتبه بگوید:

«اللَّهُمَّ فَكِّرْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ» و پس از آن بگوید: «وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ شَيَاطِينِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

آنگاه داخل مسجد الحرام شود و رو به کعبه دستها را بلند نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَفِي أَوَّلِ مَنَاسِكِي أَنْ تَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي حَطِيئَتِي، وَأَنْ تَضَعَ عَنِّي وَزْرِي، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِي بَيْتَهُ الْحَرَامَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا بَيْتُكَ الْحَرَامَ الَّذِي جَعَلْتَهُ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدَ بَدُوكَ، وَالْبَيْتَ بَيْتُكَ؛ جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأُؤْمُّ طَاعَتَكَ مُطِيعًا لَأَمْرِكَ، رَاضِيًا بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْفَقِيرِ، إِلَيْكَ الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، وَاسْتَعْمَلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

بعد خطاب کند به سوی کعبه و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَظَمَكَ وَشَرَّفَكَ وَكَرَّمَكَ وَجَعَلَكَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِينَ».

م ﴿ ۵۱۸ ﴾ - مستحب است وقتی که برابر حجر الاسود رسید بگوید:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ، وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَبِعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَبِعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَىٰ مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و هنگامی که نگاهش به حجر الاسود افتاد، به سوی آن توجه نماید و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ مِمَّا أَحْسَى وَأَحْذَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَسَلَامٌ عَلَىٰ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ إِنِّي أُوْمِنُ بِوَعْدِكَ وَأُصَدِّقُ رُسُلَكَ وَأَتَّبِعُ كِتَابَكَ».

م ﴿ ۵۱۹ ﴾ - پسندیده است هنگامی که به نزدیک حجرالاسود رسید، دست‌های خود را بلند کند و حمد و ثنای الهی را بجا آورد و صلوات بر پیغمبر فرستد و از خداوند عالم بخواهد که حج وی را بپذیرد و پس از آن حجر را استلام نماید و ببوسد و اگر بوسیدن آن ممکن نباشد، استلام نماید، و اگر آن را هم نتواند، به آن اشاره کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ، أَمَاتِي أَدَيْتَهَا، وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ. اللَّهُمَّ تَصَدِّقًا بِكِتَابِكَ وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحَدَّهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، آمَنْتُ بِاللَّهِ وَكَفَرْتُ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَاللَّاتِ وَالْعُزَّىٰ وَعِبَادَةِ الشَّيْطَانِ وَعِبَادَةِ كُلِّ نِدٍّ يُدْعَى مِنْ دُونِ اللَّهِ».

و اگر نمی‌تواند همه‌ی دعا را بخواند، برخی از آن را بگوید و پس از آن چنین دعا نماید:

«اللَّهُمَّ إِلَيْكَ بَسَطْتُ يَدِي، وَفِي مَا عِنْدَكَ عَظُمَتْ رَغْبَتِي، فَاقْبَلْ سُبْحَتِي، وَاعْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَمَوَاقِفِ الْخِزْيِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

طواف و شرایط آن

- م ﴿ ۵۲۰ ﴾ - پس از وارد شدن به مکه‌ی معظمه، نخستین عملی که در عمره‌ی تمتع واجب است، طواف به دور خانه‌ی خداست.
- طواف عبارت است از هفت مرتبه گردیدن دور کعبه به گونه‌ای که خواهد آمد. هر دور را یک شوط می‌گویند و طواف هفت شوط دارد.
- م ﴿ ۵۲۱ ﴾ - طواف از ارکان عمره است، و کسی که آن را از روی عمد ترک کند تا زمان آن از دست رود، عمره‌ی وی باطل است؛ خواه آگاه به مسأله باشد یا نباشد.
- م ﴿ ۵۲۲ ﴾ - کسی که عمره‌ی خود را باطل می‌کند لازم است حج افراد گزارد، و پس از آن عمره بجا آورد، و حج را در سال بعد اعاده کند.
- م ﴿ ۵۲۳ ﴾ - طواف وقتی از دست می‌رود که اگر بخواهد آن را با بقیه‌ی اعمال عمره بجا آورد نتواند به عرفات و قوف کند.
- م ﴿ ۵۲۴ ﴾ - اگر از روی سهو طواف را ترک کند، لازم است هر وقت که باشد آن را بجا آورد، و چنانچه به محل خود بازگشته است لازم است به مکه رود و اگر رفتن وی مشقت داشته باشد، باید شخص مورد اطمینانی را نایب بگیرد.

م ﴿ ۵۲۵ ﴾ - اگر سعی را پیش از طواف انجام دهد باید طواف را بگذارد و سعی را هم بجا آورد، و چنانچه نماز طواف را گزارده است، باید آن را بعد از طواف اعاده کند.

م ﴿ ۵۲۶ ﴾ - اگر محرم به واسطه‌ی بیماری قدرت ندارد طواف کند و تا پیش از آن که وقت از دست رود قدرت نمی‌یابد؛ چنانچه ممکن است، او را به گونه‌ای ببرند و طواف دهند؛ اگرچه با به دوش گرفتن یا بر تخت گذاشتن باشد، و در صورتی که ممکن نیست، باید برای او نایب بگیرند.

م ﴿ ۵۲۷ ﴾ - اگر بیمار و ناتوان را طواف می‌دهند، باید شرایط و احکام طواف را به مقداری که برای او ممکن است مراعات بنمایند.

شرایط طواف

شرایط طواف عبارت است از نیت، پاکی از حدث و خبث، پاک بودن بدن و لباس، ختنه و پوشش شرم‌گاه.

نخست - نیت؛ باید طواف را با قصد خالص برای خدا بجا آورد.

م ﴿ ۵۲۸ ﴾ - لازم نیست نیت را به زبان بیاورد یا به قلب بگذراند، بلکه همین که قصد دارد این عمل را انجام دهد بسنده است، پس همان‌طور که انسان با قصد آب می‌خورد و راه می‌رود اگر عبادت را همان‌گونه بجا آورد، نیت را انجام داده است.

م ﴿ ۵۲۹ ﴾ - باید برای اطاعت خدا عبادت را بجا آورد و در این جهت با کارهای عادی دیگر تفاوت دارد. پس طواف را باید برای اطاعت خداوند انجام دهد.

م ﴿ ۵۳۰ ﴾ - اگر در گزاردن طواف یا دیگر اعمال عمره و حج که عبادی است ریا کند و برای نشان دادن و به رخ دیگری کشیدن و خوب جلوه دادن خود، آن را بجا

آورد، طواف و همین طور هرچه را این گونه انجام داده است باطل می باشد و گناه نموده است.

م ﴿ ۵۳۱ ﴾ - بعد از عمل و تمام کردن طواف یا دیگر اعمال، ریا باعث بطلان عمل نمی شود.

م ﴿ ۵۳۲ ﴾ - اگر عمل عبادی خود را برای خدا یا اطاعت امر خدا یا ترس از جهنم یا برای رسیدن به بهشت و ثواب انجام دهد کفایت می کند.

م ﴿ ۵۳۳ ﴾ - در عملی که برای خدا می آورد اگر رضای دیگری را شرکت دهد و خالص برای خدا نباشد، عمل وی باطل است.

دوم - پاکی از حدث اکبر

م ﴿ ۵۳۴ ﴾ - طهارت از حدث اکبر و اصغر در طواف واجب شرط است؛ خواه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نسا و حتی در عمره و حج مستحب نیز پس از بستن احرام آن واجب است همه ی اعمال آن را به پایان رساند.

م ﴿ ۵۳۵ ﴾ - پاکی از حدث اکبر و اصغر در طواف مستحبی شرط نیست، ولی کسی که جنب یا حیض است جایز نیست در مسجد الحرام وارد شود؛ هر چند اگر به غفلت یا فراموشی طواف مستحب انجام دهد، صحیح است.

م ﴿ ۵۳۶ ﴾ - طواف مستحب است، بلکه بیش از یک طواف و هفت دور اطراف کعبه گردیدن، هر اندازه که بتواند طواف کند پسندیده است. در طواف مستحب طهارت شرط نیست.

م ﴿ ۵۳۷ ﴾ - شخصی که حدث اکبر یا اصغر دارد، اگر طواف کند، طواف وی باطل است؛ خواه از روی عمد باشد یا از روی غفلت یا فراموشی یا ندانستن مسأله.

م ﴿ ۵۳۸ ﴾ - در بین طواف اگر از وی حدثی سرزند؛ چنانچه پس از تمام شدن دور

چهارم است، باید طواف را قطع کند و طهارت بگیرد و از همان جا که طواف را قطع کرده است آن را تمام کند.

م ﴿ ۵۳۹ ﴾ - در فرض پیش گفته شده اگر پیش از تمام شدن دور چهارم، حدث از وی سرزند، لازم است طواف را اعاده کند. این حکم، ویژه‌ی حدث اصغر است.

م ﴿ ۵۴۰ ﴾ - اگر در بین طواف از وی حدث اکبر؛ مانند جنابت یا حیض سرزند، باید بی‌درنگ از مسجدالحرام بیرون آید و چنانچه پیش از تمام شدن دور چهارم باشد، باید پس از غسل، طواف را اعاده کند.

م ﴿ ۵۴۱ ﴾ - اگر نتواند وضو یا غسل بسازد، واجب است تیمم بدل از وضو یا بدل از غسل انجام دهد.

م ﴿ ۵۴۲ ﴾ - اگر تیمم بدل از غسل نماید و حدث اصغر بروی عارض شود، لازم نیست برای حدث اکبر تیمم کند، بلکه تنها برای حدث اصغر باید تیمم کند، و تا حدث اکبر برای او حاصل نشده و عذرش باقی است، همان تیمم نخست کافی است. البته، مستحب است که تیمم بدل از غسل نیز انجام دهد.

م ﴿ ۵۴۳ ﴾ - اگر امید دارد که عذر وی از وضو یا غسل از بین می‌رود، می‌تواند تا پیش از آن که وقت از دست رود یا ناامید گردد صبر کند و می‌تواند بدار داشته باشد و عمل خود را در ابتدای وقت با تیمم انجام دهد، ولی در صورتی که تا آخر وقت عذر وی از بین رود، باید دوباره وضو یا غسل نماید.

م ﴿ ۵۴۴ ﴾ - اگر با وضو بوده است و شک کند که حدث بروی عارض شده یا نه، لازم است بنا بر داشتن وضو گذارد و لازم نیست وضو بگیرد. همچنین، اگر از حدث اکبر پاک بوده است و شک کند که حدث از وی سرزده است یا نه، بنا گذارد که پاک می‌باشد.

- م ﴿ ۵۴۵ ﴾ - اگر حدث اصغر یا اکبر از وی سرزند و شک کند که وضو گرفته یا غسل کرده است یا نه، باید وضو بگیرد و یا در صورت دوم غسل نماید.
- م ﴿ ۵۴۶ ﴾ - اگر بعد از تمام شدن طواف شک کند که با وضو آن را بجا آورده است یا نه یا شک کند با غسل آن را انجام داده است یا نه، طواف وی صحیح است، ولی برای اعمال بعد باید تحصیل طهارت کند.
- م ﴿ ۵۴۷ ﴾ - اگر در بین طواف شک کند که وضو داشته است یا نه؛ چنانچه بعد از همه‌ی دور چهارم است، طواف را رها کند و وضو بگیرد و از همان جا ادامه‌ی طواف را انجام دهد، و در صورتی که قبل از تمام شدن دور چهارم است، واجب است طواف را اعاده کند و به پایان رساندن آن لازم نیست.
- م ﴿ ۵۴۸ ﴾ - در همه‌ی صورت‌هایی که در شک گفته شد بنا را بر طهارت گذارد یا طواف وی صحیح است بهتر است دوباره وضو بسازد یا غسل نماید؛ چرا که ممکن است بعد از آن آشکار شود وضو یا غسل نداشته است و با اشکال روبه‌رو شود.
- م ﴿ ۵۴۹ ﴾ - اگر در بین طواف شک کند که غسل از جنابت یا حیض یا نفاس کرده است یا نه، باید بی‌درنگ از مسجد الحرام بیرون رود و چنانچه شوط چهارم را تمام کرده است که شک می‌نماید، باید بعد از غسل بازگردد و ادامه‌ی آن را انجام دهد، و در غیر این صورت، طواف را بعد از غسل اعاده کند.
- م ﴿ ۵۵۰ ﴾ - اگر آب یا چیزی که بر آن بتوان تیمم نمود در دسترس نداشته باشد، مانند کسی می‌ماند که نمی‌تواند طواف را انجام دهد و با ناامید بودن از یافتن یکی از آن دو، باید نایب بگیرد.
- م ﴿ ۵۵۱ ﴾ - اگر جنب، حیض یا نفاس نیست، خود نیز باید طواف کند و چون مستحاضه‌ی متوسطه و کثیره بدون بجا آوردن غسل‌هایی که بر او لازم است

نمی‌تواند وارد مسجدالحرام شود تا طواف کند، بنابراین، باید به حکم جنب، حیض یا نفسا عمل کند.

سوم - پاکی بدن و لباس از نجاست

م ﴿ ۵۵۲ ﴾ - باید از امور نجسی که در نماز بخشیده شده است؛ مانند خون کم‌تر از درهم و جامه‌ای که با آن نتوان نماز خواند؛ مانند: عرق چین و جوراب؛ حتی انگشتر نجس، دوری نمود.

م ﴿ ۵۵۳ ﴾ - اگر پاک نمودن خون، دمل و زخم‌ها سختی دارد، لازم نیست بدن و لباس خود را پاک نماید.

م ﴿ ۵۵۴ ﴾ - در خون دمل و زخم تا اندازه‌ای که ممکن است باید آن را پاک نماید و لباس خود را تغییر دهد یا آن را پاک سازد یا جامه را عوض کند.

م ﴿ ۵۵۵ ﴾ - می‌توان طواف را تأخیر انداخت تا بدون سختی تطهیر نمود. البته، باید وقت طواف از دست نرود.

م ﴿ ۵۵۶ ﴾ - اگر طواف کند و بعد از آن بداند که بدن یا لباس وی به هنگام طواف نجس بوده، طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۵۵۷ ﴾ - اگر شک دارد که لباس یا بدن وی نجس است، طواف وی صحیح است و می‌تواند آن را ادامه دهد؛ خواه بداند که پیش‌تر از این پاک بوده است یا نداند، ولی اگر بداند که پیش‌تر نجس بوده و نداند که تطهیر شده است، نمی‌تواند به طواف ادامه دهد، بلکه باید آن را تطهیر نماید و سپس طواف کند.

م ﴿ ۵۵۸ ﴾ - اگر در بین طواف نجاستی به بدن یا لباس او برسد، باید طواف را رها کند و جامه یا بدن را تطهیر نماید و سپس طواف را از همان‌جا ادامه دهد و تمام کند، و طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۵۵۹ ﴾ - اگر در بین طواف آگاه شود که در بدن یا لباس او از ابتدا نجاستی بوده

است، باید طواف را رها کند و آن را پاک نماید، و از همان جا ادامه‌ی طواف را تمام کند و نماز طواف را بخواند و اعاده‌ی آن لازم نیست؛ اگرچه تطهیر آن به درازا کشد. در این صورت، میان آن که بعد از چهار دور آگاه شود یا پیش از آن تفاوتی نیست. م ﴿ ۵۶۰ ﴾ - اگر نجس بودن بدن یا لباس خود را فراموش کند و طواف نماید، واجب است آن را اعاده کند. همچنین است اگر در میان طواف آن را به یاد آورد.

چهارم - ختنه بودن مرد و بچه‌ی نابالغ

م ﴿ ۵۶۱ ﴾ - اگر بچه‌ی ختنه نشده، خود احرام ببندد یا او را محرم کنند، احرام وی صحیح است، ولی طواف او صحیح نیست؛ پس اگر برای حج محرم شود، چون طواف نسای وی باطل است، زن بر او حلال نمی‌شود، مگر آن که او را ختنه کنند و طواف دهند یا خود بعد از ختنه شدن طواف کند یا آن که برای او نایب بگیرند تا طواف کند.

م ﴿ ۵۶۲ ﴾ - اگر بچه ختنه کرده به دنیا آید، طواف وی صحیح است.

پنجم - پوشیدن شرم‌گاه

انجام طواف بدون پوشیدن شرم‌گاه باطل است. پوشش شرم‌گاه باید با پوشش مباح باشد و با پوشش غصبی صحیح نیست، بلکه اگر با لباس غصبی که شرم‌گاه را نمی‌پوشاند طواف نماید، باید همه‌ی شرایط لباس نمازگزار را داشته باشد.

م ﴿ ۵۶۳ ﴾ - در طواف باید موالات عرفی را رعایت نماید و در بین دوره‌های طواف، چنان طول ندهد و به درازا نکشاند که از صورت یک طواف خارج شود.

اعمال واجب طواف

واجبات طواف هفت چیز است که توضیح آن در ادامه می‌آید:

نخست - شروع از حجرالاسود؛

م ﴿ ۵۶۴ ﴾ - در شروع از حجرالاسود لازم نیست تمام اجزای بدن طواف کننده بر همه‌ی اجزای حجرالاسود عبور کند، بلکه تنها واجب است از حجرالاسود، هر جای آن باشد، شروع کند و به همان‌جا ختم نماید.

م ﴿ ۵۶۵ ﴾ - اندازه‌ی واجب شروع از حجرالاسود آن است که در عرف گفته شود از حجرالاسود شروع به طواف کرد؛ خواه از ابتدای حجر یا از وسط آن یا از آخر آن شروع کند.

م ﴿ ۵۶۶ ﴾ - از هر جای حجرالاسود که شروع نماید باید در دور هفتم به همان‌جا ختم کند، پس اگر از ابتدای آن شروع کرد، باید به همان ختم نماید. همچنین اگر از وسط یا آخر آن شروع کند باید به همان‌جا ختم نماید.

م ﴿ ۵۶۷ ﴾ - در طواف باید همان‌گونه که همه‌ی مسلمین طواف می‌کنند از محاذات و برابر «حجرالاسود»؛ بدون دقت عقلی شروع کند، و در دوره‌های بعد

بدون توقف دور بزند تا هفت دور تمام شود.

م ﴿ ۵۶۸ ﴾ - لازم نیست در هر دور بایستد و عقب و جلو رود تا برابری و محاذات را درست نماید و این کار، اضافه بر آن که کج روی و وسواس است، جایز است.

دوم - پایان دادن هر دوری به حجرالاسود؛

م ﴿ ۵۶۹ ﴾ - پایان دادن هر دوری به حجرالاسود در صورتی به دست می آید که بدون توقف، هفت دور را انجام دهد و در دور هفتم به همان جا که شروع کرده است ختم نماید.

سوم - قرار گرفتن خانه‌ی کعبه در طرف چپ طواف کننده؛

م ﴿ ۵۷۰ ﴾ - لازم نیست در همه‌ی طواف، خانه را به صورت حقیقی به سوی شانه‌ی چپ قرار دهد، بلکه اگر در موقع دور زدن به حجر اسماعیل عليه السلام، کعبه اندکی از طرف چپ خارج شود؛ به گونه‌ای که خانه به پشت متمایل شود ولی دور زدن وی به گونه‌ای متعارف باشد، اشکال ندارد.

م ﴿ ۵۷۱ ﴾ - اگر به هنگام رسیدن به گوشه‌های کعبه، شانه وی از برابر آن خارج شود؛ چنانچه به گونه‌ی متعارف دور زند، اشکال ندارد؛ هر چند خانه متمایل به پشت شود.

م ﴿ ۵۷۲ ﴾ - اگر برای احتیاط، دیگری را وادار نماید که او را طواف دهد و طواف کننده اختیار را از خود بگیرد، و به دست دیگری تکیه دهد و وی او را با فشار به جایی دور از آن ببرد، طواف وی باطل است، و چنانچه طواف نسا بدین گونه انجام دهد، زن یا مرد بر او حرام می‌باشد.

م ﴿ ۵۷۳ ﴾ - اگر به سبب مزاحمت و کثرت طواف کنندگان در طواف خلاف متعارف انجام دهد؛ مانند آن که رو یا پشت وی به سوی کعبه قرار گیرد و یا به سمت

عقب طواف کند، باید همان اندازه را دوباره انجام دهد.

م ﴿ ۵۷۴ ﴾ - اگر کثرت جمعیت، بدون اختیار انسان را با خود همراه سازد و دور دهد، کفایت نمی‌کند و باید آن را از سر بگیرد؛ اگرچه خانه طرف چپ وی باشد.
 م ﴿ ۵۷۵ ﴾ - در طواف به هرگونه که برود، اشکال ندارد؛ خواه آهسته برود یا تند و یا بدود و خواه پیاده باشد یا سواره؛ البته بهتر است به طور متعادل برود.

چهارم - داخل کردن حجر در طواف؛

حجر اسماعیل علیه السلام محلی است که به خانه‌ی کعبه چسبیده است و باید طواف کننده دور آن بگردد و به آن داخل نشود.

م ﴿ ۵۷۶ ﴾ - اگر دور حجر اسماعیل علیه السلام نگردد و از داخل آن طواف کند، طواف وی باطل است و باید آن را اعاده کند.

م ﴿ ۵۷۷ ﴾ - اگر به عمد داخل حجر شود، مانند باطل کردن عمدی طواف است و در صورتی که به سهو چنین کند، حکم باطل کردن سهوی را دارد.

م ﴿ ۵۷۸ ﴾ - اگر در دوری، حجر اسماعیل را داخل در طواف نکند، لازم است آن دور را از سر بگیرد.

م ﴿ ۵۷۹ ﴾ - اگر در دوری از روی دیوار حجر اسماعیل برود، لازم است آن دور را از سر بگیرد و آن را از جایی که از روی دیوار رفته است شروع نماید.

پنجم - همه‌ی اطراف طواف، میان خانه‌ی کعبه و مقام حضرت ابراهیم علیه السلام قرار گیرد؛

م ﴿ ۵۸۰ ﴾ - برای این که طواف بین کعبه و مقام باشد، باید طواف کننده در دور زدن دور همه‌ی اطراف خانه به صورت عادی به شعاع مسافتی که میان خانه و مقام ابراهیم علیه السلام است دورتر نباشد (بین مقام و خانه نزدیک به سیزده متر است). پس در همه‌ی اطراف در صورت امکان باید بیش‌تر از این اندازه دورتر نباشد، ولی در

صورت کثرت و ازدحام جمعیت طواف در خارج از این محدوده نیز کافی است؛ ولی باید از نزدیک‌ترین محل ممکن طواف نماید.

م ﴿ ۵۸۱ ﴾ - اگر از پشت مقام ابراهیم طواف کند و مقام داخل در طواف قرار گیرد، طواف وی باطل است و باید آن را اعاده کند.

م ﴿ ۵۸۲ ﴾ - اگر برخی از دورها را از پشت مقام طواف کند، باید همان را اعاده نماید.

م ﴿ ۵۸۳ ﴾ - در طرف حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام که محل طواف کم می‌شود و نزدیک به سه متر می‌رسد، باید در طواف آن ناحیه، بیش‌تر از سه متر دور نشود و در همان شعاع حرکت نماید.

م ﴿ ۵۸۴ ﴾ - اگر از جانب حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام بیش‌تر از سه متر دور شود، لازم است آن را اعاده کند و از مقدار گفته شده دور بزند.

ششم - بیرون بودن طواف کننده از خانه‌ی کعبه و آنچه از آن به شمار می‌آید؛

م ﴿ ۵۸۵ ﴾ - «شاذروان» جزو خانه‌ی کعبه است و طواف کننده باید آن را داخل طواف قرار دهد.

م ﴿ ۵۸۶ ﴾ - اگر گاهی به سبب زیادی جمعیت یا غیر آن بالای شاذروان برود و دور بزند، مقداری را که چنین نموده، باطل است، و باید آن را اعاده کند.

م ﴿ ۵۸۷ ﴾ - در جایی که شاذروان است می‌توان دست به دیوار خانه‌ی کعبه گذاشت، و طواف نمود؛ اگرچه ترک آن بهتر است.

م ﴿ ۵۸۸ ﴾ - در حال طواف می‌توان روی دیوار حجر اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام رفت، و این کار به طواف ضرری نمی‌رساند؛ اگرچه ترک آن بهتر است.

هفتم - هفت شوط (هفت مرتبه) دور بزند؛ نه کم‌تر و نه بیش‌تر.

م ﴿ ۵۸۹ ﴾ - اگر طواف کننده به عمد، از ابتدا قصد کند کم تر از هفت دور یا بیش تر طواف نماید، طواف وی باطل است؛ اگرچه به هفت دور تمام کند، و اگر به سبب آگاه نبودن از حکم یا از روی سهو و غفلت چنین کند، طواف را اعاده نماید.

م ﴿ ۵۹۰ ﴾ - اگر در بین طواف انجام زیادتر یا کم تر شوطهای طواف را قصد کند، و از قصد اولی خود که گزاردن هفت مرتبه است بازگردد، آنچه را با این نیت عمل کرده باطل است و باید آن را اعاده کند، و اگر با این قصد دور بیش تری انجام دهد، اصل طواف باطل می شود.

م ﴿ ۵۹۱ ﴾ - اگر از ابتدا قصد نماید که هشت دور بجا آورد؛ بدین گونه که هفت دور آن طواف واجب و یک دور آن برای قدم زدن به دور کعبه به قصد تبرک یا جهتی دیگر باشد، طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۵۹۲ ﴾ - اگر به این گمان که انجام یک دور طواف مستحب است و قصد کند که هفت دور واجب را بگذارد و یک دور مستحب را دنبال آن آورد، طواف وی درست است.

م ﴿ ۵۹۳ ﴾ - اگر بعد از طواف واجب که هفت دور است به گمان این که انجام یک دور مستحب است، هشت دور بجا آورد، طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۵۹۴ ﴾ - اگر از طواف واجب یک دور یا کم تر یا بیش تر به عمد کم کند، واجب است آن را تمام کند، و در صورتی که چنین نکند به مانند کسی است که طواف را به عمد ترک کرده است و کسی که به سبب ندانستن مسأله چنین کند، حکم عالم را دارد.

م ﴿ ۵۹۵ ﴾ - اگر بعد از کم کردن از طواف، کار بسیاری انجام دهد که موالات آن از دست برود، حکم قطع طواف را دارد.

م ﴿ ۵۹۶ ﴾ - اگر به سهو از طواف کم کند، چنانچه از نیمه‌ی طواف گذشته و کاری که موالات طواف را از بین ببرد انجام نداده باشد، باید از همان جا طواف را تمام کند و در غیر این صورت؛ چنانچه از نصف گذشته باشد، یا موالات آن را از بین برده باشد، باید طواف را اعاده نماید.

م ﴿ ۵۹۷ ﴾ - اگر بعد از بازگشت به وطن به یاد آورد که طواف را کم کرده است، خود باید بازگردد و چنانچه نمی‌تواند یا برای وی مشکل است باید نایب بگیرد.
م ﴿ ۵۹۸ ﴾ - در طواف واجب، قرآن جایز نیست و نمی‌تواند طواف واجب را با طواف دیگر به دنبال هم آورد؛ بدون آن که میان دو طواف، نماز طواف فاصله شود. قرآن در طواف مستحب، مکروه است و از ثواب آن می‌کاهد.

م ﴿ ۵۹۹ ﴾ - اگر دوری را کم یا زیاد نماید به این قصد که زیاده را جزو طواف دیگر قرار دهد، قرآن میان دو طواف به شمار می‌رود و حرام است.

م ﴿ ۶۰۰ ﴾ - در فرض پیش، اگر از ابتدا یا در بین طواف قصد نماید که آن را زیاد نماید، واجب است طواف نخست را اعاده کند، و اگر بعد از تمام شدن آن، قصد بجا آوردن طواف دیگر نماید و آن را پس از طواف اول انجام دهد، طواف نخست صحیح است.

م ﴿ ۶۰۱ ﴾ - اگر به سهو، بر هفت دور بیفزاید؛ چنانچه افزوده کم‌تر از یک دور است، باید آن را قطع کند و طواف وی صحیح است، و اگر یک دور یا بیش‌تر انجام دهد، هفت دور دیگر را به قصد قربت بدون تعیین مستحب یا واجب تمام کند و دو رکعت نماز قبل از سعی و دو رکعت بعد از سعی بخواند، و دو رکعت اول را برای فریضه قرار دهد؛ بدون آن که تعیین کند برای طواف اول است یا طواف دوم.

م ﴿ ۶۰۲ ﴾ - قطع طواف غیر واجب بدون عذر جایز است و قطع طواف واجب

بدون عذرو به صرف خواهش نفس کراحت دارد؛ به این معنا که طواف را به گونه ای قطع ننماید که از انجام ادامه ی آن باز بماند و موالات عرفی آن را از بین ببرد.

م ﴿ ۶۰۳ ﴾ - اگر بدون عذر طواف را قطع کند؛ چنانچه چهار دور بجا آورده است، طواف را تمام کند و در صورتی که امری ناسازگار با طواف انجام داده است؛ برای نمونه: موالات را از بین برده است، باید آن را اعاده کند.

م ﴿ ۶۰۴ ﴾ - اگر طواف را قطع کند و امری ناسازگار با آن را انجام نداده باشد، بازگردد و آن را تمام نماید و طواف وی درست است.

م ﴿ ۶۰۵ ﴾ - اگر در بین طواف عذری پیش آید که نتواند آن را تمام نماید؛ برای نمونه: بیمار شود یا حیض گردد یا بدون اختیار طهارت خود را از دست بدهد، و پس از تمام شدن چهار دور باشد، باید بعد از برطرف شدن عذر بازگردد و از همان جا آن را تمام کند و در صورتی که پیش از آن باشد، طواف را اعاده کند.

م ﴿ ۶۰۶ ﴾ - اگر طواف را با عذر قطع نماید و نتواند آن را تا پیش از دست رفتن وقت انجام دهد؛ چنانچه ممکن است، او را حمل کنند و طواف دهند، و در صورتی که ممکن نیست، برای او نایب بگیرند.

م ﴿ ۶۰۷ ﴾ - اگر به هنگام طواف، وقت نماز واجب وی تنگ شود، واجب است طواف را رها کند و نماز بخواند، و چنانچه آن را بعد از چهار دور رها نموده است، از همان جا طواف را تمام کند، و در غیر این صورت، آن را اعاده کند.

م ﴿ ۶۰۸ ﴾ - پسندیده است برای رسیدن به نماز جماعت یا وقت فضیلت نماز واجب، طواف را قطع نماید و در صورتی که آن را قطع کند، بعد از نماز از همان جا ادامه دهد و به پایان رساند.

م ﴿ ۶۰۹ ﴾ - اگر بعد از پایان طواف شک کند که طواف را زیادتیر یا کم تر از هفت

دور بجا آورده یا نه، به آن اعتنا نکند و طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۶۱۰ ﴾ - اگر بعد از طواف شک کند که آن را صحیح بجا آورده یا نه؛ برای نمونه، احتمال دهد که از طرف راست طواف کرده یا طهارت نداشته یا از داخل حجر اسماعیل عليه السلام طواف کرده است؛ اگرچه هنوز در محل طواف باشد و از آن جا منصرف نشده باشد یا به کارهای دیگر مشغول نشده باشد، در صورتی که بداند آن را هفت دور بدون هیچ زبانی یا کمی انجام داده است، به آن توجه ننماید و طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۶۱۱ ﴾ - اگر در پایان دور که به حجر الاسود ختم می شود شک نماید که هفت دور رفته است یا هشت دور یا بیش تر، به شک خود اعتنا نکند و طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۶۱۲ ﴾ - اگر پیش از رسیدن به حجر الاسود و تمام شدن دور شک کند که آنچه را هم اکنون انجام می دهد دور هفتم است یا هشتم، طواف وی باطل است.

م ﴿ ۶۱۳ ﴾ - اگر در پایان دور یا بین آن شک کند شش دور یا هفت دور بجا آورده و به طور کلی هرگاه که در انجام کم تر از هفت دور شک نماید، طواف وی باطل است.

م ﴿ ۶۱۴ ﴾ - در طواف مستحب اگر در شماره ی دورها شک کند، لازم است بنا را بر شماره ی کم تر گذارد، و طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۶۱۵ ﴾ - کسی که در شماره ی دورها بسیار شک می کند (کثیرالشک) به شک خود اعتنا نکند و چنانچه از کسی بخواهد که شماره ی طواف وی را لحاظ نماید؛ هر چند پسندیده نیست، اشکال ندارد.

م ﴿ ۶۱۶ ﴾ - گمان در شماره ی دورها اعتبار ندارد و حکم شک را دارد.

م ﴿ ۶۱۷ ﴾ - اگر سعی بین صفا و مروه گزارد و به یاد آورد که طواف را نگزارده

است، باید آن را رها کند و طواف نماید و پس از آن سعی را اعاده کند.

م ﴿ ۶۱۸ ﴾ - اگر در حال سعی به یاد آورد که طواف را ناقص بجا آورده است، باید بازگردد و طواف را از همان جا که کم گذاشته است تکمیل نماید و سپس ادامه‌ی سعی را بجا آورد و طواف و سعی وی درست است.

م ﴿ ۶۱۹ ﴾ - اگر به سهو یا به غفلت یا از روی ناآگاهی طواف را بدون وضو بجا آورد، طواف وی باطل است. همچنین است اگر آن را با حال جنابت، حیض یا نفاس بگزارد.

م ﴿ ۶۲۰ ﴾ - اگر مریض یا طفلی را حمل کند و طواف دهد و خود نیز قصد طواف کند، طواف هر دو صحیح است.

م ﴿ ۶۲۱ ﴾ - سخن گفتن و خنده نمودن و شعر خواندن در حال طواف اشکال ندارد؛ هر چند مکروه است.

م ﴿ ۶۲۲ ﴾ - پسندیده است در حال طواف مشغول دعا، ذکر خدا و تلاوت قرآن کریم باشد.

م ﴿ ۶۲۳ ﴾ - در حال طواف لازم نیست روی طواف کننده به سوی جلو باشد، بلکه می‌تواند به چپ یا راست نگاه کند و صورت خود را برگرداند یا به عقب نگاه کند، و می‌تواند طواف را رها کند و خانه را ببوسد و به جایی که طواف را از آن جا رها کرده است برگردد و از همان جا طواف را ادامه دهد و به پایان رساند.

م ﴿ ۶۲۴ ﴾ - در بین طواف برای رفع خستگی و استراحت، می‌توان نشست یا دراز کشید و بعد از همان جا طواف را ادامه داد و به پایان رساند، ولی نباید چنان به درازا بینجامد که موالات عرفی آن از بین برود، و اگر موالات را از بین ببرد، باید طواف را اعاده نماید.

مسائل دیگر طواف

م ﴿ ۶۲۵ ﴾ - در مقابل حجر اسماعیل عليه السلام باید به گونه‌ای متعارف و به شیوه‌ای طواف کند که به آن طواف خانه‌ی خدا گفته شود. حجر اسماعیل عليه السلام جزو خانه‌ی خدا به شمار نمی‌رود؛ هر چند باید در خارج آن طواف کرد.

م ﴿ ۶۲۶ ﴾ - هرگاه در طواف اشکالی پیش آمد؛ برای نمونه، زیادی جمعیت او را بی‌اختیار با خود همراه برد، باید همان چند قدم را با اختیار از سر بگیرد و چنانچه ممکن نیست، باید در وقت خلوت طواف نماید و اگر از ابتدا و از حجر الاسود به قصد طواف شروع کند، اشکال دارد. منظور از بی‌اختیار شدن این نیست که در اثر فشار جمعیت تندتر برود، بلکه در این صورت اگر قدم‌ها را به اختیار خود بردارد، اشکال ندارد و طواف وی درست است.

م ﴿ ۶۲۷ ﴾ - در حال طواف، اگر در اثر فشار و ازدحام جمعیت پشت به خانه شود و قسمتی از طواف به این صورت انجام گیرد یا در اثر فشار جمعیت، وی را مقداری به جلو ببرند، باید مقداری از طواف که پشت به خانه یا بدون اختیار بوده است را اعاده نماید، و چنانچه نمی‌تواند بازگردد، لازم است بدون قصد طواف با جمعیت برود تا به جایی که باید از آنجا طواف را اعاده کند برسد و از آنجا ادامه‌ی طواف خود را انجام دهد.

م ﴿ ۶۲۸ ﴾ - در حال طواف، اگر پولی همراه داشته باشد که خمس آن را نداده است، طواف وی را باطل نمی‌نماید.

م ﴿ ۶۲۹ ﴾ - کسی که از اول بلوغ برای خود سال خمسی قرار نداده است اگر به حج رود و با همان پول هزینه‌های حج را تأمین کند؛ چنانچه پول او از درآمد است و

معلوم نیست که سود میان سال است، بدون پرداخت خمس حکم غضب را دارد و طواف و قربانی وی صحیح نیست.

م ﴿ ۶۳۰ ﴾ - اگر با درآمدی که خمس آن را نپرداخته است لباس احرام تهیه کند و با آن محرم شود، و طواف و نماز بجا آورد؛ چنانچه از روی علم و عمد نبوده، اصل عمره و حج او صحیح است، ولی در صورتی که در دانستن حکم مسأله کوتاهی کرده باشد، باید طواف و نماز را اعاده کند.

م ﴿ ۶۳۱ ﴾ - اگر با پولی که شک دارد متعلق خمس است یا نه، لباس احرام بخرد، لازم نیست خمس بدهد و طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۶۳۲ ﴾ - پس از انجام اعمال حج تمتع، اگر فهمید که در طواف عمره یا حج چند شوط از هفت شوط را از داخل حجر اسماعیل انجام داده، حج وی صحیح است و باید طواف را اعاده کند.

م ﴿ ۶۳۳ ﴾ - زنی که در غیر ایام عادت لک دیده و به اعتقاد پاک، طواف و نماز را انجام داده و شب بعد خونی با شرایط حیض دیده است، اگر یقین کند که بعد از دیدن لک، خون در باطن شرم‌گاه بوده و قطع نشده است، آن را حیض بدانند و طواف و نماز وی صحیح نیست و در صورتی که شک دارد یا یقین کند که خون قطع شده حیض نبوده است، اعمال حج وی صحیح است و باید طواف و نماز را اعاده کند و چنانچه عمره می‌گزارد، در صورت از دست رفتن وقت، باید بعد از حج، عمره‌ی مفرده بجا آورد.

م ﴿ ۶۳۴ ﴾ - اگر ختنه برای غیر مختون، به تشخیص کارشناسان خطر داشته باشد، باید محرم شود و خود طواف کند و نماز بگزارد و لازم نیست نایب بگیرد.

م ﴿ ۶۳۵ ﴾ - اگر در بین طواف، نماز جماعت برقرار شود و وی نتواند طواف را

ادامه دهد؛ چنانچه بعد از شوط چهارم طواف یا سعی آن را قطع نماید، باید از همان جایی که آن را قطع کرده است طواف یا سعی را تمام کند و اگر پیش از شوط چهارم طواف بوده و فاصله‌ی آن بسیار است، طواف یا سعی را از سر بگیرد.

م ﴿ ۶۳۶ ﴾ - اگر بعد از تقصیر در عمره‌ی تمتع متوجه شود که وضوی وی باطل بوده یا وضو نداشته و با این حال طواف و نماز طواف گزارده است، باید طواف و نماز را اعاده کند و عمره‌ی وی صحیح است.

م ﴿ ۶۳۷ ﴾ - اگر در حال طواف، برای تبرک به طرف کعبه رود و بعد از بوسیدن یا لمس آن و احتمال دهد که در آن حال چند قدم راه رفته است، طواف وی صحیح است و به شک خود اعتنا نکند.

م ﴿ ۶۳۸ ﴾ - اگر در بین طواف شک در درستی شوط گذشته یا جزئی از شوطی که آن را انجام می‌دهد و محل آن گذشته است نماید؛ برای نمونه، نمی‌داند که از مقابل حجر که عبور کرده از محل طواف خارج بوده است یا نه؛ چنانچه به مسأله آگاه بوده و می‌خواسته است عمل صحیح انجام دهد؛ یعنی غافل نبوده، طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۶۳۹ ﴾ - اگر طواف، سعی یا نماز طواف در عمره به سببی باطل شده باشد و بدون توجه به آن، تقصیر نماید و لباس بپوشد و سپس بداند که عمل وی باطل بوده است، باید عمل باطل شده را جبران کند، ولی چون از احرام خارج شده است، کفاره ندارد.

م ﴿ ۶۴۰ ﴾ - اگر در طواف، نجاستی در بدن ببیند و یقین نماید که از شوط‌های قبل این نجاست در بدن او بوده است و بدون توجه به مسأله، طواف را تکمیل نماید و پس از آن بدن را تطهیر کند و طواف را اعاده نماید و بقیه‌ی اعمال عمره را انجام

دهد، باید مقداری از طواف را که بعد از یقین به نجاست باقی مانده است، اعاده کند و سپس نماز طواف بخواند و چون از احرام خارج شده و طواف و نماز طواف را انجام داده، عمل وی صحیح است.

م ﴿ ۶۴۱ ﴾ - اگر در بین طواف آن را قطع نماید و از اول شروع کند؛ چنانچه بعد از دور چهارم بوده است، آن را تمام کند و بعد طواف دیگری بجا آورد و در صورتی که پیش از دور چهارم است، در این فرض باید طواف دیگری انجام دهد، و با فرض صحیح بودن دیگر اعمال، از احرام خارج می‌شود.

م ﴿ ۶۴۲ ﴾ - اگر در شوط آخر، طهارت خود را از دست دهد و بدون طهارت شوط را تمام نماید، باید وضو بگیرد و قسمتی از طواف را که بدون وضو انجام داده است، اعاده نماید و بعد از آن، نماز طواف بخواند.

م ﴿ ۶۴۳ ﴾ - اگر به گمان این که در طواف، بر اثر فشار جمعیت، بی اختیار به جلو برده شده است، ولی به آن اطمینان نداشته باشد و بازگشت و جبران آن ممکن نباشد، نمی‌تواند ادامه‌ی شوط تا محل تدارک را به قصد رجا انجام دهد تا چنانچه شوط وی باطل است، زیادی لغو باشد و در صورتی که صحیح است، افزوده از طواف باشد و بعد بقیه‌ی شوط‌های طواف را انجام دهد و این شوط را به حساب نیاورد.

م ﴿ ۶۴۴ ﴾ - اگر در شوط چهارم از حجرالاسود تا اول حجر اسماعیل عليه السلام را بپیماید و گمان کند چون اول شوط چهارم نیت این شوط را نداشته است، باید این قسمت از شوط را اعاده نماید، نمی‌تواند بقیه‌ی شوط را بدون نیت برود و از حجرالاسود به قصد شوط چهارم طواف کند، بلکه باید دوباره آن را انجام دهد.

م ﴿ ۶۴۵ ﴾ - در طواف، اگر بعد از انجام بخشی از آن، طواف را رها کند و بی‌درنگ

دوباره آن را شروع کند، طواف وی اشکال ندارد.

م ﴿ ۶۴۶ ﴾ - اگر در حال طواف به اشتباه به قصد طواف وارد حجر اسماعیل عليه السلام شود و بعد که متوجه شد باز گردد و از همان جا که وارد حجر شده بود طواف را شروع و شوط را کامل نماید، همان شوط وی باطل است و باید آن را از حجر الاسود اعاده کند، و چون به صورت غالب برگشتن به عقب مشکل است، بهتر است همراه جمعیت، آن دور را بدون نیت ادامه دهد و سپس از حجر الاسود قصد کند.

م ﴿ ۶۴۷ ﴾ - اگر در حال طواف یا سعی یا در نماز در شماره‌ی شوط یا رکعت شک کند، و با همین حال طواف و سعی و نماز را ادامه دهد و سپس به یک طرف شک یا یقین کند و اعمال را تمام نماید، چنانچه طواف یا سعی را در حال شک ادامه دهد و بعد یقین به درستی آن نماید، اشکال ندارد، و طواف و سعی وی صحیح است، ولی در نماز بدون تروی (تامل برای رفع شک) درست نیست و اعاده لازم است.

م ﴿ ۶۴۸ ﴾ - اگر در طواف بر چیزهایی که از دیگران بر زمین افتاده است؛ مانند ساعت، پا بگذارد، برای طواف اشکالی ندارد و شایسته نیست با توجه روی آن پا بگذارد.

م ﴿ ۶۴۹ ﴾ - اگر می‌داند پا گذاشتن بر روی احرامی دیگری سبب اذیت و نارضایتی وی می‌گردد، عدم رضایت او به طواف ضرر نمی‌رساند، ولی ترک آن لازم است.

م ﴿ ۶۵۰ ﴾ - اگر پیش از شوط چهارم طواف خود را قطع نماید و دوباره طواف کند، طواف از نو آورده شده صحیح است و امر دیگری لازم ندارد.

م ﴿ ۶۵۱ ﴾ - اگر طواف را از حجر الاسود شروع کند و در هر شوط به رکن یمانی که رسید نیت خود را به پایان رساند و شوط بعد را از حجر الاسود نیت نماید و هفت

شوط را به همین صورت تمام نماید، به گمان این که پایان طواف و شوط وی باید در رکن یمانی باشد، طواف وی درست نیست و باید آن را اعاده نماید.

م ﴿ ۶۵۲ ﴾ - اگر به سببی مانند آن که مأموران نظافت مسجدالحرام از کنار کعبه دست به دست هم دهند تا حاجیان از محل طواف خارج شوند، ضرورت ایجاد شده است، طواف وی در خارج از محل طواف صحیح است و لازم نیست صبر کند تا نظافت تمام شود؛ چرا که طواف اندازه‌ی معینی ندارد.

م ﴿ ۶۵۳ ﴾ - اگر تنها نماز طواف را به گمان این که کفایت می‌کند بدون طواف انجام دهد و سپس دیگر اعمال را بگذارد، با فرض این که طواف حج را از روی ناآگاهی ترک کرده و به محلش برگشته است، باید حج را دوباره انجام دهد، و یک شتر قربانی نماید.

م - ﴿ ۶۵۴ ﴾ اگر مشغول طواف عمره یا زیارت شود و مأموران برای نظافت مسجد، طواف کننده را از محل طواف خارج نمایند و به گونه‌ای فاصله افتد که گمان کند موالات عرفی از بین رفته است؛ چنانچه طواف را از سر بگیرد، صحیح است.

م ﴿ ۶۵۵ ﴾ - زنی که نمی‌تواند طواف کند و امر دایر است بین این که با تخت در خارج از محل طواف، طواف داده شود و یا نامحرم او را پشت کند و در مطاف طواف دهد، لازم نیست او را در مطاف طواف دهند و طواف در خارج از مطاف کفایت می‌کند.

م ﴿ ۶۵۶ ﴾ - کسی که باید طواف را تمام نماید و اعاده کند، چنانچه به هنگام اعاده، یکی از شوط‌های طواف را همانند اول قطع نماید، باید طواف دوم را نیز تمام نماید و آن را اعاده کند.

م ﴿ ۶۵۷ ﴾ - اگر در حال طواف برای چند ساعت بی‌هوش شود، چنانچه پیش از شوط چهارم بی‌هوش شده است، وضو بگیرد و طواف را اعاده نماید، و اگر بعد از شوط چهارم بوده است، باید وضو بگیرد و طواف را به پایان رساند.

م ﴿ ۶۵۸ ﴾ - کسی که خود نمی‌تواند برخی از شوط‌های طواف و سعی را انجام دهد، می‌تواند برای انجام آن نایب بگیرد.

در طواف رعایت حد معینی لازم نیست و همین قدر که بگویند طواف دور خانه‌ی کعبه انجام داده بسنده است؛ هرچند هر اندازه طواف به خانه‌ی خدا نزدیک‌تر انجام گیرد، پسندیده‌تر است، و نماز خواندن در مکان دورتری از مقام در مورد ضرورت اشکال ندارد، و کسی که وارد مکه می‌شود می‌تواند بدون درنگ اعمال نماز و طواف را به هرگونه که برای او ممکن است انجام دهد و لازم نیست در احرام بماند تا پیش از این که وقت و شب نهم از دست رود صبر کند و سپس طواف نماید.

اگر یقین دارد پیش از بلوغ یا بعد از آن جنب شده است و بدون غسل جنابت حج بگذارد، نماز و طواف وی صحیح نیست و غسل‌های دیگر از غسل جنابت بسنده نمی‌کند، و نمازهایی را که با این حال خوانده است باید قضا کند، و چنانچه نمی‌دانسته جنب است و روزه گرفته، روزه‌های او صحیح است و قضا ندارد، و حج در صورت یاد شده صحیح است، ولی طواف‌های عمره و حج و نسا و نمازهای آن را باید دو مرتبه بجا آورد، و اگر نمی‌تواند خود به مکه رود، برای انجام آن نایب بگیرد، و تا طواف حج و طواف نسا و نماز آن را انجام نداده یا با نداشتن قدرت، نایب وی آن را نگزارده است، باید از بوی خوش، ازدواج و محرمانه‌ای که با طواف نسا حلال می‌شود، دوری نماید.

م ﴿ ۶۵۹ ﴾ - اگر در بین طواف، حدثی از وی سرزند و به سبب خجالت با همین حال اعمال را تمام کند؛ چنانچه با اعتقاد به درستی عمل، آن را به پایان رسانده، حج وی صحیح است و باید طواف و نماز آن را اعاده کند، و اگر نمی‌تواند خود به مکه رود، باید نایب بگیرد، و در صورتی که بعد از شوط چهارم حدث از وی سر زده باشد، باید آن را جبران کند.

م ﴿ ۶۶۰ ﴾ - اگر بعد از مغرب از مسجد شجره برای زیارت و انجام اعمال به سوی مکه حرکت کند و نزدیک اذان صبح به کعبه رسد و چون زایران پیشین نماز صبح می‌گذاشتند مقداری صبر کند تا پس از نماز طواف نماید ولی به علت خستگی زیاد به خواب رود و چون آب در دسترس ندارد و جایی را نمی‌شناسد تیمم نماید و طواف و نماز را انجام دهد، چون وی می‌توانسته است وضو بگیرد؛ هر چند به این‌گونه که به منزل رود و برای نمونه، اعمال را در روز بعد انجام دهد، تیمم وی صحیح نیست، و اگر اعتقاد و باور داشته که عمل وی صحیح است، از احرام خارج شده و تنها باید طواف و نماز را اعاده کند، و اگر خود نمی‌تواند به مکه رود، نایب بگیرد.

م ﴿ ۶۶۱ ﴾ - اگر کسی قبل از حجر الاسود طواف را شروع نماید و به همان جا پایان دهد، طواف وی باطل است.

م ﴿ ۶۶۲ ﴾ - اگر در هنگام بیرون آمدن از محل طواف، بعد از پایان هفت شوط، بخشی از مسافت را به قصد این که جزو طواف است انجام دهد؛ چنانچه عمل وی عمدی باشد، طواف وی باطل است، و در صورت سهو باید آن را قطع کند و طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۶۶۳ ﴾ - اگر تنها چهار شوط از طواف را انجام دهد و بدون این که نماز طواف

بگزارد سعی را شروع نماید و تنها دو شوط از سعی را انجام دهد و تقصیر کند و از احرام خارج شود، چنانچه وی قصد هفت شوط طواف یا سعی را نداشته، عمل او باطل است و باید تمامی اعمال را اعاده کند.

م ﴿ ۶۶۴ ﴾ - اگر تنها دو شوط از طواف خود را انجام دهد و نتواند بقیه‌ی آن را بگزارد و فرد دیگری ادامه‌ی شوط را به جای او بیاورد؛ چون ناچار بوده، عمل وی صحیح است و باید نماز طواف را بخواند.

م ﴿ ۶۶۵ ﴾ - قبل از شوط چهارم می‌توان طواف را بدون عذر و به طور کلی قطع نمود، ولی بدون آن که موالات از بین برود نمی‌توان آن را از سر گرفت.

م ﴿ ۶۶۶ ﴾ - کسی که از طواف عاجز است و به خاطر گرانی طواف با تخت روان، انجام آن برای وی سختی غیر متعارف دارد، می‌تواند نایب بگیرد.

م ﴿ ۶۶۷ ﴾ - اگر یک شوط طواف را از درون حجر بجا آورد و سپس بقیه‌ی اعمال را انجام دهد، باید آن یک شوط طواف و نماز طواف را اعاده کند، و اگر باور داشته که عمل وی صحیح است، اعمال دیگری وی درست می‌باشد و نیازی به اعاده نمی‌باشد.

م ﴿ ۶۶۸ ﴾ - با توجه به این که اگر شک در شوط‌های انجام شده نماید، طواف باطل می‌شود، چنانچه طواف را دوباره انجام دهد و در این میان بداند که طواف نخست وی شش شوط داشته و از طواف جدید نیز سه شوط انجام داده، طواف دوم درست است و باید همان را به پایان برساند.

م ﴿ ۶۶۹ ﴾ - اگر به گمان این که طواف بیش از هفت دور است، هشت، نه یا بیش تر طواف نماید؛ چنانچه در آگاهی به مسأله کوتاهی نکرده باشد، صحیح است و زیادی آن اعتبار ندارد.

م ﴿ ۶۷۰ ﴾ - اگر طواف عمره را فراموش کند و یا آن را ناقص انجام دهد و در عرفات به یاد آورد، می‌تواند بعد از اعمال منی آن را جبران کند و لازم نیست آن را بی‌درنگ انجام دهد.

م ﴿ ۶۷۱ ﴾ - اگر با ندانستن مسأله، طواف را بیش از هفت شوط انجام دهد و بقیه‌ی اعمال را بعد از آن بجا آورد، چنانچه قصد بیش از هفت شوط به سبب آگاه نبودن به حکم و یا غفلت باشد، طواف و نماز وی صحیح است و مقدار افزوده اعتباری ندارد و اگر قصد هفت شوط داشته و زیادی را در پایان آن آورده است، می‌تواند زیادی را رها کند و مقدار افزوده اشکال ندارد.

م ﴿ ۶۷۲ ﴾ - اگر طواف حج واجب خود را اشتباه انجام دهد و پس از آن چندین بار حج نیایی بگذارد، اشکال ندارد و باید طواف حج خود را جبران کند و حج‌های نیایی وی صحیح است.

م ﴿ ۶۷۳ ﴾ - اگر طواف خود را انجام دهد و بعد از آن برای جبران کمبود احتمالی، دو شوط طواف به قصد رجا بجا آورد، عمل وی به طواف ضرری نمی‌رساند و طواف درست است؛ اگرچه جبران کمبود احتمالی آن را نمی‌کند.

م ﴿ ۶۷۴ ﴾ - چنانچه در دور پنجم طواف عذری برای وی پیش آید، باید بعد از آن همین طواف را تکمیل نماید؛ نه آن که طواف دیگری انجام دهد.

م ﴿ ۶۷۵ ﴾ - اگر در حین طواف، اندکی خون در بینی خود ببیند و آن را با دستمال پاک کند، و طواف خود را تمام می‌نماید؛ چنانچه بینی وی نجس شده است، باید بینی خود را تطهیر نماید و دوباره طواف را انجام دهد، و اگر طواف را بدون تطهیر بینی ادامه دهد و دستمال نجس همراه وی باشد، باید طواف و نماز را اعاده کند.

م ﴿ ۶۷۶ ﴾ - چنانچه در شوط دوم طواف شک کند که آیا طواف را به نیت کسی که

از وی نایب شده است انجام داده یا به نیت خود، باید طواف را به نیت کسی که از وی نایب شده است از سر بگیرد و سپس نماز را بگذارد.

م ﴿ ۶۷۷ ﴾ - اگر به خاطر لمس بیت الله الحرام یا بوسیدن آن، در بین طواف از مسیر خود منحرف شود و نتواند در بازگشت، طواف را از همان محلی که آن را رها کرده است ادامه دهد، چنانچه توجه داشته یا احتمال داشتن توجه را بدهد که از همان محلی که طواف را رها نموده، آن را شروع کرده است و سپس شک نماید، صحیح است، و در غیر این صورت، باید طواف را دوباره بگذارد.

م ﴿ ۶۷۸ ﴾ - اگر بر اثر فشار جمعیت، در بین طواف، بی اختیار چند گام به جلو رانده شود، پس از آن به جای این که همان مقدار را جبران کند، شوط دیگری آورد؛ به گونه‌ای که در مجموع هفت شوط کامل و یک شوط ناقص انجام دهد، باید طواف را دوباره بیاورد.

م ﴿ ۶۷۹ ﴾ - اگر در پایان طواف به سهو یک شوط زیاد نماید و بعد شک نماید که سه یا چهار شوط دیگر بجا آورده است، و سپس همه‌ی اعمال عمره را انجام دهد، طواف وی باطل است و باید طواف و نماز را دوباره بجا آورد.

م ﴿ ۶۸۰ ﴾ - چنانچه باید وضوی جبیره و تیمم نماید ولی به سبب آگاه نبودن به مسأله، بدون تیمم، اعمال عمره را انجام داده است، باید طواف و نماز را دوباره بیاورد.

م ﴿ ۶۸۱ ﴾ - کسی که می‌داند یا احتمال می‌دهد که مقداری از طواف را بدون اختیار انجام می‌دهد؛ یعنی جمعیت او را با خود همراه می‌سازد، نمی‌تواند از ابتدا نسبت به مقداری که با فشار و ازدحام جمعیت می‌رود، قصد طواف کند و آن مقدار را مانند طواف سواره به شمار آورد، بلکه باید طواف را دوباره شروع کند، و اگر در

آن میان بدون اختیار به جلو برده شود، همان مقدار را جبران کند و طواف را ادامه دهد.

م ﴿ ۶۸۲ ﴾ - اگر در عمره‌ی تمتع بعد از تقصیر فهمید طواف و سعی وی باطل بوده است و دوباره طواف و سعی را با لباس دوخته انجام داد، طواف و سعی وی صحیح است، و لازم نیست دوباره تقصیر بجا آورد.

م ﴿ ۶۸۳ ﴾ - در صورتی که بخشی از یک شوط را به درستی انجام ندهد و چون اول و آخر آن را به دقت نمی‌داند از حجرالاسود یک شوط کامل شروع می‌نماید و به آن با این قصد که آنچه را از دست داده است جبران کند تا طواف وی صحیح انجام شود و زیادی قبلی و بعدی مقدمه‌ی تمامیت گردد، طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۶۸۴ ﴾ - چنانچه در شوط اول طواف نماز جماعت شروع شود و وی طواف را قطع کند و نماز بگزارد و طواف را پس از نماز از سر بگیرد و هفت شوط کامل بجا آورد، طواف وی صحیح نیست و اشکال دارد و باید آن را اعاده نماید.

م ﴿ ۶۸۵ ﴾ - اگر با آگاه بودن به حرام بودن تماس با بدن زن در هنگام طواف از روی شهوت با بدن زنی تماس داشته باشد، طواف وی باطل نمی‌گردد؛ ولی چنانچه کاری که سبب کفاره است انجام داده، باید کفاره بپردازد.

م ﴿ ۶۸۶ ﴾ - اگر طواف را فراموش کند یا به صورت باطل انجام دهد، می‌تواند آن را در غیر ماه‌های حج بجا آورد.

م ﴿ ۶۸۷ ﴾ - چنانچه شوط اول طواف را در حالی که ناقص است رها کند و پس از آن شش شوط دیگر بجا آورد و بعد از آن کمبود شوط نخست را جبران نماید، طواف وی صحیح نیست.

م ﴿ ۶۸۸ ﴾ - اگر در شماره‌ی شوط‌های طواف، سعی و ریگ‌های رمی به دیگری

اعتماد کند، در صورتی که اطمینان به شماره‌ی آن بیابد، اشکال ندارد.

م ﴿ ۶۸۹ ﴾ - چنانچه به سبب بیماری یا کهنولت سن، در دور اول طواف خسته شود و از محل طواف بیرون آید و بعد از کمی استراحت از همان جا که طواف را قطع نموده است شروع کند؛ هر چند به دور چهارم نرسیده باشد، در صورتی که موالات را از دست نداده باشد صحیح است.

م ﴿ ۶۹۰ ﴾ - محرم قبل از انجام طواف واجب خود؛ خواه طواف عمره باشد یا حج یا طواف نسا، می‌تواند همین طواف‌ها را برای فردی که عذر دارد نایب شود.
 م ﴿ ۶۹۱ ﴾ - در طواف عمره‌ی تمتع اگر بر اثر فشار احساس کند که لنگ احرام وی خیس شده است ولی اعتنا نکند و با همان حال طواف را تمام نماید و نماز طواف و سعی و تقصیر را انجام دهد و بعد از بررسی ببیند مقداری نجاست از وی خارج شده و یقین نماید که در همان حال طواف چنین شده؛ چنانچه در حال طواف، شک داشته که نجس شده و وضوی او باطل گردیده، از احرام خارج شده است، و فقط باید طواف و نماز را اعاده کند؛ اگر چه بعد از اعمال یقین به نجاست پیدا کند و در صورتی که به وطن بازگشته و حکم آن را دانسته است و اعاده ممکن نمی‌باشد، نایب بگیرد.

م ﴿ ۶۹۲ ﴾ - اگر صاحب عادت وقتی و عددی، روز آخر پاک شود و غسل نماید و اعمال حج را بجا آورد، ولی بعد از آن لک ببیند و از روز دهم نگذرد، حیض شمرده می‌شود و در وسعت وقت، باید طواف و نماز را اعاده کند، و در تنگی وقت، در صورتی که اعمال را در حال پاکی انجام داده، صحیح است.

م ﴿ ۶۹۳ ﴾ - چنانچه زن به سبب خوردن قرص، نظم عادت ماهانه‌ی خود را از دست بدهد؛ به طوری که گاه در مدت طولانی مرتب خون و لک ببیند، در صورتی

که خون سه روز ادامه داشته باشد؛ هر چند به این گونه که پس از خارج شدن آن تا سه روز درون شرم‌گاه وی آلوده به خون باشد، حکم حیض را دارد، و در غیر این صورت، باید به وظیفه‌ی مستحاضه عمل کند.

م ﴿ ۶۹۴ ﴾ - اگر زن در عمره‌ی تمتع بعد از سه شوط و نیم و پیش از چهار شوط، حیض شود و تا قبل از رفتن به عرفات پاک نشود، باید به عمره‌ی مفرده عدول نماید.

م ﴿ ۶۹۵ ﴾ - اگر زن بعد از شوط چهارم در طواف عمره‌ی تمتع حیض شود و تا وقت وقوف به عرفه پاک نشود، باید سعی و تقصیر عمره‌ی تمتع را انجام دهد و محرم شود و برای حج تمتع و در وقت انجام طواف حج، قبل یا بعد از آن، بقیه‌ی طواف عمره‌ی تمتع و نماز آن را بجا آورد.

م ﴿ ۶۹۶ ﴾ - اگر زن، عمره‌ی تمتع را انجام دهد و بعد متوجه شود که طواف وی باطل است و پس از این که متوجه شد، دانست عادت شده و عذر زنانه دارد، هرگاه عذر وی برطرف گردید، طواف و نماز را اعاده کند، و چنانچه قبل از وقوف پاک نمی‌شود، برای حج محرم شود و پس از آمدن به مکه و رفع عذر، آن را انجام دهد.

م ﴿ ۶۹۷ ﴾ - چنانچه زنی به سبب ناآگاهی از مسأله، بعد از پاک شدن از حیض، غسل جنابت را نیت کند و با همین حال حج گزارد؛ در صورتی که منظور وی غسل برای حدثی که از خون داشته است باشد و نام آن را جنابت گذاشته، عمل وی صحیح است.

م ﴿ ۶۹۸ ﴾ - مستحاضه‌ی کثیره باید برای هر طواف یک غسل، و برای هر نماز طواف غسل دیگری انجام دهد، مگر آن که از وقت غسل برای انجام طواف تا آخر نماز، خون قطع باشد.

م ﴿ ۶۹۹ ﴾ - اگر زن، بیش از پنجاه سال شمسی دارد و برای مدتی خون نبیند، ولی در عرفات خون ببیند؛ چنانچه اطمینان دارد که پنجاه سال قمری او تمام شده است و سید نیست، حکم مستحاضه را دارد.

م ﴿ ۷۰۰ ﴾ - برای زن مستحاضه، نماز و طواف یک حکم ندارد و هر کدام از آن دو، جدا و مستقل است.

م ﴿ ۷۰۱ ﴾ - در صورتی که زنی بعد از دو وقوف حیض شود و با مصرف قرص، خون وی قطع گردد و اعمال آن را انجام دهد، ولی بعد از آن لک ببیند، چنانچه خون سه روز ادامه نداشته و حتی در باطن شرمگاه قطع شده، حیض نبوده است و با انجام وظیفه‌ی مستحاضه، عمل وی صحیح است.

م ﴿ ۷۰۲ ﴾ - در حال طواف، اگر زنی مستحاضه‌ی قلیله شود؛ چنانچه بعد از تمام شدن دور چهارم باشد، پس از وضو گرفتن و تطهیر بدن و لباس، طواف را تمام کند، و در صورتی که پیش از آن بوده است، پس از آن که دوباره وضو می‌گیرد و تطهیر می‌نماید، طواف را اعاده کند.

م ﴿ ۷۰۳ ﴾ - چنانچه زن مستحاضه بعد از غسل و وضو طواف نماید و در بین طواف لک ببیند، در صورتی که خون وی ادامه دارد، به وظیفه عمل کند و با ادامه داشتن بیرون آمدن خون، چیزی بر او نیست، و در غیر این صورت، حکم حدث جدید را دارد.

م ﴿ ۷۰۴ ﴾ - اگر زن به گمان این که پاک شده است طواف را انجام دهد و در بین سعی متوجه شود که هنوز پاک نشده است، سعی را قطع کند و پس از پاک شدن از حیض، طواف و نماز را اعاده کند، و در صورتی که بعد از سعی متوجه شود، اعاده‌ی طواف و نماز لازم است، ولی اعاده‌ی سعی لازم نیست.

م ﴿ ۷۰۵ ﴾ - اگر وظیفه‌ی زن مستحاضه غسل و وضو باشد و با این کار فاصله‌ای میان اعمال پیش آید که شاید طولانی باشد، چنانچه خون قطع نشود، برای هر یک از طواف و نماز باید غسل کند و وضو بگیرد، و باید به‌گونه‌ای باشد که بعد از غسل و وضو بی‌درنگ عمل را انجام دهد، و در صورتی که با رفتن به منزل نمی‌تواند چنین کند، نزدیک مسجدالحرام غسل کند و وضو بگیرد و اگر ممکن نیست، اشکال ندارد.

م ﴿ ۷۰۶ ﴾ - اگر زن مستحاضه بر اساس وظیفه‌ی خود غسل کند یا وضو بگیرد و طواف نماید و بین طواف، نماز ظهر شروع شود و نماز را بخواند، و با همان طهارت نخست، طواف را بعد از نماز ادامه دهد؛ چنانچه از هنگام غسل تا آخر طواف خون قطع باشد، طواف وی صحیح است، و در غیر این صورت پس از غسل، طواف را اعاده نماید.

م ﴿ ۷۰۷ ﴾ - زنی که حیض نمی‌شود ولی هر دو ماه یک بار، دو سه روزی لک و ترشحات می‌بیند، چنانچه خون تا سه روز ادامه ندارد؛ هر چند به این‌گونه که پس از خارج شدن تا این مدت باطن شرم‌گاه آلوده به خون باشد، حکم استحاضه را دارد.

م ﴿ ۷۰۸ ﴾ - هرگاه زن قریشی پس از شصت سال، و غیر قریشی پس از پنجاه سال، چند روز پی‌درپی خون ببیند که ویژگی‌های حیض را دارد، در حکم مستحاضه است، و حتی در صورت پی‌درپی بودن یا داشتن ویژگی‌های حیض، حکم حیض را ندارد.

م ﴿ ۷۰۹ ﴾ - زن‌هایی که برای جلوگیری از قاعدگی از قرص استفاده می‌کنند و در ایام عادت ممکن است یک یا دو لکه‌ی کم‌رنگ ببینند، حکم استحاضه را دارد و باید به وظیفه‌ی مستحاضه عمل کند، و اگر در بین طواف لک ببیند، تفصیلی که بین

قطع طواف بیش از تمام شدن دور چهارم و بعد از آن هست، رعایت نماید.

م ﴿ ۷۱۰ ﴾ - اگر غسل مس میت به عهده‌ی وی باشد ولی بعد از اعمال حج آن را به یاد آورد؛ چنانچه بعد از مس میت به سبب جنابت، غسل جنابت کرده باشد، غسل جنابت بسنده است و عمل وی درست است، و در غیر این صورت، باید طواف و نماز آن را اعاده کند.

م ﴿ ۷۱۱ ﴾ - محرمی که به صورت پی‌درپی به خارج شدن باد معده گرفتار است و به فاصله‌ی چند دقیقه وضوی وی باطل می‌شود، حکم مبطون را دارد که احکام آن در رساله‌ی عملیه آمده است و چنانچه نتواند در بین طواف وضو بگیرد یا بر وی سخت باشد، برای طواف یک وضو بگیرد، ولی اگر بتواند در بین طواف وضو بگیرد، لازم است دوباره وضو بگیرد. حکم نماز طواف نیز همچین است.

م ﴿ ۷۱۲ ﴾ - اگر به سبب ابتلای به بیماری برای خروج مدفوع از کیسه‌ی مخصوص استفاده کند و خارج شدن آن را احساس نکند؛ چنانچه در طواف و نماز آن رعایت وظیفه‌ای که برای وضو و نماز دارد، بنماید، حج وی صحیح است.

م ﴿ ۷۱۳ ﴾ - اگر به سبب عمل جراحی، پیشاب وی قطره قطره از غیر مجرای طبیعی بیاید، حکم مسلوس را دارد.

م ﴿ ۷۱۴ ﴾ - کسی که نیت طواف را در دل می‌گذارند و به قصد طواف حرکت می‌کند و سپس گمان می‌کند نیت طواف را باید به زبان بگوید و بر این اساس برمی‌گردد و نیت را به زبان می‌آورد و طواف را از نو شروع می‌کند، طواف وی با قصد انجام طواف جدید صحیح است.

م ﴿ ۷۱۵ ﴾ - اهمیت بسیاری که در اعمال حج داده می‌شود؛ بویژه در طواف و نماز آن، گاه سبب می‌گردد حاجیان به صورت غالب عملی را به عنوان احتیاط و

رجا چندین بار بجا آورند؛ هر چند آن عمل در نزد انجام دهنده‌ی آن کمبودی نداشته باشد، چنین عملی را باید وسواس دانست، و نباید به وسوسه اعتنا نمود. البته، انجام عمل احتیاطی بدون وسواس اشکال ندارد؛ اگرچه لازم نیست، بلکه پسندیده هم نمی‌باشد؛ زیرا می‌تواند زمینه‌ی وسواس را فراهم آورد.

م ﴿ ۷۱۶ ﴾ - کسی که به جهتی طواف یا سعی وی قطع شده و کمی به جلورانده شده است؛ چنانچه به سبب ازدحام جمعیت نتواند خود را به محل قطع شده برساند؛ چنانچه در برابر و محاذی آن به طرف چپ یا راست قرار گیرد، کافی است و باید طواف را کامل نماید.

اگر از ابتدا یا در بین طواف نخست، قصد قرآن نماید، طواف باطل و اعاده‌ی آن لازم است، و چنانچه بعد از تمام شدن طواف اول قصد قرآن کرده است، طواف باطل نمی‌شود.

م ﴿ ۷۱۷ ﴾ - انجام یک شوط و دو شوط طواف استحباب ندارد و باید طواف هفت شوط داشته باشد، و اگر به گمان این که مستحب است، بعد از هفت شوط طواف واجب، چند شوط طواف مستحبی بجا آورد و بعد نماز طواف را بخواند، طواف وی صحیح است.

م ﴿ ۷۱۸ ﴾ - معیار در شک کردن بسیار (کثیر الشک بودن) در طواف، عرف است که گفته شود وی زیاد شک می‌کند.

در همه‌ی موارد طواف و سعی، اعاده‌ی آن اشکال ندارد. البته، باید میان طواف و نماز رعایت ترتیب شود.

کسی که در انجام سعی یا طواف عمره‌ی تمتع یا عمره‌ی مفرده نایب می‌گیرد، لازم نیست نایب در حالی که محرم است نیابت کند یا با لباس احرام طواف کند.

م ﴿ ۷۱۹ ﴾ - مسلوس برای انجام طواف و نماز، چنانچه وقت دارد تا طواف و نماز را با وضو انجام دهد، باید آن وقت را انتخاب کند و طواف و نماز را با وضو و بدن پاک بجا آورد و بقیه‌ی اعمال را بعد از آن بگذارد، و اگر چنین وقتی ندارد، در صورتی که برای وی سخت نیست، برای هر بار که حدث از او سر می‌زند، یک وضو بگیرد و چنانچه سختی دارد، برای طواف یک وضو و برای نماز وضوی دیگری بگیرد.

م ﴿ ۷۲۰ ﴾ - در مواردی که طواف و نماز باید اعاده شود لازم نیست بالباس احرام باشد.

م ﴿ ۷۲۱ ﴾ - هرگاه محرم لباس احرام را کنار بگذارد و بالباس دوخته اعمال عمره؛ مانند: طواف و سعی را به عمد یا از روی ناآگاهی انجام دهد، طواف، سعی و عمره‌ی او صحیح است.

م ﴿ ۷۲۲ ﴾ - اگر محرم جنب باشد و استفاده از آب برای وی ضرر داشته باشد یا آب در دسترس نداشته باشد و یا وقت عمره از دست می‌رود، طواف و نماز با تیمم کافی است و لازم نیست نایب بگیرد.

م ﴿ ۷۲۳ ﴾ - پوشش زن در طواف مانند پوشش وی در نماز است. البته، صورت و دست‌ها تا میچ خارج از پوشش است.

م ﴿ ۷۲۴ ﴾ - اگر مقداری از موی سر زن یا جای دیگر بدن او که باید در حال طواف پوشیده باشد ظاهر گردد، چنانچه بیرون بودن به عمد باشد یا در دانستن مسأله کوتاهی نموده باشد، طواف وی صحیح نیست و در صورتی که به سهو یا از روی فراموشی باشد، صحیح است.

م ﴿ ۷۲۵ ﴾ - کسی که در عمره‌ی تمتع طواف را تمام کرده است ولی آن را

نمی‌پسندد و طواف دیگری بدون خواندن نماز طواف اول بجا می‌آورد و نماز و سعی می‌گزارد و تقصیر می‌کند، عمل وی اشکال ندارد، و قران حرام به شمار نمی‌رود.

م ﴿ ۷۲۶ ﴾ - خوردن و آشامیدن در حال طواف اشکال ندارد.

م ﴿ ۷۲۷ ﴾ - کسی که در حال طواف شخصی را از روی زمین بلند می‌کند و ممکن است در این حال بدون توجه به طواف گامی به جلو بردارد و در نتیجه نمی‌داند آیا مقداری از مسافت را بدون قصد طواف آمده است یا نه، باید آن مقدار را جبران نماید.

م ﴿ ۷۲۸ ﴾ - کودک نابالغی که با اذن پدر خود محرم می‌شود و طواف را به گمان این که همین مقدار کافی است رها می‌کند و به پایان نمی‌رساند و سعی را نیز از طبقه‌ی دوم انجام می‌دهد، چنانچه از ابتدا قصد هفت شوط نداشته، طواف وی باطل است و باید طواف، نماز و سعی را اعاده کند و سپس تقصیر نماید.

م ﴿ ۷۲۹ ﴾ - کسی که در شوط ششم، طواف خود را رها کرده است و دیگر نتوانسته آن را ادامه دهد، و دیگری به جای او ادامه‌ی آن را گزارده ولی نماز طواف را خود خوانده و بعد متوجه شده است که استراحت در بین طواف، به طواف ضرر نمی‌رساند و او با استراحت می‌توانست خود، طواف را تمام نماید، باید طواف را به پایان رساند و نماز را اعاده کند.

م ﴿ ۷۳۰ ﴾ - شخصی که طواف خود را قطع نموده و طواف دوم را شروع کرده است و آن را نیز قطع می‌نماید و طواف سوم را آغاز می‌کند و به پایان می‌رساند، طواف آخر وی صحیح است.

م ﴿ ۷۳۱ ﴾ - اگر به گمان این که رکن یمنی همان رکن حجر الاسود است، طواف را

از رکن یمانی (مستجار) شروع کند و هفت شوط کامل بجا آورد، بعد بداند که یقین وی خطا بوده، طواف وی باطل است، و باید آن را دوباره بگذارد.

م ﴿ ۷۳۲ ﴾ - اگر شک کند که این شوط طواف باطل شده است یا نه، لازم نیست بعد از طواف اضافه بر هفت شوط به عنوان احتیاط یک شوط بگذارد و سپس نماز بخواند؛ چرا که به وسوسه نباید اعتنا کرد و اگر بخشی از طواف باطل شود، همان بخش را باید تصحیح نمود و ادامه‌ی بعد از آن به قصد طواف، بدون تصحیح آن قسمت، در طواف ایجاد اشکال می‌کند، و با آوردن یک شوط بعد از طواف به صورت احتیاط، اشکال برداشته نمی‌شود.

م ﴿ ۷۳۳ ﴾ - اگر در حالی که مشغول طواف است بخشی از طواف را بدون اختیار انجام دهد، چون به اختیار شروع به طواف نموده است، نداشتن اختیار در بین طواف، آن را باطل نمی‌نماید.

م ﴿ ۷۳۴ ﴾ - در طواف مستحبی که زنان می‌دانند به بدن مردان نگاه می‌شود و گاه میان فشار مردان قرار می‌گیرند اگر به اختیار به نامحرم نگاه نکنند اشکال ندارد، ولی در ازدحام جمعیت بهتر است مراعات کنند و در هر صورت، طواف آنان صحیح است.

م ﴿ ۷۳۵ ﴾ - در طواف‌های مستحبی ختنه شرط است.

م ﴿ ۷۳۶ ﴾ - محرم می‌تواند قبل از انجام دادن اعمال عمره‌ی تمتع یا عمره‌ی مفرده و همچنین پس از محرم شدن به احرام حج تمتع و پیش از رفتن به عرفات، طواف مستحبی بجا آورد و این امر به عمره و حج وی ضرری نمی‌رساند.

نیابت در یک شوط صحیح نیست و نمی‌توان هر شوط از طواف مستحب را به نیت یکی از مؤمنان بجا آورد، البته می‌توان همه‌ی هفت شوط را برای یک نفر یا به

نیت چند نفر انجام دهد.

م ﴿ ۷۳۷ ﴾ - طواف مستحبی را می‌توان خارج از حد طواف واجب بجا آورد.

م ﴿ ۷۳۸ ﴾ - می‌شود از منی برگشت و پیش از آن که اعمال واجب را انجام دهد،

طواف مستحبی گزارد.

آداب و مستحبات طواف

م ﴿ ۷۳۹ ﴾ - در حال طواف، مستحب است بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَمْشِي بِهِ عَلَى ظِلِّ الْمَاءِ، كَمَا يَمْشِي بِهِ عَلَى جُدَدِ الْأَرْضِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَهْتَرُ لَهُ عَرْشُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي تَهْتَرُ لَهُ أَقْدَامُ مَلَائِكَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسَى مِنْ جَانِبِ الطُّورِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةً مِنْكَ؛ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي غَفَرْتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَمَا تَأَخَّرَ، وَأَثَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

و به جای کذا و کذا نیازهای خود را بطلبد.

م ﴿ ۷۴۰ ﴾ - مستحب است در حال طواف بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي إِلَيْكَ فَاقِيرٌ، وَإِنِّي خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ، فَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تُبَدِّلْ إِسْمِي».

و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد؛ بویژه هنگامی که به در خانه‌ی کعبه می‌رسد و این دعا را بخواند:

«سَأَلْتُكَ فَاقِيرٌكَ مَسْكِينُكَ بِبَابِكَ، فَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ، الْمُسْتَجِيرِ بِكَ مِنَ النَّارِ، فَأَعْتِقْنِي وَوَالِدَيَّ

وَأَهْلِي وَوَلَدِي وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ مِنَ النَّارِ، يَا جَوَادُ، يَا كَرِيمُ».

م ﴿ ۷۴۱ ﴾ - پسندیده است وقتی به حجر اسماعیل رسید، رو به ناودان نماید و

سر را بلند کند و بگوید:

«اللَّهُمَّ ادْخُلْنِي وَأَجْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، وَعَافِنِي مِنَ السُّقْمِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنَ الرِّزْقِ
الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

و چون از حجر بگذرد و به پشت کعبه برسد، بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالطُّوْلِ، يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ، فَضَاعِفُهُ لِي، وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي،
إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

هنگامی که به رکن یمانی رسید، دست بردارد و بگوید:

«يَا اللَّهُ، يَا وَلِيَّ الْعَافِيَةِ، وَخَالِقَ الْعَافِيَةِ، وَرَازِقَ الْعَافِيَةِ، وَالْمُنْعِمَ بِالْعَافِيَةِ، وَالْمَسْنَانَ
بِالْعَافِيَةِ، وَالْمُتَّفَضِّلُ بِالْعَافِيَةِ عَلَيَّ وَعَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، يَا رَحْمَنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَرَحِيمَهُمَا،
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنَا الْعَافِيَةَ، وَتَمَامَ الْعَافِيَةِ، وَشُكْرَ الْعَافِيَةِ فِي الدُّنْيَا
وَالْآخِرَةِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

سپس سر به جانب کعبه بالا کند و بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَّفَكَ وَعَظَّمَكَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا نَبِيًّا، وَجَعَلَ عَلِيًّا
إِمَامًا، اللَّهُمَّ اهْدِ لَهُ خِيَارَ خَلْقِكَ، وَجَنِّبْهُ شِرَارَ خَلْقِكَ».

م ﴿ ۷۴۲ ﴾ - پسندیده است میان رکن یمانی و حجر الاسود بگوید:

«رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

در شوط هفتم وقتی که به مستجار^۱ رسید، مستحب است دو دست خود را بر

دیوار خانه بگشاید و شکم و روی خود را به دیوار کعبه بچسباند و بگوید:

۱- مستجار در پشت کعبه در نزدیک رکن یمانی برابر در خانه‌ی کعبه قرار دارد.

«اللَّهُمَّ، الْبَيْتُ بَيْتُكَ، وَالْعَبْدُ عَبْدُكَ، وَهَذَا مَكَانُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ».

بعد از آن به گناهان خود اعتراف نماید و از خداوند متعال آمرزش بخواهد که ان شاء الله تعالی برآورده است و سپس بگوید:

«اللَّهُمَّ مِنْ قَبْلِكَ الرُّوحُ وَالْفَرْجُ وَالْعَافِيَةُ، اللَّهُمَّ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَاعْفِرْ لِي مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنِّي وَخَفِيَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ».

شایسته است هر آنچه می خواهد دعا کند، و رکن یمانی را استلام نماید و به نزد حجر الاسود آید و طواف خود را به پایان رساند و بگوید:

«اللَّهُمَّ قَنِّعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَتَيْتَنِي».

م ﴿ ۷۴۳ ﴾ - برای طواف کننده مستحب است در هر شوط ارکان خانه‌ی کعبه و

حجر الاسود را استلام نماید و در وقت استلام حجر بگوید:

«أَمَانَتِي أَدْبَيْتُهَا، وَمِيثَاقِي تَعَاهَدْتُهُ لِتَشْهَدَ لِي بِالْمُؤَافَاةِ».

خاطر نشان می‌گردد که انجام مستحبات نباید سبب اذیت یا مزاحمت دیگران

شود.

چگونگی و احکام نماز طواف

م ﴿ ۷۴۴ ﴾ - عمره‌گزار بعد از تمام شدن طواف عمره لازم است همانند نماز صبح دو رکعت نماز بجا آورد.

م ﴿ ۷۴۵ ﴾ - نماز طواف را می‌توان با هر سوره‌ای خواند، مگر سوره‌هایی که سجده‌ی واجب دارد، و مستحب است بعد از «حمد» در رکعت اول سوره‌ی «قل هو الله احد»، و در رکعت دوم، سوره‌ی «قل یا ایها الکافرون» را بخواند.

م ﴿ ۷۴۶ ﴾ - نماز طواف را می‌توان همانند نماز صبح بلند یا مانند نماز ظهر و عصر آهسته خواند.

م ﴿ ۷۴۷ ﴾ - شک در رکعت‌های نماز طواف، نماز را باطل می‌گرداند، و باید آن را اعاده نمود. احکام این نماز با نماز شبانه‌روز یکسان است و تفاوتی ندارد.

م ﴿ ۷۴۸ ﴾ - بعد از طواف باید بی‌درنگ نماز طواف را بگذارد.

م ﴿ ۷۴۹ ﴾ - نماز طواف کنار مقام ابراهیم و پشت آن انجام می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که سنگی که مقام است میان او و خانه‌ی کعبه واقع شود و هرچه ممکن است بهتر است نزدیک‌تر بایستد؛ البته، به‌طوری که مزاحمت برای دیگران نداشته باشد.

م ﴿ ۷۵۰ ﴾ - اگر به سبب زیادی جمعیت نتواند به طوری که گفته شد، پشت مقام بایستد، باید در دو طرف مقام و نزدیکترین محل به آن نماز گزارد، و چنانچه در آنجا ممکن نباشد، ملاحظه‌ی نزدیکتر را بکند و لازم است از میان دو طرف و پشت مقام هر کدام که نزدیکتر به مقام است را برای نماز خواندن برگزیند و در صورتی که هر سه طرف یکسان باشد، در پشت مقام نماز بخواند، و در دو طرف کافی نیست، و اگر هیچ کدام نزدیکتر نباشد، می‌تواند نماز را در پشت مقام بجا آورد.

م ﴿ ۷۵۱ ﴾ - نماز طواف مستحب را می‌توان در هر جای مسجد الحرام و حتی در حال اختیار انجام داد و لازم نیست در کنار مقام ابراهیم گزارده شود و بویژه در هنگام ازدحام جمعیت، لازم است حال سایر حاجیان مراعات گردد.

م ﴿ ۷۵۲ ﴾ - اگر نماز طواف واجب را فراموش کند، هر وقت آن را به یاد آورد لازم است همان‌گونه که گفته شد آن را در مقام ابراهیم بجا آورد.

م ﴿ ۷۵۳ ﴾ - اگر نماز طواف را فراموش کند و در بین سعی یا بین صفا و مروه به یاد آورد، از همان جا سعی را رها کند و بازگردد و دو رکعت نماز بخواند و بعد از آن، سعی را از همان جا به پایان رساند.

م ﴿ ۷۵۴ ﴾ - اگر نماز را فراموش کند و دیگر اعمال را که بعد از نماز باید انجام داد، بجا آورده باشد، لازم نیست آن را اعاده نماید.

م ﴿ ۷۵۵ ﴾ - اگر برای شخصی که نماز را فراموش کرده است، برگشتن به مسجد الحرام مشکل باشد، باید آن را در هر جا که به یاد می‌آورد بگزارد؛ اگر چه در شهر دیگری باشد و لازم نیست به حرم بازگردد؛ هر چند رفتن به حرم مشکل نباشد.

م ﴿ ۷۵۶ ﴾ - اگر نماز طواف را بجا نیاورد و بمیرد، بر پسر بزرگ وی واجب است

که آن را به گونه‌ای که در رساله آمده است بگذارد.

م ﴿ ۷۵۷ ﴾ - احکامی که برای فراموش کارگفته شد، برای ناآگاه به مسأله نیز ثابت و یکسان است.

م ﴿ ۷۵۸ ﴾ - لازم است نماز را فراگرفت و قرائت و ذکرهای واجب آن را درست نمود تا تکلیف الهی را به طور صحیح بجا آورد؛ بویژه کسی که می‌خواهد به حج رود باید نماز را درست بخواند، چون اگر نماز وی درست نباشد، عمره و حج او باطل می‌شود و حجة الاسلام از عهده‌ی وی برداشته نمی‌شود و چیزهایی که در احرام بر او حرام شده است؛ مانند: زن، بر او حلال نمی‌گردد.

م ﴿ ۷۵۹ ﴾ - اگر نتواند قرائت یا ذکرهای واجب را فرا بگیرد، باید نماز را به هرگونه‌ای که می‌تواند خود بجا آورد، و چنانچه ممکن است، کسی را بگمارد که نماز را به او تلقین کند، و یا در مقام ابراهیم به شخص عادل‌ی اقتدا کند، ولی چنانچه نایب گرفتن ممکن است، به نماز جماعت بسنده نکند.

م ﴿ ۷۶۰ ﴾ - در همه‌ی اوقات، می‌توان نماز طواف را خواند، مگر آن که با وقت نماز واجب مزاحمت کند، بدین‌گونه که اگر نماز طواف بخواند، نمازهای واجب دیگر از دست می‌رود؛ پس باید برای نمونه، نمازهای شبانه روز را اول بخواند.

م ﴿ ۷۶۱ ﴾ - اگر نماز طواف عمره را در داخل حجر اسماعیل بجا آورد و بعد از تقصیر متوجه شود، باید تنها نماز را اعاده کند و اعاده‌ی دیگر اعمال لازم نیست.

م ﴿ ۷۶۲ ﴾ - چنانچه پس از طواف، وضوی وی باطل شود و به سبب خجالت بعد از آن سعی و تقصیر را انجام داده و محل شده است، باید نماز، سعی و تقصیر را اعاده کند.

م ﴿ ۷۶۳ ﴾ - زنی که نماز طواف خود را در حجر اسماعیل خوانده و پس از آن

دریافته که حیض شده است و تا وقوف به عرفات پاک نمی‌شود، عمره‌ی وی صحیح است و باید برای حج تمتع محرم شود و وقتی خواست طواف و نماز حج را انجام دهد، پیش از آن یا بعد از آن، نماز طواف عمره‌ی تمتع را بجا آورد.

م ﴿ ۷۶۴ ﴾ - اگر در یادگرفتن قرائت و ذکر واجب نماز کوتاهی کند تا وقت تنگ شود، نماز را به هرگونه‌ای که می‌تواند بجا آورد و صحیح است؛ هرچند گناه‌کار است.

م ﴿ ۷۶۵ ﴾ - کسی که هرچه تلاش می‌نماید تا موارد غیر صحیح قرائت خود را تصحیح کند، ولی نمی‌تواند و شخصی دیگری را جهت اقتدا کردن یا تلقین نمودن قرائت صحیح نمی‌یابد، لازم است به هرگونه که قدرت دارد، نماز بگزارد و خواندن نماز جماعت حتی در صورت امکان، واجب نیست.

م ﴿ ۷۶۶ ﴾ - چنانچه پس از طواف به سبب زیادی جمعیت نتواند نزدیک مقام نماز بخواند و چاره‌ای به غیر از خواندن نماز در محلی دور از مقام ندارد، نماز وی صحیح است.

م ﴿ ۷۶۷ ﴾ - اگر در صورت ازدحام نتواند پشت مقام یا یکی از دو طرف آن نماز بخواند و نماز را در مکانی دورتر بگزارد، چنانچه موالات عرفی بین طواف و نماز از بین نرود و کثرت جمعیت تا آن اندازه باشد، همان نماز کافی می‌باشد و لازم نیست نماز را در صورت امکان در همان روز یا روزهای دیگر در نزدیکی مقام اعاده کند.

م ﴿ ۷۶۸ ﴾ - نماز طواف را نمی‌توان به جماعت خواند و اگر چنین نماید، به آن بسنده نکند.

م ﴿ ۷۶۹ ﴾ - کسانی که قرائتشان درست نیست و می‌خواهند برای احتیاط نماز طواف را به جماعت بخوانند، می‌توانند نماز طواف حج را به نماز طواف نسا یا بر

عکس و یا کسی که نایب است به کسی که نایب نیست و یا نماز طواف واجب را به مستحب و به عکس آن اقتدا کنند، ولی در همه‌ی موارد گفته شده نباید به جماعت اکتفا نمایند.

م ﴿ ۷۷۰ ﴾ - کسی که قرائت وی درست نیست نمی‌تواند به صورت تبرعی از کسی که حج واجب بر عهده دارد نیابت نماید؛ مگر آن که بتواند قرائت خود را تصحیح کند و از صاحبان عذر به شمار نرود.

م ﴿ ۷۷۱ ﴾ - افرادی که قرائتشان درست نیست و در حج نایب می‌شوند و عمره را به نیت کسی که از او نایب شده‌اند انجام می‌دهند، در صورت امکان باید قرائت خود را درست کنند و عمل نیابی خود را تصحیح نمایند تا از احرام خارج شوند، ولی اگر ممکن نیست و عذر دارند، احرام آن‌ها صحیح واقع شده است و از احرام خارج می‌شوند.

م ﴿ ۷۷۲ ﴾ - کسی که مطمئن است قرائت یا ذکری که در نماز می‌گوید درست است و نماز طواف؛ اعم از طواف زیارت و نسا را به همان‌گونه می‌خواند، بعد می‌فهمد که اشتباه بوده است؛ چنانچه احتمال اشتباه بودن آن را نمی‌داده، نماز وی صحیح است.

م ﴿ ۷۷۳ ﴾ - چند روزی که اطراف کعبه به گونه‌ای شلوغ است که صف طواف تا پشت مقام ابراهیم علیه السلام می‌آید، و نماز خواندن پشت مقام و نزدیک آن ممکن نیست، مگر آن که چند نفر اطراف وی بایستند تا وی بتواند نماز طواف را بخواند؛ چنانچه محذوری ندارد، باید نزد مقام و پشت آن نماز بخواند، و در مورد ضرورت، با رعایت هرچه نزدیک‌تر بودن، تأخیر آن اشکال ندارد.

م ﴿ ۷۷۴ ﴾ - اگر در نماز طواف در حالی که مشغول ذکر است او را حرکت دهند و

وی دوباره ذکر را تکرار کند و دوباره تکان دهند و همچنین تکرار نماید؛ چنانچه به گونه‌ای حرکت نموده که استقرار وی از بین رفته است، اشکال ندارد، و در غیر این صورت، آن را تکرار نکند، مگر به قصد احتیاط. البته، به شرط آن که وسوسه نباشد.

م ﴿ ۷۷۵ ﴾ - نماز طواف حکم نمازهای شبانه‌روز را دارد، نه حکم طواف را و اگر چیز نجسی که در طواف بخشیده نیست در نماز طواف همراه داشته باشد، باید ملاحظه نماید که آیا در نمازهای شبانه‌روز چنین چیزی بخشیده شده است یا خیر و در نماز طواف به همان‌گونه عمل نماید.

م ﴿ ۷۷۶ ﴾ - اگر نماز مستحبی یا عبادت مستحبی دیگری که اندک است و موالات عرفی را از بین نمی‌برد بین طواف و نماز آن بجا آورد، اشکال ندارد؛ البته، گزاردن نماز طواف بهتر است.

م ﴿ ۷۷۷ ﴾ - چنانچه در پشت مقام ابراهیم علیه السلام جمعیت زیادی باشد، و چون زن و مرد کنار هم قرار می‌گیرند، گاه مورد ازدحام و فشار واقع می‌شود، بدون این که ریبه و فساد در کار باشد، به نماز طواف ضرر نمی‌رساند و در صورت وجود ریبه و فساد، نماز باطل نمی‌باشد؛ اگرچه فعل آن حرام است.

م ﴿ ۷۷۸ ﴾ - اگر بداند چنانچه نماز طواف را شروع کند، جمعیت حاجیان او را حرکت می‌دهند و جابجا می‌کنند، ولی با این حال نماز را شروع کند، در صورتی که نماز را به پایان رساند، صحیح است.

م ﴿ ۷۷۹ ﴾ - اگر بعد از کوتاهی کردن برای فراگرفتن قرائت نماز اقدام نماید؛ چنانچه وقت تنگ باشد به گونه‌ای که اگر بعد از طواف بخواهد نماز را یاد بگیرد، موالات بین نماز و طواف از دست می‌رود، خود هر طور که می‌تواند، نماز را بخواند.

م ﴿ ۷۸۰ ﴾ - زنی که به احرام عمره‌ی تمتع محرم شده است چنانچه پس از ورود به مکه و انجام طواف، پیش از این که نماز طواف بخواند حیض گردد، اگر وقت وسعت دارد، صبر نماید تا پاک شود و نماز را بخواند و بقیه‌ی اعمال را انجام دهد، و در صورتی که وقت تنگ باشد، سعی و تقصیر عمره‌ی تمتع را انجام دهد و به حج تمتع محرم شود، و پس از طواف حج یا قبل از آن، نماز را بخواند و سپس بقیه‌ی اعمال را انجام دهد.

م ﴿ ۷۸۱ ﴾ - کسی که نماز را درست نمی‌خواند و فرصت یادگرفتن صحیح آن را ندارد و باید نماز طواف را به همان‌گونه که می‌تواند بخواند؛ چنانچه بخواهد عمره‌ی مفرده مستحبی بجا آورد، اشکال ندارد.

م ﴿ ۷۸۲ ﴾ - در صورتی که طواف عمره را بجا آورد و بدون نماز و سعی تقصیر کند، باید نماز و سعی را بگذارد، و با فرض آگاه نبودن به مسأله یا فراموش کردن آن، اعاده‌ی تقصیر لازم نیست.

م ﴿ ۷۸۳ ﴾ - مراد از «نماز طواف نزد مقام»، پشت مقام است؛ نه دو طرف مقام، مگر آن که نتواند نماز را پشت مقام انجام دهد که در این صورت، گزاردن نماز در دو طرف مقام اشکال ندارد.

م ﴿ ۷۸۴ ﴾ - اگر نماز را در محلی غیر از مقام ابراهیم بخواند و با اعتقاد به درستی آن ادامه‌ی اعمال را انجام دهد، فقط لازم است نماز را اعاده کند.

م ﴿ ۷۸۵ ﴾ - اگر پشت مقام ابراهیم دو طبقه شود، نماز در طبقه‌ی بالا یا زیرزمین در صورتی که احراز شود و عرف بگوید پشت مقام نماز خوانده، صحیح است.

م ﴿ ۷۸۶ ﴾ - چنانچه نماز طواف را به این باور که حجر اسماعیل مقام ابراهیم است، در حجر اسماعیل بخواند، باید نماز را اعاده کند.

- م ﴿ ۷۸۷ ﴾ - نماز طواف واجب را نمی‌توان با نماز جماعت شبانه‌روز بجا آورد.
- م ﴿ ۷۸۸ ﴾ - اندازه‌ی «پشت مقام» حد معینی ندارد و همین اندازه که صدق عرفی داشته باشد که پشت مقام است کافی می‌باشد.
- م ﴿ ۷۸۹ ﴾ - فاصله انداختن بین طواف و نماز به مقدار دو رکعت نماز اشکال ندارد، و میزان آن تشخیص عرفی است. در هر صورت، با تأخیر نماز، اعاده‌ی طواف لازم نیست.
- م ﴿ ۷۹۰ ﴾ - گاهی طواف تا نزدیک تالارهای مسجد می‌رسد، در این صورت می‌توان نماز طواف را پشت سر طواف‌کنندگان بجا آورد و چون عرف به آن «پشت مقام» می‌گویند یا ازدحام جمعیت است، اشکال ندارد.
- م ﴿ ۷۹۱ ﴾ - کسی که به احرام عمره‌ی تمتع وارد مکه شده است و برای نمونه، هفت روز در مکه توقف دارد و نماز خود را درست نمی‌خواند، لازم نیست تا آخر وقت در احرام بماند و نماز خود را تصحیح کند، و اگر بعد از طواف تا قبل از آن که موالات عرفی از دست رود، بین طواف و نماز، نتواند نماز خود را درست کند، به هرگونه‌ای که برای وی ممکن است، نماز بخواند.
- م ﴿ ۷۹۲ ﴾ - اگر نماز طواف نسا و نماز طواف عمره‌ی مفرده و حج را نخواند و در شماره‌ی شوط‌های طواف دوم شک نماید؛ چنانچه بعد از طواف و انصراف از آن، شک در شماره‌ی شوط‌ها نموده است، به شک خود اعتنا ننماید و نمازهایی را که نخوانده است، در صورتی که نمی‌تواند به مکه رود، در محل خود بخواند و تا آن را نگذارد، هرگونه بهره بردن از زن بر وی حرام است.

مستحبات نماز طواف

م ﴿ ۷۹۳ ﴾ - در نماز طواف مستحب است بعد از حمد در رکعت اول سوره‌ی توحید و در رکعت دوم سوره‌ی جحد (کافرون) را بخواند، و پس از نماز، حمد و ثنای الهی بجا آورد و صلوات بر محمد و آل محمد فرستد و از خداوند متعال بخواهد که آن را بپذیرد و بگوید:

«اللَّهُمَّ، تَقَبَّلْ مِنِّي، وَلَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِمَحَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى نِعْمَائِهِ كُلِّهَا؛ حَتَّى يَنْتَهِيَ الْحَمْدُ إِلَى مَا يُحِبُّ وَيَرْضَى، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي، وَطَهِّرْ قَلْبِي، وَزَكِّ عَمَلِي».

م ﴿ ۷۹۴ ﴾ - پسندیده است پس از نماز طواف بخواند:

«اللَّهُمَّ، ارْحَمْنِي بِطَاعَتِي إِيَّاكَ، وَطَاعَةِ رَسُولِكَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنِي أَنْ أَتَعَدَّى حُدُودَكَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يُحِبُّكَ وَيُحِبُّ رَسُولَكَ وَمَلَائِكَتَكَ وَعِبَادَكَ الصَّالِحِينَ».

م ﴿ ۷۹۵ ﴾ - شایسته است بعد از نماز طواف به سجده رود و چنین گوید:

«سَجَدَ لَكَ وَجْهِي تَعَبُّدًا وَرِقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ حَقًّا حَقًّا، الْأَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْآخِرُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، نَاصِيَتِي بِيَدِكَ، فَاعْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ،

فَاغْفِرْ لِي، فَإِنِّي مُتَّئِرٌ بِذُنُوبِي عَلَى نَفْسِي، وَلَا يَدْفَعُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ غَيْرُكَ».

احکام واجب سعی

م ﴿ ۷۹۶ ﴾ - پس از بجا آوردن نماز طواف لازم است بین صفا و مروه سعی انجام گیرد.

م ﴿ ۷۹۷ ﴾ - مراد از سعی آن است که از کوه صفا به مروه برود و از مروه به صفا برگردد.

م ﴿ ۷۹۸ ﴾ - سعی بین صفا و مروه هفت مرتبه است. به هر مرتبه‌ی آن، یک شوط گفته می‌شود؛ به این معنا که از صفا به مروه رفتن یک شوط و از مروه به صفا برگشتن نیز یک شوط است.

م ﴿ ۷۹۹ ﴾ - لازم است سعی را از صفا شروع کند و باید در دور هفتم به مروه ختم شود، و در صورتی که از مروه شروع کند، هرگاه متوجه شد باید آن را اعاده کند، و اگر در بین سعی باشد، باید سعی را از سر گیرد، و آن را از صفا شروع نماید.

م ﴿ ۸۰۰ ﴾ - پسندیده است از جزو اول صفا شروع به سعی کند، و در صورتی که روی کوه برود و همان‌طور به نحو متعارف سعی کند، کافی است.

م ﴿ ۸۰۱ ﴾ - در سعی بین صفا و مروه می‌توان سوار بر وسیله‌ی نقلیه یا محملی

شد؛ خواه با اختیار باشد یا با عذر، هر چند راه رفتن بهتر است.

م ﴿ ۸۰۲ ﴾ - طهارت از حدث و خبث و پوشش شرم‌گاه از شرایط سعی نیست؛ اگرچه مراعات طهارت از حدث پسندیده است.

م ﴿ ۸۰۳ ﴾ - سعی را باید بعد از طواف و نماز آن بجا آورد، و اگر سعی را به عمد پیش از طواف بگزارد، لازم است آن را بعد از طواف و نماز اعاده کند.

م ﴿ ۸۰۴ ﴾ - اگر از روی فراموشی سعی را بر طواف پیشی دارد، لازم است آن را اعاده کند. همچنین است اگر به سبب ندانستن مسأله چنین نماید.

م ﴿ ۸۰۵ ﴾ - رفتن و برگشتن وی باید از مسیر و راه متعارف باشد؛ پس اگر از مسیری غیر متعارف به صفا یا مروه رود، سعی وی باطل است.

م ﴿ ۸۰۶ ﴾ - اگر مسیر بین صفا و مروه را چند طبقه کنند و تمام طبقات بین دو کوه باشد، و عرف آن را بین صفا و مروه بدانند یا این امر نزد شخص احراز شود، از هر طبقه‌ی آن می‌توان سعی نمود؛ اگرچه سعی از همان راهی که از ابتدا متعارف بوده بهتر است.

م ﴿ ۸۰۷ ﴾ - اگر در مسیر یاد شده طبقه‌ای از زیر زمین بسازند و کوه صفا و مروه دارای پی و ریشه باشد، بهتر است از آن طبقه سعی نمود.

م ﴿ ۸۰۸ ﴾ - در وقت رفتن به طرف مروه باید به آن توجه داشت و هنگام رفتن به صفا لازم است متوجه آن باشد؛ پس اگر به پشت یا به پهلو به سوی صفا یا مروه رود، باطل است، ولی نگاه کردن به چپ و راست یا به پشت سر اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۰۹ ﴾ - برای استراحت و رفع خستگی می‌توان بر صفا یا مروه و یا بین آنها نشست یا خوابید و لازم نیست عذری داشته باشد.

م ﴿ ۸۱۰ ﴾ - می‌توان سعی را از طواف و نماز آن برای رفع خستگی یا خنک

نمودن خود تأخیر انداخت. همچنین تأخیر انداختن سعی بدون عذر تا شب جایز است؛ اگرچه بهتر است آن را تأخیر نیندازد.

م ﴿ ۸۱۱ ﴾ - تأخیر انداختن سعی برای فردا بدون آن که عذری مانند بیماری داشته باشد، جایز نیست.

م ﴿ ۸۱۲ ﴾ - سعی عبادت است و باید آن را با نیت خالص و برای انجام حکم خدای تعالی انجام داد.

م ﴿ ۸۱۳ ﴾ - سعی مثل طواف رکن است و حکم ترک آن از روی عمد یا سهو، همان‌گونه است که در طواف گذشت.

م ﴿ ۸۱۴ ﴾ - زیاد کردن شماره‌ی سعی و افزودن بر هفت مرتبه از روی عمد موجب باطل شدن آن است؛ همچنان که در طواف گذشت.

م ﴿ ۸۱۵ ﴾ - اگر به سبب فراموشی بر شماره‌ی سعی زیاد کند؛ خواه کم‌تر از یک مرتبه باشد یا بیش‌تر، سعی او صحیح است، و بهتر است که بخش افزوده را رها کند؛ اگرچه می‌تواند آن را به هفت مرتبه برساند.

م ﴿ ۸۱۶ ﴾ - اگر سعی را به سهو کم کند؛ چنانچه آن را به یاد آورد، لازم است آن را تمام نماید، و اگر به وطن خود بازگردد و برای او مشقت ندارد، باید به مکه رود، و در صورتی که نمی‌تواند یا سختی دارد، نایب بگیرد.

م ﴿ ۸۱۷ ﴾ - اگر کم‌تر از یک مرتبه سعی نماید و بقیه‌ی آن را فراموش کند، لازم است سعی را دوباره از سر بگیرد، و در صورتی که بعد از تمام کردن یک مرتبه یا بیش‌تر فراموش کرد آن را به هفت مرتبه برساند، می‌تواند سعی را از همان جا تمام کند.

م ﴿ ۸۱۸ ﴾ - با به پایان رساندن و تمام کردن سعی، آنچه به واسطه‌ی احرام بر او

حرام شده بود حلال نمی‌شود.

م ﴿ ۸۱۹ ﴾ - اگر در عمره‌ی تمتع برخی از سعی را فراموش کند و به گمان این که اعمال عمره را تمام نموده است از احرام خارج شود و بعد از آن با زن نزدیکی کند، واجب است بازگردد و سعی را تمام کند، و برای کفاره، یک گاو ذبح نماید.

م ﴿ ۸۲۰ ﴾ - اگر برخی از سعی را فراموش کند و تقصیر نماید و بعد از آن با زن نزدیکی کند، لازم است به حکم گفته شده در مسأله‌ی قبل عمل کند، بلکه باید در این دو حکم، در غیر عمره‌ی تمتع سعی را در کفاره و اتمام به تمتع ملحق کند.

م ﴿ ۸۲۱ ﴾ - اگر بعد از تقصیر در شماره‌ی رفت و آمدهای سعی شک کند، به آن توجه ننماید، و چنانچه بعد از آن که عمل را به پایان رساند و منصرف شد شک کند، بنا بر تمام شدن آن گزارد و آنچه را می‌پندارد کم آورده است مورد اعتنا قرار ندهد؛ حتی در صورتی که شک نماید که آیا به عمد برای نیازی سعی را ترک کرده و همه آن را کم گذاشته و سپس بازگشته است که آن را تمام کند یا خیر، بر وی لازم نیست آن را تمام کند، و اگر شک در زیادی آن دارد و می‌داند ناقص نشده است، اعتنا نکند.

م ﴿ ۸۲۲ ﴾ - اگر پس از پایان سعی یا یک دور آن، در درست آوردن سعی شک کند، نباید به آن اعتنا نماید و سعی وی صحیح است. همچنین در صورتی که در بین رفت و آمد شک در صحیح بجا آوردن جزو پیش کند، نباید به آن توجه نماید.

م ﴿ ۸۲۳ ﴾ - اگر در مروه شک کند که هفت مرتبه رفت و آمد کرده است یا بیش‌تر؛ مانند این که میان هفت و نه شک کند، به آن اعتنا ننماید، و اگر قبل از رسیدن به مروه شک کند که این دور، هفتم است یا کم‌تر، سعی او باطل است.

همچنین است هر شکی که به کم‌تر از هفت تعلق بگیرد؛ مانند آن که میان یک و

دو یا دو و سه شک نماید.

م ﴿ ۸۲۴ ﴾ - اگر طواف را در روزی بجا آورد و روز بعد شک کند که سعی کرده است یا نه، بنا گذارد بر آن که سعی را آورده است و چنانچه بعد از تقصیر شک کند، در این صورت لازم نیست سعی نماید.

مسایل دیگر سعی

م ﴿ ۸۲۵ ﴾ - کسی که می دانسته است باید هفت مرتبه بین صفا و مروه سعی کند؛ چنانچه با همین نیت از صفا شروع کند، ولی رفت و برگشت را یک مرتبه به شمار آورد و در نتیجه چهارده مرتبه سعی نماید، لازم نیست سعی را اعاده نماید و هفت مرتبه‌ی دوم زاید است.

م ﴿ ۸۲۶ ﴾ - کسی که بعد از ظهر، طواف و نماز را بجا می آورد و سعی را شب انجام می دهد؛ اگر بدون تأخیر عرفی، سعی در شب واقع شود، اشکال ندارد، اگرچه پسندیده است آن را تا شب تأخیر نیندازد.

م ﴿ ۸۲۷ ﴾ - کسی که در بین سعی متوجه می شود که طواف او بیش از هفت شوط بوده است باید سعی را رها نماید و سپس با از دست رفتن موالات عرفی، طواف، نماز و سعی را اعاده کند و بعد تقصیر نماید.

م ﴿ ۸۲۸ ﴾ - اگر از مروه شروع و به صفا ختم نماید و بعد بداند وظیفه‌ی او چیست، باید سعی را اعاده کند و چنانچه تقصیر نکرده است تقصیر نماید.

م ﴿ ۸۲۹ ﴾ - اگر بعد از آن که شوط ششم سعی را در صفا به پایان رساند گمان کند هفت شوط را تمام بجا آورده است و تقصیر نمود، ولی بی درنگ دانست که باید شوط دیگری بیاورد و آن را انجام داد و سپس بار دیگر تقصیر نمود، عمل وی

صحیح است و کفاره ندارد.

م ﴿ ۸۳۰ ﴾ - چنانچه در بین سعی برای آب خوردن یا امر دیگری از مسیر منحرف شود و پس از آن سعی را ادامه دهد اگر سعی را قطع ننماید و به نیت سعی حرکت را ادامه دهد و در بین راه کار دیگری را انجام دهد، یا در صورتی که قطع کرده از جایی که سعی را قطع نموده است یا محاذی و برابر آن سعی را تمام کند، صحیح است.

م ﴿ ۸۳۱ ﴾ - کسی که طواف و نماز آن را انجام داده و سعی را به روز بعد یا روزهای بعد به تأخیر انداخته است، لازم نیست آن را اعاده نماید، ولی در حال اختیار نباید سعی را به روز بعد تأخیر بیندازد.

م ﴿ ۸۳۲ ﴾ - زنهایی که به جهت عادت ماهانه برای طواف نایب می‌گیرند لازم نیست در سعی نایب بگیرند و محل انجام سعی مسجد نیست و باید خود، سعی را با مراعات ترتیب بین طواف و سعی بجا آورند.

م ﴿ ۸۳۳ ﴾ - اگر یقین کند که هفت شوط سعی بین صفا و مروه را تمام کرده است، ولی بعد از تقصیر متوجه شود که پنج شوط بوده، سعی را به پایان رساند، و تقصیر اول کافی است.

م ﴿ ۸۳۴ ﴾ - اگر بعد از طواف عمره‌ی تمتع سعی صفا و مروه را به سهو نگزارد و دیگر اعمال حج را انجام دهد؛ چنانچه خود نتواند سعی را جبران نماید، باید نایب بگیرد و نایب باید تنها سعی را به نیابت از وی انجام دهد.

م ﴿ ۸۳۵ ﴾ - با توجه به این که بین صفا و مروه به گونه‌ای است که از یک طرف می‌رود و از طرف دیگر آن برگردد، بین رفت و برگشت وی چند متری فاصله ایجاد می‌گردد، در این صورت می‌تواند، اگر امکان داشته باشد، از همان مسیری که به

صفا رفته است به مروه برود، ولی نباید مزاحم دیگران شود.

م ﴿ ۸۳۶ ﴾ - اگر در حال سعی متوجه شود بخشی را که برای هروله علامت‌گذاری کرده‌اند، به طور عادی سیر کرده است، و به گمان این که لازم است هروله کند بازگردد و مقداری را که عادی رفته است، با هروله تکرار نماید، سعی وی اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۳۷ ﴾ - چنانچه در سعی بین صفا و مروه، از جایی که به صفا یا مروه می‌رسد برای شوط بعدی شروع نکند، بلکه به صورت تقریبی مقدار چند متر هلالی شکل یا مستقیم به شکل عرضی بیاید و شوط بعدی را شروع کند، و در این مقدار متوجه نباشد که نیت سعی دارد یا نه، ولی اگر از او پرسیده شود چه می‌کند، جواب می‌دهد سعی می‌کنم، راه رفتن یاد شده روی کوه، ضرری به سعی وارد نمی‌سازد، و سعی صحیح است.

م ﴿ ۸۳۸ ﴾ - سعی کردن از همان جایی که بیماران را با چرخ می‌برند و برمی‌گردانند (یعنی حدود دو متر بالاتر ابتدای سرایشی) صحیح و کافی است؛ چرا که سعی باید بین دو کوه باشد و احراز شود، و لازم نیست بالا برود.

م ﴿ ۸۳۹ ﴾ - کسی که بین صفا و مروه سعی می‌کند، لازم است در هنگامی که به طرف مروه در حرکت است به مروه توجه داشته باشد. همچنین است اگر به طرف صفا می‌رود که باید به صفا توجه نماید و وجوب توجه وضعی است؛ اگرچه واجب نیست و نگاه کردن به اطراف؛ حتی به پشت سر اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۴۰ ﴾ - گاه در اثر ازدحام جمعیت برای رفتن به سعی ناچار است از مسجدالحرام عبور نماید، در این صورت، حیض و نفسا؛ چنانچه امکان نداشته باشد که از راه دیگری بروند، باید آن را تأخیر بیندازند، و اگر چنین امری ممکن

نیست، نایب بگیرند، و بر فرض مخالفت؛ چنانچه از آن راه رفت و سعی نمود، سعی وی صحیح است؛ هر چند گناه کرده است.

م ﴿ ۸۴۱ ﴾ - بیش تر کردن شوطها از روی آگاه نبودن به مسأله حکم زیادی سهوی را دارد و اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۴۲ ﴾ - اگر نمی تواند بدون سوار شدن بر چرخهای معمولی سعی کند ولی قدرت مالی ندارد؛ چنانچه می تواند با چرخ سعی کند، هر چند با فروش چیزی یا گرفتن قرض باشد، باید خود سعی کند و گرفتن نایب صحیح نیست، مگر آن که مشقت داشته باشد.

م ﴿ ۸۴۳ ﴾ - اگر شوط سوم سعی را قطع نماید و با فاصله ای اندکی هفت شوط دیگر بجا آورد و تقصیر نماید، سعی وی صحیح است.

م ﴿ ۸۴۴ ﴾ - چنانچه به این اعتقاد که هر شوط سعی، رفت و برگشت از صفا به مروه است، سعی را شروع کند و در شوط سوم متوجه مسأله شود و سعی خود را به هفت شوط خاتمه دهد، سعی وی صحیح است.

م ﴿ ۸۴۵ ﴾ - چنانچه در حال سعی گاهی عقب عقب و به پشت به سوی مروه یا صفا رود، باید آن مقدار را تدارک بیند، و اگر از آن محل گذشته است، می تواند بازگردد و آن را جبران کند و سعی او اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۴۶ ﴾ - سعی از طبقه ی دوم که بالاتر از کوه صفا و مروه است اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۴۷ ﴾ - در صورتی که برای کنترل همراهان خود در هنگام سعی گاهی به عقب رود و بدون توجه دوباره همان مسافت را طی نماید، سعی وی اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۴۸ ﴾ - در صورتی که سعی بین صفا و مروه را پنج دور رفت و برگشت که در

مجموع ده شوط می‌گردد انجام دهد و سپس متوجه مسأله شود و سعی را از همان جا قطع نماید و تقصیر کند، سعی وی اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۴۹ ﴾ - اگر به گمان این که رفتن بالای کوه صفا یا مروه لازم است، آن را با فشار جمعیت برود و برای اعاده‌ی آن بخشی از سعی را انجام دهد و به نیت سعی بازگردد؛ با این که مقداری از مسافت را دو بار طی کرده است، سعی وی اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۵۰ ﴾ - در صورتی که به این گمان که سعی نیاز به وضو و طهارت دارد، سعی خود را بعد از یک شوط و نیم قطع نماید تا تحصیل طهارت کند و هفت شوط دیگر سعی گزارد، اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۵۱ ﴾ - کسی که شماره‌ی شوط‌های انجام داده را می‌داند اما تردید دارد که شوط بعدی را انجام داده است یا نه؛ برای نمونه می‌داند پنج شوط انجام داده است ولی شک دارد که بقیه را انجام داده یا نه، چون شک در شماره‌ی شوط‌ها دارد، سعی وی باطل است.

م ﴿ ۸۵۲ ﴾ - اگر سعی را به طور کلی فراموش کند و تقصیر نماید، از احرام خارج شده است، و هرگاه متوجه شد، سعی را بجا آورد.

م ﴿ ۸۵۳ ﴾ - اگر قبل از رسیدن به مروه، بین گزاردن هفت و نه شوط شک نماید، سعی وی باطل است، و باید آن را اعاده کند.

م ﴿ ۸۵۴ ﴾ - موالات در سعی شرط نیست، مگر آن که شوط اول تمام نشده باشد، که در این صورت با از دست رفتن موالات باید آن را دوباره انجام دهد.

م ﴿ ۸۵۵ ﴾ - اگر در سعی، بخشی از عضوهای بدن زن؛ غیر از وجه و دو کف

دست تا مچ دیده شود، به سعی او ضرری نمی‌رساند.

م ﴿ ۱۸۶ ﴾ - شخصی که در حال سعی در عدد شلوطها شک می‌کند و با حال تردید به سعی خود ادامه می‌دهد و در فکر است که عدد را نگه دارد و پس از تأمل و بعد از آن که اندکی سعی نمود یا وارد شلوط بعدی شد یقین به شماره‌ی آن پیدا کرد و ادامه‌ی سعی را با یقین انجام می‌دهد، سعی وی صحیح است.

مستحبات سعی

م ﴿ ۸۵۷ ﴾ - مستحب است در پایان نماز طواف و پیش از سعی به نزد چاه زمزم رود و یک یا دو دلو آب بکشد و آن را بیاشامد و به سر، پشت و شکم خود بریزد و بگوید:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً أَمِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُقْمٍ»، و پس از آن به نزد حجرالاسود بیاید.

م ﴿ ۸۵۸ ﴾ - مستحب است از دری که روبه روی حجرالاسود است به سوی صفا رو کند و با آرامی دل و بدن بالای صفا رود و به خانه‌ی کعبه نگاه کند و به رکنی که حجرالاسود در آن است توجه نماید و حمد و ثنای الهی بجا آورد و نعمت‌های الهی را یاد نماید و آنگاه هر یک از ذکرهای: «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» را هفت مرتبه بگوید و پس از آن سه مرتبه بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

سپس صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و هر یک از دعاهای زیر را سه مرتبه

بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَبْلَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْحَيِّ الدَّائِمِ».

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ».

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

«اللَّهُمَّ آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ».

و سپس هر یک از ذکرهای زیر را صد مرتبه بگوید:

«اللَّهُ أَكْبَرُ»، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و «سُبْحَانَ اللَّهِ».

آنگاه بگوید:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَعَلَبَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ وَحْدَهُ، اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ، وَفِي مَا بَعْدَ الْمَوْتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ظُلْمَةِ الْقَبْرِ وَوَحْشَتِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلِنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

و پس از آن سپردن دین، نفس، خانواده و مال خود را به خداوند متعال با دعای

زیر بخواند و آن را بسیار تکرار کند:

«أَسْتَوْدِعُ اللَّهَ الرَّحْمَنَ الرَّحِيمَ؛ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ دِينِي وَنَفْسِي وَأَهْلِي. اللَّهُمَّ،

أَسْتَعْمِلْنِي عَلَى كِتَابِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِ، وَأَعِدَّنِي مِنَ الْفِتْنَةِ».

پس سه مرتبه بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ» و دعای گذشته را برای دو بار تکرار کند، و یک

بار تکبیر بگوید و باز دعای گذشته را بگوید و اگر تمام این عمل را نمی تواند انجام

دهد، هر اندازه که می تواند آن را بخواند.

م ﴿ ۱۸۵۹ ﴾ - مستحب است رو به کعبه نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ قَطُّ، فَإِنْ عُدْتُ فَعُدُّ عَلَيَّ بِالْمَغْفِرَةِ، فَإِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ تَرَحَّمَنِي، وَإِنْ تُعَذِّبَنِي فَأَنْتَ عَنِّي عَنْ عَذَابِي، وَأَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَتِكَ. فَيَا مَنْ أَنَا مُحْتَاجٌ إِلَى رَحْمَةٍ، إِزْحَمْنِي، اللَّهُمَّ، لَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ إِنْ تَفَعَّلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ تُعَذِّبَنِي، وَلَمْ تُظْلِمْنِي أَصْبَحْتُ أَتَقَى عَذْلَكَ، وَلَا أَخَافُ جَوْزَكَ، فَيَا مَنْ هُوَ عَدْلٌ لَا يَجُورُ، إِزْحَمْنِي».

پس بگوید:

«يَا مَنْ لَا يَخِيبُ سَائِلَهُ، وَلَا يَنْقُذُ نَائِلَهُ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَجْرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

م ﴿ ۸۶۰ ﴾ - پسندیده است ایستادن بر صفا را طول دهد و هنگامی که از صفا پایین می‌آید بر پله‌ی چهارم بایستد و متوجه‌ی خانه‌ی کعبه شود و بگوید:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَفِتْنَتِهِ وَغُرْبَتِهِ وَوَحْشَتِهِ وَظُلْمَتِهِ وَضِيْقِهِ وَضَنْكِهِ، اللَّهُمَّ أَظْلَمَنِي فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ».

سپس از پله‌ی چهارم پایین رود و احرام را از روی کمر خود بردارد و بگوید:

«يَا رَبِّ، الْعَفْوِ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ هُوَ أَوْلَى بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُثِيبُ عَلَيَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ، يَا جَوَادُ يَا كَرِيمُ، يَا قَرِيبُ يَا بَعِيدُ، أُرْزِدْ عَلَيَّ نِعْمَتَكَ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَمَرْضَاتِكَ».

م ﴿ ۸۶۱ ﴾ - مستحب است پیاده سعی نماید و از صفا تا به میانه‌ی راه رود و از آن جا تا جایی که محل بازار عطاران است به تندی رود و اگر سوار است، این مسیر را در مجموع به تندی و سرعت رود و از آن جا تا به مروه نیز میانه رود و در وقت برگشتن نیز به همین ترتیب مراجعت نماید. زن هروله ندارد و مستحب است در هنگامی که به مناره‌ی میانه می‌رسد، بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَاهْدِنِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، اللَّهُمَّ، إِنَّ عَمَلِي ضَعِيفٌ فَضَاعِفُهُ لِي، وَتَقَبَّلْهُ مِنِّي، اللَّهُمَّ لَكَ سَعْيِي، وَبِكَ حَوْلِي وَقُوَّتِي، تَقَبَّلْ مِنِّي عَمَلِي يَا مَنْ يَقْبَلُ عَمَلَ الْمُتَّقِينَ».

هنگامی که از محل بازار عطاران گذشت بگوید:

«يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ وَالْكَرَمِ وَالنِّعْمَاءِ وَالْجُودِ، اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

و هنگامی که به مروه رسید، بالای آن برود و آنچه را که در صفا بجا آورده است در آن جا بگزارد و دعاها را به ترتیبی که ذکر شد بخواند و پس از آن بگوید:

«اللَّهُمَّ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْعَفْوِ، يَا مَنْ يُحِبُّ الْعَفْوَ، يَا مَنْ يُعْطِي عَلَى الْعَفْوِ، يَا مَنْ يَعْفُو عَلَى الْعَفْوِ، يَا رَبَّ الْعَفْوِ، الْعَفْوِ الْعَفْوِ الْعَفْوِ».

مستحب است در گریه کردن کوشش کند و خود را به گریه وا دارد و در حال سعی بسیار دعا کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ حُسْنَ الظَّنِّ بِكَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَصِدْقِ النَّبِيِّ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ».

تقصیر

م ﴿ ۸۶۲ ﴾ - بعد از سعی لازم است تقصیر کند؛ یعنی بخشی از ناخن یا موی سر یا سبیل یا ریش خود را کوتاه نماید، و بهتر است که به چیدن ناخن بسنده نکند، و بخشی از موی خود را کوتاه نماید.

م ﴿ ۸۶۳ ﴾ - تراشیدن سر در تقصیر کفایت نمی‌کند، بلکه حرام است.

م ﴿ ۸۶۴ ﴾ - تقصیر عبادت است و باید آن را با نیت پاک و به قصد اطاعت خدا انجام دهد و اگر ریا کند، عمره‌ی وی باطل می‌شود، مگر آن که جبران کند.

م ﴿ ۸۶۵ ﴾ - اگر تقصیر را تا وقتی که احرام حج را ببندد فراموش کند، عمره‌ی وی صحیح است و مستحب است یک گوسفند بپردازد.

م ﴿ ۸۶۶ ﴾ - اگر تقصیر را به عمد تا احرام حج ترک کند، عمره‌ی وی باطل می‌شود و حج او به حج افراد تبدیل می‌گردد، و پس از تمام کردن حج افراد، باید عمره‌ی مفرده بگزارد.

م ﴿ ۸۶۷ ﴾ - در عمره‌ی تمتع طواف نسا واجب نیست و می‌تواند طواف و نماز آن را بجا آورد.

- م ﴿ ۸۶۸ ﴾ - بعد از آن که محرم تقصیر کرد بجز تراشیدن سر؛ هر چه بر او به سبب احرام حرام شده بود حتی نزدیکی با زن حلال می‌شود.
- م ﴿ ۸۶۹ ﴾ - در تقصیر، کندن مو کافی نیست، بلکه معیار کوتاه کردن آن؛ به هر وسیله‌ای که ممکن باشد است و باید به کوتاه کردن موی زیر بغل و مانند آن بسنده نشود، بلکه ریش یا سبیل یا موی سر را کوتاه نماید.
- م ﴿ ۸۷۰ ﴾ - کسی که تقصیر خود را باطل نموده و بعد از آن محرمات احرام را انجام داده و حکم مسأله را نمی‌دانسته است؛ بر وی پرداخت کفاره لازم نیست، مگر در شکار که چگونگی آن گذشت.
- م ﴿ ۸۷۱ ﴾ - کسی که بعد از سعی در عمره‌ی تمتع تقصیر نماید و بعد شک کند که تقصیر وی صحیح است یا نه؛ اگر در حال عمل، به مسأله آگاه بوده و به آن توجه داشته است، اشکال ندارد.
- م ﴿ ۸۷۲ ﴾ - کندن مو در تقصیر کافی نیست و اگر عمره‌ی تمتع می‌گذارد، عمره‌ی وی صحیح نیست، مگر آن که قبل از احرام برای آن از احرام عمره‌ی مفرده با تقصیر صحیح خارج شود.
- م ﴿ ۸۷۳ ﴾ - اگر تقصیر عمره‌ی مفرده را فراموش کند، می‌تواند در هر جایی تقصیر کند، ولی باید طواف نسا را اعاده کند و اگر خود نمی‌تواند به مکه رود، نایب بگیرد.
- م ﴿ ۸۷۴ ﴾ - سنی می‌تواند برای شیعه تقصیر نماید.
- م ﴿ ۸۷۵ ﴾ - اگر در حج به جای تقصیر در عمره‌ی تمتع یک مواز بدن خود کرده است، بعد از آن که متوجه شد؛ چنانچه حج را انجام داده، با عمل یاد شده در حال حاضر از احرام خارج شده، و چنانچه حج واجب می‌گذارد، یک عمره‌ی مفرده بجا آورد.

م ﴿ ۸۷۶ ﴾ - کسی که بعد از طواف و نماز طواف تقصیر کرده و سپس سعی بجا آورده و دوباره تقصیر نموده، اگر حکم مسأله را نمی‌دانسته یا به سهو چنین کرده است، چیزی بر او نیست.

م ﴿ ۸۷۷ ﴾ - چنانچه اعمال حج را بر دو وقوف مقدم بدارد، اگر بعد از سعی تقصیر نماید، از احرام بیرون نمی‌آید و اگر حکم مسأله را نمی‌دانسته یا به سهو بوده است، كفاره ندارد.

م ﴿ ۸۷۸ ﴾ - اگر به‌جای تقصیر، حلق نماید، در عمره‌ی تمتع کفایت نمی‌کند.
م ﴿ ۸۷۹ ﴾ - کسی که بعد از انجام اعمال عمره در منزل تقصیر کرده است، چیزی بر او نیست و اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۸۰ ﴾ - اگر تقصیر را به‌ریا انجام دهد و بدون تدارک تقصیر، برای حج محرم شود و حج انجام دهد؛ چنانچه از روی عمد و یا ناآگاهی از مسأله باشد، حج وی به افراد تبدیل شده است و بعد از حج باید عمره‌ی مفرده بگذارد و حج او صحیح است.

م ﴿ ۸۸۱ ﴾ - اگر در بین سعی تقصیر نماید، باید سعی را تمام کند و تقصیر را اعاده کند، ولی چنانچه از روی فراموشی یا ناآگاهی به مسأله تقصیر کرده است، اعاده‌ی تقصیر لازم نیست، و در صورتی که از ابتدای سعی قصد هفت شوط نداشته است، باید سعی را اعاده نماید.

م ﴿ ۸۸۲ ﴾ - اگر به سبب ناآگاهی از مسأله، تقصیر را ترک نماید، حکم ترک عمدی آن را دارد.

م ﴿ ۸۸۳ ﴾ - در عمره‌ی مفرده، اگر تقصیر را به عمد یا از روی ناآگاهی یا فراموشی ترک نماید و طواف نسا را انجام دهد، باید تقصیر نماید و طواف نسا را دوباره

بگزارد، و فرقی بین عمد، سهو، علم و ناآگاهی نیست.

م ﴿ ۸۸۴ ﴾ - بعد از انجام عمره‌ی تمتع و پیش از حج تمتع نباید عمره‌ی مفرده بجا آورد و اگر چنین کند، عمره‌ی مفرده درست نیست، ولی عمره و حج تمتع وی اشکالی ندارد.

م ﴿ ۸۸۵ ﴾ - خادمان کاروان‌های حج اگر عمره‌ی مفرده بجا آورده باشند، هر بار که از مکه خارج می‌شوند و به جده می‌روند و باز می‌گردند، لازم نیست محرم شوند، ولی چنانچه عمره‌ی تمتع می‌گذارند نباید از مکه خارج شوند، مگر در حالی که به احرام حج، نیاز و ضرورت دارند.

م ﴿ ۸۸۶ ﴾ - کاروان‌دارانی که پس از انجام عمره‌ی تمتع باید برای دیدن چادرها و کارهای دیگر به عرفات و منی روند و به مکه بازگردند، نمی‌توانند از مکه خارج شوند، مگر در مورد ضرورت، و در این صورت باید برای حج محرم شوند و بیرون روند. البته، اگر احرام برای آنان سختی دارد و رفتن به عرفات و منی ضروری است، می‌توانند بدون احرام به آنجا روند.

م ﴿ ۸۸۷ ﴾ - بین عمره‌ی تمتع و حج تمتع می‌توان موی سر را اصلاح نمود و انجام این عمل کفاره ندارد، ولی نباید سر را اصلاح نماید و باید از ماشین و اصلاح کردنی که مانند تراشیدن است دوری شود. تراشیدن ریش نیز همین حکم را دارد.

م ﴿ ۸۸۸ ﴾ - زنی که در حال حیض همه‌ی اعمال عمره را بجا آورد و از عادت بودن خود آگاهی ندارد، اگر در وسعت وقت است، باید طواف و نماز را اعاده کند، ولی چنانچه وقت ندارد، عمره‌ی وی صحیح است، اما پس از پاک شدن از حیض و انجام غسل، لازم است طواف و نماز آن را دوباره بجا آورد.

م ﴿ ۸۸۹ ﴾ - رفتن به غار حرا پیش از وقوف اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۹۰ ﴾ - کسی که از کارمندان سازمان حج است و به ناچار باید بعد از عمره‌ی تمتع و پیش از حج که آن را به صورت نیایی انجام می‌دهد از مکه بیرون آید و به عرفات رود، به حج وی ضرری نمی‌رساند، ولی در صورت امکان و نداشتن سختی باید به احرام حج محرم شود و از مکه بیرون رود.

م ﴿ ۸۹۱ ﴾ - بیرون رفتن از مکه بعد از عمره‌ی تمتع جایز نیست، مگر در مورد ضرورت که در این صورت نیز اگر عسر و حرج نباشد، باید به احرام حج محرم شود و آنگاه از مکه بیرون رود.

م ﴿ ۸۹۲ ﴾ - رفتن به خط کمربندی که در اطراف مکه از پای جبل النور و جبل ثور می‌گذرد، در بین عمره و حج اشکال ندارد.

م ﴿ ۸۹۳ ﴾ - کسی که عمره‌ی تمتع می‌گزارد نمی‌تواند برای انجام کار غیر ضروری از مکه بیرون رود و ملاک تشخیص ضرورت، عرف است.

بخش چهارم:

**تبدیل شدن حج تمتع
به حج افراد**

تبدیل تمتع به افراد

م ﴿ ۸۹۴ ﴾ - کسی که احرام عمره بسته است و به سبب عذری دیر وقت به مکه می‌رسد؛ به طوری که اگر بخواهد عمره بجا آورد، وقت وقوف به عرفات را از دست می‌دهد یا ترس از آن دارد، باید عمره را به حج افراد تبدیل نماید، و پس از گزاردن آن، عمره‌ی مفرده بجا آورد، حج وی صحیح است و از حجة الاسلام کفایت می‌کند.

م ﴿ ۸۹۵ ﴾ - اگر زن احرام ببندد و هنگامی که به مکه وارد شد به سبب حیض یا نفاس نتواند طواف بجا آورد، و اگر بخواهد بماند تا پاک شود، ترس آن را دارد که وقت وقوف به عرفات را از دست بدهد، باید همانند مسأله‌ی پیشین عمل نماید.

م ﴿ ۸۹۶ ﴾ - اگر به سبب عذری بدون احرام وارد مکه شود و وقت تنگ باشد، باید در مکه احرام حج افراد ببندد و به حکم گفته شده در مسأله‌ی پیش عمل کند.

م ﴿ ۸۹۷ ﴾ - اگر به عمد احرام نبندد و عمره‌ی خود را باطل کند و وقت انجام عمره‌ی تمتع تنگ شود، واجب است حج افراد و عمره‌ی مفرده انجام دهد.

م ﴿ ۸۹۸ ﴾ - مراد از تنگی وقت در مسأله‌های پیش، ترس از ترسیدن به وقوف

اختیاری عرفه است که از ظهر نهم ماه ذی حجه تا غروب آفتاب می‌باشد.

م ﴿ ۸۹۹ ﴾ - کسی که حج مستحب می‌گزارد و پس از ورود به مکه با تنگی وقت روبه‌رو می‌شود، لازم است به افراد عدول کند و حج افراد بجا آورد، و عمره‌ی مفرده بر او واجب نیست.

م ﴿ ۹۰۰ ﴾ - کسی که به احرام تمتع محرم می‌گردد و به عمد آن را تأخیر می‌اندازد تا وقت تنگ شود، لازم است حج افراد بجا آورد و پس از گزاردن عمره‌ی مفرده کفایت می‌کند.

م ﴿ ۹۰۱ ﴾ - کسی که وظیفه‌ی او حج تمتع است و در وقت احرام بستن می‌داند که اگر بخواهد عمره‌ی تمتع بجا آورد به وقوف عرفات نمی‌رسد، می‌تواند از ابتدا برای حج افراد محرم شود و آن را بگزارد و پس از آن عمره‌ی مفرده انجام دهد و عمل وی صحیح است.

م ﴿ ۹۰۲ ﴾ - کسی که قصد بیرون رفتن از مکه را دارد و به همین جهت از اول در میقات به نیت عمره‌ی مفرده محرم می‌شود و عمره‌ی مفرده را بجا آورد، و سپس از خارج شدن از مکه منصرف می‌گردد؛ چنانچه حج وی استحبابی یا واجب باشد، می‌تواند عمره‌ی مفرده را به عمره‌ی تمتع تبدیل کند.

م ﴿ ۹۰۳ ﴾ - اگر بعد از نیت عمره و احرام، دوباره برای عمره‌ی دیگری محرم شود؛ برای نمونه، به نیت عمره‌ی مفرده محرم شود و سپس نیت عمره‌ی تمتع کند و تلبیه بگوید؛ چنانچه نیت کرده و تلبیه گفته، محرم شده است و احرام بعدی موضوع ندارد، و نمی‌تواند نیت عمره‌ای دیگر کند و احرام دوم باطل است.

م ﴿ ۹۰۴ ﴾ - زنی که عادت ماهانه‌ی وقتی و عددی دارد و برای نمونه، روز هفتم ماه پاک می‌شود و در همان روز غسل می‌نماید و اعمال عمره را بجا می‌آورد، ولی

روز بعد لک می‌بیند و باز غسل می‌کند و اعمال را تا روز دهم انجام می‌دهد و برای عرفات حرکت می‌نماید و دوباره روز یازدهم لک می‌بیند، باید تمتع بگزارد.

م ﴿ ۹۰۵ ﴾ - زنی که روز هشتم خون می‌بیند و به گمان این که حیض است، احرام خود را به حج افراد تبدیل می‌کند، و آنگاه که به عرفات می‌رود متوجه می‌شود که استحاضه است؛ چنانچه وقت عمره تنگ شده است، اگرچه طواف را به عمد تأخیر انداخته است، باید حج افراد را تمام کند و اگر حج واجب می‌گزارد، پس از آن، عمره‌ی مفرده بجا آورد.

م ﴿ ۹۰۶ ﴾ - کسی که حج مستحبی می‌گزارد می‌تواند به جای حج تمتع نیت حج افراد نماید و به جای عمره‌ی تمتع، عمره‌ی مفرده انجام دهد و برای حج محرم نشود، و می‌تواند حج افراد بجا آورد، ولی میقات حج افراد میقات‌های پنج‌گانه است.

م ﴿ ۹۰۷ ﴾ - کسی که حج افراد بر او واجب و متعین است و به قصد حج افراد در یکی از میقات‌ها محرم می‌شود نمی‌تواند نیت حج افراد خود را به عمره‌ی تمتع تبدیل نماید و بعد از انجام آن، حج تمتع بجا آورد، همچنین نمی‌تواند حج افراد را به عمره‌ی مفرده تبدیل نماید و بعد از انجام آن، برای عمره‌ی تمتع محرم شود.

م ﴿ ۹۰۸ ﴾ - شخصی که با احرام عمره‌ی تمتع وارد مکه می‌شود و بعد از اعمال عمره برای حج افراد محرم می‌گردد؛ چنانچه از مکه خارج شده و از میقات برای حج افراد محرم گردیده، حج وی صحیح است، ولی عمره‌ی تمتع واقع نمی‌شود، و اگر از مکه محرم شده، در صورت اشتباه در تطبیق، حج او صحیح و تمتع است، و در غیر این صورت، حج وی صحیح نیست.

م ﴿ ۹۰۹ ﴾ - شخصی که در حرم برای حج افراد محرم شده و بعضی از اعمال را

انجام داده، اگر از روی ناآگاهی به مسأله چنین کرده است؛ چنانچه برای وی ممکن نیست به میقات رود و از آن جا محرم شود و به وقوف برسد، در همان محلی که هست محرم شود و اعمالی که امکان تدارک آن با احرام هست را جبران کند، و چنانچه تمام اعمال را با همان احرام انجام داده و بعد متوجه شده، حج او صحیح است.

بخش پنجم:

حج تمتع

احرام حج

م ﴿ ۹۱۰ ﴾ - پس از پایان یافتن اعمال عمره، لازم است برای حج تمتع احرام بست.

م ﴿ ۹۱۱ ﴾ - اگر حج تمتع را نیت کند و لبیک‌های واجب را به‌طوری بگوید که در احرام عمره ذکر شد، محرم می‌گردد، و چنانچه در احرام عمره گذشت، لازم نیست بستن احرام و ترک محرّمات را قصد نماید.

م ﴿ ۹۱۲ ﴾ - نیت باید خالص برای اطاعت خداوند باشد و ریا آن را باطل می‌سازد.

م ﴿ ۹۱۳ ﴾ - چگونگی احرام بستن و گفتن لبیک به همان شیوه است که در احرام عمره گذشت.

م ﴿ ۹۱۴ ﴾ - همه‌ی محرّمات احرام عمره در احرام حج حرام است، و کفاره‌های آن نیز به همان ترتیب می‌باشد.

م ﴿ ۹۱۵ ﴾ - وقت احرام وسیع است و تا وقتی که بتواند بعد از احرام به وقوف اختیاری عرفه برسد، می‌تواند آن را تأخیر بیندازد، ولی بیش از آن وقت نمی‌تواند

احرام را عقب بیندازد.

م ﴿ ۹۱۶ ﴾ - کسی که عمره‌ی تمتع را به پایان می‌رساند و از احرام خارج می‌گردد، لازم است بدون نیاز و ضرورت از مکه خارج نشود و اگر ضرورتی برای بیرون رفتن پیشامد کند، باید به احرام حج محرم شود و از مکه بیرون رود و به همان احرام برای اعمال حج بازگردد.

م ﴿ ۹۱۷ ﴾ - اگر بدون ضرورت و بدون احرام از مکه بیرون رود ولی بازگردد و احرام بندد و حج بجا آورد، عمل وی صحیح است.

م ﴿ ۹۱۸ ﴾ - مستحب است در روز ترویبه احرام بندد.

م ﴿ ۹۱۹ ﴾ - محل احرام حج شهر مکه است؛ در هر موضعی که باشد، هر چند در محله‌های تازه‌ساز آن باشد، ولی مستحب است در مقام ابراهیم علیه السلام یا حجر اسماعیل علیه السلام احرام بندد.

م ﴿ ۹۲۰ ﴾ - اگر احرام بستن را فراموش کند و به سوی منی و عرفات بیرون رود، لازم است به مکه بازگردد و احرام بندد، و چنانچه به سبب تنگی وقت یا عذر دیگری ممکن نباشد، از همان جا که هست محرم شود.

م ﴿ ۹۲۱ ﴾ - اگر بعد از آن که همه‌ی اعمال را انجام داد به یاد آورد که احرام نبسته است، حج وی صحیح است و مستحب است در صورتی که آن را به یاد آورد، بعد از وقوف به عرفات و مشعر یا پیش از تمام شدن اعمال، حج را تمام کند.

م ﴿ ۹۲۲ ﴾ - کسی که مسأله را نمی‌داند اگر احرام نبندد، مانند کسی است که به سبب فراموشی احرام نبسته است.

م ﴿ ۹۲۳ ﴾ - اگر از روی علم و عمد احرام را ترک کند تا زمانی که وقوف به عرفه و مشعر را از دست بدهد، حج وی باطل است.

م ﴿ ۹۲۴ ﴾ - می‌توان در محله‌های تازه‌ساخت مکه که تا مسجدالحرام فاصله دارد و به نظر عرف از توابع مکه به شمار می‌رود ولی جزو مکه نیست، احرام بست؛ اما در صورتی که از محله‌های مکه به شمار نمی‌رود یا نسبت به آن شک دارد، نمی‌توان در آن احرام بست.

م ﴿ ۹۲۵ ﴾ - صاحبان عذری که می‌توانند اعمال مکه را بر دو وقوف پیش بدارند، اگر از روی ناآگاهی بدون احرام اعمال مکه را پیش از دو وقوف انجام دهد، کفایت نمی‌کند و باید پیش از دو وقوف اعمال حج را دوباره با احرام بگذارد.

م ﴿ ۹۲۶ ﴾ - در صورتی که در عرفات یا منی بفهمد در احرام حج تلبیه نگفته است، اگر می‌تواند به مکه رود و محرم شود و بقیه‌ی اعمال را که باید با احرام انجام دهد بجا آورد، باید چنین کند؛ چنانچه ممکن نیست، همان‌جا لبیک بگوید و اگر بعد از تقصیر یا حلق به یاد آورد، عمل وی صحیح است و لازم نیست لبیک بگوید.

م ﴿ ۹۲۷ ﴾ - شهر مکه را چند رشته کوه‌های طولانی و بلند فرا گرفته و هر دو جانب کوه ساختمان شده است و گاه چند کیلومتر باید از یک ناحیه‌ی کوه رفت تا به ناحیه‌ی دیگر رسید، و به حسب مسامحه‌ی عرفی به همه‌ی این قطعه‌ها و محله‌ها مکه گفته می‌شود و برای حج تمتع می‌توان از همه‌ی این محله‌ها که جزو مکه به شمار می‌رود احرام بست؛ هر چند از ساختمان‌های تازه ساخت باشد.

پسندیده‌های احرام حج

م ﴿ ۹۲۸ ﴾ - همه‌ی آنچه که در احرام عمره مستحب است، در احرام حج نیز مستحب است و پس از احرام و بیرون آمدن هنگامی که از مکه بر ابطح مشرف شد، به صدای بلند تلبیه بگوید، و به منی توجه نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ، إِيَّاكَ أَرْجُو، وَإِيَّاكَ أَدْعُو، فَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَأَصْلِحْ لِي عَمَلِي».

با دل و بدنی آرام تسیح و ذکر حق تعالی بگوید و گام بردارد و چون به منی

رسید بگوید:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَقْدَمَنِيهَا صَالِحاً فِي عَافِيَةٍ وَبَلَّغَنِي هَذَا الْمَكَانَ».

پس بگوید:

«اللَّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي، وَهِيَ مِمَّا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيْنَا مِنَ الْمَنَاسِكِ، فَأَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ

عَلَيَّ أَنْبِيَائِكَ، فَإِنَّمَا أَنْ عَبْدُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ».

م ﴿ ۹۲۹ ﴾ - پسندیده است شب عرفه را در منی باشد و آن را به اطاعت الهی

بگذارند، و بهتر است عبادت‌ها و بویژه نمازهای خود را اگر ممکن است، در مسجد

خیف بجا آورد، و چون نماز صبح را خواند تا طلوع آفتاب تعقیب بگوید و سپس به

عرفات روانه شود، و اگر بعد از طلوع صبح رود، اشکال ندارد، ولی شایسته است تا آفتاب طلوع نکرده از وادی محسر رد نشود و مکروه است پیش از صبح روانه شود و چون به عرفات متوجه گردد، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ، إِلَيْكَ صَمَدْتُ، وَإِيَّاكَ أَعْتَمَدْتُ، وَوَجْهَكَ أَرَدْتُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُبَارِكَ لِي فِي رِحْلَتِي، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ تُبَاهِي بِهِ الْيَوْمَ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنِّي».

وقوف به عرفات

- م ﴿ ۹۳۰ ﴾ - وقوف به عرفات عبادت به شمار می‌رود و از واجبات حج است که باید به قصد قربت و خالص و بدور از ریا گزارده شود.
- م ﴿ ۹۳۱ ﴾ - مراد از وقوف، بودن در عرفات است؛ خواه سواره باشد یا پیاده یا نشسته یا خوابیده یا در حال راه رفتن و به هر حال که باشد کافی است.
- م ﴿ ۹۳۲ ﴾ - اگر در تمام وقت بی‌هوش یا خواب باشد، وقوف وی باطل است.
- م ﴿ ۹۳۳ ﴾ - از بعد از ظهر روز نهم تا غروب شرعی - که وقت نماز مغرب است - لازم است در عرفات باشد و نمی‌تواند آن را تأخیر بیندازد و در وقت عصر به عرفات رود و توقف کند.
- م ﴿ ۹۳۴ ﴾ - تأخیر انداختن از اول ظهر اگر کم باشد؛ برای نمونه، به مقدار خواندن یک نماز ظهر و عصر در پی هم باشد، حرام نیست، ولی پسندیده است آن را تأخیر نیندازد.
- م ﴿ ۹۳۵ ﴾ - ماندن در همه‌ی وقت از ظهر تا مغرب لازم است، ولی همه‌ی آن رکن به شمار نمی‌رود تا حج به ترک بخشی از آن باطل شود، بلکه اگر اندکی توقف کند و

از عرفات برود یا به هنگام عصر توقف کند، حج او صحیح است؛ اگرچه توقف نکردن وی از روی عمد و علم باشد.

م ﴿ ۹۳۶ ﴾ - آنچه در وقوف رکن است مقداری است که به آن وقوف بگویند؛ به این معنا که گفته شود قدری در عرفات بوده است، هر چند اندک باشد؛ برای نمونه، یک دقیقه یا دو دقیقه باشد؛ پس اگر هیچ به عرفات نرود، رکن را ترک کرده است. م ﴿ ۹۳۷ ﴾ - اگر از روی عمد و علم از بعد از ظهر تا مغرب هیچ جزیی را در عرفات نباشد؛ چون رکن را ترک کرده، حج وی باطل است، و برای او وقوف در شب عید که وقوف اضطراری است کفایت نمی‌کند.

م ﴿ ۹۳۸ ﴾ - اگر به عمد پیش از غروب شرعی از عرفات کوچ کند و از حدود عرفات بیرون رود و پس از آن پشیمان شود و بازگردد و تا غروب توقف کند، چیزی بر او نیست، ولی باید یک شتر کفاره بدهد. همچنین در صورتی که بدون آن که از کار خود پشیمان شود برای حاجتی بازگردد، ولی بعد از رسیدن به عرفات با قصد قربت توقف کند، چیزی بر او نیست.

م ﴿ ۹۳۹ ﴾ - اگر در فرض پیش مراجعت ننماید، کفاره‌ی آن یک شتر است که باید آن را در راه خدا در هر جا که بخواهد قربانی کند، و مستحب است در مکه قربانی نماید، و چنانچه قدرت بر قربانی ندارد، هیجده روز روزه بگیرد، و مستحب است روزه‌های وی پی‌درپی باشد.

م ﴿ ۹۴۰ ﴾ - اگر به سبب آگاه نبودن به مسأله یا به سهو بیرون رود و آن را به یاد آورد یا بداند، باید بازگردد، و چنانچه بازنگردد، گناه‌کار است، ولی کفاره ندارد، و در صورتی که آن را به یاد نیاورد، چیزی بر او نیست.

م ﴿ ۹۴۱ ﴾ - اگر به سبب عذری؛ مانند: فراموشی و تنگی وقت، از ظهر نهم تا

غروب شرعی در عرفات نباشد و هیچ جزیی از زمان را درک نکند، کافی است مقداری از شب عید را؛ هر چند اندک باشد، در عرفات بگذارند. این زمان را وقت اضطراری عرفه می‌گویند.

م ﴿ ۹۴۲ ﴾ - اگر به واسطه‌ی عذر، روز نهم را وقوف ننماید و شب دهم را به عمد و بدون عذر در عرفات وقوف نکند، حج وی باطل می‌شود؛ اگرچه وقوف به مشعر را درک کند.

م ﴿ ۹۴۳ ﴾ - اگر به سبب فراموشی یا غفلت یا عذر دیگری وقوف به عرفات را در روز نهم - که وقت اختیاری است - و در شب دهم - که وقت اضطراری است - ترک کند؛ چنانچه وقوف اختیاری مشعر را درک کند، حج وی صحیح و بسنده است، چنانچه خواهد آمد.

م ﴿ ۹۴۴ ﴾ - حدودی که برای عرفات، مزدلفه و منی مشخص شده است؛ چون مورد اطمینان یا تصدیق اهل محل است، جهت انجام مناسک معتبر می‌باشد.

م ﴿ ۹۴۵ ﴾ - در وقت وقوف به عرفات، بالا رفتن از جبل الرحمة ناپسند است.

م ﴿ ۹۴۶ ﴾ - کسی که وقوف اختیاری عرفات را درک کرده و قبل از رفتن به مشعر، بی‌هوش شده است؛ اگر به همین حال تا آخر اعمال باقی باشد، با فرض این که عذر او تنها بی‌هوشی است، پس از به هوش آمدن در صورتی که ممکن است، اعمال حج را تمام کند و عمره‌ی مفرده بجا آورد و چنانچه حج بر عهده‌ی او قرار گرفته و یا استطاعت وی تا سال بعد باقی مانده است، حج را دوباره بگذارد.

م ﴿ ۹۴۷ ﴾ - زنی که برای نمونه، عادت وی شش روز به طول می‌کشد و در حال عادت برای عمره‌ی تمتع محرم می‌شود، و در روز هشتم ذی‌حجه که روز ششم عادت اوست پاک می‌گردد و غسل می‌کند و اعمال عمره‌ی تمتع را انجام می‌دهد و

برای حج تمتع محرم می‌شود، ولی ظهر روز نهم در عرفه لک می‌بیند و نمی‌داند که آیا تا پس از ده روز ادامه دارد تا استحاضه به شمار رود و اعمال قبلی او صحیح باشد یا قبل از تمام شدن ده روز عادت قطع می‌شود تا حکم حیض را داشته باشد، لازم است اعمال را بدون قصد تمتع و افراد، بلکه به قصد آنچه بر عهده‌ی وی است با انجام قربانی در منی، عمره‌ی مفرده را انجام دهد و چنانچه به صورت کامل پاک شده است، عمره‌ی او صحیح است و دیدن لک بعد از آن ضرری به آن نمی‌رساند و روزهایی که پاک می‌شود و بین دو خونی که می‌بیند قرار می‌گیرد، حکم حیض را ندارد، و منظور از ده روز مجموع دو خون است؛ نه با ضمیمه کردن پاکی واقع در میان دو خون و پس از گذشت ده روز از ابتدای حیض وظیفه‌ی وی به دست می‌آید که اگر از ده روز نگذرد و خون قطع شود حج وی به افراد تبدیل شده و لازم است عمره‌ی مفرده بجا آورد و چنانچه از ده روز بگذرد به دست می‌آید که استحاضه بوده است و حج تمتع او صحیح است و اگر در مشعر برای وی چنین چیزی رخ دهد، همین حکم را یکسان دارد.

م ﴿ ۹۴۸ ﴾ - در فرض مسأله‌ی پیش، اگر در عرفات یا مشعر لک ببیند و همان وقت یقین نماید که خون حیض است و پیش از آن پاک نبوده است؛ هر چند وقت دو وقوف اختیاری و یا اضطراری آن باقی است ولی وقت برگشتن به مکه و انجام اعمال عمره‌ی تمتع را ندارد، لازم است حج تمتع خود را به افراد تبدیل نماید.

م ﴿ ۹۴۹ ﴾ - وقوف اضطراری عرفه در شب عید و تا طلوع فجر است و درک پاره‌ای از آن کفایت می‌کند.

پسندیده‌های وقوف به عرفات

م ﴿ ۹۵۰ ﴾ - در وقوف به عرفات مستحب است:

۱- با طهارت باشد.

۲- غسل نماید و بهتر است آن را نزدیک ظهر انجام دهد.

۳- آنچه سبب پر اکندگی حواس وی می‌گردد از خود دور نماید تا قلب او متوجه حضرت حق شود.

۴- با توجه به فردی که از مکه می‌آید، وقوف وی در طرف دست چپ کوه قرار گیرد.

۵- در پایین کوه و در زمین هموار وقوف نماید، و بالا رفتن از کوه ناپسند است.

۶- در اول وقت، نماز ظهر و عصر را به یک اذان و دو اقامه بجا آورد.

۷- قلب خود را به حضرت حق، جل و علا، متوجه سازد و حمد الهی و تهلیل و تمجید نماید و ثنای حضرت حق را بگزارد و پس از آن صد مرتبه «الله اکبر» و صد مرتبه سوره‌ی «توحید» بخواند و آنچه می‌خواهد دعا نماید و از شیطان رجیم به خدا پناه ببرد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ، رَبِّ الْمَشَاعِرِ كُلِّهَا، فَكَّرَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسَعَ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَاذْرُءْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ لَا تَمَكِّرْ بِي، وَلَا تَخْدَعْ عَنِّي، وَلَا تَسْتَدْرِجْنِي، يَا أَسْمَعَ السَّمَاعِينَ، وَيَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا».

و به جای کذا و کذا حاجت‌ها و نیازهای خود را نام ببرد و سپس دست به

آسمان بردارد و بگوید:

«اللَّهُمَّ، حَاجَتِي إِلَيْكَ، الَّتِي إِنْ أَعْطَيْتَنِيهَا لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي، وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي، أَسْأَلُكَ خَلَاصَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، اللَّهُمَّ، إِنِّي عَبْدُكَ، وَمَلِكُ نَاصِيَتِي بِسَيْدِكَ، وَأَجَلِي بِعِلْمِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُوقِّفَنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، وَأَنْ تُسَلِّمَ مِنِّي مَنْاسِكِي الَّتِي أَرَيْتَهَا خَلِيلَكَ إِبْرَاهِيمَ، صَلَوَاتَ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَدَلَّلْتَ عَلَيْهَا نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلُهُ، وَأَطْلَتْ عُمُرُهُ، وَأَخْيَبَتْهُ بَعْدَ الْمَوْتِ».

م ﴿ ۹۵۱ ﴾ - پسندیده است در وقوف به عرفات این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ، كَالَّذِي تَقُولُ وَخَيْرًا مِمَّا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ، اللَّهُمَّ لَكَ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي، وَلَكَ تُرَاثِي وَبِكَ حَوْلِي، وَمِنْكَ قُوَّتِي، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمِنَ وَسَاوِسِ الصُّدُورِ، وَمِنَ شَتَاتِ الْأَمْرِ، وَمِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الرِّيَاحِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا يَجِيءُ بِهِ الرِّيَاحُ، وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ اللَّيْلِ وَخَيْرَ النَّهَارِ، اللَّهُمَّ، اجْعَلْ فِي قَلْبِي نُورًا، وَفِي سَمْعِي وَبَصَرِي نُورًا، وَفِي لَحْمِي وَدَمِي وَعِظَامِي وَعُرُوقِي وَمَشْعَدِي وَمَقَامِي وَمَذْخَلِي وَمَخْرَجِي نُورًا، وَأَعْظِمْ لِي نُورًا يَا رَبِّ يَوْمَ أَلْقَاكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

م ﴿ ۹۵۲ ﴾ - شایسته است کعبه را استقبال نماید و هر یک از این اذکار را صد مرتبه

بگوید:

«سُبْحَانَ اللَّهِ»، «اللَّهُ أَكْبَرُ»، «مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ وَيُخَيِّبُ وَيُخَيِّبُ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

آنگاه از سوره‌ی بقره ده آیه بخواند و سپس سه مرتبه سوره‌ی توحید بخواند و آیه‌ی الکرسی را تا آخر تلاوت نماید و آنگاه این آیات را بخواند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ، ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ، يُعْشِي الْيَلَّ النَّهَارَ، يَطْلُبُهُ حَثِيثًا، وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ، أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ - أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً، إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ، وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِضْلَاحِهَا، وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا، إِنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ».

سپس سوره‌ی: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ» و سوره‌ی: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ» را بخواند. پس آنچه از نعمت‌های الهی به یاد داشته باشد یک به یک ذکر نماید و حمد الهی بگذارد. همچنین بر خانواده، مال و دیگر چیزهایی که حضرت حق به او تفضل نموده است حمد بنماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعْمَتِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى بِعَدَدٍ وَلَا تُكَافَأُ بِعَمَلٍ».

م ﴿ ۹۵۳ ﴾ - پسندیده است به آیاتی از قرآن کریم که در آن حمد خداوند متعال ذکر شده است خدا را حمد نماید و به آیاتی که در آن ذکر تسمیح شده است، خداوند را تسمیح نماید و به آیاتی که در آن ذکر تکبیر شده است، خداوند متعال را تکبیر نماید و به آیاتی که در آن تهلیل یاد شده است، خداوند را تهلیل نماید و بر محمد و آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بسیار صلوات فرستد و به هر اسمی از اسمای الهی که در

قرآن موجود است خدا را بخواند و به آنچه از اسمای الهی که در یاد دارد خدا را ذکر کند، و به اسمای الهی که در آخر سوره‌ی حشر است خدا را بخواند:

«اللَّهُ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ، السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ، الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ، الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ».

آنگاه این دعا را بخواند:

«أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، وَأَسْأَلُكَ بِقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَعِزَّتِكَ، وَبِجَمِيعِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَبِجَمْعِكَ وَيَأْرُكَ كَانِكَ كُلِّهَا، وَبِحَقِّ رَسُولِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِاسْمِكَ الْأَكْبَرِ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُخَيِّبَهُ، وَبِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الَّذِي مَنْ دَعَاكَ بِهِ كَانَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ لَا تُرَدَّهُ وَأَنْ تُعْطِيَهُ مَا سَأَلَ، أَنْ تَغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي فِي جَمِيعِ عِلْمِكَ فِيَّ».

و هر حاجت و نیازی که دارد بخواهد و از حق سبحانه و تعالی توفیق گزاردن حج در سال آینده و هر سال را بطلبد و هر یک از دو ذکر زیر را هفتاد مرتبه بگوید:

«أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ» و «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ».

سپس این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ، فُكِّنِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ الطَّيِّبِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فَسَقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، وَشَرَّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ».

م ﴿ ۹۵۴ ﴾ - شایسته است نزدیک غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ، وَمَنْ تَشْتَتِ الْأُمُورَ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْدَثُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، أُمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَأُمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَأُمْسَى ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَأُمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَأُمْسَى وَجْهِ الْفَانِي الْبَالِي، مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الْبَاقِي، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَيَا أَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ، جَلِّلْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَأَلْبَسْنِي عَافِيَتِكَ، وَاصْرِفْ

عَنِّي شَرَّ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

م ﴿ ۹۵۵ ﴾ - دعاهايی که خواندن آن در این روز شریف سفارش شده بسیار است و هر اندازه که بتواند خواندن آن مناسب است، و بسیار خوب است که در این روز دعای حضرت سید الشهدا علیه السلام و دعای حضرت زین العابدین علیه السلام را که در صحیفه‌ی کامله است بخواند و بعد از غروب آفتاب بگوید:

«اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ هَذَا الْمَوْقِفِ، وَارْزُقْنِيهِ مِنْ قَابِلِ أَيْدِي مَا أَبْتَيْتَنِي، وَأَقْلِبْنِي الْيَوْمَ مُفْلِحاً مُنْجِجاً مُسْتَجَاباً لِي مَرْحُوماً مَغْفُوراً لِي بِأَفْضَلِ مَا يَنْقَلِبُ بِهِ الْيَوْمَ أَحَدٌ مِنْ وَفْدِكَ وَحُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَاجْعَلْنِي الْيَوْمَ مِنْ أَكْرَمِ وَفْدِكَ عَلَيْكَ، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ مَا أُعْطِيتَ أَحَدًا مِنْهُمْ مِنَ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَبَارِكْ لِي فِي مَا أَرْجِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَهْلِ أَوْ مَالٍ أَوْ قَلِيلٍ أَوْ كَثِيرٍ، وَبَارِكْ لَهُمْ فِيَّ»،

و بسیار بگوید:

«اللَّهُمَّ، أَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ».

وقوف به مشعرالحرام

م ﴿ ۹۵۶ ﴾ - بعد از آن که وقوف به عرفات در مغرب شب دهم را به پایان رساند لازم است به مشعرالحرام برود و شب دهم را تا طلوع صبح در مشعرالحرام به نیت اطاعت از خداوند بگذراند.

م ﴿ ۹۵۷ ﴾ - پس از طلوع صبح تا طلوع آفتاب باید نیت وقوف به مشعرالحرام نماید. وقوف در مشعر عبادت است و باید با نیت خالص و دور از ریا و خودنمایی انجام گیرد، و چنانچه حج را با عمد و علم به ریا آلوده نماید، باطل می‌گردد.

م ﴿ ۹۵۸ ﴾ - مستحب است پیش از طلوع آفتاب از وادی «محسر» نگذرد و اگر از آن عبور نماید، گناهکار است، ولی کفاره‌ای بر او نیست و باید هنگامی حرکت کند که قبل از طلوع آفتاب وارد وادی محسر نشود.

م ﴿ ۹۵۹ ﴾ - لازم است از طلوع صبح تا کمی پیش از طلوع آفتاب (به طوری که در مسأله‌ی پیش گفته شد) در مشعر بماند، ولی همه‌ی آن رکن نیست، بلکه رکن، وقوف کمی در بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب است؛ اگرچه اندک باشد، پس اگر وقوف در همه‌ی این زمان را ترک کند، به تفصیلی که خواهد آمد، حج او باطل

است.

م ﴿ ۹۶۰ ﴾ - برای کسانی که عذری دارند؛ مانند: زن‌ها، بچه‌ها، بیماران، پیرمردان، اشخاص ضعیف و اشخاصی که برای پرستاری یا راهنمایی لازم است همراه افراد یاد شده باشند، بعد از آن که پاره‌ای از شب را در مشعر توقف کردند، به منی روند، و باید پیش از نصف شب حرکت نکنند. برای این اشخاص وقوف در بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب لازم نیست؛ هر چند مستحب است.

م ﴿ ۹۶۱ ﴾ - کسی که شب یا بخشی از آن را در مشعر بوده است اگر پیش از طلوع صبح به عمد و بدون عذر از مشعر بیرون رود و تا طلوع آفتاب بازنگردد، در صورتی که وقوف عرفه را از دست ندهد، حج وی صحیح است، و باید یک گوسفند کفاره بدهد.

م ﴿ ۹۶۲ ﴾ - کسی که وقوف بین طلوع صبح تا طلوع آفتاب یا وقوف شب را درک نکند در صورتی که عذر داشته باشد، اگر مقداری از طلوع آفتاب تا ظهر در مشعر توقف کند؛ هر چند کم باشد، حج وی صحیح است.

م ﴿ ۹۶۳ ﴾ - از آنچه گذشت به دست می‌آید که وقوف به مشعر سه وقت دارد: نخست - شب عید برای کسانی که عذری دارند؛

دوم - بین طلوع صبح و طلوع آفتاب که وقوف عادی آن است؛

سوم - از طلوع آفتاب تا ظهر روز دهم که اضطراری مشعر است، همچنان که قسم اول نیز اضطراری است.

م ﴿ ۹۶۴ ﴾ - با توجه به این که وقوف به عرفات و مشعر دارای دو بخش وقوف اختیاری و اضطراری است و وقوف به مشعر نیز خود دارای دو قسم اضطراری می‌باشد، به اعتبار ادراک هر دو موقف یا یکی از آنها در وقت اختیاری یا اضطراری

و به ملاحظه‌ی ترک عمدی یا از سر ناآگاهی یا فراموشی اقسام بسیاری می‌یابد که در این مقام آنچه بیش‌تر مورد ابتلا واقع می‌گردد ذکر می‌شود:

یکم - اگر هر دو موقف را در وقت اختیاری درک کند؛ یعنی از ظهر روز عرفه در عرفات و بین طلوع صبح و آفتاب روز دهم در مشعر باشد، حج او صحیح است.
دوم - در صورتی که هیچ یک از دو موقف را درک نکند؛ نه اختیاری و نه اضطراری آن را، حج او باطل است و باید با همان احرام، عمره‌ی مفرده بگزارد و طواف و نماز آن و سعی و تقصیر و طواف نسا و نماز آن را بجا آورد و از احرام بیرون آید، و اگر گوسفند همراه داشته باشد، ذبح کند، و چنانچه شرایط استطاعت را دارا باشد، در صورتی که درک نکردن موقف به سبب عذری باشد، لازم است سال دیگر حج انجام دهد و اگر درک نکردن دو موقف از روی کوتاهی باشد، حج بر عهده‌ی وی قرار می‌گیرد و در هر صورت؛ چه شرایط فراهم باشد یا نباشد، باید سال دیگر به حج برود.

م ﴿ ۹۶۵ ﴾ - مستحب است کسی که حج وی باطل شده است و باید عمره بجا آورد، نیت عدول به عمره‌ی مفرده نماید.

سوم - اگر وقت اختیاری عرفه را با وقوف اضطراری مشعر در روز درک کند؛ چنانچه وقوف اختیاری مشعر را به عمد ترک کرده باشد، حج او باطل است، و در غیر این صورت، صحیح است.

چهارم - چنانچه وقوف اختیاری مشعر را با اضطراری عرفه درک کند و اختیاری عرفه را به عمد ترک نموده باشد، حج او باطل است و در غیر این صورت صحیح است.

پنجم - اگر وقوف اختیاری عرفه را با اضطراری شب مشعر و پیش از طلوع صبح

درک نماید؛ چنانچه اختیاری مشعر را با عذر ترک کرده باشد، حج وی صحیح است، و در غیر این مورد باطل است.

ششم - در صورتی که وقوف اضطراری شب مشعر و اضطراری عرفه را درک کند و اختیاری عرفه را به عمد ترک نکرده باشد، حج او صحیح است، و چنانچه عذر نداشته باشد و اختیاری عرفه را به عمد ترک کرده باشد، حج وی باطل است، ولی در ترک وقوف اختیاری مشعر، حج وی باطل نمی‌گردد و باید یک گوسفند کفاره بپردازد و اگر به غیر عمد و از روی کوتاهی باشد، حج وی باطل است و در صورتی که وقوف اختیاری مشعر به این صورت ترک نماید که شب در مزدلفه پیش نماید و از روی جهل به مسأله از فجر از آنجا کوچ کند و تا ظهر روز عید نتواند به مشعر بازگردد، حج او صحیح است و باید یک گوسفند کفاره دهد.

هفتم - اگر وقوف اضطراری عرفه و اضطراری مشعر را در روز درک کند؛ چنانچه یکی از دو وقوف اختیاری را به عمد ترک کرده باشد، حج او باطل و در غیر این صورت، صحیح است.

هشتم - چنانچه تنها وقوف اختیاری عرفه را ترک کند؛ در صورتی که اختیاری مشعر را به عمد ترک کرده باشد، حج او باطل است و در غیر این صورت، حج او به عمره‌ی مفرده تبدیل می‌شود.

نهم - تنها وقوف اضطراری عرفه را درک نماید، و در این صورت حج او باطل است.

دهم - چنانچه اختیاری مشعر را درک نماید و وقوف در عرفه را به عمد ترک کند، حج او صحیح است، و در غیر این صورت، باطل است.

یازدهم - تنها وقوف اضطراری روز مشعر را درک کند، در این صورت، حج او

باطل است.

دوازدهم - چنانچه تنها وقوف اضطراری شب مشعر را درک کند، در این صورت، اگر وقوف عرفات را به عمد ترک نکرده باشد و از صاحبان عذر باشد، حج او صحیح است و در غیر این صورت، باطل است.

م ﴿ ۹۶۶ ﴾ - اگر در شب دهم ذی حجه عازم مشعر شود و از افرادی که آنجا بودند محل مشعر را بپرسد و به گفته‌ی آنان اطمینان نماید و نیت بیتوته و قصد وقوف کند و بعد از گذشتن وقت اضطراری مشعر بداند مشعر نبوده است، حج وی صحیح است و احتیاط لازم ندارد.

م ﴿ ۹۶۷ ﴾ - اگر به گفته‌ی دیگری که می‌گوید درک وقوف اختیاری مشعر برای او مشکل است و نمی‌تواند آن را درک نماید اعتماد کند و وقوف اختیاری را ترک کند؛ چنانچه به مسأله آگاه نباشد و به اعتبار گفته‌ی او گمان کند که می‌توان وقوف اختیاری مشعر را ترک کرد، کفایت می‌کند.

م ﴿ ۹۶۸ ﴾ - خدمه‌ای که بازن‌ها قبل از طلوع فجر به منی می‌روند ولی خود را قبل از طلوع آفتاب به مشعر می‌رسانند و وقوف رکنی مشعر را درک می‌کنند، اگر از صاحبان عذر نباشند، نیابت و حج نیابی آنان صحیح است؛ هرچند مرتکب حرام شده‌اند.

م ﴿ ۹۶۹ ﴾ - کسی که نمی‌دانسته وقوف اختیاری مشعر بین طلوع صبح و آفتاب است و پس از آن وقوف اضطراری را درک کرده است، اگر در دانستن مسأله کوتاهی نکرده باشد و وقوف اختیاری را از روی عذر ترک نماید، اشکال ندارد.

م ﴿ ۹۷۰ ﴾ - کسی که وقوف عرفات و بخشی از وقوف شب مشعر را درک کرده و به عمد، پیش از طلوع فجر برای کار دیگری به منی رفته، و قصد داشته است که

دوباره به مشعر برگردد، ولی در منی به خواب رفته، با فرض این که ترک اختیاری مشعر عمدی نبوده، درک وقوف اضطراری کافی است، ولی اگر شب نیت وقوف نداشته است، باید اضطراری روز را درک کند و چنانچه نایب است و عذر یاد شده قابل پیش‌بینی نبوده، نیابت وی صحیح است.

پسندیده‌های وقوف به مشعرالحرام

م ﴿ ۹۷۱ ﴾ - مستحب است با آرامش تمام از عرفات به سوی مشعرالحرام متوجه شود و استغفار نماید، و همین که از طرف دست راست به تپه‌ی سرخ رسید، بگوید:

«اللَّهُمَّ ارْحَمْ تَوْقُفِي، وَزِدْهُ فِي عَمَلِي، وَسَلِّمْ لِي دِينِي، وَتَقَبَّلْ مَنَاسِكِي».

م ﴿ ۹۷۲ ﴾ - شایسته است در راه رفتن میانه‌روی نماید و کسی را آزار ندهد، و نماز شام را تا مزدلفه به تأخیر اندازد؛ هر چند یک سوم شب نیز بگذرد، و میان هر دو نماز به یک اذان و دو اقامه جمع کند، و نوافل مغرب را بعد از نماز عشا بجا آورد و در صورتی که پیش از نصف شب نتوانست خود را به مزدلفه برساند، باید نماز مغرب و عشا را به تأخیر نیندازد، و آن را در میان راه بخواند.

م ﴿ ۹۷۳ ﴾ - مستحب است در وسط وادی از طرف راست راه توقف نماید، و اگر نخستین حج خود را انجام می‌دهد، در مشعرالحرام قدم بگذارد و آن شب را به هر مقدار که می‌تواند عبادت نماید و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ، هَذِهِ جُمُعٌ، اللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْمَعَ لِي فِيهَا جَوَامِعَ الْخَيْرِ، اللَّهُمَّ، لَا تَوَيْسِنِي

مِنَ الْخَيْرِ الَّذِي سَأَلْتُكَ أَنْ تَجْمَعَهُ لِي فِي قَلْبِي، وَأَطْلُبُ إِلَيْكَ أَنْ تُعَرِّفَنِي مَا عَرَّفْتَ أَوْلِيَاءَكَ فِي مَنْزِلِي هَذَا، وَأَنْ تَقِينِي جَوَامِعَ الشَّرِّ».

پسندیده است بعد از نماز صبح با طهارت حمد و ثنای الهی بجا آورد، و به هر اندازه که می تواند، نعمت ها و بخشش های حضرت حق را یاد نماید و بر محمد و آل محمد صلوات فرستد، آنگاه این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ، رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ، فَكُ رَقِيبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَوْسَعْ عَلَيَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ، وَادْرَأْ عَنِّي شَرَّ فِسْقَةِ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، اللَّهُمَّ، أَنْتَ خَيْرُ مَطْلُوبٍ إِلَيْهِ، وَخَيْرُ مَدْعُوٍّ، وَخَيْرُ مَسْئُولٍ، وَلِكُلِّ وَافِدٍ جَائِزَةٌ، فَاجْعَلْ جَائِزَتِي فِي مَوْطِنِي هَذَا أَنْ تُقِيلَنِي عَشْرَتِي، وَتَقْبَلَ مَعْذِرَتِي، وَأَنْ تُجَاوِزَ عَنِّي خَطِيئَتِي ثُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى مِنَ الدُّنْيَا زَادِي».

م ﴿ ۹۷۴ ﴾ - شایسته است سنگریزه هایی را که در منی رمی می نماید از مزدلفه بردارد و مجموع آن به هفتاد ریگ می رسد.

شایسته است وقتی که از مزدلفه به سوی منی رفت و به وادی محسر رسید، به مقدار صد قدم تند رود و اگر سواره است وسیله نقلیه خود را کمی جابه جا نماید و بگوید:

«اللَّهُمَّ، سَلِّمْ لِي عَهْدِي، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَأَجِبْ دَعْوَتِي، وَاخْلُفْنِي فِي مَنْ تَرَكْتُ بَعْدِي».

اعمال منی

م ﴿ ۹۷۵ ﴾ - در منی لازم است اعمال زیر را به ترتیب انجام دهد: رمی جمره ی عقبه، ذبح و تقصیر.

۱- رمی جمره ی عقبه

م ﴿ ۹۷۶ ﴾ - اولین کاری که در منی لازم است ریگ انداختن به جمره است. ریگی که انداخته می شود باید نه آن قدر کوچک باشد که ریگ به آن گفته نشود؛ مانند شن، و نه خیلی بزرگ باشد. همچنین رمی به غیر ریگ؛ مانند: کلوخ، خزف و دیگر جواهرات جایز نیست، و اما رمی از انواع سنگ ها؛ حتی سنگ مرمر اشکال ندارد.

م ﴿ ۹۷۷ ﴾ - لازم است ریگ ها را از حرم انتخاب نماید، و سنگ خارج از حرم کافی نیست، و در حرم از هر جایی که مباح باشد می تواند آن را بردارد، مگر از مسجد الحرام و مسجد خیف و دیگر مساجد و پسندیده است آن را از مشعر بگیرد.

م ﴿ ۹۷۸ ﴾ - ریگ ها و سنگ هایی که برمی دارد باید بکر باشند؛ یعنی آن ها را کسی دیگر به گونه ی صحیح به جمره نینداخته باشد؛ اگرچه در سال های پیش باشد.

م ﴿ ۹۷۹ ﴾ - ریگ‌ها باید مباح باشد؛ پس با سنگ غصبی یا آنچه که دیگری برای خود برداشته است نمی‌توان رمی کرد.

م ﴿ ۹۸۰ ﴾ - وقت رمی از طلوع آفتاب روز عید تا غروب همان روز است و اگر فراموش کرد تا روز سیزدهم می‌تواند آن را بجا آورد، و چنانچه تا آن وقت به یاد نیاورد، در سال دیگر، خود یا نایب وی جمره را رمی نماید.

م ﴿ ۹۸۱ ﴾ - به هنگام انداختن سنگ‌ها واجب است:

یکم - با قصد خالص و بدون ریا و نشان دادن عمل خود به دیگری نیت کند و اگر ریا نماید، عبادت وی باطل می‌گردد.

دوم - ریگ‌ها را باید انداخت و پرتاب نمود؛ پس اگر نزدیک برود و ریگ‌ها را با دست به جمره بگذارد، کافی نیست.

سوم - ریگ‌ها را به انداختن به جمره برساند؛ پس اگر سنگ را انداخت و سنگ دیگری به آن برخورد نماید و به سبب آن به جمره برسد، کافی نیست، ولی اگر سنگ به جایی برخورد و کمانه کند و به جمره برسد، بسنده است.

چهارم - شماره‌ی سنگ‌ریزه‌هایی که به جمره می‌زند هفت عدد باشد.

پنجم - باید ریگ‌ها را به تدریج و یکی یکی و پی‌درپی بیندازد و در این صورت، اگر با هم به جمره برخورد، اشکال ندارد، ولی چنانچه همه را یا چند عدد را با هم بیندازد، کافی نیست؛ اگرچه با هم به جمره نرسد؛ بلکه پی‌درپی و یکی بعد از دیگری برسد.

م ﴿ ۹۸۲ ﴾ - اگر شک کند که سنگ را دیگری استفاده کرده است یا نه، می‌تواند آن را به شمار آورد و از آن استفاده کند.

م ﴿ ۹۸۳ ﴾ - اگر شک کند سنگی را که در حرم است از بیرون آن آورده شده است یا خیر، به آن اعتنا نکند.

م ﴿ ۹۸۴ ﴾ - اگر شک کند به سنگی که می‌خواهد بیندازد ریگ گفته می‌شود یا نه، باید به آن بسنده نکند و ریگ دیگری را برگزیند.

م ﴿ ۹۸۵ ﴾ - اگر در شماره‌ی انداختن به هنگامی که مشغول انداختن است شک کند، باید چندان بیندازد تا علم به شماره‌ی آن بیابد. همچنین اگر شک کند که سنگی که انداخت به جمره برخورد نمود یا نه، باید سنگ دیگری بیندازد تا علم به رسیدن و برخورد آن بیابد.

م ﴿ ۹۸۶ ﴾ - اگر سنگی را بیندازد و به جمره نرسد، باید سنگ دیگری بیندازد تا علم به رسیدن و برخورد آن بیابد.

م ﴿ ۹۸۷ ﴾ - اگر سنگی را بیندازد و به جمره نرسد، باید سنگ دیگری بیندازد؛ اگرچه در وقت رمی گمان وی آن باشد که به جمره رسیده است؛ پس اگر پهلوی جمره چیزهای دیگری نصب شده و به اشتباه به آن رمی کند، کافی نیست، و باید دوباره آن را انجام دهد؛ اگرچه در سال دیگر و به وسیله‌ی گرفتن نایب باشد.

م ﴿ ۹۸۸ ﴾ - اگر چند سنگ را با هم بیندازد، یکی به شمار می‌آید؛ خواه تنها یکی از آن‌ها به جمره برخورد نماید یا همه‌ی آن.

م ﴿ ۹۸۹ ﴾ - در حال سواره یا پیاده می‌توان رمی نمود.

م ﴿ ۹۹۰ ﴾ - باید سنگ را با دست بیندازد؛ پس اگر با پا یا دهان، یا با «فلاخن» پرتاب نماید، کافی نیست.

م ﴿ ۹۹۱ ﴾ - اگر بعد از آن که سنگ را انداخت و از محل منصرف شد، در شماره‌ی

سنگریزه‌ها شک کند؛ چنانچه شک در کمبود آن کند، باید بازگردد و کمبود آن را تمام کند، و در صورتی که شک به زیاده دارد، به آن اعتنا نکند.

م ﴿ ۹۹۲ ﴾ - اگر بعد از ذبح یا سر تراشیدن در انداختن سنگ یا شماره‌ی آن شک کند، به آن توجه ننماید.

م ﴿ ۹۹۳ ﴾ - اگر بعد از پایان رمی شک کند که آن را درست انداخته است یا نه، بنا بر درستی آن بگذارد، مگر آن که در رسیدن آخرین سنگ به جمره شک کند که در این صورت باید آن را اعاده کند، ولی چنانچه بداند به جمره رسیده است و احتمال دهد که با پا انداخته باشد یا سنگ استفاده شده به کار برده باشد، اعتنا نکند.

م ﴿ ۹۹۴ ﴾ - به رسیدن سنگ و شماره‌ی آن باید اطمینان حاصل نماید و گمان به آن اعتبار ندارد.

م ﴿ ۹۹۵ ﴾ - در انداختن سنگ‌ها طهارت از حدث یا خبث شرط نیست و در خود سنگ‌ها نیز طهارت شرط نمی‌باشد.

م ﴿ ۹۹۶ ﴾ - برای بچه‌ها، بیماران و کسانی که خود نمی‌توانند به سبب عذری؛ مانند: بی‌هوشی، اقدام به رمی کنند، نایب گرفته می‌شود.

م ﴿ ۹۹۷ ﴾ - مستحب است اگر بتوانند مریض را حمل کنند و نزد جمره ببرند و در حضور او سنگ بیندازند.

م ﴿ ۹۹۸ ﴾ - اگر بیمار بی‌هوش به هوش آید، بعد از آن که نایب، سنگ‌ها را انداخت، لازم است خود آن را اعاده کند، و چنانچه در بین سنگ انداختن بهبودی یافت یا به هوش آمد، باید خود از ابتدا سنگ بیندازد، و به مقداری که نایب عمل کرده است کفایت ننماید.

م ﴿ ۹۹۹ ﴾ - صاحبان عذر که نمی‌توانند در روز رمی کنند، می‌توانند هر وقت شب که باشد رمی نمایند.

مستحبات رمی جمرات

م ﴿ ۱۰۰۰ ﴾ - در رمی جمرات مستحب است:

- ۱- در حال رمی طهارت داشته باشد.
- ۲- هنگامی که ریگ‌ها را در دست گرفته و آماده‌ی رمی است این دعا را بخواند:
«اللَّهُمَّ هَذِهِ حَصِيَاتِي، فَأَخْصِنِي لِي، وَارْفَعْنِي فِي عَمَلِي».
- ۳- با هر سنگی که می‌اندازد تکبیر بگوید.
- ۴- هر سنگی که پرتاب می‌نماید این دعا را بخواند:
«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ إِذْ حَرَّ عَنِّي الشَّيْطَانُ، اللَّهُمَّ تَصَدِّيقاً بِكِتَابِكَ، وَعَلَى سُنَّةِ نَبِيِّكَ، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لِي حَجًّا مَبْرُورًا، وَعَمَلًا مَقْبُولًا، وَسَعْيًا مَشْكُورًا، وَذَنْبًا مَغْفُورًا».
- ۵- میان وی و جمره‌ی عقبه نزدیک به پنج تا هفت متر فاصله باشد و در جمره‌ی اولی و وسطی کنار جمره بایستد.
- ۶- جمره‌ی عقبه را رو به جمره و پشت به قبله رمی نماید و جمره‌ی اولی و وسطی را رو به قبله و در حال ایستاده رمی نماید.
- ۷- سنگریزه را بر انگشت ابهام گذارد و با ناخن انگشت شهادت بیندازد.
- ۸- پس از برگشتن به جای خود در منی این دعا را بخواند:
«اللَّهُمَّ بِكَ وَثِقْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، فَنِعْمَ الْمَوْلَى، وَنِعْمَ النَّصِير».

۲- ذبح

م ﴿ ۱۰۰۱ ﴾ - کسی که حج تمتع بجا می‌آورد لازم است یک شتر یا گاو یا گوسفند قربانی نماید، و بهتر است شتر نحر نماید و پس از آن گاو بهتر است. به چنین حیوانی «هدی» گفته می‌شود.

م ﴿ ۱۰۰۲ ﴾ - چند نفر نمی‌توانند به شراکت یک قربانی داشته باشند؛ هر چند در حال ضرورت باشد و باید به جای آن روزه بگیرد.

م ﴿ ۱۰۰۳ ﴾ - غیر از سه حیوان یاد شده، ذبح دیگر حیوانات کافی نیست.

م ﴿ ۱۰۰۴ ﴾ - در قربانی شرط است که:

نخست - اگر شتر قربانی می‌نماید، سن آن کم‌تر از پنج سال نباشد و در سال ششم داخل شده باشد، و اگر گاو است، کم‌تر از دو سال نباشد و در سال سوم داخل شده باشد. همچنین سن «بز» کم‌تر از سن گاو نباشد، و میش کم‌تر از یک سال نداشته باشد و داخل در سال دوم شده باشد.

دوم - سالم باشد؛ پس حیوان مریض حتی به مانند گری کافی نیست.

سوم - خیلی پیر نباشد.

چهارم - دارای همه‌ی اجزاء باشد، و حیوان ناقص کافی نیست. پس اگر کوری یا لنگی آن آشکار باشد، کافی نیست، و اگر آشکار نباشد یا اندک باشد، اشکال ندارد، و لازم است چشم آن سفید نشده باشد و باید گوش یا دم بریده نباشد و شاخ داخل آن شکسته یا بریده نشده باشد.

پنجم - لاغر نباشد، و اگر برگرده‌ی او پیه باشد، اشکال ندارد، ولی خوب است

در عرف آن را لاغر ندانند.

ششم - «خصی» نباشد.

هفتم - بیضه‌ی آن را نکوبیده باشند.

هشتم - در اصل خلقت بی‌دم نباشد، و اگر در خلقت اصلی گوش یا شاخ نداشته باشد، کافی نیست.

نهم - در اصل خلقت بدون بیضه نباشد.

م ﴿ ۱۰۰۵ ﴾ - اگر غیر از خصی یافت نشود، ذبح خصی کفایت می‌کند.

م ﴿ ۱۰۰۶ ﴾ - گاومیش در ذبح واجب کافی است، ولی کراهت دارد.

م ﴿ ۱۰۰۷ ﴾ - اگر شاخ خارجی حیوان شکسته یا بریده باشد، اشکال ندارد، و شاخ خارج، شاخ سخت و سیاهی است که برای شاخ داخل که سفید است به منزله‌ی غلاف می‌باشد.

م ﴿ ۱۰۰۸ ﴾ - شکاف داشتن گوش و سوراخ بودن آن اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۰۰۹ ﴾ - بعد از رمی جمره‌ی عقبه لازم است ذبح کند.

م ﴿ ۱۰۱۰ ﴾ - کم‌ترین چیزی است که برای ذبح کافی است یک گوسفند می‌باشد، ولی هر چه بیش‌تر ذبح کند بهتر است و در روایت است که رسول خدا ﷺ صد شتر همراه آوردند، سی و چهار نفر آن را برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نحر کردند و شصت و شش نفر آن را برای خود.

م ﴿ ۱۰۱۱ ﴾ - اگر قربانی یافت نشود، قیمت آن را پیش شخص امینی بگذارد که در بقیه ذی‌حجه حیوانی بگیرد و در منی ذبح کند، و چنانچه در این سال ممکن نشود، سال بعد این کار را بکند.

م ﴿ ۱۰۱۲ ﴾ - اگر هدی ناقص یافت شود، آن را ذبح کند و همان کافی است.

م ﴿ ۱۰۱۳ ﴾ - خوب است ذبح هدی را از روز عید تأخیر نیندازد، ولی تأخیر آن تا

روز سیزدهم جایز است.

م ﴿ ۱۰۱۴ ﴾ - اگر به سبب عذری مانند فراموشی در روز عید ذبح نکرد، واجب است در «ایام تشریق» ذبح کند، و چنانچه به علم و عمد آن را ترک نماید و طواف بجا آورد، طواف وی باطل است و اعاده‌ی آن بعد از تدارک ذبح واجب می‌باشد و در صورتی که به غیر عمد یا معذور باشد، باید روزه بگیرد.

م ﴿ ۱۰۱۵ ﴾ - اگر حیوانی را به گمان آن که صحیح و سالم است ذبح نماید و سپس آشکار شود که مریض یا ناقص بوده است کفایت می‌کند.

م ﴿ ۱۰۱۶ ﴾ - اگر حیوانی را به گمان چاقی ذبح کند و بعد آشکار شود که لاغر است کافی است.

م ﴿ ۱۰۱۷ ﴾ - اگر حیوانی را به گمان لاغری خرید و به امید آن که چاق درآید برای اطاعت خدا ذبح کرد و بعد معلوم شد چاق است کافی می‌باشد.

م ﴿ ۱۰۱۸ ﴾ - اگر احتمال نمی‌داد که حیوان چاق است یا احتمال می‌داد ولی از روی بی‌مبالاتی آن را ذبح کرد و امید موافقت امر خداوند را داشت، و بعد آشکار شد که حیوان چاق است، کفایت می‌کند.

م ﴿ ۱۰۱۹ ﴾ - اگر به لاغری حیوان اعتقاد داشت و به سبب ناآگاهی از مسأله برای اطاعت خداوند آن را ذبح کرد و بعد آشکار شود که چاق است، بسنده می‌باشد.

م ﴿ ۱۰۲۰ ﴾ - اگر به ناقص بودن آن اطمینان داشت و به واسطه‌ی آگاه نبودن به مسأله، آن را برای اطاعت خداوند ذبح کرد و بعد معلوم شد که صحیح است، کافی می‌باشد.

م ﴿ ۱۰۲۱ ﴾ - تقسیم قربانی به سه بخش واجب نیست و فروش یا بخشیدن سهم فقیر قبل از قربانی و بدون قبض آن باطل است؛ بنابراین، عمل برخی که به ادعای فقر یا وکالت از فقیر سهم فقیر را از قربانی به خود حاجی می‌فروشند یا هبه

می‌کنند، صحیح نیست.

م ﴿ ۱۰۲۲ ﴾ - مستحب است قربانی را سه قسمت کند، یک بخش را هدیه و بخش دیگری را صدقه دهد و پاره‌ای را خود مصرف نماید. صدقه را باید به مؤمنان بدهد، و در صورتی که آن را به فقیران کافر برساند یا آن که همه‌ی ذبیحه را به آن‌ها صدقه دهد، اشکال ندارد و ضامن سهم فقیران نیست، ولی خوردن بخشی از قربانی مطلوب است.

م ﴿ ۱۰۲۳ ﴾ - می‌توان برای انجام ذبح نایب گرفت تا او ذبح را به نیابت انجام دهد و در این صورت نیت را نایب و خود شخص داشته باشند.

م ﴿ ۱۰۲۴ ﴾ - لازم است کسی که حیوان را ذبح می‌کند مؤمن باشد و همین شرط در ذبح حیواناتی که برای کفاره می‌پردازد معتبر است.

م ﴿ ۱۰۲۵ ﴾ - در صورتی که قربانی به دست غیر مؤمنی انجام گیرد، کفایت نمی‌کند و باید دوباره قربانی نماید؛ هر چند در وقت قربانی متوجه نشود که وی مؤمن نیست یا حکم مسأله را نداند.

م ﴿ ۱۰۲۶ ﴾ - ذبح عبادت است و در آن نیت خالص و قصد اطاعت خداوند لازم است و چنانچه با ریا آلوده گردد، باطل می‌باشد.

م ﴿ ۱۰۲۷ ﴾ - اگر احتمال نقص یا بیماری در گوسفند می‌دهد، باید آن را معاینه کند، و فرقی میان عیب‌ها و بیماری‌ها نیست، ولی اگر از گفته‌ی فروشنده اطمینان نماید، کافی است؛ اگرچه خلاف باشد.

م ﴿ ۱۰۲۸ ﴾ - اگر بعد از ذبح کردن ناقص بودن یا نداشتن دیگر شرایط را احتمال دهد، به آن اعتنا نکند.

م ﴿ ۱۰۲۹ ﴾ - اگر به دیگری برای خریداری حیوان و ذبح نیابت دهد و نایب

حیوانی را قربانی نماید و بعد از آن شخص محرم احتمال دهد که نایب به شرایط عمل نکرده است، به احتمال خود اعتنا نکند و ذبح کافی است.

م ﴿ ۱۰۳۰ ﴾ - اگر دیگری را نایب برای خریداری و ذبح نایب کند، باید علم یا اطمینان بیابد که وی به آن عمل کرده است، و گمان کفایت نمی‌کند.

م ﴿ ۱۰۳۱ ﴾ - اگر نایب به عمد برخلاف حکم شرع در شرایط قربانی یا درکشتن آن عمل نماید، ضامن است و باید غرامت آن را بدهد، و باید دو مرتبه ذبح کند.

م ﴿ ۱۰۳۲ ﴾ - اگر نایب از روی اشتباه یا ناآگاهی برخلاف حکم عمل کند؛ چنانچه برای عمل مزد گرفته ضامن است، و در غیر این صورت ضامن نیست، و در هر حال ذبح باید دوباره انجام گیرد.

جایگزین قربانی

م ﴿ ۱۰۳۳ ﴾ - اگر نتواند حیوانی را ذبح نماید، باید سه روز در حج و هفت روز پس از بازگشت از حج روزه بگیرد.

م ﴿ ۱۰۳۴ ﴾ - مراد از این که نتواند ذبح را انجام دهد، آن است که نه هدی را داشته باشد و نه هزینه آن را.

م ﴿ ۱۰۳۵ ﴾ - اگر می‌تواند بدون زحمت و مشقت قرض کند و در برابر قرض چیزی ادا کند که آن را دارد، باید قرض کند و ذبح نماید.

م ﴿ ۱۰۳۶ ﴾ - اگر می‌تواند بدون مشقت چیزی که بیش از هزینه سفر است بفروشد، باید آن را بفروشد و هدی بخرد، ولی لباس خود را؛ هرچه باشد، لازم نیست بفروشد.

م ﴿ ۱۰۳۷ ﴾ - لازم نیست کسب کند و پول هدی را تهیه کند، ولی اگر کسب نمود و هزینه آن را تهیه کرد، باید ذبح نماید.

م ﴿ ۱۰۳۸ ﴾ - هر چند لازم نیست لباس را بفروشد ولی اگر لباس‌های زاید را فروخت، باید ذبح کند و همان کافی است.

م ﴿ ۱۰۳۹ ﴾ - پس از شروع به اعمال عمره‌ی تمتع، سه روز اول را می‌تواند از اول ماه ذی‌حجه بگیرد.

م ﴿ ۱۰۴۰ ﴾ - باید این سه روز پی‌درپی و به دنبال هم باشد.

م ﴿ ۱۰۴۱ ﴾ - اگر روز هفتم نتوانست روزه بگیرد، روز هشتم و نهم، و یک روز دیگر را بعد از مراجعت از منی روزه بگیرد یا بعد از ایام تشریق که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم است چنین نماید.

م ﴿ ۱۰۴۲ ﴾ - سه روز روزه‌ی یاد شده را نمی‌توان در ایام تشریق در منی گرفت، بلکه در ایام تشریق در منی، گرفتن روزه برای همه‌ی افراد؛ خواه محرم باشند یا غیر محرم و خواه حج بجا بیاورد یا نه، حرام است.

م ﴿ ۱۰۴۳ ﴾ - کسی که روز هفتم را روزه نگرفته و روزهای هشتم و نهم را روزه گرفته، مستحب است بعد از بازگشت از منی سه روز روزه بگیرد که اول آن، روز سیزدهم است و باید آن را پی‌درپی و پشت سر هم بگیرد، و قصد وی آن باشد که سه روز از پنج روز برای ادای روزه واجب باشد.

م ﴿ ۱۰۴۴ ﴾ - اگر روز هشتم را روزه نگرفت، باید روز نهم را هم نگیرد و بعد از بازگشت از منی سه روز پی‌درپی روزه بگیرد.

م ﴿ ۱۰۴۵ ﴾ - اگر روزه را از روز هشتم به تأخیر انداخت، تا آخر ذی‌حجه هر وقت که بخواهد می‌تواند این سه روز را روزه بگیرد؛ اگرچه لازم است بعد از ایام تشریق هر چه زودتر روزه را بجا آورد.

م ﴿ ۱۰۴۶ ﴾ - سه روز یاد شده را حتی در سفر می‌توان روزه گرفت و لازم نیست در

مکه قصد اقامت کند، بلکه اگر برای ماندن سه روز در مکه وقت ندارد، می‌تواند روزه را میان راه بجا آورد.

م ﴿ ۱۰۴۷ ﴾ - اگر سه روز روزه را بگیرد و بعد از آن بر انجام هدی توانمند شود، لازم نیست ذبح کند، ولی چنانچه پیش از تمام شدن سه روز توانمند شود، باید ذبح کند.
 م ﴿ ۱۰۴۸ ﴾ - اگر روزه‌ی یاد شده را نگذارد تا ماه ذی‌حجه تمام شود، باید خود یا نایب وی هدی را در منی ذبح کند، و روزه کافی نیست.

م ﴿ ۱۰۴۹ ﴾ - باید این روزه را بعد از احرام عمره بجا آورد و قبل از آن جایز نیست.
 م ﴿ ۱۰۵۰ ﴾ - هفت روز دیگر را باید بعد از بازگشت از سفر حج روزه گرفت.
 م ﴿ ۱۰۵۱ ﴾ - لازم است هفت روز روزه پی‌درپی باشد.
 م ﴿ ۱۰۵۲ ﴾ - هفت روز را نمی‌توان در مکه یا در راه روزه گرفت، مگر آن که بنای اقامت در مکه داشته باشد، در این صورت، اگر مدتی بگذرد که در آن مدت می‌توانست به وطن خود مراجعت کند، می‌توان آن روزه را بجا آورد. همچنین است اگر یک ماه بماند.

م ﴿ ۱۰۵۳ ﴾ - کسی که در مکه اقامت کرده است می‌تواند به همان مقدار صبر کند و روزه بگیرد، ولی بین سه روز و هفت روز جمع نکند.

م ﴿ ۱۰۵۴ ﴾ - اگر در غیر مکه اقامت کند؛ خواه در راه باشد یا در غیر وطن خود، نمی‌تواند هفت روز روزه را در آنجا بگیرد؛ اگرچه به مقداری صبر کند که در صورتی که راه می‌پیمود به وطن می‌رسید.

م ﴿ ۱۰۵۵ ﴾ - ابتدای یک ماهی که اگر در مکه بماند جایز است روزه بگیرد و همین‌طور ابتدای شماره‌ی موقع رسیدن به وطن را باید از وقتی که بنای مجاورت یا اقامت به مکه می‌نماید حساب کند.

- م ﴿ ۱۰۵۶ ﴾ - اگر از روزه گرفتن توانمند شود و قبل از آن که روزه بگیرد بمیرد، واجب است هر سه روز و هفت روز را از طرف وی قضا نمایند.
- م ﴿ ۱۰۵۷ ﴾ - لازم نیست بعد از برگشتن به شهر خود در همان جا روزه بگیرد، پس اگر در جای دیگری قصد اقامت کند، می تواند روزه را بجا آورد.
- م ﴿ ۱۰۵۸ ﴾ - اگر در مکه قدرت گرفتن سه روز روزه را ندارد و به محل خود بازگردد، در صورتی که ماه ذی حجه باقی است، می تواند در محل خود روزه بگیرد، ولی آن را با هفت روز روزه فاصله دهد و چنانچه آن ماه گذشته باشد، باید هدی ذبح کند؛ هر چند به وسیله‌ی شخص امینی باشد.
- م ﴿ ۱۰۵۹ ﴾ - چنانچه در منی، مسلخ فعلی اندکی در وادی مسخر ساخته شده باشد؛ در صورت امکان؛ هر چند تا آخر ذی حجه، باید در منی قربانی کند، ولی قربانی در مسلخ جدید بسنده است.
- م ﴿ ۱۰۶۰ ﴾ - کسی که اجیر در حج است می تواند شخص سومی را برای قربانی وکیل کند و وکیل یاد شده نیت قربانی حجی که موکل وی از طرف موکل خود انجام می دهد را می نماید.
- م ﴿ ۱۰۶۱ ﴾ - تأخیر ذبح از روز عید به عمد جایز نیست، ولی اگر به عمد یا از روی ناآگاهی یا فراموشی، ذبح را در شب انجام دهد، کفایت می کند.
- م ﴿ ۱۰۶۲ ﴾ - کسی که وکیل دیگری است تا برای وی قربانی کند، می تواند پیش از این که حلق یا تقصیر کند، قربانی دیگری را ذبح نماید.
- م ﴿ ۱۰۶۳ ﴾ - حاجیان می توانند هزینه‌ی خرید قربانی را روی هم گذارند و با پول مشترک برای همه‌ی آنان تعدادی گوسفند بخرند و در وقت ذبح هر گوسفند را برای یک نفر قصد کنند و قربانی نمایند، و در صورت تفاوت گوسفندان در قیمت، با این

که همه به یک اندازه پول داده‌اند؛ چنانچه صاحبان پول راضی باشند، اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۰۶۴ ﴾ - کسی که گوسفند خود را به غیر مؤمن داده و او ذبح نموده است و بعد حلق و دیگر اعمال را انجام داده و بعد متوجه شده است، باید ذبح را دوباره انجام دهد، و حلق و دیگر اعمال بعد از آن صحیح است.

م ﴿ ۱۰۶۵ ﴾ - کسی که حیوان را به غیر مؤمن داده تا او ذبح نماید و بعد متوجه شده در عین توجه به عمد بدون تجدید قربانی، حلق کرده و اعمال مترتب بر حلق را انجام داده، با فرض صحت اعمال که بعد از قربانی گزارده، از احرام بیرون آمده است و فقط قربانی بر عهده‌ی اوست و اعمال وی صحیح می‌باشد.

م ﴿ ۱۰۶۶ ﴾ - در همه‌ی شرایط قربانی اگر اطمینان یابد، کافی است؛ هر چند از گفته‌ی فروشنده باشد، و تحقیق لازم نیست.

م ﴿ ۱۰۶۷ ﴾ - اگر حاکم حکم کند که پولی را از دزد بگیرند و به او بدهند؛ چنانچه می‌داند که آن پول برای اوست، می‌تواند با آن گوسفند قربانی بخرد.

م ﴿ ۱۰۶۸ ﴾ - بدون گرفتن وکالت در ذبح، نمی‌توان از طرف دیگری قربانی نمود؛ حتی اگر گمان نماید اذن ضمنی از او دارد و مطمئن است که وقتی به وی بگوید من در قربانگاه برای تو قربانی کرده‌ام، او راضی است و خوشحال می‌شود؛ مگر این که او را وکیل کرده باشد.

م ﴿ ۱۰۶۹ ﴾ - بدون این که در قربانی نیابت داشته باشد نمی‌تواند برای دیگران قربانی کند، و در صورتی که قربانی نماید، کفایت نمی‌کند، و هزینه‌ی قربانی بر عهده‌ی کسی است که آن را هزینه نموده است، مگر آن که کسی او را فریب داده باشد.

م ﴿ ۱۰۷۰ ﴾ - قراری که در قربانگاه، حاجیان و صاحب گوسفند با هم می‌گذارند که هر چند رأس گوسفندی که می‌خواهد هر یکی به فلان مبلغ و نام می‌برد، حاجی هم قبول می‌کند و یکی یکی را به نیت افرادی که وکالت دارد ذبح می‌نماید و سپس با صاحب گوسفند حساب می‌کند، در قربانی اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۰۷۱ ﴾ - چنانچه در قربانگاه ده نفر حاجی با صاحب گوسفند قرار بگذارند که ده گوسفند را از قرار یکی برای نمونه صد ریال سعودی بخرد، و در این میان، چند نفر دیگر بدون قرار جدید با صاحب گوسفند، به تعداد خود بر گوسفندها می‌افزایند و آن را قربانی می‌کنند و بنا دارند که بعد از قربانی طبق قرارداد دیگر افراد، به صاحب گوسفند پول بدهند، اگر یقین به رضایت صاحب گوسفند داشته باشند، اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۰۷۲ ﴾ - چنانچه غیر مؤمنی مشغول ذبح قربانی باشد و شخصی که برای او قربانی انجام می‌گیرد دست خود را روی دست ذبح کننده بگذارد و در بردن و آوردن چاقو فشار وارد آورد؛ به گونه‌ای که بریدن سر گوسفند به هر دو نسبت داده شود، ولی خود آن را ذبح ننماید، صحیح نیست.

م ﴿ ۱۰۷۳ ﴾ - چنانچه نایی که برای چند نفر نیابت می‌کند شک کند که برای یکی از آنان قربانی نموده است یا نه، باید برای وی قربانی کند.

م ﴿ ۱۰۷۴ ﴾ - ذبح با کاردهای استیل و با هر فلز برنده‌ای صحیح است؛ هر چند آهن نباشد.

م ﴿ ۱۰۷۵ ﴾ - اگر بیمار نتواند در حج تمتع قربانی کند و به دیگری نیابت دهد و نایب و وکیل فراموش کند و در مدینه یا در ایران به یاد آورد که قربانی نکرده است، حج او اشکال ندارد، ولی قربانی بر عهده‌ی وی باقی است و باید در سال آینده در

منی آن را انجام دهد، و چنانچه در ماه ذی حجه فهمید، باید در صورت امکان، در همان ماه قربانی کند.

م ﴿ ۱۰۷۶ ﴾ - اگر برای خود و به نیابت افرادی دیگر، چند گوسفند خریداری و قربانی کند و سپس یقین نماید بهای یک گوسفند را نداده است، با ناامید شدن از شناسایی صاحب آن، لازم است از طرف او با هر پولی که می تواند به همان اندازه به فقیر صدقه دهد.

م ﴿ ۱۰۷۷ ﴾ - شخصی که به اعتقاد این که گوشت گوسفند تلف می شود قربانی نمی کند و همین گونه تقصیر کرده و دیگر اعمال حج را انجام داده است؛ چنانچه به حکم مسأله ناآگاه بوده و گمان می کرده که عملش صحیح است، هر چند از احرام خارج شده، قربانی بر عهدهی اوست.

م ﴿ ۱۰۷۸ ﴾ - اگر کسی مؤمن بودن ذبح کننده را پیش از ذبح احراز نماید و بعد معلوم شود مؤمن نبوده است، قربانی وی کفایت نمی کند.

م ﴿ ۱۰۷۹ ﴾ - از درآمدی که خمس آن داده نشده است قربانی کفایت نمی کند.

م ﴿ ۱۰۸۰ ﴾ - در صورت یافت نشدن گوسفند سالم می توان گوسفندی را که تخم های آن را کوبیده اند ذبح نمود.

م ﴿ ۱۰۸۱ ﴾ - شخصی که به اعتماد نایب خود که باید به جای وی رمی نماید، ذبح کرده و حلق نموده، بعد معلوم می شود که نایب از جانب او رمی ننموده، ذبح و حلق او صحیح است و کفایت می کند.

م ﴿ ۱۰۸۲ ﴾ - شخصی که کسی را در قربانی نایب خود کرده، و پس از آن به دیگری نیابت داده، ولی شخص نخست ابتدا حیوان را ذبح نموده است، اگر اولی را از وکالت عزل نکرده باشد، کافی است؛ چرا که مجرد نیابت دادن به دومی، عزل اولی

از نیابت نیست.

م ﴿ ۱۰۸۳ ﴾ - شخصی که با آگاه نبودن به لزوم مؤمن بودن ذابح، قربانی خود را به دیگری واگذار کرده است که ذبح نماید و بعد از ذبح مسأله را می‌داند، اگر مؤمن بودن ذبح کننده معلوم نباشد، باید دوباره قربانی کند.

م ﴿ ۱۰۸۴ ﴾ - وکیل در صورتی که وکالت به وی داده شده که خود قربانی کند، نمی‌تواند به دیگری وکالت بدهد.

م ﴿ ۱۰۸۵ ﴾ - اگر ذبح قربانی توسط غیر مؤمن صورت بگیرد، لازم نیست تکرار آن در ایام تشریق باشد، بلکه چنانچه در بقیه‌ی ذی‌حجه تا آخر آن هم قربانی شود، کافی است؛ اگرچه تأخیر آن از ایام تشریق جایز نیست.

م ﴿ ۱۰۸۶ ﴾ - محرمی که لباس احرام وی بر اثر ذبح نجس شده است در صورت امکان نمی‌تواند به مقداری که برای دیگران ذبح می‌کند در لباس احرام نجس باشد و باید لباس خود را تطهیر کند و اگر چنین نکند، ضرری به احرام یا ذبح نمی‌رساند.

م ﴿ ۱۰۸۷ ﴾ - اگر قربانی را از روز عید بدون عذر تأخیر اندازد، قربانی او صحیح است، ولی باید ترتیب بین قربانی، حلق و اعمال مکه مراعات شود.

م ﴿ ۱۰۸۸ ﴾ - بعد از بریدن چهار رگ اگر گردن قربانی را در حالی که هنوز زنده است قطع نماید، کار حرامی انجام داده، ولی قربانی، حلال و کافی است، و اگر ذبح در منی تا آخر ذی‌حجه ممکن شود، باید حلق و تقصیر را تا بعد از قربانی تأخیر بیندازد؛ هر چند ده روز طول بکشد.

م ﴿ ۱۰۸۹ ﴾ - حکم گوسفندی که تخم‌های آن را کوبیده‌اند با گوسفندی که تخم‌هایش را تابیده‌اند یکی است و برای هدی کفایت نمی‌کند.

م ﴿ ۱۰۹۰ ﴾ - حیوانی را که برای هدی ذبح می‌کنند، اگرچه رگ آن را ببرند و آن را

رها نمایند و حیوان به خودی خود پشت به قبله شود، و یا بعد از قطع رگ‌های چهارگانه، قبل از جان دادن، حیوان را روی بقیه‌ی اجساد حیوانات ذبح شده پرت نمایند و حیوان در اثر این کار، از قبله منحرف شود و در آن حال جان دهد، چون رو به قبله بودن در حال بریدن رگ‌های چهارگانه کافی است، برای قربانی بسنده است. م ﴿ ۱۰۹۱ ﴾ - اگر پس از ذبح قربانی و انجام باقی مناسک و یا قبل از آن متوجه شود که سن هدی کم‌تر از حد نصاب است، باید دوباره قربانی نماید.

م ﴿ ۱۰۹۲ ﴾ - اگر بداند که لباس احرام او در روز عید در مسلخ به خون آلوده می‌شود و به جهت این که باید برای اعمال حجاج طهارت داشته باشد، مدتی لباس احرامی او خون آلود است، با علم به نجس شدن و طولانی بودن آن؛ چنانچه معذور از تبدیل یا تطهیر است، اشکال ندارد؛ همچنین نیابت وی در این صورت اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۰۹۳ ﴾ - در برخی از محلّه‌های تازه‌ساخت مکه که در منی ایجاد شده است می‌توان قربانی نمود و چنانچه شک دارد از منی است یا خیر، نباید اعتنا کند و قربانی وی صحیح است.

م ﴿ ۱۰۹۴ ﴾ - چنانچه شک کند که در سال یا سال‌های گذشته ذبح کننده‌ی قربانی وی مؤمن بوده است یا نه، اگر در حال عمل، مسأله را می‌دانسته و ملتفت بوده و شک بعد از عمل است، به آن اعتنا نکند.

م ﴿ ۱۰۹۵ ﴾ - بعضی از مدیران کاروان‌ها یا اشخاص نیکوکار دیگر که برای قربانی از اشخاص پول می‌گیرند و گاه خود چگونگی سر بریدن را نمی‌دانند و قربانی را برای ذبح به غیر مؤمن می‌دهند، قربانی یاد شده کفایت نمی‌کند، و فردی که پول را از کسی که برای وی نایب شده گرفته، ضامن است.

پسنیده‌های هدی

م ﴿ ۱۰۹۶ ﴾ - مستحبات هدی عبارت است از:

- ۱- در صورت توانمندی، قربانی را شتر یا گاو و در نهایت گوسفند برگزیند.
- ۲- قربانی فربه و چاق باشد.
- ۳- در صورت شتر یا گاو بودن آن، از جنس ماده و در صورت گوسفند یا بز بودن، از جنس نر باشد.
- ۴- در حالی که شتر ایستاده است آن را نحر کند و از سر دست‌ها تا زانوی او را ببندد و شخص از جانب راست او بایستد، و کارد یا نیزه یا خنجر به گودال گردن او فرو برد، و در وقت ذبح یا نحر این دعا را بخواند:
 «وَجْهَتْ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا، وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ،
 إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ، وَأَنَا
 مِنَ الْمُسْلِمِينَ، اللَّهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللَّهِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي».
- ۵- خود، قربانی را ذبح کند و اگر نمی‌تواند دست خود را بالای دست نایب بگذارد.

۳- تقصیر

م ﴿ ۱۰۹۷ ﴾ - محرم بعد از ذبح کردن، باید یا موی سر خود را بتراشد و یا از ناخن یا موی خود قدری بچیند. البته زن‌ها باید از مو یا ناخن خود قدری برگیرند، و سر تراشیدن برای آن‌ها کافی نیست و کسی که سال اول حج اوست یا موی سر خود را به عسل یا «صمغ» و مانند آن چسبانیده است، باید سر بتراشد یا اگر وی موی خود را جمع کرده و گره زده و در هم پیچیده و بافته است، تنها باید سر بتراشد.

م ﴿ ۱۰۹۸ ﴾ - ختنای مشکل باید تقصیر کند و نمی تواند موی سر خود را بتراند، مگر آن که جزو یکی از سه گروه یاد شده در مسأله‌ی اخیر باشد که در این صورت باید موی سر خود را بتراند.

م ﴿ ۱۰۹۹ ﴾ - کسی که موی سر خود می تراشد باید همه‌ی آن را بتراند.
 م ﴿ ۱۱۰۰ ﴾ - در تقصیر همین که مقدار کمی از موی سر یا ریش یا سبیل را بچپند و یا از ناخن خود بگیرد کافی است و بهتر است مقداری هم از مو و هم از ناخن را بگیرد.

م ﴿ ۱۱۰۱ ﴾ - تراشیدن سر و تقصیر چون از عبادات است باید با نیت خالص و دور از ریا و برای اطاعت خداوند بجا آورده شود و اگر در آن ریا نماید، صحیح نیست، و محرمات احرام بر وی حلال نمی شود.

م ﴿ ۱۱۰۲ ﴾ - می تواند خود، سر خود را بتراند یا آن را بر عهده‌ی سلمانی گزارد؛ البته باید خود نیت کند، و بهتر است که سلمانی هم نیت نماید.

م ﴿ ۱۱۰۳ ﴾ - کسی که سر تراشیدن بر وی متعین است؛ مانند کسی که اولین حج خود را می گزارد و اشخاصی که در مسأله‌ی اول ذکر شد، اگر سر آنان مو ندارد، باید تیغ را بر سر خود بکشند، و همین اندازه از تراشیدن سر کفایت می کند.

م ﴿ ۱۱۰۴ ﴾ - کسانی که میان تراشیدن سر و گرفتن موی ریش یا سبیل و گرفتن ناخن اختیار دارند اگر سرشان مو ندارد، باید تقصیر کنند، و چنانچه هیچ مو، حتی موی ابرو ندارند، باید ناخن بگیرند، و اگر آن را هم ندارند، تیغ را به سر کشند و همین اندازه کافی است.

م ﴿ ۱۱۰۵ ﴾ - تراشیدن ریش از تقصیر کفایت نمی کند.

م ﴿ ۱۱۰۶ ﴾ - تقصیر موی زیر بغل یا عانه کافی نیست.

م ﴿ ۱۱۰۷ ﴾ - محل تراشیدن سر و تقصیر نمودن منی است، و در غیر آن محل به اختیار جایز نیست.

م ﴿ ۱۱۰۸ ﴾ - شایسته است در روز عید تقصیر نماید؛ اگرچه تأخیر آن تا آخر ایام تشریق جایز است.

م ﴿ ۱۱۰۹ ﴾ - اگر در منی سر نتراشید و تقصیر نکرد و از آن جا کوچ کرد، باید بازگردد و آن را انجام دهد، و در این حکم بین کسی که به عمد آن را ترک کرده یا به سبب فراموشی و سهو یا ندانستن مسأله بوده است، فرقی نیست.

م ﴿ ۱۱۱۰ ﴾ - اگر نتواند به منی برگردد، در هر جا که هست، موی سر خود را بتراند یا تقصیر کند، و موی خود را در صورت امکان به منی بفرستد، و مستحب است که مورا در منی در محل خیمه‌ی خود دفن کند.

م ﴿ ۱۱۱۱ ﴾ - پیش از تقصیر یا تراشیدن سر، طواف یا سعی حج را نمی‌توان انجام داد.

م ﴿ ۱۱۱۲ ﴾ - اگر پیش از تراشیدن سر یا تقصیر از روی سهو یا ناآگاهی، طواف و سعی کند، باید بازگردد و موی سر را بتراند یا تقصیر کند، و پس از آن طواف و نماز آن و سعی را بجا آورد، و چنانچه نمی‌تواند به منی بازگردد، در هر جایی که هست، سر بتراند و تقصیر کند و طواف، نماز و سعی را اعاده کند.

م ﴿ ۱۱۱۳ ﴾ - اگر از روی علم و عمد چنین کند، باید افزوده بر اعاده‌ی طواف، نماز و سعی، یک گوسفند نیز ذبح کند.

م ﴿ ۱۱۱۴ ﴾ - اگر تنها طواف را از روی علم و عمد مقدم دارد، باید گوسفند بپردازد، و چنانچه تنها سعی را پیش داشته است، پرداخت گوسفند لازم نیست، ولی باید آن را بعد از حلق یا تقصیر و طواف و نماز آن اعاده کند.

م ﴿ ۱۱۱۵ ﴾ - اگر از روی علم یا ندانستن مسأله یا فراموشی بعد از طواف یا سعی یا هر دو، سر را بتراشد یا تقصیر کند، باید طواف و سعی را اعاده نماید تا ترتیب آن رعایت گردد و چنانچه تکلیف وی تراشیدن سر بوده است، تیغ را به سر بکشد.

م ﴿ ۱۱۱۶ ﴾ - در منی باید نخست رمی جمره نماید و بعد از آن ذبح کند و سپس تقصیر یا حلق را بجا آورد.

م ﴿ ۱۱۱۷ ﴾ - اگر ترتیب اعمال عمره را رعایت ننماید؛ چنانچه از روی غفلت و سهو یا ناآگاهی از مسأله باشد، اعاده لازم نیست و در صورتی که از روی علم و عمد باشد، معصیت است، ولی باز اعاده لازم ندارد.

م ﴿ ۱۱۱۸ ﴾ - محرم بعد از آن که به حسب وظیفه سر تراشید، یا تقصیر نمود، همه‌ی چیزهایی که به سبب احرام حج بر او حرام شده بود، بروی حلال می‌شود، مگر زدن و بوی خوش، و اما شکار از دو جهت بر محرم حرام است: یکی آن که در حرم صید جایز نیست؛ نه برای محرم و نه برای غیر محرم، و این حرمت همچنان باقی است و دیگر آن که بر خصوص محرم نیز صید جایز نیست؛ خواه در حرم باشد یا در غیر حرم. حال به سبب حلق یا تقصیر تنها جهت دوم حرمت برداشته می‌شود و بنابراین، صید در خارج حرم برای وی جایز است.

م ﴿ ۱۱۱۹ ﴾ - اگر انجام قربانی به دلیلی از روز عید تأخیر افتاد، نمی‌تواند حلق کند و از احرام خارج شود و بعد قربانی کند، بلکه ترتیب بین قربانی، حلق و اعمال مترتب بر آن را باید رعایت کند.

م ﴿ ۱۱۲۰ ﴾ - تأخیر حلق تا آخر ایام تشریق اشکال ندارد؛ هر چند به عمد باشد. انجام حلق در شب صحیح است و کفایت می‌کند.

م ﴿ ۱۱۲۱ ﴾ - اگر برای قربانی به دیگری وکالت دهد، تا وکیل او قربانی نکرده است

نمی‌تواند حلق کند، ولی چنانچه با اعتقاد به این که وکیل او برای وی قربانی کرده است حلق نمود و بعد معلوم شد که وکیل او هنوز قربانی نکرده، حلق یاد شده کافی است و در صورتی که بعد از حلق اعمال مکه را انجام داده باشد، کفایت می‌کند و لازم نیست آن را اعاده کند.

م ﴿ ۱۱۲۲ ﴾ - کسی که برای سال اول حج می‌گزارد و وظیفه‌ی وی سر تراشیدن است نمی‌تواند به سبب زیادی مو، اول سر را ماشین کند و بعد آن را بتراشد؛ هر چند بی‌درنگ آن را بتراشد و در صورت علم و عمد، کفاره دارد.

م ﴿ ۱۱۲۳ ﴾ - کسی که بخواهد دیگری را حلق نماید، نمی‌تواند قبل از این که خود حلق یا تقصیر نمود، سر دیگری را بتراشد، ولی می‌تواند ناخن دیگری را برای تقصیر بگیرد، و ازاله‌ی موی دیگری نیز پیش از خارج شدن از احرام؛ حتی برای تقصیر جایز نیست.

م ﴿ ۱۱۲۴ ﴾ - کسی که سفر اول حج اوست و در وقتی که سلمانی سر او را برای حلق می‌تراشد، ناخن‌های خود را می‌گیرد و غافل است که نباید این کار را بکند، چیزی بر او نیست و کفاره ندارد.

م ﴿ ۱۱۲۵ ﴾ - کسی که در غیر منی حلق نموده و اعمال مترتب را انجام داده و پس از آن، عمره‌ی مفرده را انجام داده است، اگر به سبب ناآگاهی از مسأله و غفلت و یا فراموشی چنین کند، اشکال ندارد و عمره‌ی او صحیح است، ولی در صورتی که می‌تواند به منی برگردد و حلق کند و کار وی عمدی بوده، لازم است به منی برگردد و حلق نماید.

م ﴿ ۱۱۲۶ ﴾ - کسانی که بعد از حلق و تقصیر به مکه آمده‌اند و اعمال مکه؛ مانند: طواف، سعی و طواف نسا را انجام داده‌اند و بعد متوجه شده‌اند که حلق و تقصیر

آنان در منی نبوده، اعمال مکه‌ی آنان صحیح است و باید حلق و تقصیر را اعاده نمایند.

م ﴿ ۱۱۲۷ ﴾ - کسی که سال قبل به حج مشرف شده و حلق را در خارج منی انجام داده و امسال نیز حلق را در خارج منی گزارده و اعمال مکه را انجام داده، همه‌ی اعمال وی صحیح است و چیزی بر او نیست.

م ﴿ ۱۱۲۸ ﴾ - اگر به جای حلق، تقصیر نماید؛ چنانچه به مسأله آگاه نبوده است، کفاره ندارد و باید حلق را انجام دهد و چنانچه اعمال مکه را بجا آورده است، اعاده نماید.

م ﴿ ۱۱۲۹ ﴾ - کسی که سال دوم حج اوست و سال قبل برای خود حج نموده و حلق کرده است و امسال به نیابت دیگری حج بجا می‌آورد، در سفر دوم حکم کسی که اولین حج را می‌گزارد (صروره) ندارد و اگر تقصیر نماید، کافی است.

م ﴿ ۱۱۳۰ ﴾ - شخصی که نایب شخص دیگری شده و برای اولین بار به مکه آمده و در مرز بین وادی محسر و منی به اعتقاد این که جزو منی است، حلق نموده و سال بعد باز برای خود به عنوان حجة الاسلام، به مکه رفته، و در منی به گمان این که حلق قبلی و اعمال حج گذشته‌ی او صحیح بوده تقصیر نموده است، و سال بعد باز به مکه رفته و به عنوان آنچه بر عهده‌ی اوست محرم گردیده و در این بین متوجه شده که حلق سال اول در خارج منی بوده است و از این جهت کافی نیست و در این سال، حلق و دیگر اعمال را در منی به قصد آنچه بر عهده‌ی اوست انجام می‌دهد، عمل وی کفایت می‌کند و حج از طرف کسی که برای او نایب شده است، واقع می‌شود و اعاده‌ی حجة الاسلام لازم نیست.

م ﴿ ۱۱۳۱ ﴾ - تا حلق تمام نشده است کوتاه کردن موی سر جایز نیست، و اگر تمام

سر را تراشیده، از حلق بسنده است.

م ﴿ ۱۱۳۲ ﴾ - کسی که غیر از دو وقوف اضطراری را نمی‌تواند درک کند و برای دیگر اعمال خود نایب می‌گیرد، باید در منی حلق کند، و حلق در غیر منی کافی نیست، مگر آن که نتواند به منی برود.

م ﴿ ۱۱۳۳ ﴾ - شخصی که در سروی شکستگی وجود دارد و ممکن است که حلق روز عید باعث پاره شدن پوست آن گردد، چنانچه امید بهبودی دارد، در حدی که بتواند حلق را تا آخر ایام تشریق تمام نماید می‌تواند حلق و اعمال مترتب بر آن را تأخیر بیندازد، و اگر امید ندارد یا پس از تأخیر بهبودی کامل نشد، تقصیر کند.

م ﴿ ۱۱۳۴ ﴾ - بچه‌ی ممیزی که تمام اعمال حج را به طور صحیح انجام داده است، از سروره بودن (اولین حجی که می‌گزارد) خارج می‌شود.

م ﴿ ۱۱۳۵ ﴾ - هر فردی می‌تواند خود را حلق کند، و می‌تواند به کسی که از احرام به حلق یا تقصیر خارج شده است واگذار کند که او را حلق نماید، و در هر صورت، اگر دیگری او را حلق کند، کفایت می‌کند؛ اگرچه از حرام خارج نشده باشد.

م ﴿ ۱۱۳۶ ﴾ - کسی که در حج، تراشیدن سر بر عهده‌ی اوست و از اول می‌داند که با تیغ کشیدن، سرش خون می‌آید، می‌تواند به تقصیر بسنده نماید.

م ﴿ ۱۱۳۷ ﴾ - کسی که سال اول حج اوست و باید سر خود را بتراشد، در این مسأله مانند دیگر مسایل، اگر مجتهد اعلم و صاحب شرایط را نمی‌شناسد یا احتمال نمی‌دهد و آن را احراز نکرده است، می‌تواند به هر مجتهد عادل و صاحب شرایطی رجوع نماید.

م ﴿ ۱۱۳۸ ﴾ - کسی که حلق را فراموش کرده و به ایران بازگشته است، باید حلق و اعمال مکه که مترتب بر حلق است را انجام دهد، و اگر خود نمی‌تواند به مکه رود،

در وطن خود حلق کند و موی خود را به منی بفرستد، و برای اعاده‌ی اعمال نایب بگیرد.

م ﴿ ۱۱۳۹ ﴾ - کسی که وظیفه‌ی او حلق است و از انجام حلق معذور است، می‌تواند به تقصیر بسنده نماید.

م ﴿ ۱۱۴۰ ﴾ - اگر قربانی را از روی عمد تأخیر بیندازد، نمی‌تواند حلق یا تقصیر نماید و باید حلق را بعد از قربانی انجام دهد.

م ﴿ ۱۱۴۱ ﴾ - کسی که به سبب عذری نمی‌تواند هدی فراهم آورد و به جای آن روزه می‌گیرد و تصمیم دارد بعد از ایام تشریق شروع به سه روز روزه نماید، لازم نیست تقصیر یا حلق را پس از سه روز روزه انجام دهد، بلکه می‌تواند در روز عید حلق یا تقصیر نماید.

م ﴿ ۱۱۴۲ ﴾ - شخصی که می‌تواند تقصیر کند، چنانچه ریش بتراشد، افزوده بر حرمت آن، از تقصیر کفایت نمی‌کند.

م ﴿ ۱۱۴۳ ﴾ - اگر سر را به این عنوان بتراشد که وظیفه‌ی وی تراشیدن سر است و از اعمال حج به شمار می‌رود، صحیح است؛ هر چند نیت را به زیان نگفته باشد.

م ﴿ ۱۱۴۴ ﴾ - در سفر اول در منی باید موی سر را تراشید؛ هر چند آن را ناخوشایند دارد و نمی‌تواند تقصیر نماید، و اگر آن را نتراشد، گذشته از آن که گناه نموده است از احرام نیز خارج نمی‌شود.

م ﴿ ۱۱۴۵ ﴾ - اگر بعد از قربانی بی‌درنگ تقصیر نماید تا نخواهد نجاست بدن و لباس احرام را تطهیر نماید، و بعد از رسیدن به چادر حلق کند و از طرفی هم سروره است و هم در حلق قصد احلال نکرده؛ چون آگاه به مسأله‌ی تقصیر نبوده است، کفاره ندارد و حلق را اگر به قصد قربت و به حساب یکی از اعمال انجام داده، کافی

است و در غیر این صورت، در احرام باقی می ماند و باید در منی حلق کند.

مستحبات حلق

م ﴿ ۱۱۴۶ ﴾ - در حلق مستحب است:

۱- از جانب راست و از پیش سر شروع به تراشیدن سر کند و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُورًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۲- موی سر خود را در منی در خیمه‌ی خود دفن نماید و پسندیده است بعد از

حلق از اطراف ریش، سبیل و همچنین ناخن‌ها بگیرد.

واجبات بعد از اعمال منی

بعد از تمام شدن اعمال منی لازم است به مکه بازگردد و اعمال آن را انجام دهد.

م ﴿ ۱۱۴۷ ﴾ - مستحب است روز عید پس از پایان دادن به اعمال منی برای گزاردن بقیه‌ی اعمال حج، به مکه بیاید و می‌تواند آن را تا روز یازدهم، بلکه تا آخر ذی‌حجه تأخیر بیندازد؛ به این معنا که اگر روز آخر ذی‌حجه به مکه آید و اعمال را بجا آورد، اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۱۴۸ ﴾ - اعمالی که در مکه واجب است بجا آورد عبارت است از: طواف حج (طواف زیارت)، نماز طواف، سعی بین صفا و مروه، طواف نسا و نماز طواف نسا.

م ﴿ ۱۱۴۹ ﴾ - کیفیت طواف حج و نماز آن و سعی و طواف نسا و نماز آن به همان شیوه‌ای است که در طواف عمره و نماز آن و سعی گذشت و تنها تفاوت آن در نیت است که همه‌ی آن را باید به نیت حج بجا آورد.

م ﴿ ۱۱۵۰ ﴾ - طواف حج، نماز، سعی، طواف نسا و نماز آن را نمی‌توان قبل از رفتن

به عرفات و بجا آوردن اعمال عرفات و مشعر و اعمال سه‌گانه‌ی منی در حال اختیار بجا آورد، مگر برای افراد زیر که می‌توانند بعد از آن که به احرام حج محرم شدند و پیش از رفتن به عرفات این اعمال را بجا آورند:

نخست - زن‌هایی که احتمال می‌دهند در برگشتن حیض یا نفسا شوند و پاک نشوند و نتوانند بمانند تا پاک شوند؛ هر چند بعد از آن بدانند چنین نبوده است.

دوم - پیرمردها یا پیرزنانی که به هنگام بازگشت به سبب زیادی جمعیت ناتوان از طواف یا برگشتن به مکه هستند؛ هر چند بعد از آن خود را توانمند ببینند.

سوم - بیمارانی که در وقت ازدحام، از طواف ترس دارند یا عاجز از آن می‌باشند؛ هر چند خلاف آن آشکار شود و خود را توانمند ببینند، و اعاده‌ی آن در این صورت لازم نیست.

چهارم - کسانی که می‌دانند به سببی نمی‌توانند طواف و سعی را تا آخر ماه ذی‌حجه بگذارند.

م ﴿ ۱۱۵۱ ﴾ - گروه چهارم با این باور که نمی‌تواند اعمال را بجا آورند آن را پیش می‌اندازد، اگر به سبب بیماری، پیری و درماندگی چنین نمایند، کافی است، ولی اگر به سبب‌های دیگری چنین کنند؛ مانند آن که اعتقاد به آمدن سیلاب دارند و بعد خلاف آن آشکار شود، باید همه‌ی اعمال خود را پس از بازگشت، دوباره بجا آورند.

م ﴿ ۱۱۵۲ ﴾ - محرمات احرام حج که پیش از این گذشت، بعد از انجام سه عمل به تدریج بر محرم حلال می‌شود:

یکم - بعد از تقصیر کردن یا سر تراشیدن در منی که پس از آن همه چیز حلال می‌شود، مگر بوی خوش و زن؛ چنانچه پیش از این ذکر شد، و صید تنها از جهت احرام حلال می‌شود؛ نه از جهت حرم.

دوم - بعد از بجا آوردن طواف زیارت و نماز آن و سعی بین صفا و مروه، بوی خوش بر او حلال می‌شود، ولی زن بر او حرام است.

سوم - بعد از انجام طواف نسا و نماز آن که همانند طواف و نماز عمره است، زن نیز بر او حلال می‌شود، پس بعد از این سه عمل، تمام آنچه که بر محرم حرام شده بود، بر او حلال می‌شود. اما صید کردن در حرم برای همه؛ خواه محرم باشد یا غیر محرم، حرام است.

م ﴿ ۱۱۵۳ ﴾ - کسانی که به سبب عذری؛ مانند: پیری و احتمال حیض، طواف زیارت و طواف نسا را پیش داشته‌اند، بوی خوش و زن بر آنها حلال نمی‌شود، بلکه همه‌ی محرمات بعد از تقصیر یا حلق بر آنان حلال می‌گردد.

طواف نسا

م ﴿ ۱۱۵۴ ﴾ - طواف نسا ویژه‌ی مردان نیست، بلکه بر زن، ختنی، خصی و بچه‌ی ممیز نیز لازم است و اگر طواف نسا ننگزارند، زن به همان تفصیلی که گفته شد، بر آنها حلال نمی‌شود، و نیز چنانچه زن آن را ترک کند، مرد بر او حلال نمی‌شود، بلکه طفل غیر ممیز، در صورتی که ولی او را محرم کرده است، باید او را طواف نسا بدهد تا بعد از بالغ شدن، زن یا مرد بر او حلال باشد.

م ﴿ ۱۱۵۵ ﴾ - طواف نسا و نماز آن؛ اگرچه واجب است و بدون آن زن حلال نمی‌شود، رکن نیست و ترک عمدی آن موجب باطل شدن حج نمی‌شود، بلکه بر کسی که حج گزارده لازم است آن را بجا آورد، و اگر بجا نیاورد، زن بر او حلال نمی‌شود، بلکه آنچه از زن بر او حرام شده است؛ مانند: عقد کردن، خواستگاری

کردن و شاهد شدن نیز بر او حلال نمی‌شود.

م ﴿ ۱۱۵۶ ﴾ - مقدم داشتن سعی بر طواف زیارت یا بر نماز آن در حال اختیار و مقدم داشتن طواف نسا بر طواف زیارت و بر سعی در حال اختیار جایز نیست، و اگر آن را مقدم بدارد، باید اعاده کند تا ترتیب آن حفظ گردد.

م ﴿ ۱۱۵۷ ﴾ - طواف نسا را می‌توان در حال ضرورت پیش از سعی بجا آورد؛ مانند: احتمال حیض و نداشتن اقامت در مکه تا زمان پاکی.

م ﴿ ۱۱۵۸ ﴾ - اگر به سهو، طواف نسا را پیش از سعی بجا آورد یا به سبب آگاه نبودن در حکم، آن را مقدم بدارد، طواف و سعی وی صحیح است، ولی لازم است طواف را اعاده کند.

م ﴿ ۱۱۵۹ ﴾ - اگر طواف نسا را به سهو نگذارد تا از حج بازگردد؛ چنانچه می‌تواند باید خود بازگردد و آن را بجا آورد، و در صورتی که نمی‌تواند یا سختی دارد، نایب بگیرد و پس از آوردن آن، زن به او حلال می‌شود.

م ﴿ ۱۱۶۰ ﴾ - اگر طواف واجب را؛ خواه طواف عمره باشد یا طواف حج یا طواف نسا، فراموش کند و با زن نزدیکی نماید، باید در مکه یک هدیه قربانی کند و بهتر است شتر باشد، و چنانچه می‌تواند، خود برود و طواف و نماز آن را بجا آورد و در غیر طواف نسا سعی را هم بگذارد و در صورتی که نمی‌تواند یا سختی دارد، نایب بگیرد.

م ﴿ ۱۱۶۱ ﴾ - اگر طواف را؛ خواه طواف عمره باشد یا طواف زیارت، از روی ناآگاهی به مسأله نگذارد و به محل خود بازگردد، باید حج را اعاده کند و یک شتر قربانی نماید.

احکام دیگر اعمال منی

م ﴿ ۱۱۶۲ ﴾ - اگر تنها این ترس را داشته باشد که بعد از بازگشت از منی در اثر ازدحام نتواند طواف کند یا به مشقت بیفتد، نمی‌تواند اعمال حج را مقدم بدارد.

م ﴿ ۱۱۶۳ ﴾ - چنانچه زن اعمال حج را به جهت احتمال حیض بر اعمال منی مقدم بدارد، ولی چون طواف یا سعی را قطع کرده، لازم است آن را به پایان رساند و اعاده نماید، بعد از اعمال منی بر او چیزی نیست.

م ﴿ ۱۱۶۴ ﴾ - اگر نایب احتمال حیض یا بیماری بدهد، می‌تواند اعمال حج را بر دو وقوف و اعمال منی مقدم بدارد.

م ﴿ ۱۱۶۵ ﴾ - کسانی که اعمال حج را قبل از اعمال منی انجام می‌دهند، می‌توانند سعی را بعد از برگشتن از منی و دیگر اعمال را قبل از مقدم داشتن اعمال مکه انجام دهند، این حکم جایز است و لازم نمی‌باشد.

م ﴿ ۱۱۶۶ ﴾ - کسانی که اعمال حج را بر دو وقوف پیشی می‌دارند، لازم نیست نزدیک‌ترین زمان به دو موقوف را رعایت کنند.

م ﴿ ۱۱۶۷ ﴾ - تشخیص عذر برای کسانی که اعمال حج را مقدم می‌دارند، بر عهده‌ی خود آنان است؛ نه بر عهده‌ی گردانندگان گروه و مسؤولان.

م ﴿ ۱۱۶۸ ﴾ - کسی که او را به وسیله‌ی تخت طواف می‌دهند، اگر در هر صورت باید او را طواف دهند و عذر دیگری ندارد، نمی‌تواند اعمال حج خود را بر دو وقوف مقدم بدارد.

م ﴿ ۱۱۶۹ ﴾ - کسی که اعمال حج را بر دو وقوف پیش می‌اندازد، می‌تواند هر سه عمل را بعد از دو وقوف انجام دهد؛ نه آن که تنها یکی، مانند طواف نسا را پیش

اندازد.

م ﴿ ۱۱۷۰ ﴾ - شخصی که می‌تواند اعمال مکه را بر دو وقوف پیش بیندازد اگر به سبب ناآگاهی از مسأله بدون احرام، اعمال مکه را انجام دهد، کفایت نمی‌کند و باید یا پیش از دو وقوف با احرام آن را اعاده کند و یا بعد از دو وقوف و اعمال منی، آن را بجا آورد.

م ﴿ ۱۱۷۱ ﴾ - در صورتی که می‌تواند اعمال مکه را تا آخر وقت تأخیر بیندازد تا خود آن را بجا آورد نمی‌تواند برای انجام آن نایب بگیرد.

م ﴿ ۱۱۷۲ ﴾ - از آن جا که برای انجام اعمال حج تاروز یازدهم فرصت هست و می‌توان تا آخر ماه ذی‌حجه آن را نیت نمود، در صورتی که وقت انجام مناسک حج تاروز یازدهم باشد و وی آن را تأخیر بیندازد؛ هر چند احتمال دارد زمان و جوب آن گذشته باشد، وی گناه‌کار به شمار نمی‌رود.

م ﴿ ۱۱۷۳ ﴾ - کسی که از منی برگشته و هنوز اعمال واجب مکه را انجام نداده است می‌تواند طواف مستحبی انجام دهد، و نیز در حال احرام عمره تمتع بیش از انجام عمره، طواف مستحبی بگزارد.

م ﴿ ۱۱۷۴ ﴾ - بعد از انجام اعمال منی و پیش از انجام اعمال مکه می‌توان از مکه خارج شد.

م ﴿ ۱۱۷۵ ﴾ - اگر چندین عمره‌ی مفرده بجا آورده باشد و در هیچ کدام طواف نسا نگزارده است، یک طواف نسا برای همه‌ی آن کفایت می‌کند.

م ﴿ ۱۱۷۶ ﴾ - در طواف نسا، نایب می‌تواند آن را به نیت کسی که از وی نایب شده است انجام دهد.

م ﴿ ۱۱۷۷ ﴾ - پیش از بجا آوردن طواف نسا و بعد از انجام حلق و اعمال بعدی،

همه‌ی انواع لذت بردن از زن حرام است و به نزدیکی و بی‌زنگی ندارد.

م ﴿ ۱۱۷۸ ﴾ - تأخیر طواف نسا از سعی جایز است.

م ﴿ ۱۱۷۹ ﴾ - اگر بعد از حج ازدواج نماید و دارای فرزند شود و سپس بفهمد که در حج، طواف نسا نگزارده است؛ چون به حکم مسأله ناآگاه بوده است، فرزند وی حکم حلال‌زاده را دارد و عقد ازدواج آنان صحیح است، ولی باید طواف نسا را انجام دهد.

م ﴿ ۱۱۸۰ ﴾ - اگر مردی به زن خود بگوید: وظیفه‌ی من گزاردن طواف نسا و وظیفه‌ی تو بجا آوردن طواف رجال است و زن چنین کند؛ در صورتی که منظور وی ادای وظیفه بوده است، اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۱۸۱ ﴾ - کسی که عمره‌ی مفرده می‌گزارد؛ چنانچه بدون تقصیر، طواف نسا بجا آورد، عمره‌ی وی باطل نمی‌شود، ولی باید بعد از تقصیر، طواف نسا را دوباره بگزارد، و بدون انجام آن، حرمت نسا باقی است.

م ﴿ ۱۱۸۲ ﴾ - شخصی که پس از مراجعت از مکه شک می‌کند طواف نسای حج یا عمره‌ی مفرده را بجا آورده است یا نه، باید به شک خود که شک بعد از عمل است اعتنا ننماید.

م ﴿ ۱۱۸۳ ﴾ - اگر بعد از دور چهارم طواف نسا با همسر خود نزدیکی نماید، عمل وی صحیح است و کفاره ندارد؛ اگرچه فعل حرامی را انجام داده است.

م ﴿ ۱۱۸۴ ﴾ - بجا نیاوردن طواف نسا از روی ناآگاهی همانند طواف حج و عمره نیست که باید حج را اعاده کند و شتر قربانی نماید، بلکه ترک طواف نسا، حج را باطل نمی‌کند و کفاره ندارد، ولی حرمت نسا بدون آن باقی است و انجام آن، اگر از روی ناآگاهی یا فراموشی باشد، کفاره دارد.

م ﴿ ۱۱۸۵ ﴾ - اگر پیش از طواف نسا با همسر خود ملاحظه و بازی نماید و از روی شهوت به او دست زند، تنها در صورتی که آگاه به مسأله نبوده است کفاره ندارد و در غیر این صورت، باید کفاره بپردازد.

م ﴿ ۱۱۸۶ ﴾ - زنی که اعمال حج خود را بر دو وقوف پیشی داشته و بعد از سعی حیض گردیده است و شوهر وی در همان وقت به نیابت از او طواف نسا را انجام می‌دهد، اگر به جهت احتمال حیض، اعمال حج را پیش بیندازد، اعاده‌ی طواف حج لازم نیست، ولی باید سعی را دوباره بگذارد.

م ﴿ ۱۱۸۷ ﴾ - اگر نایب، طواف نسا را بجا نیاورد، زن بر او حرام است و افزوده بر این، عهده‌ی وی هم مشغول است و خود باید در زمان حیات آن را انجام دهد و اگر نمی‌تواند، لازم است نایب بگیرد.

م ﴿ ۱۱۸۸ ﴾ - اگر در عمره‌ی مفرده طواف نسا را فراموش کند و بعد برای عمره‌ی تمتع محرم شود، طواف نسا را می‌تواند بعد از انجام اعمال عمره‌ی تمتع بجا آورد، و چنانچه آن را تأخیر بیندازد، طواف نسای حج کفایت از آن می‌کند.

م ﴿ ۱۱۸۹ ﴾ - کسی که در عمره‌ی مفرده طواف نسا را بجا نیاورده است و بعد از آن حج افراد می‌گذارد، طواف نسای حج افراد کفایت می‌کند.

م ﴿ ۱۱۹۰ ﴾ - پیرمرد و پیرزنی که عمل زناشویی از وی ممکن نیست و ازدواج هم نمی‌کند و نیز کسی که عنین است لازم است طواف نسا را بگذارد؛ چرا که طواف نسا؛ هر چند جزو اعمال نیست، عمل واجبی است که بر عهده‌ی همه‌ی حج‌گزاران است.

مستحبات اعمال مکه

م ﴿ ۱۱۹۱ ﴾ - هر عمل که در طواف عمره، نماز آن و سعی مستحب است، در

اعمال مکه نیز پسندیده است.

م ﴿ ۱۱۹۲ ﴾ - مستحب است در روز عید قربان برای طواف حج به مسجد آید و بر

در مسجد بایستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى نُسُكِكَ، وَسَلِّمْنِي لَهُ، وَسَلِّمَهُ لِي، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْعَلِيلِ الدَّلِيلِ، الْمُعْتَرِفِ بِذَنْبِهِ، أَنْ يَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي، وَأَنْ تُرْجِعَنِي بِحَاجَتِي، اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ، وَالْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأَوْمُ طَاعَتِكَ، مُتَّبِعاً لِأَمْرِكَ، رَاضِياً بِقَدْرِكَ، أَسْأَلُكَ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُطِيعِ لِأَمْرِكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ، الْخَائِفِ لِعُقُوبَتِكَ، أَنْ تُبَلِّغَنِي عَفْوَكَ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ».

آنگاه به نزد حجر الاسود بیاید و استلام (دست مالیدن) و بوسه نماید، و اگر بوسیدن ممکن نیست، دست به حجر بمالد و دست خود را ببوسد، و چنانچه آن نیز ممکن نباشد، روبه روی حجر بایستد و تکبیر بگوید و سپس آنچه در طواف عمره بجا آورده بود، بگزارد.

بیتوته در منی

م ﴿ ۱۱۹۳ ﴾ - حج گزاران لازم است شب یازدهم و دوازدهم ذی حجه در منی بیتوته کنند و از غروب آفتاب تا نصف شب در آن جا بمانند. افزوده بر این، چند گروه باید در شب سیزدهم تا نصف شب در منی بمانند؛ این افراد عبارتند از:

نخست - کسی که در احرام شکار نموده؛ هر چند تنها شکار را گرفته و آن را نکشته است، ولی چنانچه غیر از شکار، چیزهای دیگری که از شکار بر محرم حرام است؛ مانند خوردن گوشت آن و نشان دادن صید به صیاد را انجام داده باشد، بیتوته‌ی شب سیزدهم بر او واجب نیست.

دوم - کسی که در احرام با زن نزدیکی کرده است؛ خواه در پیش باشد یا در پس و خواه با زن خود باشد یا با بیگانه؛ ولی در صورتی که غیر از نزدیکی، از کارهای دیگری؛ مانند: بوسیدن و لمس دوری نکرده باشد، بیتوته‌ی شب سیزدهم بر وی واجب نمی‌شود.

سوم - کسی که در روز دوازدهم از منی کوچ نکند و غروب شب سیزدهم را درک

نماید.

م ﴿ ۱۱۹۴ ﴾ - برگروه‌های زیر لازم نیست در شب‌های یازدهم، دوازدهم و سیزدهم در منی بمانند:

نخست - بیماران و پرستاران آنها، و دیگر کسانی که ماندن برای آنها، به هر عذری که باشد، مشقت دارد.

دوم - کسانی که ترس آن دارند که اگر شب بمانند، مال آنها در مکه از بین می‌رود، به شرط آن که مال آنان قابل توجه باشد.

سوم - شبان‌هایی که حیوانات آنها به چرانیدن در شب نیاز دارد.

چهارم - سقایان و خادمانی که در مکه آب به حجاج می‌رسانند.

پنجم - کسانی که شب را در مکه بیدارند و تا صبح را به عبادت می‌گذرانند و کار دیگری جز آن انجام نمی‌دهند، مگر کارهای ضروری؛ مانند خوردن و آشامیدن به اندازه‌ی نیاز و تحصیل طهارت.

م ﴿ ۱۱۹۵ ﴾ - کسی که در احرام عمره‌ی تمتع از شکاروزن دوری نکرده است باید در شب سیزدهم بماند، و این حکم به احرام حج ویزگی ندارد.

م ﴿ ۱۱۹۶ ﴾ - مقدار زمانی که واجب است در این سه شب بیتوته شود از اول شب است تا نصف آن، پس کسی که از غروب تا نیمه‌ی شب در منی بیتوته می‌نماید می‌تواند بعد از آن بیرون رود، و مستحب است پیش از طلوع صبح وارد مکه نشود.

م ﴿ ۱۱۹۷ ﴾ - کسی که در اول شب بدون عذر در منی نباشد لازم است پیش از نیمه شب بازگردد و تا صبح در آن بماند.

م ﴿ ۱۱۹۸ ﴾ - شب را باید از اول غروب تا طلوع آفتاب حساب کند.

م ﴿ ۱۱۹۹ ﴾ - بیتوته‌ی در منی عبادت است و باید با نیت خالص و برای اطاعت

خداوند گزارده شود.

م ﴿ ۱۲۰۰ ﴾ - در غیر مکه نمی تواند مشغول عبادت شود و به منی نرود؛ اگرچه در بین راه منی و مکه باشد.

م ﴿ ۱۲۰۱ ﴾ - کسی که بیتوته‌ی واجب در منی را ترک کند لازم است برای هر شب یک گوسفند قربانی کند؛ خواه نرفتن به منی از روی علم و عمد باشد یا به سبب فراموشی یا ندانستن مسأله.

م ﴿ ۱۲۰۲ ﴾ - کسی که در مکه تا صبح به عبادت مشغول بوده و به منی نرفته است، قربانی بر وی واجب نیست.

م ﴿ ۱۲۰۳ ﴾ - چهارگروهی که در پیش گفته شد واجب نیست در منی بمانند و در صورتی که در منی بیتوته نکنند، باید برای هر شب یک گوسفند کفاره قربانی کنند؛ هر چند از دسته‌ی سوم و چهارم باشند.

م ﴿ ۱۲۰۴ ﴾ - گوسفند قربانی لازم نیست هیچ یک از شرایط گفته شده برای هدی را داشته باشد.

م ﴿ ۱۲۰۵ ﴾ - محل معین و ویژه‌ای برای گوسفندی که باید قربانی کند نیست و حتی می تواند پس از بازگشت به محل خود آن را قربانی کند؛ اگرچه بهتر است در منی باشد.

م ﴿ ۱۲۰۶ ﴾ - اگر بخشی از اول شب که باید در منی بیتوته کند درک نشود یا زودتر از نصف شب از منی خارج شود، لازم است یک گوسفند قربانی کند؛ خواه عذری داشته باشد یا نداشته باشد.

م ﴿ ۱۲۰۷ ﴾ - کسانی که می توانند در روز دوازدهم کوچ کنند باید بعد از ظهر کوچ نمایند نه پیش از ظهر، و کسانی که در روز سیزدهم کوچ می کنند، هرگاه بخواهند، می توانند کوچ کنند.

مسائل دیگر

م ﴿ ۱۲۰۸ ﴾ - اگر حج گزار صبح دوازدهم به مکه بیاید، لازم نیست برای کوچ کردن، بعد از ظهر به منی بازگردد؛ اگرچه رفتن وی به مکه در پیش از ظهر جایز نیست.

م ﴿ ۱۲۰۹ ﴾ - زن در کوچ کردن بعد از ظهر روز دوازدهم حکم مرد را دارد؛ بنابراین، اگر به سبب عذری نتواند در روز رمی نماید و رمی را در شب دوازدهم انجام دهد، نمی تواند پیش از ظهر از منی کوچ کند، مگر آن که برای ماندن تا بعد از ظهر عذری داشته باشد.

م ﴿ ۱۲۱۰ ﴾ - کسی که در شب یازدهم و دوازدهم در زمین های متصل به منی که از منی به شمار نمی رود بیتوته می کند، باید کفاره پردازد و برای هر شب یک گوسفند قربانی کند؛ هر چند بر این باور بوده باشد که آن جا از منی است یا به گفته ی اشخاص محلی، اطمینان یافته باشد.

م ﴿ ۱۲۱۱ ﴾ - اگر قبل از غروب آفتاب شب سیزدهم از منی خارج شود و بعد از غروب به منی بازگردد، لازم نیست شب را بماند و رمی روز سیزدهم بر او واجب نمی شود.

م ﴿ ۱۲۱۲ ﴾ - اگر بیتوته ی در منی را در غیر منی انجام دهد، باید قربانی کند، و میان آگاه و ناآگاه به مسأله تفاوتی نیست.

م ﴿ ۱۲۱۳ ﴾ - کسی که پاره ای از اول شب را در خارج منی بوده است یا پیش از نصف شب از آن بیرون می رود؛ خواه دارای عذر باشد یا بدون عذر، لازم است کفاره پردازد.

م ﴿ ۱۲۱۴ ﴾ - کسی که بدون عذر نیمه ی اول شب را در منی نبوده، لازم است نیمه ی دوم را در منی بماند، و کفاره ی ترک مبيت را نیز پردازد.

م ﴿ ۱۲۱۵ ﴾ - کسی که در شب یازدهم و دوازدهم باید در منی باشد یا در مسجدالحرام مشغول عبادت گردد، چنانچه در مسجدالحرام مشغول عبادت شود ولی در بین آن از خستگی مرتب چرت می‌زند و بیدار می‌شود؛ چنانچه به قدری خواب رود که نگویند همه‌ی شب را مشغول به عبادت بوده است، کافی نیست و باید کفاره بدهد و عبادت در هر جای مکه باشد، کافی است.

م ﴿ ۱۲۱۶ ﴾ - کاروان‌داری که پیش از این جایی را که یقین دانسته جزو منی است با حاجی‌ها بیتوته نموده و بعد از آن فهمیده جایی که پیش از آن بیتوته نموده خارج از منی است، کفاره‌ی ترک بیتوته‌ی همراهان وی بر او واجب نیست، و کفاره‌ی آن‌ها بر خودشان واجب است، و لازم نیست به آنان اعلام نماید و اگر فهمیدند، کفاره بر خود آنان واجب است، ولی اگر اجرت عمل صحیح و عملی که انجام شده تفاوت دارد، باید نسبت به تفاوت، رضایت حجاج را به دست آورد.

م ﴿ ۱۲۱۷ ﴾ - علامت‌گذاری حدود منی در سال‌های قبل با علامت‌گذاری الآن که به وسیله حکومت انجام گرفته است تفاوت دارد و کاروان‌دارانی که در سال‌های قبل با حجاج در قطعه زمینی بیتوته کرده‌اند که اگر تعیین فعلی حکومت صحیح باشد، بیتوته‌ی آن‌ها در خارج از منی بوده است، و اگر تعیین قبل صحیح باشد، بیتوته‌ی آنان نیز صحیح است، تا یقین پیدا نکنند که بیتوته‌ی آنان خارج از منی بوده است، قربانی لازم نیست، و در این صورت، رساندن آن به دیگر حجاج لازم نیست.

م ﴿ ۱۲۱۸ ﴾ - کسانی که به سبب عذری نمی‌توانند در روز رمی کنند، می‌توانند شب دوازدهم برای روز دوازدهم رمی نمایند و از منی به مکه روند و دیگر لازم نیست به منی بازگردند؛ بر این اساس، بر آنان واجب نیست که صبر کنند و بعد از ظهر با مردم کوچ کنند.

م ﴿ ۱۲۱۹ ﴾ - کسانی که ترس از پیشامد سختی و مشقت بر خود دارند، می توانند شب دوازدهم رمی جمره نمایند و به مکه روند و دیگر به منی بازنگردند، ولی نباید پیش از نیمه‌ی شب بیرون بروند.

م ﴿ ۱۲۲۰ ﴾ - وقوف در روز دوازدهم واجب نیست و آنچه واجب است کوچ نکردن پیش از ظهر است، بر این اساس، مسؤولان کاروان‌ها می توانند بعد از نصف شب از منی بیرون بروند و روز دوازدهم برای رمی به منی بازگردند؛ هر چند بعد از ظهر باشد، و اگر پیش از ظهر به منی آمدند، بعد از ظهر از آن بیرون روند و رمی شب برای آن‌ها کافی نیست.

م ﴿ ۱۲۲۱ ﴾ - اگر شب دوازدهم بعد از نیمه‌ی شب از منی خارج شود و به مکه رود و روز بعد برای رمی به منی آید، لازم نیست پیش از ظهر به منی بازگردد؛ هر چند اگر پیش از ظهر بیاید، نمی تواند قبل از ظهر کوچ کند.

م ﴿ ۱۲۲۲ ﴾ - اگر مدیر کاروان، زن‌ها را قبل از ظهر روز دوازدهم از منی خارج نماید، حج کسانی که از مسأله آگاهی نداشتند و یا اگر مسأله را می دانستند، نمی توانستند بدون مدیر کاروان و همراهان در منی بمانند، با فرض این که عذر دارند، اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۲۲۳ ﴾ - اندازه‌ی شب برای کسی که در مکه به جای بیتوته در منی به عبادت مشغول می شود تا طلوع فجر می باشد نه تا طلوع آفتاب.

م ﴿ ۱۲۲۴ ﴾ - اگر بعد از انجام اعمال سه‌گانه‌ی روز عید برای طواف به مکه رود، ولی می داند در صورتی که به مکه برود، بخشی از مبیت اول شب را درک نمی کند، رفتن از منی به مکه برای وی اشکال ندارد، ولی برای تأخیر آن باید کفاره بپردازد.

رمی جمرات سه‌گانه

م ﴿ ۱۲۲۵ ﴾ - شب‌هایی که واجب است در منی بیتوته کند باید در روز بعد، جمرات سه‌گانه را رمی کند. این جمرات عبارت است از: جمره‌ی اولی، جمره‌ی وسطی و جمره‌ی عقبه.

م ﴿ ۱۲۲۶ ﴾ - اگر به عمد، رمی همه‌ی جمرات را ترک کند، به حج وی ضرری نمی‌رساند و حج صحیح است؛ اگرچه در صورت عمد، گناه کرده است.

م ﴿ ۱۲۲۷ ﴾ - کسی که شب سیزدهم باید در منی بماند واجب است روز سیزدهم رمی جمرات کند.

م ﴿ ۱۲۲۸ ﴾ - شماره‌ی سنگ‌ریزه‌هایی که باید به جمره بزند، برای هر یک از جمرات در هر روز، هفت عدد است و چگونگی انداختن، شرایط و واجبات آن به همان‌گونه است که پیش از این در جمره‌ی عقبی گفته شد.

م ﴿ ۱۲۲۹ ﴾ - وقت انداختن سنگ از اول طلوع آفتاب تا غروب آفتاب روزی است که شب گذشته‌ی آن را بیتوته کرده است، و جایز نیست در شب رمی نماید.

م ﴿ ۱۲۳۰ ﴾ - اگر عذری دارد که نمی‌تواند رمی را در روز بجا آورد؛ مانند بیمار و افراد ناتوان و کسی که ترس از مانند ازدحام جمعیت دارد، جایز است آن را در شب آن روز یا شب بعد انجام دهد.

م ﴿ ۱۲۳۱ ﴾ - لازم است ترتیب میان رمی جمرات را رعایت نماید؛ به این گونه که به جمره‌ی اولی شروع نماید و بعد از آن جمره‌ی وسطی را رمی کند و به جمره‌ی عقبه پایان دهد.

م ﴿ ۱۲۳۲ ﴾ - اگر ترتیب گفته شده را رعایت ننماید، باید دوباره آنچه را که بر خلاف ترتیب بجا آورده است بگزارد؛ به طوری که ترتیب آن درست شود؛ برای نمونه، اگر اول به جمره‌ی وسطی و بعد به جمره‌ی اولی رمی نماید، لازم است جمره‌ی وسطی را دوباره بجا آورد و بعد جمره‌ی عقبه را رمی کند و اعاده‌ی جمره‌ی اولی لازم نیست.

م ﴿ ۱۲۳۳ ﴾ - در لزوم اعاده، میان آن که از روی علم و عمد ترتیب را رعایت نکند یا از روی سهو و فراموشی و یا از روی ندانستن مسأله، تفاوتی نیست و در هر صورت باید آن را دوباره انجام دهد.

م ﴿ ۱۲۳۴ ﴾ - اگر همه‌ی چهار سنگ را به جمره‌ی اولی بیندازد و آن را رها کند و مشغول جمره‌ی بعدی شود، کافی است، و لازم نیست همه‌ی هفت سنگ را پیش اندازد، پس می‌تواند چهار سنگ به جمره‌ی اولی بزند و بعد چهار سنگ به جمره‌ی وسطی و بعد مشغول جمره‌ی عقبه شود، و به هر چینی که می‌خواهد، هفت سنگ جمره‌ی عقبه و سه سنگ دو جمره‌ی دیگری را بیندازد.

م ﴿ ۱۲۳۵ ﴾ - اگر رمی را در یکی از روزها فراموش کند، واجب است روز بعد آن را

قضا نماید، و چنانچه دو روز را فراموش کرد، باید هر دو را در روز بعد قضا کند، و همچنین است در صورتی که از روی عمد آن را ترک نماید.

م ﴿ ۱۲۳۶ ﴾ - واجب است رمی قضا شده را بر رمی ادا مقدم بدارد؛ پس اگر بخواهد در روز یازدهم قضای روز عید را بجا آورد، ابتدا قضای عید را بجا آورد و بعد رمی روز یازدهم را که اداسست بگزارد. همچنین باید قضای روز پیش را بر قضای روز بعد مقدم بدارد.

م ﴿ ۱۲۳۷ ﴾ - همان‌گونه که قضای رمی جمرات سه‌گانه واجب است، قضای رمی بخشی از آن هم اگر ترک شده باشد واجب است؛ پس چنانچه جمره‌ی اولی را در روز یازدهم رمی کند و دو جمره‌ی دیگر را رمی نکند، باید روز بعد، آن دو جمره را رمی نماید و بعد تکلیف این روز را بجا آورد.

م ﴿ ۱۲۳۸ ﴾ - اگر در روز بعد فهمید که ترتیب رمی جمرات روز قبل را رعایت نکرده است، باید آن را قضا کند؛ به طوری که ترتیب آن را به دست آورد و بعد وظیفه‌ی این روز را انجام دهد.

م ﴿ ۱۲۳۹ ﴾ - اگر به هر یک از جمرات یا برخی از آن چهار سنگ بیندازد و در روز بعد آن را به یاد آورد، واجب است بقیه‌ی روز قبل را قضا کند و سپس وظیفه‌ی همان روز را انجام دهد.

م ﴿ ۱۲۴۰ ﴾ - اگر رمی جمرات سه‌گانه را فراموش کند و از منی خارج شود و به مکه بیاید، چنانچه در ایام تشریق به یاد آورد، باید بازگردد و آن را قضا نماید و در صورتی که توان آن را ندارد، باید نایب بگیرد، و اگر بعد از ایام تشریق به یاد آورد یا به عمد آن را به عقب اندازد، واجب است خود یا نایب وی از مکه برگردد و رمی را

بجا آورد، و در سال بعد نیز در همان روزهایی که رمی را از دست داده است، خود یا نایب وی آن را قضا کند.

م ﴿ ۱۲۴۱ ﴾ - اگر رمی جمرات را فراموش نماید و بعد از بیرون رفتن از مکه آن را به یاد آورد، واجب است خود یا نایب وی آن را در سال دیگر قضا کند.

م ﴿ ۱۲۴۲ ﴾ - کسی که برخی از جمرات را فراموش کرده است یا کم‌تر از هفت سنگ در همه‌ی جمرات یا برخی از آن انداخته است، همین حکم را دارد.

م ﴿ ۱۲۴۳ ﴾ - کسی که به سبب عذری مانند بیماری، ضعف، ناتوانی، یا شکستگی دست یا بی‌هوشی نمی‌تواند رمی کند، باید نایب وی آن را بجا آورد، و چنانچه از نایب گرفتن ناتوان باشد؛ مانند: افراد بی‌هوش یا کودک کوچک، ولی او یا شخص دیگری از طرف او بجا آورد، و واجب است تا ناامید نشده است از این که خود بتواند عمل کند، نایب از طرف وی عملی را انجام ندهد و بهتر آن است در صورتی که ممکن است، صاحب عذر را به محل رمی ببرند و در حضور وی رمی کنند، و اگر ممکن است سنگ را در دست او بگذارند و بیندازند.

م ﴿ ۱۲۴۴ ﴾ - اگر بعد از آن که نایب عمل را بجا آورد، عذر وی برطرف شد، لازم نیست خود، آن عمل را دوباره انجام دهد.

م ﴿ ۱۲۴۵ ﴾ - اگر بیمار از بهبودی خود یا شخص معذور از برطرف شدن عذر خود ناامید باشد، واجب است نایب بگیرد، و چنانچه ناامید نیست، می‌تواند نایب بگیرد، ولی در صورتی که عذر وی برطرف گردید، خود دوباره عمل را انجام دهد.

م ﴿ ۱۲۴۶ ﴾ - اگر دیگران از برطرف شدن عذر صاحب آن ناامید باشند لازم نیست از او اذن بگیرند، و چنانچه نتواند اذن دهد، گرفتن اذن شرط نیست.

- م ﴿ ۱۲۴۷ ﴾ - اگر بعد از گذشتن روزی که واجب بوده است جمرات را در آن رمی کند شک نماید که رمی را بجا آورده است یا نه، به آن اعتنا نکند.
- م ﴿ ۱۲۴۸ ﴾ - اگر بعد از انداختن ریگ شک کند که آن را صحیح گزارده است یا نه، به آن اعتنا نکند.
- م ﴿ ۱۲۴۹ ﴾ - اگر هنگامی که رمی جمره‌ی عقبه می‌نماید شک کند که اولی یا دومی یا هر دو را رمی کرده یا صحیح انجام داده است یا نه، به آن توجهی نکند.
- م ﴿ ۱۲۵۰ ﴾ - اگر پیش از آن که رمی جمره بعدی را شروع نماید در شماره‌ی ریگ‌ها شک کند که آیا هفت عدد بوده یا کم‌تر، باید آنچه را که احتمال دارد کم گذاشته است بیاورد تا یقین کند هفت عدد کامل شده است؛ هر چند عمل خود را تمام نموده و به کارهای دیگر مشغول شده باشد.
- م ﴿ ۱۲۵۱ ﴾ - اگر بعد از گذشتن روزی که باید رمی کند یقین نماید که یکی از سه جمره را رمی نکرده است، می‌تواند به فضای رمی جمره‌ی عقبه بسنده کند.
- م ﴿ ۱۲۵۲ ﴾ - اگر بعد از آن که داخل در جمره‌ی بعدی شد در شماره‌ی قبلی شک نماید؛ چنانچه بداند چهار سنگ از قبلی را انداخته و شک کند که بقیه را یا برخی از آن را انداخته است یا نه، باید بقیه را بیاورد؛ اگرچه بعد از رمی جمره‌ی بعدی باشد، و در صورتی که در کم‌تر از چهار شک دارد، باید همه را بیاورد و از شماره‌ی چهار به بعد به شک خود اعتنا نکند و تنها سه سنگ دیگر را به جمره بزند.
- م ﴿ ۱۲۵۳ ﴾ - اگر بعد از رمی هر سه جمره یقین کند که یک یا چند سنگ یکی از سه جمره ناقص شده است، باید هر چه را که احتمال کمبود آن را می‌دهد، به هر یک از سه جمره بزند.

- م ﴿ ۱۲۵۴ ﴾ - اگر بعد از انداختن سنگ به هر سه، یقین کند که یکی از آن را از چهار عدد کم تر انداخته است، می تواند کمبود احتمالی را به جمره ی عقبی رمی کند.
- م ﴿ ۱۲۵۵ ﴾ - اگر بعد از گذشتن وقت هر سه، یقین کند که یک روز را رمی نکرده و نداند کدام روز است، با مراعات ترتیب باید هر سه روز را قضا کند؛ هر چند جایز است به قضای روز آخر بسنده کند.
- م ﴿ ۱۲۵۶ ﴾ - زن ها و مراقبان آن ها و افراد ضعیفی که می توانند بعد از نصف شب از مشعر الحرام به منی وارد شوند اگر از رمی در روز معذورند، می توانند شب رمی کنند، بلکه زن ها به صورت کلی می توانند در همان شب رمی را انجام دهند.
- م ﴿ ۱۲۵۷ ﴾ - رمی در طبقه ی دوم جمرات جایز است و لازم نیست در طبقه ی اول رمی نماید.
- م ﴿ ۱۲۵۸ ﴾ - صاحبان عذر که نمی توانند روز عید رمی کنند می توانند شب پیش از آن یا شب بعد از آن رمی کنند، و اگر از رمی روز یازدهم نیز معذورند، می توانند بعد از آن که به جای روز عید رمی نمودند، در شب یازدهم رمی روز یازدهم را هم انجام دهند.
- م ﴿ ۱۲۵۹ ﴾ - کسانی که با عذر از انجام رمی در روز، می توانند در شب رمی را انجام دهند لازم است در شب رمی کنند و نمی توانند همان روز نایب بگیرند.
- م ﴿ ۱۲۶۰ ﴾ - چنانچه صبح روز دهم از رمی کردن معذور باشد ولی اطمینان داشته باشد که بعد از ظهر از ازدحام جمعیت کاسته می شود و می تواند رمی را انجام دهد، از صبح نمی تواند نایب بگیرد، بلکه لازم است صبر کند تا از جمعیت کاسته شود و رمی نماید، مگر آن که به هیچ وجه نتواند در روز رمی کند، که در این صورت

می‌تواند نایب بگیرد.

م ﴿ ۱۲۶۱ ﴾ - رمی را بدون عذر نمی‌توان در شب انجام داد، و اگر بدون عذر رمی در روز را ترک نماید، گناه کرده است. همچنین در صورتی که ذبح را به‌عمد از روز عید تأخیر بیندازد، گناه نموده است؛ هر چند ذبح صحیح است.

م ﴿ ۱۲۶۲ ﴾ - کسی که در رمی جمرات نایب شده است نمی‌تواند بدون عذر در شب رمی کند. همچنین کسی که در اصل حج نایب باشد و از ابتدا می‌دانسته است که نمی‌تواند رمی کند یا نمی‌تواند در روز رمی کند، و یا در رمی در روز مسامحه و اهمال می‌کند، چون نایب باید اعمال اختیاری حج را انجام دهد، در صورتی که معذور باشد، نمی‌تواند نایب شود. کسی که در رمی نایب شده است باید در روز رمی کند، و مسامحه و اهمال موجب بطلان نیابت نیست؛ هر چند در فرض یاد شده جایز نیست.

م ﴿ ۱۲۶۳ ﴾ - شخصی که خود معذور است و نمی‌تواند رمی جمرات نماید نمی‌تواند دیگری را که رمی در روز توانمند نیست نایب قرار دهد تا در شب رمی نماید و در صورت امکان باید کسی را نایب بگیرد که در روز رمی نماید، و اگر ممکن نباشد، باید خود آن را در روز بعد قضا کند، و چنانچه در قضا هم امکان آن نیست که خود عمل را بجا آورد، نایب بگیرد.

م ﴿ ۱۲۶۴ ﴾ - در رمی جمرات اگر در ابتدا سنگریزه به دیوار مجاور و بعد به جمره بخورد، کافی است.

م ﴿ ۱۲۶۵ ﴾ - اگر به هنگام رمی جمرات شک کند که چند سنگ زده است و آن مقدار را رها نماید و دوباره از ابتدا شروع کند، رمی وی اشکال ندارد؛ هر چند با

پرتاب و برخورد مقدار قطعی باقی مانده وظیفه‌ی خود را انجام داده است، با توجه به این که کوچ کردن شب دهم و درک کردن وقوف اضطراری مشعر و رمی در شب دهم برای زنان جایز است، زنان می‌توانند نایب شوند.

م ﴿ ۱۲۶۶ ﴾ - دیوار سیمانی پشت جمره از جمره نیست و رمی آن بسنده نمی‌باشد.

م ﴿ ۱۲۶۷ ﴾ - اگر مردی که می‌تواند در روز رمی نماید برای زنی نایب شود تا رمی نماید، نمی‌تواند رمی را از طرف زن در شب انجام دهد و باید رمی را در روز انجام دهد.

م ﴿ ۱۲۶۸ ﴾ - صاحبان عذر نمی‌توانند نایب شوند؛ حتی اگر از انجام اعمالی عذر داشته باشند که ترک عمدی آن به حج ضرری نمی‌رساند.

م ﴿ ۱۲۶۹ ﴾ - کسی که به نیابت دیگری رمی جمره می‌کند کافی است که اول برای خود هر جمره‌ای را رمی کند و پس از آن به نیابت دیگران؛ هر چند ده نفر باشند، یک مرتبه رمی کند، بعد جمره‌ی وسطی را هم همین‌طور و در پایان برای جمره‌ی عقبه نیز چنین کند، و می‌تواند هر سه جمره را برای خود و بعد هر سه را برای دومی، و همچنین نسبت به دیگران انجام دهد.

م ﴿ ۱۲۷۰ ﴾ - کسی که نمی‌تواند در روز عید رمی کند جایز نیست پیش از رمی حلق نماید و روز دیگر رمی نماید.

م ﴿ ۱۲۷۱ ﴾ - جمره‌ی عقبه را از هر طرف که بتوان ریگ را به آن زد کافی است، ولی رمی دیوار کفایت نمی‌کند.

م ﴿ ۱۲۷۲ ﴾ - بدون عذر، نمی‌توان در شب رمی نمود، و اگر بدون عذر رمی در روز

را ترک نماید، گناه کرده است. همچنین در صورتی که ذبح را به‌عمد از روز عید تأخیر بیندازد، گناه نموده است؛ هرچند ذبح صحیح است.

م ﴿ ۱۲۷۳ ﴾ - جمره‌ی عقبه را از هر طرف که بتوان به آن ریگ زد کافی است، ولی رمی دیوار کفایت نمی‌کند.

م ﴿ ۱۲۷۴ ﴾ - لازم است سنگ‌ریزه‌هایی که معلوم است از خارج از مشعر آورده‌اند را استفاده نکند؛ هرچند از داخل حرم آورده باشند، مگر آن که طوری باشد که جزو مشعر به شمار رود.

م ﴿ ۱۲۷۵ ﴾ - شخصی که رمی جمره‌ی عقبه را در روز عید به اشتباه انجام داده است و در روز سیزدهم متوجه می‌شود، لازم نیست بعد از قضای رمی جمره‌ی عقبه، رمی روز یازدهم و دوازدهم را تکرار کند.

م ﴿ ۱۲۷۶ ﴾ - اگر از ابتدا قصد زیادت‌تر از هفت مرتبه رمی را داشته باشد، صحیح نیست و باید رمی را اعاده کند، ولی اگر بعد از تمام شدن هفت سنگ‌ریزه که به قصد کامل آوردن هفت مرتبه بوده اضافه زده است، ضرر ندارد.

م ﴿ ۱۲۷۷ ﴾ - کسی که نتوانسته است ذبح کند و حلق یا تقصیر ننموده است می‌تواند رمی روز یازدهم را انجام دهد.

م ﴿ ۱۲۷۸ ﴾ - زنی که احتمال می‌دهد رمی نمودن سبب قاعدگی او می‌شود اگر در اثر آن به سختی و مشقت می‌افتد، می‌تواند نایب بگیرد.

م ﴿ ۱۲۷۹ ﴾ - زن‌ها می‌توانند رمی جمره‌ی عقبه را پیش از وقوف به مشعر و آمدن به منی در همان شب عید قربان انجام دهند، ولی رمی روز یازدهم و دوازدهم در صورتی برای آنان در شب صحیح است که از رمی روز معذور باشند.

م ﴿ ۱۲۸۰ ﴾ - اگر می‌داند که رمی را در یک روز ترک کرده است ولی نمی‌داند که روز دهم بوده یا یازدهم، در صورتی که شک بعد از روز دوازدهم باشد، بیش از قضای رمی جمره‌ی عقبه واجب نیست، ولی چنانچه رمی سه جمره را به ترتیب و به قصد آنچه بر عهده‌ی اوست انجام دهد، بهتر است.

م ﴿ ۱۲۸۱ ﴾ - شخصی که در رمی جمرات به گمان این که باید سنگریزه به خود سنگ‌های نصب شده‌ی جمرات بخورد نه به ملات لای سنگ‌ها که به وسیله‌ی آن ملات بندکشی شده است، بنابراین برای به دست آوردن این اطمینان که ریگ‌ها به خود سنگ‌ها بخورد، یازده سنگریزه می‌اندازد و هفت عدد از آن را رمی صحیح به شمار می‌آورد، حال اگر مواردی را که شک داشته، در واقع به آن زده است، اشکال ندارد، و چنانچه شک نداشته و قصد زیاده هم ننموده، صحیح است.

م ﴿ ۱۲۸۲ ﴾ - شخصی که روز عید قربان برای رمی جمره‌ی عقبه رفته و آن را انجام داده، ولی دو روز بعد در اثر کسالت و کالت داده و روز سیزدهم خود برای قضای رمی جمرات رفته، ولی اول رمی جمره‌ی عقبه نموده و بعد بازگشته و از جمره‌ی اولی شروع کرده و روز یازدهم و دوازدهم را یک مرتبه چهارده سنگ زده، هفت عدد برای روز یازدهم و هفت عدد برای روز دوازدهم و جمره‌ی وسطی را همچنین سنگ زده و جمره‌ی عقبه را نیز دوازده سنگ زده، چون کسالت داشته و معذور بوده و وکالت داده، عمل او صحیح است، و نیاز به تکرار نداشته است؛ هر چند تکرار به صورت یاد شده صحیح است.

مستحبات منی و مکه

- م ﴿ ۱۲۸۳ ﴾ - مستحب است روز یازدهم، دوازدهم و سیزدهم را در منی بماند، و حتی برای طواف مستحب از منی بیرون نرود.
- تکبیرگفتن در منی بعد از پانزده نماز و در غیر منی بعد از ده نماز که اول آن نماز ظهر روز عید است پسندیده می‌باشد و شایسته است بگوید:
- «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلِيٌّ مَا هَدَانَا، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلِيٌّ مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلِيٌّ مَا أَبْلَانَا».
- م ﴿ ۱۲۸۴ ﴾ - پسندیده است تا هنگامی که در منی اقامت دارد نمازهای واجب و مستحب را در مسجد خیف بجا آورد. صد رکعت نماز در مسجد خیف با عبادت هفتاد سال برابر است و پسندیده است هر یک از ذکرهای «سبحان الله»، «لا إله إلا الله» و «الحمد لله» را صد مرتبه بگوید.
- م ﴿ ۱۲۸۵ ﴾ - از آداب و مستحبات مکه‌ی معظمه می‌توان موارد زیر را نام برد:
- ۱- بسیار یاد خدا نماید و قرآن بخواند.
 - ۲- قرآن را ختم نماید.

۳- از آب زمزم بیاشامد و بعد از آشامیدن آن، این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِلْمًا نَافِعًا، وَرِزْقًا وَاسِعًا، وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسُتْمٍ».

و نیز بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالشُّكْرِ لِلَّهِ».

۴- به کعبه بسیار نگاه نماید و بسیار آن را تکرار کند.

۵- در هر شبانه روز ده مرتبه طواف نماید: در اول شب سه طواف، و در آخر شب

سه طواف، و پس از طلوع صبح دو طواف، و بعد از ظهر نیز دو طواف.

۶- هنگام توقف در مکه، سیصد و شصت مرتبه، طواف نماید و اگر این مقدار را

نمی تواند، پنجاه و دو مرتبه و چنانچه آن هم ممکن نباشد، هر مقداری که می تواند

طواف نماید.

۷- به خانه‌ی کعبه داخل شود؛ بویژه کسی که سفر اول اوست و مستحب است

پیش از وارد شدن غسل نماید و در وقت داخل شدن بگوید:

«اللَّهُمَّ، إِنَّكَ قُلْتَ: وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا، فَأَمِنِّي مِنْ عَذَابِ النَّارِ».

سپس دو رکعت نماز بین دو ستون بر سنگ قرمز بگذارد و در رکعت اول بعد از

حمد، «حم سجده» و در رکعت دوم بعد از حمد، پنجاه و پنج آیه از دیگر سوره‌های

قرآن بخواند.

۸- دو رکعت نماز در هر یک از چهار زاویه‌ی کعبه بگذارد و بعد از نماز این دعا را

بخواند:

«اللَّهُمَّ، مَنْ تَهَيَّأَ أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ أَوْ اسْتَعَدَّ لِرَفَادَةِ إِلَى مَخْلُوقٍ رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ

وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي تَهْتَبِي وَتَعْبَاتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ

وَنَوَافِلِكَ وَجَائِزَتِكَ، فَلَا تُخَيِّبِ الْيَوْمَ رَجَائِي، يَا مَنْ لَا يَخِيْبُ عَلَيْهِ سَائِلٌ، وَلَا يَنْقُضُهُ نَائِلٌ،

فَإِنِّي لَمْ آتِكَ الْيَوْمَ بِعَمَلٍ صَالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَلَا شَفَاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ، وَلَكِنِّي أَتَيْتُكَ مُقِرًّا بِالظُّلْمِ وَالْإِسَاءَةِ عَلَيَّ نَفْسِي، فَإِنَّهُ لَا حُجَّةَ لِي، وَلَا عُذْرَ، فَاسْأَلُكَ يَا مَنْ هُوَ كَذَلِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتُعْطِيَنِي مَسْأَلَتِي، وَتَقْلِبَنِي بِرِعْبَتِي وَلَا تَرُدَّنِي مَجْبُوهًا مَمْنُوعًا، وَلَا خَائِبًا يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ يَا عَظِيمُ، أَرْجُوكَ لِلْعَظِيمِ، أَسْأَلُكَ يَا عَظِيمُ أَنْ تُغْفِرَ لِي الذَّنْبَ الْعَظِيمَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ».

م ﴿ ۱۲۸۶ ﴾ - مستحب است هنگام بیرون آمدن از کعبه سه مرتبه «الله اکبر» بگوید

و سپس بخواند:

«اللَّهُمَّ، لَا تَجْهَدْ بِلَاءِنَا، رَبَّنَا وَلَا تُشْمِتْ بِنَا أَعْدَاءَنَا، فَإِنَّكَ أَنْتَ الضَّارُّ النَّافِعُ».

آنگاه پایین آید و پله‌ها را دست چپ خود قرار دهد و کعبه را استقبال نماید و نزد پله‌ها دو رکعت نماز بخواند.

عمره‌ی مفرده‌ی استحبابی

م ﴿ ۱۲۸۷ ﴾ - بعد از پایان یافتن از اعمال حج در صورتی که برای وی ممکن است، مستحب است عمره‌ی مفرده بجا آورد. بین عمره‌ی مفرده‌ی استحبابی و عمره‌ی پیش لازم نیست فاصله‌ای بگذارد و در کم‌تر از یک ماه می‌تواند آن را بجا آورد. چگونگی این عمره در حج افراد و عمره‌ی مفرده گذشت.

طواف وداع

م ﴿ ۱۲۸۸ ﴾ - کسی که می‌خواهد از مکه بیرون رود مستحب است طواف وداع نماید، و چنانچه می‌تواند در هر شوطی حجرالاسود و رکن یمانی را استلام نماید و چون به مستجار می‌رسد، مستحبات آن مکان را بگذارد و آنچه می‌خواهد دعا نماید و سپس حجرالاسود را استلام کند و خود را به خانه‌ی کعبه بچسباند؛ یک دست را بر حجر و دست دیگر را به طرف در گذارد و حمد و ثنای الهی نماید و صلوات بر

پیغمبر و آل او فرستد و این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَنَجِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ
مِنْ خَلْقِكَ، اللَّهُمَّ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتِكَ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ وَأَوْذَى فِي جَنْبِكَ
وَعَبَدَكَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ، اللَّهُمَّ أَقْلِبْنِي مُفْلِحاً مُنْجِجاً مُسْتَجَاباً بِأَفْضَلِ مَا يَرْجِعُ بِهِ أَحَدٌ مِنْ
وَفْدِكَ مِنَ الْمَغْفِرَةِ وَالْبَرَكَاتِ وَالرَّحْمَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالْعَافِيَةِ».

م ﴿ ۱۲۸۹ ﴾ - مستحب است هنگام بیرون آمدن از باب «حناطین» که مقابل رکن

شامی است بیرون رود و از خداوند متعال توفیق مراجعت را بطلبد و وقت بیرون

رفتن، یک درهم خرما بخرد و آن را بر فقیران صدقه دهد.

مسائل دیگر حج

م ﴿ ۱۲۹۰ ﴾ - هنگامی که در «مسجدالحرام» یا «مسجدالنبی» نماز جماعت برگزار می‌شود، مؤمنان نباید از آن خارج شوند و باید از جماعت روی نگردانند و با دیگر مسلمین به جماعت نماز بخوانند.

م ﴿ ۱۲۹۱ ﴾ - سجده نمودن بر همه‌ی سنگ‌ها؛ خواه مرمر باشد یا سنگ‌های سیاه معدنی یا سنگ گچ و آهک؛ البته قبل از آن که پخته شود، جایز است. سنگ‌هایی که در «مسجدالحرام» و مسجد رسول الله ﷺ از این نوع است، سجده بر آن اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۲۹۲ ﴾ - در «مکه» و «مدینه» نمی‌توان نماز را در مسافرخانه یا هتل به جماعت خواند، بلکه می‌توان در جماعت دیگر مسلمین در مساجد شرکت نمود و نماز را به جماعت گزارد.

م ﴿ ۱۲۹۳ ﴾ - مسافر می‌تواند تنها در مسجدالحرام و مسجدالنبی نماز خود را شکسته یا تمام بخواند و نه در همه‌ی مکه یا مدینه. البته این حکم به مسجد اصلی ویژگی ندارد و در همه‌ی جاهای توسعه یافته‌ی مسجد نیز می‌توان نماز را تمام یا

شکسته گزارد.

م ﴿ ۱۲۹۴ ﴾ - کفاره‌هایی که در عمره‌ی تمتع بروی واجب شده است می‌تواند در مکه بپردازد و گوسفند و مانند آن را ذبح نماید، و اگر در حج بروی ثابت شده است، آن را در منی ذبح نماید، و چنانچه آن را ترک کرد و به محل خود بازگشت، آن را در محل خود ذبح کند و صدقه دهد.

م ﴿ ۱۲۹۵ ﴾ - کسی که در میقات یا برابر آن یا جای دیگری که تکلیف وی اقتضا می‌کرد محرم شد، نمی‌تواند برای رفتن به مدینه‌ی منوره یا برای مقصد دیگری، احرام خود را قطع نماید و از احرام بیرون آید و اگر لباس احرام را از تن خود بیرون آورد و قصد خارج شدن از احرام را نماید، احرام وی باطل نمی‌شود، و آنچه به واسطه‌ی احرام بر او حرام شده است حلال نمی‌شود، و چنانچه کاری که موجب کفاره است بجا آورد، باید کفاره بدهد.

م ﴿ ۱۲۹۶ ﴾ - اگر به سبب عذری؛ مانند: بیماری، نتواند لباس دوخته‌ی خود را بیرون آورد و لباس احرام بپوشد، چنانچه در میقات یا برابر آن نیت عمره یا حج کند و لبیک بگوید، کافی است و هر وقت عذروی برطرف شد جامه‌ی دوخته را بیرون آورد، و در صورتی که لباس احرام را نپوشیده است، آن را بپوشد، و لازم نیست به میقات بازگردد، ولی باید برای پوشیدن لباس دوخته، یک گوسفند قربانی کند.

م ﴿ ۱۲۹۷ ﴾ - کسی که به سبب ناآگاهی از مسأله یا فراموشی حکم یا موضوع یا غفلت، بعضی از محرمات احرام را انجام داده است، کفاره ندارد، مگر شکار که در هر صورت کفاره دارد، پس در غیر شکار انجام محرمات تنها اگر از روی عمد و علم باشد سبب کفاره است.

م ﴿ ۱۲۹۸ ﴾ - عمره و حج تمتع باید در یک سال واقع شود، پس اگر در یک سال

عمره‌ی تمتع و در سال دیگر حج تمتع بگذارد، صحیح نمی‌باشد.

م ﴿ ۱۲۹۹ ﴾ - کسی که وظیفه‌ی وی حج تمتع است باید در حالی که می‌خواهد احرام عمره ببندد نیت آن را داشته باشد که ابتدا عمره‌ی تمتع و بعد از آن حج تمتع می‌گذارد؛ اگرچه نیت وی به صورت اجمالی در نهاد خودآگاه وی باشد، پس اگر نیت عمره‌ی مفرده بکند و بعد بخواهد آن را عمره‌ی تمتع قرار دهد، صحیح نیست.

م ﴿ ۱۳۰۰ ﴾ - اگر بعد از مشغول شدن به حج تمتع شک کند که عمره‌ی تمتع را بجا آورده است یا نه، یا شک کند که آن را صحیح گزارده است یا نه، به شک خود اعتنا نکند و عمل وی درست است.

م ﴿ ۱۳۰۱ ﴾ - به شک بعد از انجام عمل نباید اعتنا نمود؛ بنابراین، اگر بعد از گزاردن هر یک از اعمال عمره و حج، در آن شک نماید، به آن اعتنا نمی‌شود؛ خواه شک در اصل آوردن آن نماید، یا شک کند که آن را صحیح انجام داده است یا فاسد.

م ﴿ ۱۳۰۲ ﴾ - لازم است عمره و حج تمتع؛ هر دو، در ماه‌های حج انجام گیرد، و ماه‌های حج، شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه است. پس اگر کسی در شوال یا ذی‌قعدة، عمره‌ی تمتع بجا آورد و در موقع حج، حج تمتع بگذارد، صحیح است، و در صورتی که پیش از شوال بخواهد عمره‌ی تمتع بجا آورد، صحیح نیست؛ اگرچه برخی از اعمال عمره، پیش از شوال و بقیه در شوال یا دیگر ماه‌های حج قرار گیرد.

م ﴿ ۱۳۰۳ ﴾ - کسی که به احرام عمره‌ی تمتع وارد مکه شده، در صورتی که حج او از دست رفته است، قصد عمره‌ی مفرده کند، و به همان احرامی که بسته، عمره‌ی مفرده را بجا آورد و از احرام خارج گردد، و اگر حج بر عهده‌ی او قرار گرفته است یا سال دیگر شرایط استطاعت را دارا گردد، باید به حج برود.

م ﴿ ۱۳۰۴ ﴾ - شرایطی که برای هدی در حج تمتع گفته شد، هیچ یک در حیوانی که به عنوان کفاره باید قربانی کند معتبر نیست؛ پس می تواند گوسفند خصی و معیوب را برای کفاره قربانی نماید.

م ﴿ ۱۳۰۵ ﴾ - شخص کفاره دهنده غیر از قربانی تمتع نمی تواند از گوشت هدی هایی که برای کفاره یا امر دیگری بر انسان واجب می شود بخورد، ولی از قربانی استحبابی اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۳۰۶ ﴾ - کفاره را باید به فقیران و مساکین بپردازد.

م ﴿ ۱۳۰۷ ﴾ - در حرم اگر چیزی پیدا کرد، برداشتن آن کراهت شدید دارد.

م ﴿ ۱۳۰۸ ﴾ - در حرم اگر چیزی پیدا نمود و آن را برداشت و ارزش آن یک درهم کم تر بود، می تواند آن را برای خود بردارد و مصرف نماید، و در این صورت، ضامن نیست. همچنین اگر آن را برای خود بردارد و در نگه داری آن کوتاهی ننماید، ضامن نیست، ولی چنانچه بدون تملک آن را بردارد و در نگه داری آن کوتاهی نماید، ضامن است، و در صورتی که قصد تملک نماید و صاحب آن پیش از تلف شدن و از بین رفتن آن بیاید، باید آن را به صاحبش برگرداند.

م ﴿ ۱۳۰۹ ﴾ - اگر مالی که در حرم می یابد یک درهم یا بیش تر ارزش داشته باشد، باید صاحب آن را جست و جو نماید و چنانچه وی را نیابد، آن را برای صاحبش صدقه دهد، ولی اگر صاحب آن پیدا شد و راضی به صدقه نشود، باید عوض آن را به او بدهد، و جایز نیست آن را تملک کند، و در صورتی که تملک کند، مالک آن نمی شود و ضامن آن است.

م ﴿ ۱۳۱۰ ﴾ - کسی که بعد از محرم شدن نتوانسته است وظیفه ی خود را انجام دهد و از احرام بیرون نیامده، اگر مصدود یا محصور است باید به وظیفه ی آنان - که

احکام آن در آینده خواهد آمد - عمل نماید و اگر مصدود یا محصور نیست، می تواند در برخی موارد با انجام عمره ی مفرده از احرام خارج گردد.

م ﴿ ۱۳۱۱ ﴾ - در مسجدالنبی ﷺ سجده کردن روی فرش های مسجد اشکال ندارد و اگر مفسده نداشته باشد یا با مصلحتی منافات پیدا نکند، مهر گذاشتن جایز است، و لازم نیست در جایی که سنگ است نماز بخواند، و لازم نیست حصیر یا مانند آن با خود بردارد، ولی اگر مراعات نماید؛ به گونه ای که موجب وهن نشود و حصیر برای جانماز با خود داشته باشد و روی آن نماز بخواند؛ به طوری که برای دیگر مسلمین متعارف است، اشکال ندارد، اما لازم است از عملی که موجب هتک و انگشت نما شدن است دوری نماید.

م ﴿ ۱۳۱۲ ﴾ - کسی که نماز را در مسجدالحرام به گونه ی استداره می خواند، به طوری که رودرروی امام جماعت قرار می گیرد، با توجه به وضع فعلی، اعاده ی آن لازم نیست.

م ﴿ ۱۳۱۳ ﴾ - در صورتی که نمازگزار وارد یکی از مساجد مدینه ی منوره یا مکه ی معظمه شده و مشاهده کرده که جماعت پایان یافته است ولی نمازگزاران در مسجد هستند، می تواند نماز را فرادا و بر اساس شرایط موجود بجا آورد و لازم نیست به مسافرخانه یا هتل بیاید و نماز را بر چیزی که سجده با آن صحیح است انجام دهد.

م ﴿ ۱۳۱۴ ﴾ - حصیرهایی که در حجاز مورد استفاده حجاج ایرانی و غیر ایرانی واقع می شود؛ چنانچه به صورت متعارف بر روی آن سجده می شود، سجده بر آن جایز است؛ هر چند با نخ مخلوط باشد.

م ﴿ ۱۳۱۵ ﴾ - اگر انجام نماز به گونه ای باشد که معلوم نیست با نظر اهل سنت هماهنگ است، لازم است نماز را اعاده نماید.

م ﴿ ۱۳۱۶ ﴾ - حایض و جنب نمی توانند از مقدار توسعه یافته‌ی مسجدالحرام و مسجدالنبی ﷺ عبور کنند.

م ﴿ ۱۳۱۷ ﴾ - کسانی که برای شرکت در نماز مغرب در مکه و مدینه وارد مساجد می‌شوند و نمازهای خود را با جماعت می‌خوانند می‌توانند بی‌درنگ بعد از نماز جماعت، نماز عشا را بخوانند، البته اگر وقت آن فرا نرسیده است، باید صبر کنند.

م ﴿ ۱۳۱۸ ﴾ - کسی که به گمان این که سجده بر سنگ‌های فرش شده در مسجدالحرام درست نیست، بر پشت دست سجده کرده، نمازهایی که به این‌گونه خوانده است صحیح نیست، مگر آن که در فراگرفتن مسأله کوتاهی نکرده باشد.

م ﴿ ۱۳۱۹ ﴾ - در مکه، در شب‌های مهتابی کسانی که نماز صبح را به جماعت با دیگر مسلمین می‌خوانند، نماز جماعت آنان درست است و لازم نیست بعد از روشن شدن هوا دوباره نماز بگزارند.

م ﴿ ۱۳۲۰ ﴾ - کسی که قصد کرده است تا پایان روز ترویبه (هشتم ذی‌حجه) در مکه اقامت نماید، به گمان این که از آغاز ورود وی به مکه تا روز ترویبه ده روز است و بر این اساس، چند روز نماز را تمام خواند، و سپس خلاف آن ثابت گردید و معلوم شد ده روز نبوده است، اگر در واقع ده روز را قصد نموده و بعد خلاف آن معلوم شده است؛ مانند این که یقین دارد ماه سی روز است و روز ترویبه برای نمونه سه شنبه است و سپس معلوم شد ماه ۲۹ روز است و روز ترویبه دوشنبه است، باید نماز را تمام بخواند، و چنانچه واقع آن را قصد ندارد و فقط خیال می‌کند که ده روز می‌ماند، مانند این که می‌داند ماه ۲۹ روزه است و روز ترویبه در دوشنبه قرار می‌گیرد، ولی در شماره‌ی آن اشتباه نموده است و گمان می‌کند تا آن روز ده روز است، در حالی که در واقع چنین نیست، باید بعد از کشف خلاف، نمازها را جمع

بخواند، و آنچه تمام خوانده است را به صورت شکسته قضا نماید.

م ﴿ ۱۳۲۱ ﴾ - اگر از هیچ مجتهد صاحب شرایطی تقلید ننماید و حج گزارد؛ چنانچه هر یک از اعمال وی هماهنگ با فتوای یکی از مجتهدان صاحب شرایط باشد، حج وی درست است.

م ﴿ ۱۳۲۲ ﴾ - برداشتن قرآن‌هایی که در مسجد الحرام است، بدون این که از مسئولان و خادمان مربوط به آن اجازه بگیرند، جایز نیست و اگر چنین کاری نماید، باید برگردانده شود.

م ﴿ ۱۳۲۳ ﴾ - از سنگ‌های صفا و مروه نمی‌توان چیزی برداشت، ولی از مشعر اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۳۲۴ ﴾ - اگر در مسجد جنب شود، باید بی‌درنگ از آن خارج شود و برای بیرون آمدن از مسجد، تیمم بدل از غسل جنابت کند، و با این توجه؛ چنانچه تیمم کند، نیت وی صحیح است.

م ﴿ ۱۳۲۵ ﴾ - شخصی که خمس مال خود را نپرداخته و به حج رفته، اگر لباس احرام و قربانی خود را با پولی که خمس آن را نداده است نگرفته باشد، حج وی اشکال ندارد.

م ﴿ ۱۳۲۶ ﴾ - اگر تحت سرپرستی پدر خود باشد و هزینه‌ی سفر حج را از پول‌هایی که پدر وی در مدت چند سال پس‌انداز نموده و تا این تاریخ خمس خود را نپرداخته است؛ چنانچه یقین به وجود خمس در آن پول نداشته باشد، حج اشکال ندارد، و در صورتی که یقین به وجود خمس در آن مال دارد، لازم است احرام و قربانی را از مال حلال یقینی تهیه نماید.

م ﴿ ۱۳۲۷ ﴾ - اگر از طرف قاضی مکه حکم شود که فلان روز عید است؛ هر چند

یقین به خلاف آن داشته باشد، باید از آنان پیروی نماید.

م ﴿ ۱۳۲۸ ﴾ - فقیر نمی تواند گوشت کفاره‌ی خود را به فقیرانی که نان خوراو هستند و نفقه‌ی آنان بر او واجب است پردازد.

م ﴿ ۱۳۲۹ ﴾ - کفاراتی که در احرام عمره‌ی تمتع بر عهده‌ی انسان می آید؛ هر چند در مکه فقیر مؤمن نباشد، نمی تواند صبر کند تا در محل، ذبح کند و به فقیر بدهد؛ چرا که تأخیر عمدی آن صحیح نیست؛ اگرچه ذبح در محل و دادن گوشت آن به فقرا کفایت می کند.

م ﴿ ۱۳۳۰ ﴾ - اگر در مکه یا مدینه پول سعودی بیابد و نداند برای کیست، با ناامید شدن از یافتن صاحبش از طرف وی به فقیر صدقه بدهد.

م ﴿ ۱۳۳۱ ﴾ - زنی که به همراه شوهرش در روز یازدهم جهت رمی به طرف جمرات حرکت می کند و به سببی؛ مانند شدت گرمی هوا و کثرت جمعیت، شوهر خود را گم می کند و حالت اضطراب به او دست می دهد و مدتی بی هوش می گردد و در فاصله‌ی این مدت همراهان او شوهرش را تکلیف می کنند که به نیابت از خانواده‌ی خود بقیه‌ی اعمال او را انجام دهد و شوهر در حال ناراحتی و اضطراب بوده، ولی از او که سؤال می شود اعمال نیابتی را انجام دادید یا نه، جواب می دهد: بلی انجام دادم و پس از مراجعت از حج، شوهر قسم جلاله یاد می کند که حال وی بجا نبوده، و اعمال نیابتی را انجام نداده است و اظهار می دارد که اجتماع ما با هم حرام است، اگر اعمال روز عید را انجام داده است و تنها اعمال مکه را انجام نداده، در صورتی که می تواند، خود به مکه رود و آن را انجام دهد، و چنانچه معذور است، نایب بگیرد، و قربانی که به سبب عدم بیتوته در منی باید پردازد، در محل خود نیز می تواند انجام دهد، و لازم نیست به منی فرستاده شود، و رمی ایامی که انجام

نشده است، باید سال بعد قضا شود، و در صورتی که خود نمی‌تواند برود، نیابت کافی است.

م ﴿ ۱۳۳۲ ﴾ - شخصی که به حج مشرف می‌شود و در مغرب روز نهم ذی‌حجه بدون توقف در مشعرالحرام به منی می‌رود، و در خارج منی به دست غیر مؤمن قربانی می‌نماید و در خارج منی سر می‌تراشد، اگر آگاهی نداشته و یا ترک وقوف مشعر عمدی نبوده و وقوف اختیاری عرفات را درک کرده و توانایی بر انجام قربانی در منی نداشته است، اشکال ندارد و می‌تواند در سال بعد حج رود یا نایب شود و در غیر این صورت، باید قربانی و تراشیدن موی سر و اعمال مکه را دوباره بگذارد و یک عمره‌ی مفرده بجا آورد و دوباره اصل حج را انجام دهد و تا تراشیدن موی سر و اعمال بعد از آن و عمره‌ی مفرده را انجام ندهد، در احرام باقی است.

م ﴿ ۱۳۳۳ ﴾ - در عرفات، منی، مشعر و بعد از مراجعت از مکان‌های یاد شده، در صورتی که مسافت شرعی محقق نشود و پیش از آن در مکه‌ی معظمه قصد اقامت نموده باشد، باید نماز خود را تمام بگذارد.

م ﴿ ۱۳۳۴ ﴾ - اگر در مکه قصد اقامت کند و یقین داشته باشد که تا عرفات چهار فرسخ است، نماز را شکسته بگذارد و چنانچه شک در مسافت شرعی دارد نماز را تمام بخواند و در بازگشت از عرفات و منی، در صورتی که مسافت شرعی را نپیماید یا شک در آن داشته باشد، باید نماز را تمام بگذارد و اگر از عرفات به مکه باز می‌گردد؛ چون محل اقامت است و سپس از مکه قصد مسافرت می‌کند، در بازگشت به مکه و در خود مکه نماز را لازم است تمام بجا آورد.

م ﴿ ۱۳۳۵ ﴾ - اگر در موقف بیش از یک روز اختلاف پیش آید، تفاوتی در حکم مسأله ایجاد نمی‌کند.

م ﴿ ۱۳۳۶ ﴾ - در مواردی که مشقت یا حرج می باشد، برای تشخیص این که مشقت و حرج شخصی است یا نوعی، باید مورد مسأله دیده شود، و اگر حکم دایر مدار حرج و مشقت باشد، شخصی آن منظور است.

م ﴿ ۱۳۳۷ ﴾ - اگر همه ی اعمال عمره و حج را انجام دهد و بعد بفهمد وضوی وی باطل بوده است و طواف ها و نماز خود را جبران کند، حج وی صحیح است.

م ﴿ ۱۳۳۸ ﴾ - اگر مبلغی ارز به فردی بدهد که عوض آن را - به قیمت دولتی یا آزاد - پول ایرانی بگیرد، در تبدیل پول باید با هم تراضی نمایند و خلاف مقررات هم نباشد.

م ﴿ ۱۳۳۹ ﴾ - پیشاهنگانی که می خواهند بدون احرام در عرفات و منی باشند و نمی توانند در آن جا در احرام باقی بمانند، می توانند برای ورود به مکه، عمره ی مفرده انجام دهند و برای حج محرم نشوند، ولی کسی که مستطیع است، نباید این کار را بپذیرد و باید عمره و حج تمتع بگذارد، و در هر صورت، اگر محرم شود و با لباس دوخته شده باشد، حج وی صحیح است و باید کفاره بدهد.

م ﴿ ۱۳۴۰ ﴾ - شخصی که بعد از احرام عمره ی تمتع دیوانه شده است و دوستان او بدون اجازه برای او نایب می گیرند و یا به تبرع دیگر اعمال او را انجام می دهند، این اعمال برای شخص اول بسنده نیست، و شخص اول همچنان در احرام باقی است، و پولی که هزینه شده از مال کسی است که آن را هزینه کرده است و نمی تواند به دیگری رجوع کند، مگر آن که وی را فریب داده باشند.

م ﴿ ۱۳۴۱ ﴾ - نزدیکی در عمره ی تمتع سبب فساد آن نمی گردد، و چنانچه فساد حج به واسطه ی نزدیکی باشد، باید عمل حج را تمام کند؛ اگر چه حج فاسد است، و با به پایان رساندن حج از احرام خارج می شود، ولی در موارد دیگر، اگر فساد به

ترک وقوف باشد، باید به همان احرام حج، عمره‌ی مفرده بجا آورد و از احرام خارج گردد و حکم ترک طواف پیش از این گذشته است.

م ﴿ ۱۳۴۲ ﴾ - کسی که حج او به واسطه‌ی ترک دو وقوف فاسد شده و دیگر اعمال را بجا آورده و بدون عمره‌ی مفرده از مکه بیرون رفته است، در احرام باقی می‌ماند، و می‌تواند برای بیرون آمدن از احرام، عمره‌ی مفرده انجام دهد.

م ﴿ ۱۳۴۳ ﴾ - قصد باطل نمودن عمره یا حج و یا برخی از اجزا سبب باطل شدن آن نمی‌گردد.

م ﴿ ۱۳۴۴ ﴾ - مصرف کنسروهای گوشت و ماهی خارجی که در بازار مسلمین به فروش می‌رسد، اگر بداند که از کشورهای مسلمین است یا نداند از کجا وارد شده، اشکال ندارد، و چنانچه بداند از کشورهای کفر وارد شده، در صورتی پاک است که وارد کننده‌ی آن مسلمان باشد و احتمال بدهد که احراز تذکیه و ذبح شرعی آن را نموده و سپس آن را در دسترس مسلمین قرار داده است.

بخش ششم:

مصدود و مخصور

مصدود و محصور

- م ﴿ ۱۳۴۵ ﴾ - مصدود به کسی گفته می‌شود که دشمن او را از انجام عمره یا حج باز دارد، و محصور کسی است که به سبب بیماری از گزاردن عمره یا حج باز می‌ماند.
- م ﴿ ۱۳۴۶ ﴾ - کسی که برای عمره یا حج محرم می‌شود واجب است عمره و حج را تمام کند و اگر چنین نکند، به احرام باقی می‌ماند.
- م ﴿ ۱۳۴۷ ﴾ - اگر برای عمره احرام ببندد و بعد از آن دشمنی یا کسی مانند کارگزاران دولت وی را از رفتن به مکه منع کنند و راه دیگری برای گزاردن اعمال نباشد، یا در صورتی که چنین راهی باشد اما هزینه‌ی آن را نداشته باشد، می‌تواند در همان محل که از انجام حج بازداشته شده است، یک شتر یا گاو یا گوسفند قربانی کند و از احرام خارج شود، و واجب است به نیت تحلیل و بیرون آمدن از احرام قربانی کند، و پاره‌ای از مو یا ناخن خود را بگیرد، و در این صورت، بر او همه چیز؛ حتی زن، حلال می‌شود.
- م ﴿ ۱۳۴۸ ﴾ - اگر به احرام عمره وارد مکه شود و دشمن یا کسی دیگر او را از به جا آوردن اعمال عمره بازدارد، حکم مسأله‌ی پیش را دارد، بلکه چنانچه از طواف یا

سعی نیز منع شود، همین حکم را دارد.

م ﴿ ۱۳۴۹ ﴾ - بده‌کاری که نمی‌تواند بدهی خود را بپردازد و به همین علت بازداشت و حبس می‌گردد یا کسی که به ظلم حبس می‌شود همین حکم را دارد.

م ﴿ ۱۳۵۰ ﴾ - اگر بعد از احرام، برای رفتن به مکه و به جا آوردن اعمال، پولی مطالبه کنند؛ چنانچه توانمند باشد، باید آن را بپردازد، مگر آن که سبب حرج و سختی گردد، و در صورتی که توانمند نباشد یا بروی سخت باشد، حکم مصدود را دارد.

م ﴿ ۱۳۵۱ ﴾ - اگر از یک طریق مصدود شد و راه دیگری هست که باز است و هزینه‌ی رفتن از آن راه را دارد، به احرام باقی می‌ماند و باید از آن راه برود، و چنانچه آن راه را برگزیند و حج وی از دست رود، باید عمره‌ی مفرده بگزارد و از احرام خارج شود.

م ﴿ ۱۳۵۲ ﴾ - اگر مصدود احتمال دهد که چنانچه از راه دیگری برود به حج نمی‌رسد، نمی‌تواند خود را مصدود بداند و از احرام خارج شود، بلکه باید به راه ادامه دهد و صبر نماید تا حج از دست برود، و با عمره‌ی مفرده از احرام خارج می‌گردد.

م ﴿ ۱۳۵۳ ﴾ - در صورتی مصدود می‌گردد که به هیچ یک از وقوف اختیاری و اضطراری عرفه و مشعر نرسد، یا به چیزی نرسد که با از دست رفتن آن، حج از دست می‌رود؛ هر چند از روی علم و عمد نباشد یا بعد از دو وقوف، او را از رفتن به منی و مکه منع کنند و نتواند نایب بگیرد یا از اعمال منی یا مکه منع شود و نتواند نایب بگیرد، مگر در صورتی که همه‌ی اعمال را بجا آورد و از برگشتن به منی برای بیتوته و اعمال ایام تشریق بازداشته شود، مصدود بر او صدق نمی‌کند، و حج او صحیح است، و باید برای انجام اعمال در این سال و اگر ممکن نیست در سال دیگر

نایب بگیرد.

م ﴿ ۱۳۵۴ ﴾ - کسی که از آمدن به مکه یا به پایان رساندن اعمال یا از بجا آوردن اعمالی که حج با ترک آن حتی به غیر عمد باطل می‌شود مصدود می‌گردد و به‌گونه‌ای که گفته شد از احرام خارج می‌شود، اگر حج بر عهده‌ی او قرار گرفته باشد یا در سال دیگر مستطیع گردد و حج واجب را بجا نیاورده باشد، باید بعد از برطرف شدن مانع، دوباره به حج رود و اعمالی که انجام داده است، کافی از حجة الاسلام نیست.

م ﴿ ۱۳۵۵ ﴾ - مصدود اگر امید برطرف شدن مانع، بلکه گمان آن را داشته باشد، می‌تواند به حکمی که گفته شد از احرام خارج شود.

م ﴿ ۱۳۵۶ ﴾ - کسی که احرام عمره بسته است و به سبب بیماری نمی‌تواند به مکه رود، چنانچه بخواهد از احرام بیرون آید، باید هدی کند، و بین فرستادن قربانی یا بهای آن به مکه و این که در محلّ خود قربانی نماید و از احرام بیرون آید، اختیار دارد؛ با این تفاوت که اگر محصور از انجام عمره‌ی مفرده باشد، با قربانی کردن، همه‌ی محرّمات بجز زن بر او حلال می‌گردد و در صورتی که محصور در عمره‌ی تمتع باشد، زن نیز بر او حلال می‌شود.

م ﴿ ۱۳۵۷ ﴾ - کسی که احرام حج می‌بندد و به سبب بیماری نمی‌تواند به عرفات و مشعر رود، می‌تواند در محلّ هدی کند. حکم محصور در حج مانند حکم محصور در عمره است.

م ﴿ ۱۳۵۸ ﴾ - کسی که حج واجب به عهده‌ی اوست و به واسطه‌ی بیماری محصور می‌گردد، زن بر او حلال نمی‌شود، مگر آن که خود به مکه رود و اعمال حج را بجا آورد و طواف نسا بگذارد، ولی اگر از رفتن به مکه ناتوان باشد، عمل نایب برای

حلال شدن زن بر او کفایت می‌کند، و در صورتی که حج استحبابی گزارده است، طواف نایب از او بسنده می‌باشد.

م ﴿ ۱۳۵۹ ﴾ - اگر نایب برای وی حیوانی را ذبح نکند و شخص محرم در روزی که با او قرار گذاشته بود از احرام خارج شود و با زن نزدیکی نماید، گناه نکرده است و کفاره ندارد، ولی باید هدی کند.

م ﴿ ۱۳۶۰ ﴾ - تحقق محصور بودن مانند تحقق مصدود بودن است.

م ﴿ ۱۳۶۱ ﴾ - اگر بیمار بعد از آن که هدی یا پول آن را به مکه فرستاد بهبودی بیابد به طوری که توانایی رفتن به مکه را داشته باشد، باید خود به مکه رود، پس چنانچه به احرام تمتع محرم است و در وقت حج رسید، اعمال عمره و حج را بجا آورد و در صورتی که وقت تنگ است به طوری که اگر بخواهد عمره بگذارد، وقوف به عرفات را از دست می‌دهد، باید به عرفات برود و حج افراد انجام دهد، یا قصد عدول کند و بعد از آن عمره مفرده بگذارد و در این صورت، از حجة الاسلام وی کفایت می‌کند.

اگر هنگامی به مکه برسد که حج از دست رفته باشد و وقت اختیاری مشعر را درک نمی‌کند، عمره او به عمره مفرده تبدیل می‌شود و باید آن را بجا آورد و از احرام خارج شود، و قصد عدول به عمره مفرده کند، و حج واجب را با وجود شرایط در سال دیگر بگذارد.

م ﴿ ۱۳۶۲ ﴾ - مصدود به دشمن حکم بیماری را دارد که در مسأله‌ی پیش گذشت.

م ﴿ ۱۳۶۳ ﴾ - کسی که بیمار نیست ولی به سبب دیگری بعد از احرام نمی‌تواند به مکه برود، مانند کسی که پا یا کمر وی شکسته یا خونریزی او را ضعیف نموده است، حکم بیمار را دارد، ولی می‌تواند تا هنگامی که بهبودی بیابد، در احرام باقی

بماند و در صورتی که حج را از دست داده است، عمره‌ی مفرده بگذارد، و از احرام خارج شود، و چنانچه حج وی واجب بوده است، با وجود شرایط آن را اعاده کند. م ﴿ ۱۳۶۴ ﴾ - زمانی که در احرام حج بیمار باید با نایب خود برای ذبح وعده گذارد، روز دهم است و لازم است تا ایام تشریق آن را تأخیر نیندازد، و در احرام عمره‌ی تمتع پیش از خارج شدن حاجیان باید به عرفات باشد.

م ﴿ ۱۳۶۵ ﴾ - شخصی که به نیت عمره‌ی تمتع استحبابی برای یکی از معصومان علیهم‌السلام یا یکی از شهیدان محرم می‌شود باید طواف و نماز طواف عمره را بجا آورد.

م ﴿ ۱۳۶۶ ﴾ - اگر بیمار شود یا دشمن او را از ادامه‌ی عمل باز دارد و نه می‌تواند اعمال را به پایان رساند و نه می‌تواند نایب بگیرد، حکم محصور و مصدود را دارد. م ﴿ ۱۳۶۷ ﴾ - تصادف در احرام با شرایط حصر، حکم حصر را دارد. م ﴿ ۱۳۶۸ ﴾ - با توجه به این که حکم محصور برای کسی است که محرم شده است و قبل از آن که از احرام بیرون آید محصور شود، اگر پس از انجام اعمال عمره‌ی تمتع و خارج شدن از احرام آن محصور شود و نتواند برای حج محرم شود، از احرام خارج شده است، ولی کفایت از حج نمی‌کند، و چنانچه سال اول استطاعت او باشد، حج بر او واجب نشده است.

م ﴿ ۱۳۶۹ ﴾ - شخصی که برای حج محرم شده است ولی دچار سکت‌های قلبی می‌شود؛ به‌گونه‌ای که هر نوع حرکت برای او ضرر دارد، اگر نمی‌تواند دو وقوف را درک کند، حکم محصور را دارد، و چنانچه دو وقوف را درک نماید، برای دیگر اعمال خود نایب بگیرد.

م ﴿ ۱۳۷۰ ﴾ - شخصی که در مدینه مصدوم شده است و او را به مسجد شجره

می آورند و محرم می نمایند، احرام وی صحیح است و اگر می تواند عمره و حج انجام دهد؛ هر چند با نایب گرفتن در طواف و سعی باشد، حج وی صحیح است، و در صورتی که نمی تواند حج بجا آورد، حکم محصور را دارد و لازم است با احرام یاد شده، عمره ی مفرده نیز بگزارد.

والحمد لله على كل حال والسلام على من اتبع الهدى.

